





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی

فصلنامه مطالعات شهرسازی اسلامی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی



دانشگاه تربیت مدرس
دانشکده هنر و معماری

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



دانشگاه تربیت مدرس



دانشگاه حرم مکه

زمینه انتشار: معماری و شهرسازی

دوره: سال یازدهم، شماره چهل و سوم، بهار ۱۴۰۰

صاحب امتیاز و ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی

مدیر مسئول: دکتر ایرج فیضی

سردبیر: دکتر حسین کلانتری خلیل آباد

مدیر داخلی: مهندس مسعود دادگر

امور اجرایی: مهندس منصور ندیری

هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

- دکتر محمدرضا بمانیان
- دکتر مصطفی بهزادفر
- دکتر جهانشاه پاکزاد
- دکتر احمد پورا احمد
- دکتر محمدرضا پورجعفر استاد دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس
- دکتر اسماعیل ضرغامی
- دکتر محسن سرتیپی پور
- دکتر پروانه شاه حسینی
- دکتر یعقوب محمدی فر
- دکتر محمد مسعود
- دکتر ابوالفضل مشکینی
- استاد دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس
- استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت
- استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی
- استاد دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران
- استاد دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت رجایی
- استادیار پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی سمت
- استاد دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی سینا همدان
- استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان
- استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس

قیمت: ۳۰۰/۰۰۰ ریال

شمارگان: ۱۰۰ نسخه

چاپ: مؤسسه دیجیتال پایتخت

نشانی دفتر نشریه: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، خیابان دانشگاه، خیابان شهید وحید نظری، پلاک ۴۷، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی

شماره تماس: ۵-۶۶۹۵۱۵۹۳ شماره: ۶۶۴۹۲۱۲۹

پایگاه اینترنتی: <http://iic.ihss.ac.ir>

نشانی اینترنتی: iic@ihss.ir

فهرست مطالب

۵	مؤلفه‌های کیفیت مکان در شهر ایرانی اسلامی حمیدرضا صارمی، بهاره بهرا
۲۵	تبیین ابعاد و مولفه‌های الگوی مناسب مدیریت بحران زلزله در بافت‌های فرسوده شهر تهران اسد رازانی، کمال نوذری، مجتبی رفعیان
۴۳	معیارهای پیاده‌مداری در سطح محله‌های قدیمی شهر اصفهان از منظر ساکنان؛ نمونه موردی: محله سنگ‌تراش‌ها اسلام کرمی، احسان عباسیه
۵۷	بازخوانی حضور مراتب حیات در ساخته‌ها با رجوع به خانه‌های تاریخی شهر یزد سید محمد کاظمی، حسین مهدوی پور، سید علی اکبر کوشش‌گران
۷۱	تأثیر الگوی هندسی حیاط مرکزی بر جریان هوا در خانه‌های سنتی شوشتر علی مردانی، امین روسایی
۸۱	زمینه‌های ظهور فضا‌های تجاری جدید در دوران پهلوی اول؛ مطالعه موردی: شهر قم مسعود ناری قمی، مهدی ممتحن، علی عمرانی پور



داوران این شماره (به ترتیب حروف الفبا):

- حسن احمدی
- هانیه اخوت
- سمیه امیدواری
- جابر دانش
- حسین سلطان‌زاده
- حمیدرضا صارمی
- سیدمحمد کاظمی
- حسین کلاتری خلیل‌آباد
- اسکندر مختاری
- مهدی منتظرالحجه

- درجه علمی پژوهشی فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی طی نامه شماره ۸۹/۳/۱۱/۵۱۶۶۷ مورخ ۸۹/۸/۳۰ دبیرخانه کمیسیون نشریات علمی کشور (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری) ابلاغ گردیده است.

- پروانه انتشار این مجله به شماره ۱۲۶۲۹/۸۹ مورخ ۸۹/۶/۱۳ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر شده است.

- فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی در پایگاه استنادی علوم کشورهای اسلامی (ISC) به نشانی <http://www.srlst.com> و پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID) به نشانی www.sid.ir نمایه می‌شود.

مؤلفه‌های کیفیت مکان در شهر ایرانی - اسلامی

حمیدرضا صارمی^۱، بهاره بهرا^{۲*}

^۱ دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
^۲ دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۷)

چکیده

حضور انسان در مکان‌های شهری به معنای اتصال به وجودی جمعی و فضای ادراک شده توسط او، حاصل گفتگویی بین ذهن و اجتماع است، فلذا استنباط و القای معنای مکان بدون پیوند مفاهیم وجودی اجتماع و ذهن با مکان، منجر به رویکردهایی سطحی نسبت به واقعیت مکان‌های شهری می‌شود. از این رو کیفیت تعاملات حاصل از کیفیات مکان مطرح شده در غرب، با کیفیات ذهنی در رویکرد اسلامی، در بیان واقعیات تعاملات انسان با مکان، کارایی لازم را نخواهد داشت. بنابراین پژوهش حاضر با هدف دستیابی به مدل کیفیت مکان در شهر ایرانی - اسلامی و منطبق بر مکتب و اندیشه اسلامی به دنبال پاسخگویی به این سؤالات است که مؤلفه‌های مؤثر بر معنای مکان از دیدگاه شهر ایرانی - اسلامی چه می‌باشند؟ کیفیت‌های لازم برای ایجاد یک مکان شهری ایرانی - اسلامی چیست؟ مدل کیفیت مکان در شهر ایرانی - اسلامی چگونه است؟ برای پاسخگویی به پرسش‌های مذکور، از روش‌شناسی کیفی و راهبرد تحلیل محتوا، طی یک فرایند توصیفی - تحلیلی برای تحلیل محتوای منابع مربوطه در زمینه شهر ایرانی - اسلامی استفاده شده است. مدل کیفیت مکان در پژوهش حاضر مبتنی بر نظر به اصالت پدیداری معنا بر این تفکر بنا است که صورت مکان ابتدایی‌ترین سطح تعامل انسان با محیط پیرامون است و ماهیتی کاملاً ملموس و کالبدی دارد و می‌توان آن را عینیتی مستقل از حضور و شناخت انسان در نظر داشت؛ اما شناخت انسان از محیط و به ظهور آوردن مفاهیمی جدید در پی حضور انسان در محیط، زمینه ظهور محتوای مکان را فراهم خواهد آورد. به همین دلیل مکان و معنای مکان دارای دو «کلان مؤلفه ذهنی» و «کلان مؤلفه عینی» می‌باشند که این دو در محتوای مکان غیرقابل انفکاک هستند. بنابر نتایج پژوهش، کلان مؤلفه ذهنی شامل سه مؤلفه «ادراکی»، «اجتماعی» و «مدیریتی» و کلان مؤلفه عینی دارای سه مؤلفه «کارکرد»، «ریخت» و «طبیعت» است. این مؤلفه‌ها ۵۲ کیفیت مکان را شامل می‌شوند که مدل کیفیت مکان شهر ایرانی - اسلامی را ساخته و می‌تواند در برنامه‌ریزی، طراحی، مدیریت و تصمیم‌گیری و ارزیابی کیفیت مکان‌های شهری ایرانی - اسلامی مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: مؤلفه‌های مکان، مدل مکان، کیفیت مکان، شهر ایرانی - اسلامی.

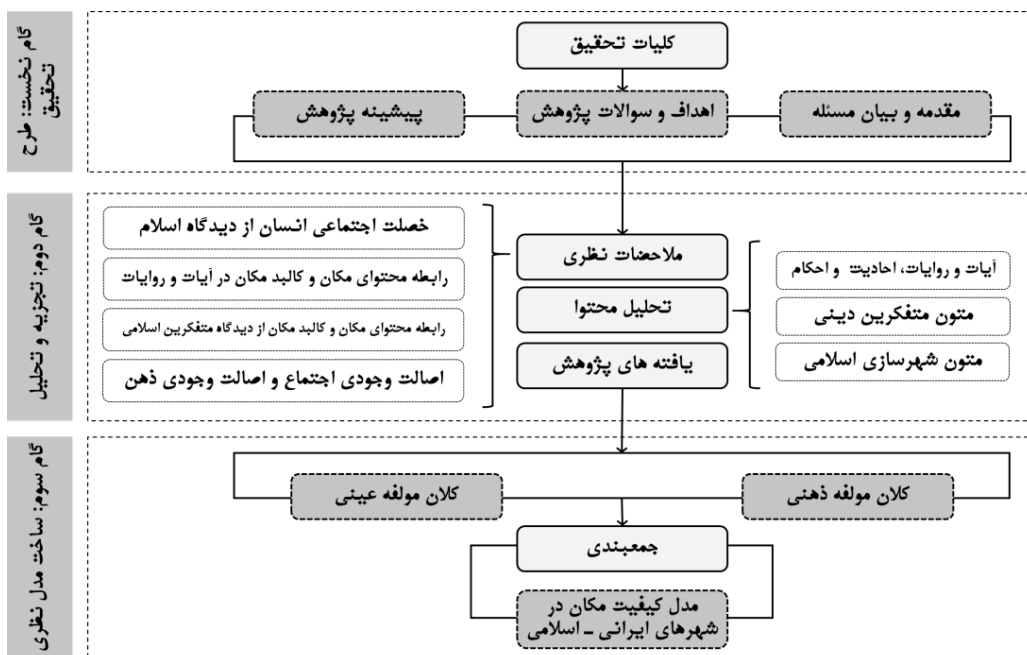
مقدمه

حضور انسان در مکان‌های شهری به معنای اتصال به وجودی جمعی و فضای ادراک شده توسط او، حاصل گفت‌وگویی بین ذهن و اجتماع است. بدین واسطه حضور انسان در زندگی جمعی و عرصه‌های عمومی، ظهور زیست شهری مطلوب و تأمین کیفیت مکان، همواره از دغدغه‌های برنامه‌ریزان و طراحان شهری در چند دهه اخیر بوده است. این موضوع در آموزه‌های اسلامی نیز از آنجا مورد تأکید قرار می‌گیرد که در دیدگاه اسلامی انسان به عنوان موجودی اجتماعی شناخته شده و انسجام جامعه اسلامی از ضروریات برنامه‌ریزی برای جامعه قلمداد شده است؛ در نتیجه مکان‌های مناسب برای اجتماع افراد جامعه و رویدادهای اجتماعی که زمینه‌ساز حضور انسان‌ها در کنار یکدیگر باشد، از اهمیت بسیاری برخوردار است.

برخورداری مکان‌های شهری از کیفیت‌های لازم برای زیست جمعی پرنشاط و مطلوب، زمینه‌ساز بروز رفتارهای اجتماعی سالم، ارتقای پویایی و اعتلای فرهنگ عمومی جامعه خواهد بود؛ این در حالی است که چنانچه مکان مورد نظر فاقد کیفیات لازم باشد، در مسیری مخالف آنچه از آن انتظار می‌رود، کاهش معاشرت‌پذیری، بروز رفتارهای ضداجتماعی، سکون و رکود و مسائلی از این دست را در سطح شهرها رقم خواهد زد. همچنین مکان‌های شهری و نحوه شکل‌گیری، توسعه و مدیریت آن‌ها می‌تواند تأثیر بسزایی در افزایش تماس‌های مناسب اجتماعی یا تقلیل آن‌ها داشته باشد که در میزان احساس یگانگی جامعه نیز نقش دارد. بنابراین پرداختن به مؤلفه‌های مکان مطلوب در تمامی جوامع، از اهمیت بسزایی در بهبود شرایط زیست اجتماعی انسان‌ها برخوردار است و پیامدهای شایان توجهی در روند توسعه شهری خواهد داشت. اما آنچه که تا کنون در این مسیر مغفول

مانده است، در نظر گرفتن تفاوت در جهان‌بینی‌ها، اصول خاستگاه‌های متفاوت مدل و در واقع مؤلفه‌های مکان در جوامع می‌باشد؛ چنانکه در اغلب موارد سنجش کیفیت‌های مکان در جوامع اسلامی نیز بر اساس مدل‌ها و مؤلفه‌های مکان برخاسته از فرهنگ و شیوه زیست غربی صورت پذیرفته و به پیامدهایی مانند از خودبیگانگی و بحران هویت جوامع انجامیده است.

از این رو احصای مؤلفه‌های مکان مبتنی بر آموزه‌ها و اصول شهرهای ایرانی - اسلامی که می‌تواند بیانگر مدل مکان در شهرهای ایرانی - اسلامی باشد، راهگشای مواجهه با عرصه‌های عمومی و تنظیم ارتباط آن‌ها با زیست شهری جوامع بر اساس معیارها و سنججه‌های بومی و فرهنگی جامعه اسلامی ایران بوده و به شکل‌گیری مکان‌ها و در نتیجه زیست جمعی مطلوب‌تری کمک خواهد کرد. هدف از این پژوهش تدوین مؤلفه‌های کیفیت مکان در شهر ایرانی - اسلامی است تا در نهایت به تدوین مدل مکان در شهرهای ایرانی - اسلامی بیانجامد و از این رهگذر معیاری عملی به منظور ایجاد عرصه‌های عمومی کارا تر و مطلوب‌تر در اختیار تصمیم‌گیران، برنامه‌ریزان و طراحان شهری قرار دهد. بدین ترتیب تدارک مؤلفه‌ها و کیفیات مکان، بنا بر باورها و ارزش‌های موجود در تفکر اسلامی که بر شهر ایرانی - اسلامی حاکم است، در راستای ارزش نهادن بر داشته‌ها و آثار اسلامی موجود، طراحی و برنامه‌ریزی شهرها و مکان‌های شهری در آینده و ارزیابی این‌ها، در راستای تکمیل مبانی فکری و عملی شهر ایرانی - اسلامی مثمر ثمر به نظر می‌رسد. در همین راستا پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش‌شناسی کیفی و راهبرد تحلیل محتوای کیفی، طی یک فرایند توصیفی - تحلیلی به تحلیل محتوای منابع مربوطه در زمینه اصول شهر ایرانی - اسلامی می‌پردازد تا مدلی نسبتاً جامع و منسجم از مؤلفه‌های کیفیت مکان



نمودار شماره ۱: فرایند تحقیق

در شهر ایرانی - اسلامی ارائه دهد، روند پژوهش برای دستیابی به این هدف در نمودار ۱ آمده است.

بیان مسئله

از آغاز دهه ۶۰ میلادی بسیاری از صاحب‌نظران حوزه معماری و شهرسازی نظیر جین جیکوبز (Jacobs, 1961)، فرانسیس تیبالدز (Tibbalds, 2000)، تریدید بنرجی (Banerjee, 2002) و سایرین از افت عرصه‌های عمومی و حتی مرگ فضاهای جمعی سخن گفته‌اند و علت آن را افت دائم کیفیت در مکان‌های شهری بر شمرده‌اند. عرصه عمومی‌ای که توأمًا به ارتقاء تمامی مؤلفه‌های کیفی توجه دارد، نقش مهمی در ابعاد مختلف زندگی انسان و مطلوبیت و نشاط شهروندی ایفا می‌کند. این عرصه‌ها مشخصاً میزبان زندگی جمعی و تعاملات اجتماعی به عنوان مهم‌ترین رکن زندگی شهری هستند و سعی در تنظیم روابط اجتماعی شهروندان در راستای شکل‌گیری زیست شهری مطلوب‌تر دارند. بی‌تردید، توجه به عواملی همچون فرهنگ و اقلیم از مهم‌ترین الزامات موفقیت این عرصه‌ها در نیل به اهداف یادشده به شمار می‌روند.

در شهر ایرانی - اسلامی نیز بنابر چارچوب‌ها و مبانی اعتقادی، تنظیم روابط اجتماعی به نحوی که سبب تقویت وحدت جامعه شود، از مواردی است که توجه جدی را طلب می‌کند؛ چراکه در آیات و روایات بسیاری از دین اسلام، انسان موجودی اجتماعی دانسته شده و بر وحدت و انسجام جامعه تأکید شده است. پس توجه به مکان‌هایی که در تقویت وحدت مورد نظر تعالیم اسلامی مؤثرند در برنامه‌ریزی و طراحی شهر ایرانی - اسلامی نقش شایان توجهی ایفا نموده و بایستی مورد توجه طراحان، برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیرندگان قرار گیرد. از طرف دیگر، بر اساس حکمت نظری و عملی اسلام، مسلمانان باید در کلیه شئون مادی و معنوی زندگی خود، هویت متناسب با فرهنگ و شریعت اسلام داشته و دارای مرزبندی مشخصی با سایر مکاتب فکری و عملی باشند (نقره‌کار و رئیسی، ۱۳۹۱: ۷). فلذا دین اسلام، در حوزه‌های مختلف محیط فیزیکی، اصول ویژه‌ای را به‌منظور حمایت از ارزش‌های اجتماعی اسلام، ارائه نموده است. در حوزه شهری، دیدگاه شریعت بر این است که برنامه‌ریزی و نظارت بر ساخت محیط اسلامی، بایستی با اصول اجتماعی اسلام هماهنگ باشد (نقره‌کار و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۲). این شیوه نگرش به موضوع، پدیده غریبی نیست و در طول تاریخ، بسیاری مکاتب به آن توجه داشته و غالباً گاه بدون اشاره به مبانی عقیدتی خویش و گاه با اشاره به آن، ویژگی‌هایی برای شهر ایده‌آل و آرمانی خود ارائه نموده‌اند. در همین راستا شناختن خاستگاه و ریشه و بنیاد اصول و معیارها، یکی از مهم‌ترین نکات ظریف و دقیقی است که در روند ایجاد شهر و طراحی مکان‌های شهری مطلوب برای زندگی و همچنین برای ارزیابی مکان شهری مطلوب، از جایگاه بنیادینی برخوردار است.

بنابراین بی‌توجهی به این موضوع که بدترین حالت آن ارزیابی خود داشته‌ها و متعلقات و موضوعات مربوط به خویش با معیارهای منبعث از جهان‌بینی‌های دیگر است، جامعه را به از خودبیگانگی و بحران هویت خواهد کشاند. مسئله مربوط به زمانی است که جامعه، خویش را و داشته‌های خود را از ابتدا با معیارها و پیمان‌های نامتناسب بسنجد و ارزیابی کند و به تبع آن، بخواهد که خویش را به آن شبیه کند و وضعیت سایر جهان‌بینی‌ها را آرمان و هدف خود قرار دهد. به این ترتیب، جوامع به تدریج نسبت به آن دسته از آثار و باورهایشان که با معیارهای غیر، در تناسب نیستند، بدبین شده و این امر سبب نفی و متروک نهادن آن آثار و به‌طریق اولی ترک مبانی نظری و فکری آن‌ها می‌شوند. بنابر موارد یادشده، وجود مؤلفه‌ها، معیارها و سنجه‌های ارزیابی کیفیت مکان و محیط‌های شهری بر اساس جهان‌بینی و مبانی اعتقادی جامعه از ضرورت غیرقابل انکاری برخوردار است تا جامعه بتواند بر مدار داشته‌ها و اصول بنیادین خویش به سنجش و ارزیابی دستاوردهای فرایند توسعه شهری اقدام کرده و به بازنگری روندهای واقعی و عملی در خلق مکان‌های مطلوب در افق‌های زمانی گوناگون بپردازد. در نتیجه وجود مؤلفه‌های کیفیت مکان در شهر ایرانی - اسلامی می‌تواند کلید پاسخ به بسیاری از سؤالات در این زمینه در عرصه عمل باشد.

پیشینه تحقیق

بر پایه مرور ادبیات موضوع، تاکنون مدل مکان در شهر ایرانی - اسلامی شامل مؤلفه‌ها و کیفیات مکان در شهر ایرانی - اسلامی به شکلی جامع و منسجم ارائه نشده است. مطالعات موجود عمدتاً در زمینه «اصول شهرهای اسلامی» و یا مفهوم «فضای شهری در شهر اسلامی» بوده اما مدلی برای کیفیت مکان‌های شهری در شهرهای ایرانی - اسلامی ارائه نشده است. نقی‌زاده طی دو مطالعه با عناوین «صفات شهر اسلامی از دیدگاه قرآن» و «صفات شهر اسلامی در متون اسلامی» در واقع اصول، ارزش‌ها و ویژگی‌هایی برای شهرهای اسلامی ارائه می‌کند (نقی‌زاده، ۱۳۷۷؛ نقی‌زاده، ۱۳۷۹). ایشان در مقاله‌ای دیگر تحت عنوان «چیستی شهر اسلامی» نیز به‌طور کلی به مبانی شهر اسلامی، ارکان شهر به‌طور عام و شهر اسلامی به‌طور خاص، اسوه شهر اسلامی و چشم‌انداز شهر اسلامی می‌پردازند (نقی‌زاده، ۱۳۸۹). مشکینی و همکاران در مطالعه خود با عنوان «بررسی مؤلفه‌ها و شاخص‌های شهر اسلامی با تأکید بر نقش و اهمیت فرهنگ‌سازی در تحقق الگوی شهرسازی ایرانی - اسلامی» به‌منظور تجلی ارزش‌های اسلامی در کالبد شهر به شناسایی ارزش‌هایی می‌پردازد که بتوانند با ظهور در مجتمعی اسلامی هویت آن را نمایش دهند (مشکینی و رضایی مقدم، ۱۳۹۳). قاسمی و همکاران در پژوهش خود «ارائه الگوی برنامه‌ریزی کالبدی شهر ایرانی اسلامی برای پاسخ به نیازهای انسان از منظر اسلام» به توجه انسان به شناخت خود از دید اسلام پرداخته و به تبع ابعاد گوناگون وجودی او شهر اسلامی

متناسب با انسان و نیازهای جسمانی و روحانی او را در چهار رده نیازهای زیست‌محور، تفریح‌محور، فرهنگ‌محور و معنای‌محور شکل داده‌اند (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۸).

گلزار حیدر در مطالعه خود «هنر اسلامی: گزیده‌ای از مقاله به‌سوی یک محیط اسلامی طراحی محیط در معماری اسلامی» هم به ارائه مبانی و اصولی برای شهر اسلامی پرداخته و این اصول را در طراحی محیط شهر اسلامی لازم می‌دارند (حیدر، ۱۳۶۳). سجادزاده و پیربابایی در «مفاهیم فضای شهری در شهر اسلامی» و سجادزاده در مطالعه خود با عنوان «نگاهی واقع‌گرایانه به معنای فضای شهری در شهر اسلامی» به موضوع معنا در فضاهای شهری در شهرهای اسلامی پرداخته‌اند (سجادزاده و پیربابایی، ۱۳۹۱ و سجادزاده، ۱۳۹۲). نقره‌کار و رئیسی در «تحقق‌پذیری هویت اسلامی در آثار معماری» به موضوع کمیّت و کیفیت تجلی هویت اسلامی در معماری دوران اسلامی پرداخته‌اند (نقره‌کار و رئیسی، ۱۳۹۱). نقره‌کار و همکاران در مطالعه دیگری با عنوان «راهبردهای تقویت تعاملات انسانی در طراحی محیط زندگی از منظر اسلامی» به بررسی احکام و برداشت‌های دینی ناشی از آیات و روایات در تخصص معماری و شهرسازی پرداخته و اصول و روش‌های عملی تحقیق‌بخش برای آن‌ها را ارائه داده‌اند (نقره‌کار و همکاران، ۱۳۹۲). صبا، در مقاله‌ای با عنوان «کاربست واقع‌گرایی اسلامی در فهم ارزش‌های انسانی مکان در معماری» به این موضوع می‌پردازد که بر اساس واقع‌گرایی اسلامی در معماری، مبتنی بر هستی‌شناسی ذات‌گرا، معرفت‌شناسی واقع‌گرا و روش‌شناسی قیاسی گرا، ارزش در مکان در چهار سطح صورت، محتوا، رویه و رویکرد قابل‌بحث و در سطح چهارم واجد ساختاری اعتباری است (صبا، ۱۳۹۹). بمانیان در «معنا و مفهوم‌شناسی شهر ایرانی - اسلامی؛ مبانی نظری و مصداق‌ها» بناها، فضاها و شهر را مکانی در راستای سلوک انسانی و تعالی روحی و معنوی انسان می‌داند. ایشان یکی از موضوعات هویت‌دهنده به شهر ایرانی - اسلامی را موضوع مدیریت آن می‌داند (بمانیان، ۱۳۹۳).

مبانی نظری

مدل‌ها و مؤلفه‌های کیفیت مکان

مقصود از مکان، جای خاصی در سطح زمین است که محدود به موقعیتی با هویت و شناسایی‌شدنی می‌باشد که ارزش‌های ویژه و معینی با خود دارد (هاگت، ۱۳۷۳: ۱۶). در واقع منظور از مکان علاوه بر آنچه قابل‌رؤیت است، به مفهومی مهم‌تر و بالاتر از آن اشاره دارد که ویژگی غیرمادی است و مفهومی است که در ذهن و احساسات ساکنان آن شکل می‌گیرد و سبب تعلق و دل‌بستگی مکانی می‌گردد (سجادزاده و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۴۴). در طول چند دهه گذشته، یکی از مفاهیم طراحی شهری که معمول و شایع شده، مکان‌سازی است. مفهوم مکان در نظریات لینچ (۱۹۶۰) و جیکوبز (۱۹۶۱) شکل گرفت و بعدها به‌وسیله نوربرگ شولتز (۱۹۷۶)،

ادوارد رلف (۱۹۷۶)، دانلد اپلیارد و آلن جیکوبز (۱۹۸۷)، پتر بوچانان (۱۹۸۸) و فرانسیس تیبالدز (۱۹۹۲) گسترش یافته است.

مکان، از نظر لینچ منحصربه‌فرد بوده و دارای ویژگی‌هایی است که آن را از دیگر مکان‌ها متمایز می‌کند و به آن هویت می‌بخشد (Lynch, 1960). جیکوبز نیز به اهمیت خیابان‌ها به‌عنوان فضایی خاص که می‌تواند فعالیت‌های سرزنده را در خود جای دهد، تأکید می‌کند (Jacobs, 1961). نوربرگ شولتز در کتاب روح مکان، رویکردی پدیدارشناسانه و اساسی به مکان دارد و بر این باور است که مکان پدیده‌ای کاملاً کیفی است که نمی‌تواند به مشخصه‌های سازنده‌اش محدود شود. وی با اشاره به فضا و کاراکتر، از فضا به‌عنوان ساختار سه‌بعدی مکان و از کاراکتر به‌عنوان کامل‌ترین مشخصه متمایز و عمومی هر مکان یاد می‌کند (Norberg Schulz, 1976). رلف نیز مفهوم مکان را به‌صورت سه مشخصه شرایط کالبدی، معانی و فعالیت‌ها تعبیر کرده است (Relph, 1976). از نظر وی، این مشخصه‌ها از اجزای مکان به‌شمار نمی‌روند، بلکه اجزایی از تجربه انسانی‌اند. اپلیارد و جیکوبز اهمیت مکان‌های عمومی را در تناسب با نیازهای انسانی از مهم‌ترین مؤلفه‌های کیفیت حیات شهری عنوان می‌کنند (Jacobs & Appleyard, 1987).

بوچانان نیز طراحی شهری را بر پایه ساختن مکان‌ها ترسیم می‌کند و آن را مقوله‌ای برمی‌شمارد که مکان‌ها در آن فقط فضایی خاص نیستند، بلکه فعالیت‌ها و رویدادها آن را شکل می‌دهند (Buchanan, 1988). کانتر در سال ۱۹۷۷ مؤلفه‌های سازنده مکان را «فعالیت»، شامل تنوع، سرزندگی، زندگی خیابانی، دیدارهای چهره‌به‌چهره مردم، سنت‌ها و سرگرمی‌های محلی، فرهنگ کافه‌نشینی، ساعت‌های باز، حرکت، جاذبه‌ها، دادوستد، بافت نرم اقتصادی؛ «فرم یا کالبد» شامل مقیاس، نیرومندی، نفوذپذیری، نشانه‌های شهری، نسبت فضا به ساختمان‌ها، دانه‌بندی، عرصه عمومی؛ و «تصویرات» شامل نمادگرایی و خاطره، تصویرپذیری و خوانایی، تجربه حسی، قابلیت ادراک، قدرت پذیرش دسترس روانی، جامعیت و جهان‌شمول بودن می‌داند. در سال ۱۹۹۱ پانتر مؤلفه‌های حس تعلق به مکان را در سه موضوع دسته‌بندی کرد. «شرایط کالبدی» شامل سیما و بافت شهری؛ «فعالیت‌ها»، دربرگیرنده الگوهای رفتاری و حرکت پیاده و سواره؛ و درنهایت «معنا یا مفهوم»، که ادراک و ارزیابی عمومی را در برمی‌گیرد. این مؤلفه‌ها در واقع دلایل اصلی کشش مردم را به مکان‌های شهری مطرح می‌کند (کرمونا و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۹۴). کرمونا و تیزدل، طراحی مکان‌های شهری را دارای هشت بعد فضایی، ریخت‌شناسی، زمینه‌ای، بصری، ادراکی، اجتماعی، عملکردی و پایداری می‌دانند (کرمونا و تیزدل، ۱۳۹۴).

گرچه مدل مکان پیشنهادی کانتر و مدل‌های مبتنی بر آن، بنیان نظری کارآمد و قابل‌توجهی برای طراحی شهری است، با این وجود، در پرتو پیشرفت‌های دانش طراحی شهری در دهه‌های اخیر لازم بود که برخی نارسایی‌های مدل نظری مزبور، که در دهه ۱۹۷۰ میلادی تسدوین گردیده بود، رفع شود. مبحث پایداری

به این منظور سامان گرفت که انسان‌ها چیزهایی را که برای ثبات، رشد و تکامل خود نیاز دارد، به دست آرند (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۷: ۴۹۰-۴۸۹). بنابراین در حکمت صدرایی، امور اجتماعی، روابط انسانی، تعامل میان فردی و نظام اجتماعی در حاشیه نیست. جامعه به‌عنوان بستر شکوفایی استعدادهای انسانی و توسعه فعلیت‌های نفس، حائز اهمیت است. بدون جامعه و بسترهای اجتماعی، رسیدن به فعلیت‌های تکامل یافته میسر نمی‌شود (کوشا، ۱۳۹۵: ۷۱).

آیت اله جوادی آملی نیز در راستای اشاره به خصلت اجتماعی انسان، با ذکر پاره‌ای از آیات و روایات، مهم‌ترین مبنای قانونی اسلام در زمینه برخورد با اهل کتاب را در نیکی عدالت‌ورزانه و بشردوستانه همچون عیادت، نیکی به هم‌نشین و هم‌سفر، رعایت ادب در معاشرت، نامه‌نگاری و ... ذکر نمودند (نقره کار و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۵). بنابراین از دیدگاه ایشان، اسلام به مسلمانان سفارش می‌کند تا با یکدیگر و با پیروان ادیان آسمانی و مکاتب دیگر بشری با عدل و مسالمت رفتار نمایند (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۳۰۳-۳۰۰). علامه طباطبایی نیز به اصالت فرد و جامعه، توأمان معتقد است و بیان می‌کند که انسان دارای دو «خود» است؛ یک «خود فردی» و یک «خود اجتماعی» (توکل، ۱۳۸۸: ۵۵۳).

علاوه بر توجه به خصلت اجتماعی انسان در گستره تفکر و اندیشه اسلامی، حوادث و رویدادهایی که در مکان‌های شهری محیط‌های اسلامی اتفاق می‌افتند نیز بر مجموعه‌ای از جریان سیال اجتماعی استوار است. حضور اجتماع در این مکان‌ها، نه تنها برخوردار از شاخص‌های مکانی، بلکه توأم با برخوردار از شاخص‌های زمانی است. فرایند حاضرسازی گذشته در مکان‌های شهری و مرور حوادث و وقایع، بیش از آن‌که تبلوری فردی داشته باشد، ماهیتی اجتماعی و شهری دارد که در اذهان ساکنان شهر نقش بسته است. در مکان‌های شهری ایرانی - اسلامی، واقعه‌ها و حوادث با مکان درمی‌آمیزند و مکان، خاطره‌های جمعی شهروندان را در خود انباشته می‌کند (حبیبی، ۱۳۸۰: ۱۲). رویدادهایی نظیر حضور اجتماعات انسانی در قالب برگزاری نمازهای اعیاد اسلامی، جنبش‌های اجتماعی و برگزاری مراسم آیینی و مذهبی همگی از رویدادها و حوادثی هستند که نقش بسزایی در تداعی خاطرات اجتماعی در فضا برجای می‌گذارد و ارتقای سطح تعاملات جمعی را، با فضا افزایش می‌دهد (سجادزاده، ۱۳۹۲: ۲۹).

در «سنت صلح‌رحم» که در دین اسلام بارها به آن دعوت شده است نیز، بر خصلت اجتماعی انسان تأکید می‌شود. «... و بترسید از آن خدایی که به نام او از یکدیگر مسئلت و درخواست می‌کنید و درباره ارحام کوتاهی نکنید، که خدا مراقب اعمال شماست» (نساء: ۱). «و خدای یکتا را پرستید و هیچ چیزی را شریک وی نگیرید و نسبت به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و فقیران و همسایه دور و نزدیک و دوستان موافق و رهگذران و بندگان

مبتنی بر بوم‌شناسی و توجه به محیط و قرارگاه طبیعی شهرها از جمله مباحثی است که از دهه ۱۹۸۰ طرح شده و برخی از مهم‌ترین نظریه‌های طراحی شهری به‌واسطه عدم لحاظ آن مورد چالش قرار داشته‌اند. از همین روی گلکار با افزودن بعد بوم‌شناسی و اکوسیستم به مدل کانتر، مدل مکان پایدار را شکل می‌دهد (گلکار، ۱۳۹۳). بهزاد فر با اقتباس از کرمونا ابعاد شکل‌دهنده مکان را شامل ۹ نمایانگر فضا، طبیعت، ریخت، مدیریت، ادراک، اجتماع، منظر، کارکرد و زمان می‌داند (بهزادفر، ۱۳۹۹: ۹۰). موضوعی که در ارتباط با تمامی این مدل‌ها قابل تأمل است، عدم مطالعه بر روی مؤلفه‌های سازنده هر بعد در بستر شهرهای ایرانی - اسلامی می‌باشد که هدف پژوهش حاضر قرار گرفته است.

خصلت اجتماعی انسان از دیدگاه اسلام

در دین اسلام بارها و در منابع مختلف به‌نوعی، از خصلت اجتماعی انسان سخن گفته شده است. این موضوع در قرآن کریم و در دعوت به وحدت اجتماعی مسلمانان به کرات قابل مشاهده است. همچنین در احادیث و احکام اسلامی، در تفکر متفکرین اسلامی و نهایتاً در سنت‌ها و مراسم اسلامی خصلت اجتماعی انسان مورد توجه قرار گرفته است. چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «ای مردم ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شعبه شعبه و قبیله قبیله‌تان کردیم تا یکدیگر را بشناسید» (حجرات: ۱۳)؛ و بر اساس همین شناخت و تنوع فرهنگی است که نظام زندگی اجتماعی و تعاون انسان‌ها، استحکام می‌یابد و می‌فرماید: «و همگی به رشته خدا چنگ زده و به راه‌های متفرق نروید، و به یاد آرید این نعمت بزرگ خدا را که شما با هم دشمن بودید، خدا در دل‌های شما الفت و مهربانی انداخت و به لطف و نعمت خدا همه برادر دینی یکدیگر شدید...» (آل عمران: ۱۰۳). «و این است راه راست من، از آن پیروی کنید و از راه‌های دیگر که موجب تفرقه شما از راه اوست متابعت نکنید. این است سفارش خدا به شما، شاید پرهیز کار شوید» (انعام: آیه ۱۵۳).

وجود احادیث متعددی از امامان معصوم در اهمیت همسایه نیز یکی از نشانه‌های اهمیت بعد اجتماعی زندگی مسلمین است. در احکام اسلامی تا چهل خانه از هر طرف، همسایه تلقی می‌شوند (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۷۴: ۱۵۱) و نسبت به آن‌ها وظایف بسیار متنوعی به عهده مسلمانان می‌باشد، که جز با پایدار و تعامل همه جانبه، تحقق این مسئولیت‌ها امکان‌پذیر نیست. اشاره به خصلت اجتماعی انسان‌ها را در تفکر متفکران اسلامی نیز می‌توان پی گرفت. چنانکه ملاصدرا جامعه و اجتماعات انسانی را بستر شکوفایی فعلیت‌های انسانی معرفی می‌کند. او اذعان می‌دارد که انسان پله‌های ترقی و تکامل را از طریق تعامل پایدار در اجتماعات بشری طی می‌کند (کوشا، ۱۳۹۵: ۷۰). ملاصدرا روابط اجتماعی انسان‌ها را این‌گونه توضیح می‌دهد: بدون تردید انسان به کمالاتی که غایت آفرینش انسان شمرده می‌شود، بدون اجتماعات انسانی دسترسی نمی‌یابد. در اجتماعات بزرگ انسانی، همه در رفع نیازها به هم کمک می‌کنند. اجتماعات انسانی

که زیردست شما بنده نیکی کنید، که خدا مردم متکبر خود پسند را دوست ندارد» (نساء: ۳۶). علاوه بر این، مکتب اسلام برای ارتقای مشارکت شهروندان در آبادی محل سکونت خویش از ابزارهای مختلفی استفاده نموده است که یکی از مهم ترین آن‌ها «سنت وقف» می‌باشد. این سنت می‌تواند بر کلیه مکان‌ها اعم از عمومی یا خصوصی جاری گردد. زمینه مشارکت عمومی مردم در امور خیریه، در قالب وقف و نذورات با اطلاع رسانی‌های مناسب و مطلوب، می‌تواند زمینه‌های جذب سرمایه و تعاملات انسانی را فراهم آورد و به خاطر محدودیت‌هایی که در تغییر ساختمان‌های وقفی وجود دارد، چنین ساختمان‌هایی عامل پایداری سنت‌ها و ارزش‌های هویتی می‌گردند و اهمیت زیادی در هویت شهر ایرانی - اسلامی دارند (نقره کار و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۳).

بنابراین و با وجود تأکید اسلام بر اجتماعات، داشتن یک محل اجتماعی محلی که در طول روز حداقل یک‌بار تعاملات اجتماعی در آن محل صورت پذیرد، اجتناب‌ناپذیر است و این محل اجتماعی باید محتوایی بر طبق بنیان‌های فکری استفاده کنندگان آن داشته باشد. فلذا شاهد هستیم که زندگی اجتماعی انسان یکی از عرصه‌های مهم ارزش‌های اسلامی را تشکیل می‌دهد، که امروزه با ظهور فرهنگ جدید اجتماعات انسانی مورد بی‌مهری قرار گرفته است. برای احیای این ارزش‌ها در شهرسازی معاصر لازم است، این ارزش‌ها از حالت عام و کلی به صورت مسئله تخصصی در علم شهرسازی تبدیل شوند. این کار با طرح هر اصل اسلامی و تشریح ابعاد گوناگون آن و تعارضاتی احتمالی که برای تحقق آن در عصر امروز رخ می‌دهد، آغاز می‌شود. بنابراین اهداف و اصول خاصی وجود دارند که توجه به آن‌ها در برنامه‌ریزی و طراحی و مدیریت مکان‌های شهری ایرانی - اسلامی و روش‌های اجرا و تحقق آن، حیاتی است.

رابطه محتوای مکان و کالبد مکان در آیات و روایات و از دیدگاه فلاسفه اسلامی

رابطه صورت و سیرت موضوعی است که در روایات و احادیث معصومین مورد اشاره قرار گرفته است. امیرمؤمنان (ع) در این خصوص می‌فرماید: «او بدان که هر ظاهری، باطنی متناسب با خود دارد، آنچه ظاهرش پاکیزه، باطن آن نیز پاک و پاکیزه است و آنچه ظاهرش پلید، باطن آن نیز پلید است» (سید رضی، ۱۳۹۰: ۲۰۳). اما دلالت صورت بر سیرت به معنی این‌همانی این دو و تجلی مطلق محتوا در کالبد نیست، بلکه در واقع هر یک از دو عنصر صورت و سیرت، ترجمانی از دیگری است که بسته به کیفیت ترجمان، کیفیت تطابق این دو عنصر با یکدیگر مشخص می‌شود. احادیث متعددی در تأیید اصل وجود ارتباط بین مفاهیم و مصادیق (باطن و ظاهر)، نقل شده است که از جمله می‌توان به روایت دیگری منقول از امیرالمؤمنین (ع) اشاره نمود: عقل‌ها پیشوایان افکارند و افکار پیشوایان قلب‌ها و قلب‌ها پیشوایان حواس و حواس پیشوایان اعضا و جوارح (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۹۶). بر اساس این روایت آنچه

توسط اعضا و جوارح نمود می‌یابد (مصادیق، ظاهر)، نشأت گرفته از عالم افکار و مفاهیم (باطن) است. پس، طبق دیدگاه اسلامی و بر پایه این آیات و روایات، انکار وجود ارتباط بین باطن و ظاهر، سیرت و صورت، محتوا و کالبد، مفاهیم و مصادیق، امکان‌پذیر نیست و محال است که محتوای اثر در کالبد آن نمود پیدا نکند (نقره کار و رئیس، ۱۳۹۱: ۹).

در فلسفه اسلامی، یکی از مبنایی‌ترین مباحث، بحث اصالت «وجود» و «ماهیت» است. از نظر تعدادی از فلاسفه اسلامی هر موجودی دارای دو حیثیت «وجود» و «ماهیت» است. ماهیات، جلوه‌های بیرونی یا ظهورهای عینی «وجود» اند که به تبع وجود، در عالم خارج تحقق می‌یابند، همانند تبعیت سایه و صاحب سایه یا تصویر و صاحب تصویر (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۰: ۸). تفکر «اصالت ماهوی» در آثار حکمای مشایی و تفکر «اصالت وجود» در آثار حکمای صدرایی و حکمت متعالیه، از جایگاه ویژه و عمیق این نحوه نگاه و تلقی از هستی‌خبر می‌دهد (سجادزاده و پیربابایی، ۱۳۹۱: ۳۰). موضوعی که ابهام دارد این است که آنچه عالم واقع را پر کرده و واقعیت‌ورای ادراک ما را تشکیل داده است، ما به ازای بالذات کدام دسته از ادراکات است؟ آیا ما به ازای بالذات دریافت‌های ماهوی ما است، یا ما به ازای بالذات مفهوم وجود؟ پس معنای پدیده چه نسبتی با خود پدیده دارد و چه نسبتی با ما دارد؟ (جوارشکیان، ۱۳۸۷: ۱۱۶). در نتیجه، بر اساس فلسفه اسلامی، در ارتباط با پدید مکان شهری، آنچه بر ادراک استفاده‌کنندگان موثر است، چه نسبتی با کالبد مکان و چه نسبتی با استفاده‌کنندگان آن دارد؟

نظریه «اصالت پدیداری معنا» هم با اصالت وجود و هم با اصالت ماهیت، سازگاری دارد. مطابق اصالت پدیداری معنا، معنا حاصل وحدت اصالت ماهیت و اصالت وجود است. در نظریه پدیداری اصالت معنا، معنا از آن جهت که کاشف خارج است، عین خارج است و از آن جهت که ادراک و علم نفس ما است، عین ذهن و نفس است و بنابراین ساحت علم و معرفت، ساحت اتصال وجودی و بلکه اتحاد عین و ذهن و به عبارت دقیق‌تر وحدت و یگانگی عین و ذهن است. رویکرد واقع‌گرایانه اسلامی، به دنبال جمع کردن گرایش‌های عینی (ماهیت) و ذهنی (وجود) در برقراری معناست (همان، ۱۰۱ و ۱۱۸). بنابراین در بحث واقع‌گرایی اسلامی، معرفت ما از جهان همراه با خطا و سرشار از نظریه است. معرفت، نه کاملاً متصل و مستمر و نه کاملاً منفصل از جهان بیرون است. در اسلام، معرفت و شناخت آمیزه‌ای از «درون‌گرایی» و «واقع‌گرایی» است. از این رو، انسان متعادل و حقیقی در مکتب اسلام، فردی است که این دو گرایش را با هم جمع می‌کند (سجادزاده، ۱۳۹۲: ۲۴) درست همانند امری که درباره سیرت و صورت، ذهنیت و عینیت مطرح شد. فلذا هستی و چستی شی از دیدگاه نظریه اصالت پدیداری معنا مطابق با جدول ۱ می‌باشد.

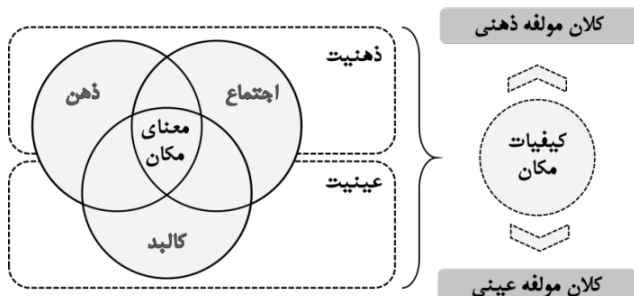
نظریه اصالت پدیداری معنا
مطابق نظریه اصالت پدیداری معنا، معنا حاصل وحدت اصالت «ماهیت» و اصالت «وجود» است (جوارشکیان، ۱۳۸۷: ۱۱۹)
در نظریه اصالت پدیداری معنا، آنچه به عنوان معنای شی می‌شناسیم همان ادراک ما از شی خارجی است. چنین نیست که معنای ذهنی شی، چیزی فراتر از خودش را به ما نشان دهد (سجادزاده و پیربایی، ۱۳۹۱: ۳۱).
از منظر اسلامی، نظریاتی که وجود معنا و امکان کشف آن را منتفی می‌دانند فاقد وجهت لازم می‌باشند چراکه طبق آموزه‌های اسلامی، اصل وجود معنا در کنار صورت آثار، امری مبرهن است (نصر، ۱۳۸۹: ۱۳۹؛ نقی‌زاده و امین‌زاده، ۱۳۷۹: ۲۸).
همچنین نظریاتی که برای معمار در فرایند تکوین معنای اثر سهمی قائل نمی‌باشند نیز فاقد اعتبار لازم می‌باشند چراکه از منظر اسلامی، اثر جلوه مؤثر است و مؤثر را در خویش نهفته است (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۲۱۲).
نظریاتی که معنای اثر را به مصداق و کالبد آن فرو می‌کاهند و برای مخاطب هیچ سهمی قائل نمی‌باشند نیز نظریاتی جامع و مانع نیستند؛ چراکه به‌رغم ارتباط صورت و کالبد آثار با معنا و محتوای آن‌ها، مخاطب و ذهنیات و پیش‌داشته‌های او نیز در کشف معنا ذی‌سهم می‌باشند؛ عواملی چون پیش‌تجربه‌ها و پیش‌دانسته‌های مخاطب که در بسترهای مکانی، زمانی و فرهنگی مختلف، متفاوت می‌باشد از جمله این پیش‌داشته‌های مؤثر بر معنا می‌باشد (ساسانی، ۱۳۸۱: ۱۸۳). در واقع با عنایت به تأثیر همین پیش‌داشته‌های اعتباری مخاطب است که انسان‌ها در جوامع گوناگون برداشت‌ها و تفاسیر متفاوتی از معنای یک موضوع واحد دارند (نقی‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۵۶؛ براتی، ۱۳۸۲: ۶۰، رئیسی و نقره‌کار، ۱۳۹۴).

اصالت وجودی اجتماع و اصالت وجودی ذهن

به اعتقاد علامه طباطبایی، افراد بعد از ترکیب، یک خود و یک واقعیت فرهنگی به وجود می‌آورند که واقعاً وجود دارد و آدمی این من را احساس می‌کند و این من، من فردی نیست. علامه طباطبایی این نکته را از قرآن کریم استنباط می‌نماید که جامعه دارای شخصیت واقعی است؛ یعنی، ترکیب جامعه، ترکیبی اعتباری از افراد نیست و از سعادت و شقاوت جامعه جدای از تک‌تک افراد آن، سخن می‌گوید؛ بنابراین هر جامعه وجودی دارد که غایت مختص به آن نشانه وجود آن است. ایشان در تأکید این مطلب، ادراک‌های اعتباری را به دو دسته «ادراک‌های اعتباری پیش از اجتماع» و «ادراک‌های اعتباری پس از اجتماع»، تقسیم می‌نماید (توکل، ۱۳۸۸: ۵۵۲). فلذا ادراکات اعتباری هر فرد از هر پدیده، متناسب با جامعه‌ای که در آن زیست می‌کند، متفاوت بوده و متأثر از بستر مربوطه است. طبق اندیشه ملاصدرا نیز، اجتماع امری وجودی است و چون وجود دارد، انسان‌ها برای رسیدن به کمال، باید در اجتماع زندگی کنند و بدون آن، امکان رسیدن به کمال میسر نیست (کریمی و خانمحمدی، ۱۳۹۳: ۱۰۱)؛ که این موضوع لزوم وجود بسترهای تعاملات اجتماعی برای شکل‌دهی به ادراکات اعتباری متناسب با جامعه را نشان می‌دهد. بر اساس اصل اصالت وجود، هر جا وجود است، آنجا خیر و کمال است، از این رو وجود اجتماع که از طریق آن، انسان‌ها به رشد و تکامل می‌رسند نیز خیر و کمال است، زیرا بدون آن، دستیابی به چنین کمالی میسر نیست (صدرالدین شیرازی، ۱۳۵۴: ۱۸۵) بر همین اساس، جامعه نیز از نظر ملاصدرا جایی است که انسان‌ها در آن به کمال می‌رسند، بنابراین دارای هستی است.

از طرف دیگر، در تفکر اسلامی، انسان موجودی وجودی و مجموع اسماء الهی است که ویژگی‌هایی چون «متصف به وجود»، «روح عالم» و «خلیفه‌الله» را دارد (حکمت، ۱۳۸۴: ۶۵). از نظر ابن عربی هم «انسان از حیث حقایقش مجموع عالم است. پس او عالمی مستقل است» (ابن عربی، ۱۴۲۰، ج ۳: ۱۰۱). باید

توجه داشت که بر مبنای حکمت صدرایی، فرد و جامعه هیچ کدام به تنهایی اصالت ندارند و نظر به برخورداری از سهمی از وجود، هم فرد در محدوده وجودی خویش دارای آثار حقیقی است و هم جامعه دارای آثار حقیقی است که از برآیند آثار وجودی آحاد افراد از نظر سعه وجودی و تعامل آن‌ها با خداوند و خود و طبیعت و موجودات بی‌جان و موجودات زنده و انسان‌های گذشته و حال تحقق می‌یابد (صارمی و شیدایی، ۱۳۹۹). بنابراین «ذهن فرد» و «اجتماع» امور واقعی و متعینی هستند و دریافت معانی در مکان، از طریق شناخت نتایج حاصل از همخوانی «ذهن» و «اجتماع» با «کالبد مکان» که همان عینیت موجود است، حاصل می‌گردد. بر این اساس، عنصر مکان به عنوان ماهیت، از ارتباط متقابل آن با «جهان درونی و شهودی» یعنی «ذهن» و «اجتماع»، معنا می‌یابد (سجادزاده، ۱۳۹۲: ۲۵). در واقع معنایی که به ذهن متبادر می‌شود و در بستر وجودی جامعه شکل می‌گیرد دارای دو مفهوم است. یکی، از گزاره عینی حکایت می‌کند و پیوسته همان را بازیابی و بازنمایی می‌کند که خود گوهری عینی دارد. دوم، تصویری از گزاره‌های هستی است. این تصویر مدلی تجردیافته است که برای تبیین مدل و معانی ذهنی مناسب‌تر است (ادیانی، ۱۳۸۱: ۲۴-۲۳). بنابراین ادراک کیفیت مکان حاصل عینیت و ذهنیت توأمان است.

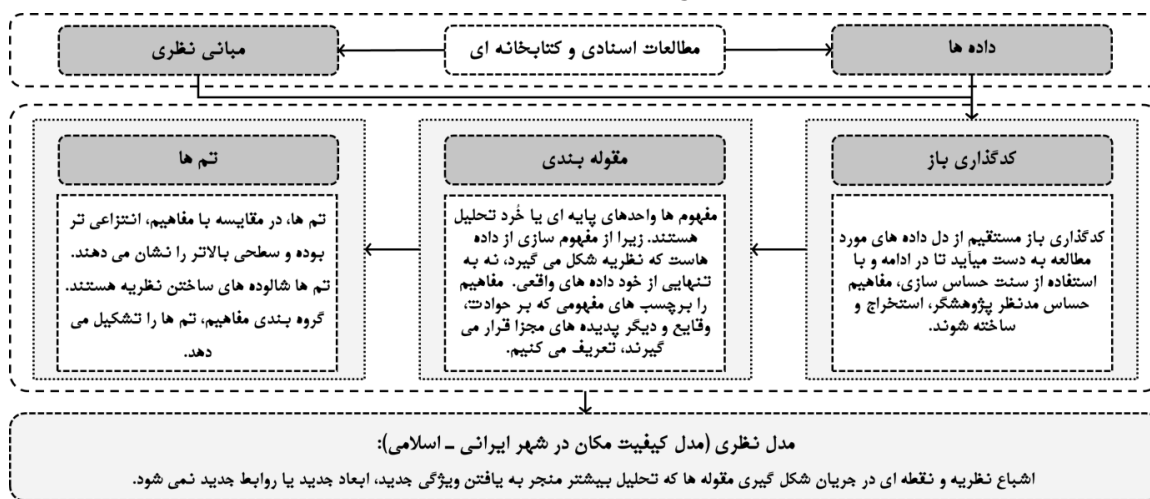


نمودار شماره ۲: معنای مکان و کلان مؤلفه‌های کیفیت مکان

روش‌شناسی پژوهش

رهیافت روش‌شناختی مورد استفاده در این پژوهش مبتنی بر پژوهش کیفی و راهبرد پژوهش مبتنی بر تحلیل محتوای کیفی است. تحلیل محتوای کیفی، مبتنی بر پارادایم تفسیری و مبتنی بر درک معنای محتوای متون در دست مطالعه می‌باشد. لذا در این حالت، نگاه به پدیده‌ها و متون، نگاهی کل‌گرایانه و جامع‌نگر است. تحلیل محتوا از تکنیک‌های مربوط به روش اسنادی در پژوهش‌های علوم اجتماعی می‌باشد یعنی کلیه متدهایی که در آن‌ها، هدف پژوهش با مطالعه، تحلیل و بررسی اسناد و متون، برآورده می‌شود. در تحلیل محتوای کیفی، داده‌ها به صورت کلمه یا طرح ارائه می‌شوند که ترسیم، باز نمود و تفسیر نتایج را ممکن می‌سازد (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۸: ۸۰-۷۷). ره‌یافت کیفی تحلیل محتوا، شامل روش‌های اکتشافی غیر آماری می‌باشد که در آن از استدلال قیاسی استفاده می‌شود. در این ره‌یافت، واقعیت یک مخلوق فرهنگی و اجتماعی است که تنها قابل تفسیر است این ره‌یافت شدیداً بر مطالعات پژوهش‌گر در زمینه موضوع مورد

تحلیل متکی می‌باشد (شریف‌زادگان و ندایی طوسی، ۱۳۹۴: ۱۰۷). در پژوهش حاضر از تحلیل محتوای مقوله‌ای بهره گرفته شده است. در این نوع از تحلیل محتوای کیفی، شناخت واحدهای معنا الزامی است. واحد معنا، مجموعه‌ای از واژگان یا جملات می‌باشد که بتوان ارتباطی از معانی مشابه و یکسان در آن‌ها یافت و بر اساس این معنای مشابه، آن‌ها را تقسیم‌بندی کرد. بنابراین در مقاله حاضر در جداول ۲ تا ۷ منابع مورد مطالعه بر اساس میزان ارتباط معنایی به شکل گزاره‌های مرکب ارائه شده‌اند. در سطح بعدی، واحد معنا، پایه ساخت مقوله‌بندی است. بر این اساس، گزاره‌های استخراج شده، بر اساس مفهوم مشترکی که دارند، مقوله‌بندی شده و زیرمؤلفه‌های مدل کیفیت مکان در شهر ایرانی - اسلامی را شکل داده‌اند. در سطح سوم از فرایند تحلیل، مقوله‌ها و یا همان زیرمؤلفه‌های استخراج شده که گروهی از مضامین با وجه اشتراک هستند، با توجه به ادبیات شهرسازی موجود، تم‌ها و یا همان مؤلفه‌ها را شکل داده‌اند. فرایند تحلیل محتوای کیفی داده‌های پژوهش در نمودار ۳ ارائه شده است.

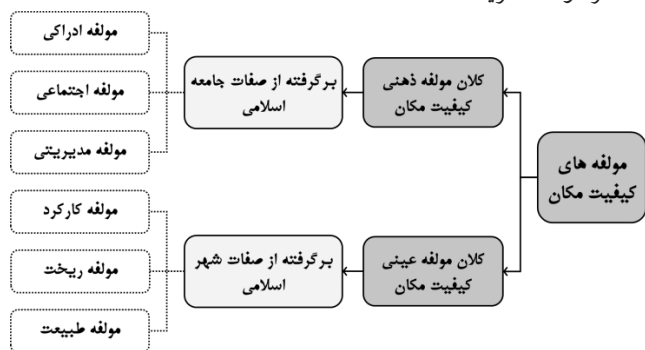


نمودار شماره ۳: فرایند تحلیل محتوای کیفی در پژوهش

یافته‌های تحقیق: مؤلفه‌های کیفیت مکان در شهر ایرانی - اسلامی

معنای مکان حاصل اشتراک ذهنیت افراد و عینت موجود در مکان می‌باشد، فلذا طراحی یک مکان با کیفیت بالا باید با توجه به مؤلفه‌های ذهنی و عینی طراحی مکان‌ها انجام پذیرد. بنابراین و بر اساس متون مکتوب و اسناد کتابخانه مورد مطالعه، مؤلفه‌های کیفیت مکان در ابتدا شامل دو کلان مؤلفه ذهنی و عینی می‌شوند. اغلب کلان مؤلفه‌های ذهنی برگرفته از صفات یک جامعه اسلام و اغلب کلان مؤلفه‌های عینی برگرفته از صفات یک شهر ایرانی - اسلامی می‌باشد. در این ارتباط باید در نظر گرفت، صفات جامعه اسلامی و صفات شهر ایرانی - اسلامی در هم تنیده و مؤثر بر هم و متأثر از هم می‌باشند. بنابراین پس از کدگذاری‌ها و مقوله‌بندی‌های انجام پذیرفته در پژوهش حاضر، کلان مؤلفه ذهنی شامل سه مؤلفه ادراکی، اجتماعی و مدیریتی و کلان مؤلفه عینی دارای سه مؤلفه کارکرد، ریخت و طبیعت

می‌باشد. هر یک از این مؤلفه‌ها، کیفیاتی را در دستور کار خود قرار می‌دهند که هنگام طراحی، برنامه‌ریزی، مدیریت و ارزیابی کیفیت مکان‌های شهرهای ایرانی - اسلامی، می‌تواند مدنظر قرار گیرد. در نمودار ۴ کلان مؤلفه‌های و مؤلفه‌های کیفیت مکان در شهر ایرانی - اسلامی ارائه شده و در ادامه کیفیت‌های مربوط به هر مؤلفه، تعریف شده‌اند.



نمودار شماره ۴: کلان مؤلفه‌های کیفیت مکان در شهر ایرانی - اسلامی

مؤلفه ادراکی در کیفیت مکان

ذهن سازه‌ای است که بنیادی‌ترین حالت مکان را برمی‌تابد. این سازه ماهیتی غیرمادی دارد؛ هرچند خود، سازنده مادیت است. ادراک، پایگاه تبادرات و تصورات ذهن است. مؤلفه ادراکی به جنبه‌های ذهنی ادراکی محیط و تجربه مکان از تصویر ذهنی می‌پردازد. بیکن معتقد است که در مؤلفه ادراکی، تمیز داده‌های بصری، فقط آغاز تجربه حسی در این زمینه است (کرمونا و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۶۹). از طریق این مؤلفه، متوجه می‌شویم که مردم چگونه محیط را می‌بینند، ارزش‌گذاری می‌کنند، معانی آن را درک می‌کنند و یا در آن، معانی می‌آفرینند (همان، ۲۱۰). به علاوه، در مؤلفه ادراکی، نحوه شکل‌گیری مکان در ذهن کاربران

و شهروندان از اهمیت و اولویت بالایی برخوردار است. چرا که برداشت و تصویر ذهنی شهروندان از مکان‌های شهری عامل بسیار مهمی در چگونگی نگرش و تعامل ایشان با مکان است (بهزادفر، ۱۳۹۹: ۹۲). مؤلفه ادراکی در مکان‌سازی در شهر اسلامی به مباحث معنوی و باطنی مربوط می‌باشد. این اصول، در واقع، هم معنای مستتر در اصول عینی هستند و هم این که خودشان تجلیات عینی و کالبدی دارند و می‌توانند بر کیفیت مکان تأثیر بگذارند (نقی‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۲۲). اصول مربوط به مؤلفه ادراکی مأخوذ از جهان‌بینی هستند و هر جهان‌بینی تعریف خاصی از مکان، کیفیت مکان و زندگی در آن، موردنظر خویش دارد. در جدول ۲ کیفیات مؤلفه ادراکی در شهر ایرانی - اسلامی ارائه شده‌اند.

جدول شماره ۲: کیفیات مؤلفه ادراکی در مدل کیفیت مکان شهر ایرانی - اسلامی

کیفیت	گزاره
هدفمندی	... تو ای کسی که چشم بینا داری، در آفریده‌های خدای رحمان هیچ اختلاف و تفاوتی نمی‌بینی، چرا که همه روی به سوی هدفی دارند که برایشان مقرر شده است و برای رسیدن به مقصد خود از شرایط لازم برخوردارند. باز چشم به سوی آفریده‌ها برگردان و با دقت در آن‌ها بنگر، آیا خلل و نقصانی در آن‌ها می‌بینی (ملک: ۳)؟ بر اساس نظریه اصالت وجود و حرکت جوهری ملاصدرا نیز، حقیقت وجود دارای مراتبی است که طی مراحل حرکت، ماده هر موجودی، لباس جدیدی بر تن و صورت تازه‌ای می‌پذیرد، بدون اینکه لباس کهنه را از تن به در کرده باشد و صورت قبلی را از دست داده باشد. بر همین اساس، جامعه نیز از نظر ملاصدرا از زمانی که ایجاد شده است، به صورت لاینقطع ادامه داشته و به سوی کمال وجودی خود در حرکت است. چنین وجودی به آینده نظر دارد و از این جهت هدفمند است (کریمی و خانمحمدی، ۱۳۹۳: ۹۰ - ۹۱). بنابراین یک جامعه و یک شهر را باید همچون بدن یک انسان دانست که در آن، هزاران واحد کوچک برای یک مقصود مشترک به یکدیگر مرتبط هستند (حیدر، ۱۳۶۳: ۲۲).
تاریخ‌مندی	بر اساس نظریه حرکت جوهری ملاصدرا، طی مراحل حرکت، ماده هر موجودی، لباس جدیدی بر تن و صورت تازه‌ای می‌پذیرد، بدون اینکه لباس کهنه را از تن به در کرده باشد و صورت قبلی را از دست داده باشد و در هر مرحله از مراحل حرکت، تمام کمالات مراتب پیشین را داراست. بر همین اساس، جامعه نیز از نظر ملاصدرا جایی است که انسان‌ها در آن به کمال می‌رسند، دارای وجودی شکل یافته از نسل‌های پیشین و فعلی است و از این جهت دارای جریان و سریان است. چنین وجودی به گذشته توجه دارد و از این جهت تاریخمند است (کریمی و خانمحمدی، ۱۳۹۳: ۹۰ - ۹۱). در مکان‌های شهری نیز باید بتوان آن چیزی را که در طول تاریخ بر جامعه گذشته است، نشان داد.
عبرت	تعالیم اسلامی انسان را به عبرت‌گیری از گذشته فراخوانده است و لذا شهر اسلامی آینه عبرت اعمال گذشتگان می‌باشد تا اهل خویش را به تکرار حسنات و اجتناب از سیئات ترغیب نمایند (نقی‌زاده، ۱۳۷۷: ۴۷). آیات بسیاری از قرآن کریم نیز مسلمین را به سیر در زمین و مشاهده و تفکر در احوال پیشینیان دعوت می‌کنند (آل عمران: ۱۳۷، انعام: ۱۱، نحل: ۳۶، نمل: ۶۹، روم: ۴۲) مرحوم علامه جعفری نیز بیان می‌کنند گسستگی از تاریخ و گذشته یکی از تاریک‌ترین نقاط زندگی بشر است (جعفری تبریزی، ۱۳۶۹: ۳۹).
تسبیح	آیات مکرری از قرآن بر این نکته تأکید دارند که آنچه در آسمان‌ها و زمین است در حال تسبیح و تنزیه حضرت احدیت می‌باشد (اسراء: ۴۴، رعد: ۱۳). هر چه در آسمان‌ها و زمین است همه به تسبیح و ستایش خدا که پادشاهی منزّه و پاک و مقتدر و حکیم است مشغولند (جمعه: ۱). بنابراین از مهم‌ترین وظایف انسان در خلق مکان‌های شهری آن است که عناصر و هر چه انسان ساخته است، این تسبیح را به اهل شهر و به هر ناظر و تازه‌واردی القا نماید. به بیان دیگر فضای شهری باید بتواند تجلیگاه و نمایشگر تسبیح الهی توسط همه اجزاء متشکله اش باشد (برگرفته از نقی‌زاده، ۱۳۷۹: ۸). در راستای این امر، موضوع توجه به هماهنگی آثار انسانی از جمله مکان‌های شهری و عناصر مربوطه با هستی، باید مورد تأکید قرار گیرد. باید توجه داشت که هستی در عالم ماده و محسوسات خلاصه نمی‌شود و منظور از این هماهنگی، علاوه بر هماهنگی با اکوسیستم‌ها، فرایندهای طبیعی و الگوهای زیستی، توجه به معنای همه پدیده‌ها و تاثیرات و تجلیات معنوی اعمال مادی و ظاهری انسان است (نقی‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۲۹).
ذکر	آن‌ها که به خدا ایمان آورده و دلهاشان به یاد (ذکر) خدا آرام می‌گیرد، آگاه شوید که تنها یاد خدا آرام‌بخش دلهاست (رعد: ۲۸). ذکر در فرهنگ قرآنی از آنچنان ارزش والایی برخوردار است که قرآن کریم "ذکر" نامیده شده است (انبیاء: ۵۰، طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۲۸: ۱۳۹). مومنان نیز به کرات به ذکر فراخوانده شده‌اند: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر گاه با فوجی (از دشمن) مقابل شدید پایداری کنید و خدا را پیوسته یاد آرید، باشد که فیروزمند و فاتح گردید (انفال: ۴۵). ذکر به تعبیر علامه طباطبائی حاضر کردن صورتی است که بعد از غیبت از ادراک در ذهن حفظ شده یا نگه داشتن صورت حاضر در ادراک است که پنهان نشود (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۵۶) با عنایت به مفهوم ذکر که لزوم آگاهی قبلی را در خود مستتر دارد، اصول و ارزش‌ها و مفاهیم معنوی باید از طرق مختلف برای انسان مورد تذکر و یادآوری قرار گیرند؛ فلذا مکان‌های شهری هم در شهر ایرانی - اسلامی باید برای اهلس به‌عنوان متذکر عمل کند و اهلس را به اصول و ارزش‌های الهی متذکر گردد.
تفکر	متذکر بودن عناصر و پدیده‌ها به حقایق معنوی و روحانی و مطالبی ماورای ظاهرشان به فرآیندی ادراکی نیازمند است که در تفکر خلاصه می‌شود. علامه طباطبائی می‌فرماید: فکر یک نحو سیر در معلومات موجود است تا مجهولاتی که ملازم با آنهاست معلوم گردد (طباطبائی، ۱۳۶۲، ج ۴۰، ذیل تکویر: ۱۵ - ۹۲) تفکر یک ارزش توصیه شده در اسلام است که هم قرآن کریم و هم تعلیمات معصومین، مسلمین را به تفکر در آنچه حواسشان در می‌یابد در جهت دریافت معانی والا و پی بردن به اصول اسلامی تشویق و ترغیب می‌نمایند.

کیفیت	گزاره
شکر	ای اهل ایمان، روزی حلال و پاکیزه‌ای که ما نصیب شما کرده‌ایم بخورید و شکر خدا به جای آرید اگر شما خالص خدا را می‌پرستید (بقره: ۱۷۲). در فرهنگ اسلامی شکر نه تنها به معنای سپاس و امتنان زبانی از ولی نعمت و لطف و مرحمت اوست که جنبه‌های عملی را نیز در بر دارد. علامه طباطبائی در معنی شکر می‌فرماید شکر عبارت است از به کار بستن هر نعمتی در جای خودش به طوری که نعمت ولی نعمت را بهتر وانمود کند (طباطبائی، ۱۳۵۷، ج ۳۲: ۲۹، ذیل لقمان: ۱) شهید مطهری نیز می‌فرماید شکر یعنی نعمت را در مسیری که برای آن آفریده شده است به کار بردن (مطهری، ۱۳۶۷: ۴۵). خودباوری را می‌توان از نمودهای شکر دانست.
امنیت	خداوند تبارک و تعالی به هنگام قسم یاد کردن به شهر مکه آن را به صفت امن یاد می‌فرماید: وَهَذَا الْبَلَدُ الْأَمِينُ. و قسم به این شهر امن و امان (تین: ۳). اهمیت امنیت در جامعه اسلامی تا به آنجا است که اولین وظیفه مسلمان در تماس با یکدیگر القای این مطلب است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: خداوند واجب گردانید سلام و درود بر یکدیگر را برای ایمنی و آسودگی. چون مراد از سلام علیکم آن است که بین من و شما زد و خوردی نیست، بلکه صلح و آشتی است (سید رضی، ۱۳۹۰: ۱۹۷ - ۱۹۸). به این ترتیب مشخص می‌شود که امنیت یکی از مختصات معنوی مهم جامعه اسلامی است و آن را در زمینه‌های مختلف می‌توان مورد مطالعه قرار داده و راه‌های فراهم آوردن هر کدام را برای شهروندان شناسایی و آن‌ها را در فضاهای شهری شهر ایرانی اسلامی به منصف ظهور رساند.
تعادل	یکی از موضوعات مطرح در اصل تعادل، غالباً بر زمینه‌های روانی و زیبایی شناسانه آن مورد توجه است. از دیدگاه علامه جعفری با نظر به پدیده‌ها و فعالیت‌های روانی و روابطی که میان مجموعه‌ای از آن‌ها برقرار می‌شود، در آن هنگام که در میان آن‌ها تعادلی منطقی میان قوانین حاکم بر آن‌ها به وجود بیاید، با یک شهود خاصی زیبایی آن مجموعه را درک می‌کنیم (جعفری تبریزی، ۱۳۶۹: ۲۳۸).
هدایت‌کننده	انسان همواره نیازمند هدایت است تا راه را از بیراهه تمیز دهد. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: پس از اسلام ستون‌هایی است که پایه آن‌ها را خداوند در حق کار گذارده است، نشانه‌ای که روندگان آن را می‌گویند و علامت‌هایی که به آن‌ها راه یافته می‌شوند (سید رضی، ۱۳۹۰: خطبه ۱۸۸). علائم و نشانه‌ها را خداوند چون رحمتی برای بندگان خود مقرر فرمود تا راهنمای آنان در یافتن راه‌هایی باشند که آن‌ها را به مقصد برساند. این نشانه‌ها را قاعداً می‌باید در بعد معنوی آن یافت (نقی زاده، ۱۳۷۷: ۵۳).

مؤلفه اجتماعی در کیفیت مکان

بعد اجتماعی مکان بر وضعیتی دلالت می‌کند که از روابط مردم، به‌ویژه تعامل آنان، در قلمرو همگانی برمی‌آید. اینکه بخواهیم به مکان بدون توجه به بستر اجتماعی آن و یا به جامعه بدون توجه به ظرف فضایی آن پردازیم، بسیار مشکل خواهد بود (کرمونا و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۱۱). در واقع بعد اجتماعی به این مهم می‌پردازد که مردم در چگونه حال و هوای فضایی از مکان‌های شهری استفاده می‌نمایند (همان: ۳۲۷). چگونگی حضور مردم، رفتارهای مختلف آنان و امکان بروز انواع رفتارها، جز لاینفکی از این مؤلفه هستند. اجتماع، مؤلفه‌ای است که

در قالب قرارگاه‌های رفتاری - اجتماعی مکان را برتاییده و در همین شرایط با سایر مؤلفه‌ها درمی‌آمیزد (بهزادفر، ۱۳۹۹: ۱۰۲) دین می‌تواند در انسجام‌بخشی، تسهیل در جامعه‌پذیری، تعریف ارزش‌های اجتماعی، تقویت روحیه گروهی، همکاری و تعاون، برقراری کنش‌های اجتماعی مبتنی بر اعتماد و احترام و گسترش و تقویت مشارکت فعالانه نقش مؤثری ایفا کند و انسجام و هم‌پیوندی اجتماعی را سبب شود (صارمی و شیدایی، ۱۳۹۹: ۱۷۴) و چنین به نظر می‌رسد که مکان‌های برآمده از اصول دینی می‌توانند چنین مواردی را در سطح اجتماع بگسترانند. در جدول ۳ کیفیات مؤلفه اجتماعی در شهر ایرانی - اسلامی ارائه شده‌اند.

جدول شماره ۳: کیفیات مؤلفه اجتماعی در مدل کیفیت مکان شهر ایرانی - اسلامی

کیفیت	گزاره
اختلاط اجتماعی	از آنجایی که اصالت وجود به منزله نخ تسبیحی است که همه اجزای جامعه را به یکدیگر متصل نشان می‌دهد، هم‌کثرت‌های عرضی و اختلاف آرا و سلیقه‌های مختلف و احزاب و گروه‌های اجتماعی را می‌پذیرد و هم ... آن‌ها را در جهت هدف واحد قرار می‌دهد (کریمی و خانمحمدی، ۱۳۹۳: ۹۰ - ۹۱). حرکت جوهری وجود به‌صورت نوعی انسانی متوقف نمی‌شود، بلکه می‌کوشد در افقی والاتر صورت نوعی جدیدی دست و پا کند. این صورت نوعی می‌تواند «صورت نوعی جامعه» باشد که افراد متکثر را ذیل پوشش خود وحدت می‌بخشد (پارسا، ۱۳۹۲: ۱۲۱) از طرفی یکی از ویژگی‌های بارز عدل نزد امام علی (ع) که جلوه بارز عدالت اجتماعی است، فقدان تبعیض در جامعه و مبارزه با هر شکل و هر درجه‌ای از آن می‌باشد. ایشان در مورد عدم تبعیض، به یکی از کارگزاران خود می‌نویسد: "با همگان یکسان باش تا بزرگان به طمع نیفتند که تو را به ستم کردن به ناتوان برانگیزند و ناتوانان از عدالت تو نومید نگردند" (سید رضی، ۱۳۹۰: ۷۰۷).
وحدت	و همگی به رشته (دین) خدا چنگ زده و به راه‌های متفرق نروید، و به یاد آرید این نعمت بزرگ خدا را که شما با هم دشمن بودید، خدا در دل‌های شما الفت و مهربانی انداخت و به لطف و نعمت خدا همه برادر دینی یکدیگر شدید ... (آل عمران: ۱۰۳). مکان‌های شهری می‌بایست تجلیگاه و مبلغ توحید باشد که از طریق گسترش توجه به این اصل و با به کارگیری تعالیم رسیده از احد و توجه به هر وحدتی که جامعه و مردم را به او برساند امکان پذیر خواهد بود. به این ترتیب است که می‌توان گفت مکان شهری ایرانی - اسلامی، فضای تذکر جامعه به عبودیت آنان در برابر خالق یکتا به طرق گوناگون است و فی الواقع همه چیز بر این اصل تأکید دارد (نقی زاده، ۱۳۷۷: ۵۱).
آزادی	ما به حقیقت راه را به او نمودیم حال خواهد شکر (این نعمت) گوید و خواهد (آن نعمت را) کفران کند (انسان: ۳). و اگر خدای تو (در مشیت ازلی) می‌خواست اهل زمین همه یکسره ایمان می‌آوردند، آیا تو می‌خواهی تا به جبر و اکراه همه را مؤمن و خداپرست گردانی (یونس: ۹۹)؟ و در آیه ۲۵۶ سوره بقره آمده است که: کار دین به اجبار نیست، تحقیقاً راه هدایت و ضلالت بر همه کس روشن گردیده ... (بقره: ۲۵۶). از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی آزادی از دیدگاه اسلام، یعنی رها شدن از بردگی و اطاعت غیر خدا (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۸۹).
عزت	عزت فضیلتی اخلاقی است که موجب استحکام روابط بین فردی و تنظیم روابط بر مبنای آموزه‌های دینی می‌شود. همچنین رفتارهای عزت‌منشانه مؤمن در جامعه اسلامی و پیوندهای وی در شبکه‌های اجتماعی موجب می‌گردد سرمایه اجتماعی درون گروهی در روابط و پیوندهای خرد و کلان در سطح جامعه ایمانی شکل بگیرد (صارمی و شیدایی، ۱۳۹۹: ۱۷۷). از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی، در فرهنگ دینی، قلمرو آزادی تا مرز تحصیل عزت انسانی و کمالات معنوی برای دنیا و آخرت است (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۵۴). در آیاتی از قرآن کریم، عزت از آن خدا دانسته شده و بیان می‌دارد هر کس طالب عزت است باید از خدا بخواهد. و سخن منکران خاطرات را غمگین نسازد، که هر عزت و اقتداری مخصوص خداست و او شنوا و داناست (یونس: ۶۵). بنابراین توسل به غیر خدا و گسستن از خداوند متعال، ذلت و در مقابل عزت دانسته می‌شود.

کیفیت	گزاره
کرامت انسانی	و محققاً ما فرزندان آدم را بسیار تکریم کردیم و آن‌ها را (بر مرکب) در بر و بحر سوار کردیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه آن‌ها را روزی دادیم و آن‌ها را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت کامل بخشیدیم (اسرا: ۷۰). بنابراین در قرآن کریم منشأ برتری انسان بر بسیاری از موجودات، کرامت او عنوان شده است. یعنی نوع انسان ذاتاً کریم خلق شده است. این در حالی است که انسان گرای معاصر، ضمن محدود شدن بر جنبه دنیوی حیات انسان، غفلت از جنبه معنوی و روحانی حیات، مطلق العنان دانستن وی و میزان و معیار و مرکز توجه شدن انسان یکی از مهم‌ترین عوامل بر هم زدن تعادل موجود در طبیعت بوده است (نقی‌زاده، ۱۳۹۵: ۲۰۷).
عفاف	صدقات مخصوص فقیرانی است که در راه خدا بازمانده و ناتوان شده‌اند و توانایی آنکه در زمین بگردند (و کاری پیش گیرند) ندارند و از فرط عفاف چنانند که هر کس از حال آن‌ها آگاه نباشد پندارد غنی و بی‌نیازند ... (بقره: ۲۷۳). (ای رسول ما) مردان مؤمن را بگو تا چشم‌ها (از نگاه ناروا) بپوشند و فروج و اندامشان را (از کار زشت با زنان) محفوظ دارند که این بر پاکیزگی (جسم و جان) آنان اصلح است، و البته خدا به هر چه کنید کاملاً آگاه است (نور: ۳۰). عفت، ملکه انقیاد و رام شدن قوه شهوت در پیشگاه عقل است به گونه‌ای که تحت امر و نهی آن قرار گیرد؛ یعنی آن‌جا که عقل مصلحت می‌داند اقدام کند و آن‌جا که عقل در آن مفسده می‌بیند پرهیز کند و هیچ‌گاه با اوامر و نواهی عقل مخالفت نکند. مقصود از تابع عقل بودن، نگه داشتن جانب اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط است (سبحانی‌نیا، ۱۳۹۳: ۱۴۴).
مشارکت و تعاون	در آیاتی از قرآن کریم به لزوم مشارکت شهروندان در آبادانی شهرها اشاره شده است. ... صالح به قوم خود گفت: ای قوم، خدای یگانه را که شما را جز او خدایی نیست پرستش کنید، او خدایی است که شما را از زمین بیافرید و برای عمارت و آباد ساختن آن برگماشت ... (هود: ۶۱) ... در نیکو کاری و پرهیزگاری یکدیگر را کمک کنید نه در گناه و تجاوز ... (مائده: ۲). مکان‌های شهری اسلامی باید بتواند در گسترش و تقویت مشارکت فعالانه شهروندان، نقش موثری ایفا کند و انسجام و همپوندی اجتماعی را سبب شود.
صلح	... پس از خدا پروا دارید و با یکدیگر سازش ننماید ... (انفال: ۱). لذا شاهدیم که اسلام در تعلیم اجتماعی خویش به صلح و صلاح و اصلاح، به ویژه در میان برادران دینی، با تعبیر "اصلاح ذات بین" تأکید کرده است. پایبندی به اصول صلح و صلاح و اصلاح به تقویت سرمایه اجتماعی منجر خواهد شد (صارمی و شیدایی، ۱۳۹۹: ۱۷۶).

مؤلفه مدیریتی در کیفیت مکان

مؤلفه مدیریتی و اصول مربوطه از آن‌جهت دارای اهمیت است که شهر اصولاً موجودیتی در حال شدن و تحول و دگرگونی و تغییر است. دلایل مختلفی در تحولات شهر دخالت دارند که اهم آن‌ها تغییرات فکری، تحول در علوم و فنون، تغییرات در شیوه زیست، تحولات فرهنگی و موضوعات پیش‌بینی نشده دیگر است و این مدیران شهری هستند که تصمیماتی درباره اجرای طرح‌ها و تغییرات آن‌ها اتخاذ می‌نمایند، طراحی مکان‌های شهری با کیفیت را تداوم می‌بخشند و ساختن مکان و تحولات مربوطه را هدایت می‌کنند (نقی‌زاده، ۱۳۹۵: ۲۱۹). حتی اگر فرض شود که مؤلفه‌هایی همچون ذهن، ریخت، کار کرد، طبیعت و ... به صورت نسبتاً خودجوش عامل ساخت مکان‌ها و ایجاد کیفیت‌های مربوطه هستند، چگونگی نگهداشت و بهره‌برداری مکان مستلزم فهم این ابعاد در ترکیب با مؤلفه مدیریت است (بهزادفر، ۱۳۹۹: ۱۰۳).

مدیریت شهر باید برای شهر، برنامه‌ریزی‌هایی را به انجام برساند که فعالیت‌های شهری را سازمان دهد و بر فعالیت‌های انجام‌شده نظارت کند و حتی برای انجام بهینه امور، انگیزش ایجاد نماید (سعیدنیا، ۱۳۷۹: ۲۱ - ۲۰) مکان‌سازی در مدار ارتقا کیفیت محیط به مدیریت به‌عنوان یک مؤلفه مؤثر توجه دارد که عامل و محرک سازندگی اجزا و کلیت مکان شهری است. مدیریت فضاهای عمومی یعنی هماهنگی بسیاری از فعالیت‌های مختلف که مشخصه و کیفیت فضای شهری را به‌طور مستمر تعریف و بازتعریف کرده و نقش خود را به این شکل در ارتقا کیفیت مکان ایفا می‌کند (کرمانا و همکاران، ۱۳۹۷). در این تعریف و بازتعریف کیفیت‌های مربوط به مؤلفه مدیریتی مکان در شهرهای ایرانی - اسلامی باید مدنظر قرار بگیرد. در جدول ۴ کیفیت مؤلفه مدیریتی در شهر ایرانی - اسلامی ارائه شده‌اند.

جدول شماره ۴: کیفیات مؤلفه مدیریتی در مدل کیفیت مکان شهر ایرانی - اسلامی

کیفیت	گزاره
اصلاح	و از رفتار رؤسای مسرف و ستمگر پیروی نکنید. که آن مردم در زمین همه گونه فساد می‌کنند و هیچ گونه به اصلاح نمی‌پردازند (شعرا: ۱۵۱ و ۱۵۲). اصلاح در قرآن، در مقابل فساد است. فساد یعنی ناسامانی ایجاد کردن و از حالت تعادل بیرون بردن (طباطبائی، ۱۳۴۶، ج ۲: ۹۸). فساد عبارت است از تغییر دادن هر چیزی از آنچه طبع اصلی آن اقتضا دارد و اصلاح، باقی ماندن هر چیزی است به مقتضای طبع اصلیش تا آنچه خیر و فایده در خور آن است بر آن مرتب گردد، بدون آن‌که به خاطر فسادش چیزی از آثار نیک آن تباہ گردد (طباطبائی، ۱۳۸۴، ج ۱۵: ۴۰۰). بنابراین اصلاح به‌عنوان یکی از ارکان فعالیت‌های انسانی که در جهت مقابله با هر گونه فساد و تباهی و کنترل فرایندها و پیشگیری از انحراف از اصول و مبانی، باید ملاک عمل مدیر شهر قرار گیرد. با توجه به آیه ۹۷ سوره نحل اصلاح که اصلی‌ترین مصداق آن عمل صالح است، جلوه‌هایی از حیات طیبه را برای جامعه به ارمغان می‌آورد (نحل: ۹۷).
حفاظت	حفاظت از مکان‌های شهری از موضوعاتی است که در زمینه‌های مختلف باید مورد توجه و ملاک عمل مدیران شهر قرار گیرد تا توسط آن، مکان شهری از انحطاط و گسست تاریخی و فرهنگی مصون باشد. همچنین حفاظت از مبانی و اصولی که طراح یک مکان شهری به وجود آورده است، باید در دستور کار مدیر شهری قرار گیرد. (نقی‌زاده، ۱۳۹۵: ۲۲۳).
فرآیندنگری	طراحی یک مکان شهری و به عبارت بهتر حرکت محیط و فضای زندگی انسان به سمت کمال و به بیان ساده، دگرگونی‌ها و تحولات مکان شهری یک فرایند است که مدام در حال شدن و تغییر و تحول است. نکته اینجا است که این تغییر و تحولات را باید به‌سوی کمال هدایت کرد. فرآیندنگری به طراحی مکان‌های شهری از سوی طراحان و مدیران، آنان را از جزم‌اندیشی، تک بعدی نگری و ماندن می‌رهاند و آن‌ها را به اتخاذ روش‌هایی هدایت می‌کند تا طرح حاصل، انعطاف‌پذیر و از آن بالاتر کمال‌گرا باشد (نقی‌زاده، ۱۳۹۵: ۲۲۷). بر اساس نظریه اصالت وجود و حرکت جوهری ملاصدرا نیز، حقیقت وجود دارای مراتبی است که مراحل حرکت را طی می‌کند و در هر مرحله از مراحل حرکت، تمام کمالات مراتب پیشین را داراست (کریمی و خانمحمدی، ۱۳۹۳: ۹۰ - ۹۱).

کیفیت	گزاره
پایش مداوم	فرایندی بودن طراحی شهری، تحولات فرهنگی، فنی، رویه ای اقتصادی، سیاسی، ابداعات، اختراعات و بسیاری از موضوعات و زمینه‌هایی که در دگرگونی شیوه زیست و به تبع آن در تغییرات فرهنگی و فکری جامعه ایفا نقش می‌کنند، از اصلی‌ترین دلایلی هستند که به استناد آن‌ها می‌توان ضرورت پایش طرح‌های طراحی و برنامه‌ریزی مکان‌های شهری و احتمال تغییر در آن‌ها را توجیه کرد (نقی‌زاده، ۱۳۹۵: ۲۳۰).
تقویت سرمایه‌های اجتماعی	یکی از مهم‌ترین مسائل در راستای حرکت جوهری جامعه و نیل به جامعه آرمانی، تولید و بازتولید سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی مجموعه ارزش‌هایی است که به واسطه فرایندهای اجتماعی و روابط میان شبکه‌های اجتماعی تولید و بازتولید می‌گردد (صارمی و شیدایی، ۱۳۹۹: ۱۸۰). موضوع سرمایه‌های اجتماعی، در واقع به مردم، به وحدت و یکپارچگی جامعه و وحدت آرمان‌ها و اهداف و مسیر آنان توجه دارد و از جمله مهم‌ترین سرمایه‌های اجتماعی را می‌توان هویت جمعی دانست (نقی‌زاده، ۱۳۹۵: ۲۳۰). بنابراین تقویت سرمایه‌های اجتماعی برای تقویت هویت جمعی از طریق حفاظت، اصلاح و پایش فضاهای شهری باید در دستور کار مدیر شهری قرار بگیرد.
تقویت معنوی	تقویت معنوی جامعه باید به صورت معنویت گرایی بر سامانه فکری طراح مکان‌های شهری و مدیر شهر حاکم باشد. در واقع آن‌ها باید به شکل یک آرمان، در اندیشه تقویت معنوی جامعه باشند (نقی‌زاده، ۱۳۹۵: ۲۲۵). بنابراین حفاظت، اصلاح و پایش مداوم فضاهای شهری باید رو به سوی تقویت معنویت در جامعه داشته باشد.
مسئولیت پذیری	محیط اسلامی پرورش دهنده و محرک چنین اعتقادی است که هر عملی نتیجه ای دربر دارد و یک فرد یا یک اجتماع باید مداوماً خود را مورد بررسی قرار دهد (حیدر، ۱۳۶۳: ۲۲). بنابراین طراح و مدیر شهری نیز باید در قبال عمل خود و تاثیرات آن بر فضای شهری مسئول باشند.
جامع نگری	جامع نگری عبارت از مدنظر قرار دادن همه موضوعات مربوط به یک پدیده می‌باشد؛ چراکه غفلت از حتی یک موضوع می‌تواند وحدت و کلیت و جامعیت آن پدیده را خدشه دار نماید (نقی‌زاده، ۱۳۹۵: ۲۲۸).

مؤلفه کارکرد در کیفیت مکان

مؤلفه کارکرد، بر وضعیتی دلالت می‌کند که از انواع کنش‌های ممکن و محتمل برمی‌آید. در حرفه - دانش مکان‌سازی، کنش‌ها در قالب کاربری زمین، حمل و نقل، تأسیسات و تجهیزات و ابعاد اقتصادی متبلور می‌شود، این مؤلفه به چگونگی کار کردن

مکان‌های شهری و اینکه طراحان چگونه می‌توانند بر کارایی مکان‌ها تأثیر بگذارند، می‌پردازد (کرمونا و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۲۷). کیفیات مربوط به مؤلفه کارکرد مکان در شهرهای ایرانی - اسلامی در جدول ۵ آمده است.

جدول شماره ۵: کیفیات مؤلفه کارکرد در مدل کیفیت مکان شهر ایرانی - اسلامی

کیفیت	گزاره
عدالت	علامه طباطبایی در تعریف عدالت می‌فرماید: عدالت در لغت به معنی اعتدال بین عالی و دانی و میانه بین دو طرف افراط و تفریط است (طباطبایی، ۱۳۶۲، ۲۵، ذیل ماده: ۱۰۶ - ۱۰۹). در سخن ایشان عدل به عنوان ویژگی بارز آراستگی و آبادی مجتمع‌های انسانی مطرح شده و آراسته ترین مکان‌ها آنجاست که در آن عدالت باشد و از آن آبادتر نخواهی یافت (طباطبایی، ۱۳۶۱: ۱۴۹). فلذا فضای شهری در شهر ایرانی - اسلامی، باید فضایی در جهت برقراری عدالت اجتماعی و عدم رجحان طبقاتی باشد. در این راستا باید عملکردها در جهت مساوات و برقراری عدالت اجتماعی در فضا باشد (سجادزاده، ۱۳۹۲: ۲۹). رعایت عدل در ایجاد یک مجموعه عبارت است از انتخاب مکان و واگذاری نقشی خاص به هر عضوی از مجموعه شهر، ساختمان، فضای شهری یا هر اثر انسانی به گونه ای که بهتر از آن ممکن نباشد (نقی‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۵۹).
تعادل	تعادل یکی از مشتقات یا تجلیات عدل است که می‌توان از آن به عنوان مصداق بارز تجلی عینی و کالبدی عدل یاد کرد (نقی‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۵۸). تعادل به معنی آن است که هر چیز در مکان مناسب، به اندازه لازم و در زمان مناسب قرار گیرد (بحرینی، ۱۳۸۲: ۴۰۶). در توصیف ویژگی‌ها و معنای خلقت آمده است: خلقت هر چیز به معنای گردآوری آن و در جای خود قرار دادن هر جزء است به نحوی که اثر مطلوب را از هر جای دیگر بهتر بدهد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۸۴). بنابراین برای خلق یک مکان شهری با کیفیت باید به اصل تعادل پایبند بود.
اندازه	... و همه موجودات را او خلق کرده و حد و قدر هر چیز را معین فرموده است (فراقان: ۲). و هیچ چیز در عالم نیست جز آنکه منبع و خزانه آن نزد ماست ولی ما از آن بر عالم خلق الا به قدر معین فرو نمی‌فرستیم (حجر: ۲۱). خدا امرش را نافذ و روان می‌سازد و بر هر چیز قدر و اندازه‌ای مقرر داشته است (طلاق: ۳). خداوند تبارک و تعالی آنچه را خلق کرده با اندازه مخصوص و حدود معین بوده هم در ذات و هم در صفاتش و هم در کارش و آن را با جهازی مشخص کرده که با آن اندازه‌ها مناسب باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۸۹). بنابراین اندازه نیز از مقولاتی است که مرعی داشتن آن در طراحی‌ها و برنامه‌ریزی‌ها حرکتی به سمت ایجاد تعادل در مکان‌های شهری می‌شود. اندازه نگه داشتن، در واقع تعیین کننده و مروج الگوی مصرف مناسب برای همه چیز در شهر است. علاوه بر آن توجه به اندازه لزوم رعایت تناسب‌های مختلف را در زمینه‌های عملکرد و شکل‌ها و ارزش‌ها و ابعاد ضروری می‌سازد (نقی‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۸). توجه به اندازه، علاوه بر آن که خود فی نفسه دارای ارزش است در معنا بخشیدن به بسیاری از اصول همچون نسبت و تناسب و تعادل و میانه روی، توازن و هماهنگی، حد و حریم و قلمرو نقشی در خور توجه ایفا می‌کند (نقی‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۶۸). ارسطو نیز در توضیح زیبایی می‌گوید: مسئله اندازه و نظم است (کاپلستون، ۱۳۶۸: ۲۹۱ به نقل از نقی‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۶۸).
حد	امیرالمومنین علیه السلام می‌فرماید که خداوند تبارک و تعالی حدود اشیا را هنگام آفریدن هر یک تعیین فرمود تا خود از شبیه و مانند بودن به آن‌ها امتیاز داشته باشد (سید رضی، ۱۳۹۰، ۵۲۲) یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های عناصر، عملکردها و مکانهای شهر اسلامی عبارت از تعریف و تعیین حدود آن‌ها به وضوح و روشنی است به گونه‌ای که هرگونه شبهه‌ای در نامحدود بودن آن‌ها منتفی گردد. بی‌حدومرز بودن مکان‌ها ممکن است در شهرها سبب از بین رفتن خلوت و آرامش مورد نیاز افراد ساکن در یک مکان خاص تعریف شده شود (نقی‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۸).
میانه روی	میانه‌روی به عنوان تجلی عینی تعادل در همه زمینه‌های معنوی و مادی حیات، صفتی است که در صورت رعایت می‌تواند در اتصاف شهری به صفت اسلامی نقشی ارزنده ایفا نماید (نقی‌زاده، ۱۳۷۷: ۴۷). علامه طباطبایی با اشاره به عبارت "امت وسط" در قرآن، امت اسلامی را امت وسط می‌داند؛ امتی که در صراط مستقیم در حرکت است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های جامعه مطلوب را در اندیشه وی می‌توان اعراض از لغو و بهبودگی دانست (طباطبایی، ۱۳۶۲: ۴۶۷).

کیفیت	گزاره
تنوع عملکردی	از آنجا که مشابهت بیش از حد موجب یکنواختی و دلزدگی می‌شود، نیاز به تنوع نیز هست (صارمی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۳). نقش تنوع در طراحی مکان‌های شهری به حدی دارای اهمیت است که برای رسیدن به آن برخی از افراد را به‌طور ناخودآگاه گمان بر این است که بی‌نظمی نیز خود نوعی زیبایی را به ارمغان می‌آورد (نقی‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۶۴). بی‌نظمی که ضد یا مخالف نظم است، به آن جهت گاهی جالب می‌شود که جریان منظم یک عده واحدها یا رویدادها وقتی که خیلی تکرار می‌شود و استمرار طولانی پیدا می‌کند، موجب ملالت خاطر می‌گردد و احساس لذت از بروز ناگهانی بی‌نظمی در این گونه موارد مستند به بعد تنوع طلبی آدمی است، نه این که بی‌نظمی یکی از پدیده‌های زیبایی است (جعفری تبریزی، ۱۳۶۹: ۲۰۹).
مسجد محوری	در شهرهای اسلامی، مساجد به سبب پیشینه قوی در زمینه عملکردهای اجتماعی و اهمیت کالبدی در شهر، خود، همواره به‌عنوان یک فضای شهری تأثیرگذار در میان فضاهای شهری دیگر مطرح بوده‌اند. در طول تاریخ اسلام، مساجد در زندگی جمعی مسلمانان نقش مهمی داشته‌اند؛ شاید بتوان گفت در مقاطعی از تاریخ اسلام، مساجد یکی از مهم‌ترین و منحصر به فردترین عوامل بروز زندگی جمعی بوده و به نوعی برقرارکننده ارتباط میان زندگی جمعی و مادی انسان و زندگی عبادی و فردی بوده‌اند (تقوایی و معروفی، ۱۳۸۹: ۷۱ - ۷۲). در ایران مساجد از دیرباز نقش مهمی در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و کالبدی ایفا نموده‌اند. آن‌ها از یکسو محل برگزاری مراسم عبادی بوده‌اند و از سوی دیگر مکانی که زندگی اجتماعی ساکنان محلات را ساماندهی می‌کرده و به حل و فصل امور مردم می‌پرداخته‌اند (امین‌زاده، ۱۳۷۸، ۲۸۲).
انعطاف پذیری	مکان‌هایی که بتوانند برای منظوره‌های متنوعی به کار آیند، در مقایسه با مکان‌هایی که برای کاربری مشخص و محدودی طراحی شده‌اند، حق انتخاب‌های بیشتری را به کاربران عرضه می‌دارند. این امر به میزان انعطاف پذیری مکان‌ها بستگی دارد (بنتلی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۵۵). ایجاد مکانهای انعطاف پذیر و برنامه ریزی و طراحی برای ارتقا کارایی، ضمن آن که حداکثر بهره‌گیری از امکانات موجود مکان را تضمین می‌کند، موجب حیات، سرزندگی و فعالیت مداوم مکان‌های شهری و پاسخگویی به بسیاری از نیازهای مردم می‌شود (نقی‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۸۸).
پرهیز از مزاحمت	در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) آمده است که: آزار خود را از مردم باز دار، که این صدقه‌ای است که بر خویشتن اتفاق و تصدق می‌کنی (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۷۲: ۵۴). لذا مسئله حقوق شهروندی از جمله مسائلی است که در اسلام بسیار مورد توجه قرار گرفته است. در این زمینه یکی از مواردی که در ارتباط با حق الناس مطرح بوده و در علوم فقهی نیز تأکید فراوانی بر آن صورت گرفته است؛ جلوگیری از ایجاد ضرر و زیان برای دیگران به‌واسطه افعال فرد می‌باشد. اهمیت این موضوع تا حدی است که یک قاعده فقهی تحت عنوان قاعده لاضرر و لاضرار در این خصوص مطرح شده و بر اساس آن فرد مسلمان از هرگونه آسیب‌رسانی به جان و مال دیگران منع شده است (محقق داماد، ۱۳۹۳: ۲۷). این موضوع در بعد اجتماعی زندگی افراد بسیار قابل توجه است؛ به این معنی که افراد نسبت به همسایگان خود و افرادی که در سطح جامعه با آن‌ها در ارتباط هستند؛ دارای وظایفی بوده و هرگونه تعرض به آن‌ها چه از منظر ملکی و چه از منظر اجتماعی، خلاف شرع و جرم محسوب می‌شود (حیدری و قاسمیان، ۱۳۹۸: ۹۱). بنابراین پرهیز از مزاحمت را باید به‌عنوان اصلی از اصول کیفیت یک فضای شهری نیز در نظر گرفت.

صورت است (بهزادفر، ۱۳۹۹: ۹۴). فضا به هر آنچه غیر از توده است مربوط بوده و به بخش غیرتوده‌ای مکان اطلاق می‌شود؛ لذا عرصه‌های همگانی می‌تواند فضا تلقی شود. در امر مکان‌سازی، فضا گستره‌ای خالی است که بستر جریان دهنده و بنیاد مکان عینی را می‌سازد (همان، ۹۳). کیفیت مربوط به مؤلفه ریخت مکان در شهرهای ایرانی - اسلامی در جدول ۶ آمده است.

مؤلفه ریخت در کیفیت مکان (توده و فضا)

ریخت، شامل توده و فضا در ترکیب با یکدیگر و به‌مثابه مکمل همدیگر از الزامات آغازین فهم مکان در طراحی هستند. ریخت شهر مبین کلیه داده‌ها و آگاهی‌هایی است که از ظاهر توده‌ها و فضاهای شهری برمی‌آیند. هرچند طراحان حوزه مکان‌سازی، غالباً به ظاهر توده توجه می‌کنند اما، کالبد معمولاً به تمامی جنبه‌های توده اطلاق می‌شود که هم شامل محتوا و هم شامل

جدول شماره ۶: کیفیت مؤلفه ریخت در مدل کیفیت مکان شهر ایرانی - اسلامی

کیفیت	گزاره
نظم و وحدت محیط	با الهام از آیات قرآن و زیبایی حاکم بر جهان آفرینش پی به نظام‌مند بودن آن می‌بریم و به‌نوعی وحدت را کیفیت مسلط بر خلقت می‌یابیم (صارمی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۳). در تجلی کامل تبلور اصل وحدت فضایی، معیارهای پیوستگی فضایی، تمرکز و سادگی مبین این اصل هستند. این سه معیار دربردارنده سه مفهوم اساسی تداوم، مرکزیت و بساطت است که همگی در ایجاد وحدت فضایی نقش ایفا می‌کنند (انصاری و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۳). مهم‌ترین جنبه بصری وحدت این است که باید کل، نسبت به اجزا غالب باشد. برای رسیدن به این منظور باید قبل از هر چیز به کل توجه کرد تا تمام جزئیات به یک سازمان تبدیل شوند (صارمی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۳).
کثرت	از آنجا که مشابهت بیش از حد، موجب یکنواختی و دلزدگی می‌شود، نیاز به تنوع نیز هست (صارمی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۳). وجود تنوع و تکثر در اجزا و پدیده‌های جهان، نقشی اساسی در پاسخگویی و تامین نیازهای انسان دارد (نقی‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۶۴). از دیدگاه علامه جعفری، حیات انسانی با داشتن مغز و روان معتدل از یکنواختی دیدگاه، احساس رکود و افسردگی می‌نماید، اگرچه دیدگاه او زیباترین منظره طبیعی یا اثر هنری بوده باشد (جعفری تبریزی، ۱۳۶۹: ۲۰۴).
وحدت در کثرت	پدیده وحدت در کثرت وابسته به فلسفه نظم‌گیتی است و به‌طور نمادین آنچه را که برای ساختن جهان ضروری است نمایش می‌دهد و این استعاره‌ای از نظم جهانی است. هنر اسلامی نتیجه تجلی وحدت در کثرت و دستیابی به اندیشه توحیدی است و همیشه به کمک وحدت بصری، توحید و یگانگی را به نمایش گذاشته است تا با تمام توان آدمی را به سوی ذکر توحید سوق دهد (صارمی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۴). ظهور و نمایش تنوع و بهره‌گیری از آن به‌عنوان یکی از راه‌های پاسخگویی به نیازهای مختلف انسان، یکی از ثمرات یا عملکردها به کارگیری و رعایت اصل وحدت در کثرت در تنظیم روابط اجزاء یک شهر است (نقی‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۶۴).

کیفیت	گزاره
تنوع فضایی و کالبدی	از آنجا که مشابهت بیش از حد موجب یکنواختی و دلزدگی می‌شود، نیاز به تنوع نیز هست (صارمی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۳). نقش تنوع در طراحی فضاهای شهری به حدی دارای اهمیت است که برای رسیدن به آن برخی از افراد را به‌طور ناخودآگاه گمان بر این است که بی‌نظمی نیز خود نوعی زیبایی را به ارمغان می‌آورد (نقی‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۶۴). بی‌نظمی که ضد یا مخالف نظم است، به آن جهت گاهی جالب می‌شود که جریان منظم یک عده واحدها یا رویدادها وقتی که خیلی تکرار می‌شود و استمرار طولانی پیدا می‌کند، موجب ملالت خاطر می‌گردد و احساس لذت از بروز ناگهانی بی‌نظمی در این گونه موارد مستند به بعد تنوع طلبی آدمی است، نه این که بی‌نظمی یکی از پدیده‌های زیبایی است (جعفری تبریزی، ۱۳۶۹: ۲۰۹).
تعادل	تعادل یکی از مشتقات یا تجلیات عدل است که می‌توان از آن به‌عنوان مصداق بارز تجلی عینی و کالبدی عدل یاد کرد (نقی‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۵۸). تعادل به معنی آن است که هر چیز در مکان مناسب، به اندازه لازم و در زمان مناسب قرار گیرد (بحرینی، ۱۳۸۲: ۴۰۶). در توصیف ویژگی‌ها و معنای خلقت آمده است: خلقت هر چیز به معنای گردآوری آن و در جای خود قرار دادن هر جزء است به‌نحوی که اثر مطلوب را از هر جای دیگر بهتر بدهد (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۱۸۴). بنابراین برای خلق یک مکان شهری با کیفیت باید به اصل تعادل پایبند بود.
توازن و تناسب	توازن یکی از اصولی است که می‌تواند در جهت تکمیل تعادل ایفای نقش نمایند. در قرآن کریم آمده است که همه چیز موزون خلق شده است (حجر: ۱۹) از دیدگاه شهید مطهری یکی از معانی عدل نیز موزون بودن می‌باشد. در مورد مفهوم موزون بودن عدل می‌توان گفت: اگر مجموعه‌ای را در نظر بگیریم که در آن اجزاء مختلفی به کار رفته است و هدف خاصی از آن منظور است، باید شرایط معینی در آن از حیث مقدار لازم هر جزء و از لحاظ کیفیت ارتباط اجزاء با یکدیگر رعایت شود و تنها در این صورت است که آن مجموعه می‌تواند باقی بماند و اثر مطلوب خود را بدهد و نقش منظور را ایفا نماید (مطهری، ۱۳۶۷: ۵۹). علاوه بر مسائل کالبدی، توازن و تعادل عوامل مهمی در بروز و تجلی زیبایی هستند. به اجمال می‌توان گفت که هر چه را که موزون و متعادل باشد و هدف از وجود خویش را به بهترین نحوه به منصف ظهور رساند می‌توان زیبا نامید. به عبارت دیگر این اصل نیز همچون قالب اصول دیگر به نحوی می‌تواند زیر مجموعه اصل اساسی عدل یا تعادل به شمار آید (نقی‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۹).
تواضع	در سوره لقمان آیه ۱۸ آمده است: ... که خدا هر گز مردم متکبر خودستا را دوست نمی‌دارد (لقمان: ۱۸). اسلام مشی در زمین به تفاخر و غرور را نفی نموده و بالعکس تواضع و فروتنی را توصیه می‌کند (اسراء: ۳۷، حدید: ۲۳، فرقان: ۶۳).
زیبایی بصری	آیات متعددی از قرآن مجید زیبایی‌ها را به خدا نسبت می‌دهد و حتی محروم کردن انسان‌ها از زیبایی را مورد توبیخ قرار می‌دهد. بگو چه کسی زینت‌های خدا را که برای بندگان خود آفریده حرام کرده و از صرف رزق حلال و پاکیزه منع کرده؟ بگو این نعمت‌ها در دنیا برای اهل ایمان است و خالص اینها (یعنی لذات کامل بدون الم، و نیکوتر از این‌ها) در آخرت برای آنان خواهد بود. ما آیات خود را برای اهل دانش چنین مفصل و روشن بیان می‌کنیم (اعراف: ۳۲). علامه طباطبائی در تعریف زینت می‌فرماید: زینت هر چیز زیبا و دوست‌داشتنی است که زمینه چیز دیگری شده به آن زیبایی می‌بخشد و مرغوب و محبوب قرار می‌دهد. طالب زینت، به طمع رسیدن به آن حرکت می‌کند و در نتیجه از فواید آن چیز هم منتفع می‌شود (طباطبائی، ۱۳۷۸: ۱۶۷). بنابراین زیبایی بصری فضای شهری موجبات جاذبه آن برای شهروندان و منتفع شدن از سایر ارزش‌های فضای شهری را موجب می‌گردد.
پرهیز از لغو و بیهودگی	در قرآن کریم پرهیز از لغو و بیهودگی، مایه پیروزی دانسته می‌شود: همانا اهل ایمان به پیروزی و رستگاری رسیدند. آنان که در نماز خود خاضع و خاشعند. و آنان که از لغو و سخن باطل اعراض و احتراز می‌کنند (مومنون: ۱-۳). و اسراف مکنید، که خدا مسرفان را دوست نمی‌دارد (اعراف: ۳۱). انجام هر عمل و همچنین ایجاد هر شی لغو و باطل و بیهوده جنبه‌های از فساد در زمین و اسراف است و این صفتی است که طبق تعالیم قرآنی مسلمین بایستی از آن اجتناب ورزند. بنابراین یکی از اصولی که باید مورد توجه طراحان و برنامه ریزان شهری قرار گیرد اجتناب از لغو و باطل و بیهودگی است (معماریان، ۱۳۹۵: ۳۰). هر فضا و عنصری که در شهر ایجاد می‌شود بایستی بگونه هدفمند در خدمت انسان و رشد و تعالی او باشد و نه تنها بر ضد این‌ها عمل نکند که حتی حالتی خنثی نیز به خود نداشته باشد تا شکل اسراف به خود نگیرد (نقی‌زاده، ۱۳۷۹: ۳۱).
بومی‌گرایی	یکی از مصادیق شکر می‌تواند این باشد که فضاهای شهری و عملکردهای پیرامونی، رنگ و بوی فرهنگ خودی بگیرند (نقی‌زاده، ۱۳۷۷: ۵۶). بومی‌گرایی را می‌توان یکی از نشانه‌های عینی شکرگذاری دانست.
خوانایی	خوانایی کالبدی به‌عنوان یکی از ارکان پاس‌سختی و مطلوبیت مکان‌های شهری، ادراک و نحوه استفاده و رضایتمندی کاربران مکان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد (ضرغامی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۷). کیفیت خوانایی را می‌توان بعد مادی هدایت‌کنندگی مکان‌های شهری دانست (نقی‌زاده، ۱۳۷۷: ۵۳).
هویت‌مندی	هویت بیانگر ویژگی‌های هر فرد یا پدیده‌ای است (بمانیان و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۰) و حاصل احساسات ذهنی از وجود هر روزه او و ارتباطات گسترده اجتماعی است که نیازمند مکانی برای شکل‌گیری است (پورجعفر و هاشمی، ۱۳۹۰: ۱۲). این امر باعث ایجاد تشابه در یک فرد، قوم یا ملت و در مقابل باعث تمایز بین افراد و گروه‌ها می‌شود (اکبری، ۱۳۸۷: ۲۲۰). چنانکه از دیدگاه اسلام، سرچشمه و پدید آورنده همه هویت‌ها و چیزها، او است. این تنها خداوند است که هر چیزی را می‌آفریند و اوست که ماهیات را هستی می‌بخشد (نقره‌کار، ۱۳۸۷: ۷۸). هویت کالبدی به معنای صفات و خصوصیات است که جسم شهر را از غیر، متمایز کرده و شباهتش را با خودی آشکار می‌کند (میرمقداپی، ۱۳۸۳: ۳۷). در بحث هویت‌مندی فضاهای شهری، عناصر و فضاهای طراحی شهر در یک مکان، آینه‌ای جلوه‌گر می‌شوند که انسان، خویش و فرهنگ و ارزش‌ها و حیات خود را در آن آینه منعکس می‌بیند. خویش را جزئی از آن‌ها و آن‌ها را جزئی از خویش می‌داند (نقی‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۳۷).

مؤلفه طبیعت در کیفیت مکان

نگرش قرآن به طبیعت، مبتنی بر هماهنگی با طبیعت است که آغاز انسان را بر خاسته از همین طبیعت می‌داند. ماهیت او در آغاز با طبیعت یکی است، اما انسان در پیمایش راه زندگی از طبیعت فراتر می‌رود و در پایان، ماهیتی فراطبیعی می‌یابد. در این دیدگاه، طبیعت بستر رشد و تعالی انسان از یک پدیده زمینی به یک پدیده فرازمینی است (نقره‌کار، ۱۳۸۱). تفکر اسلام تمام گستره طبیعت را به‌عنوان سجده‌گاه و محل عبادت انسان معرفی می‌کند. بنابراین طراحی مکان‌ها باید پاکیزگی و آرامشی را که طبیعت تأمین می‌کند در مکان‌های شهری فراهم آورد. تعالیم

اسلامی، مسلمین را به این نکته بنیادین یادآور می‌گردد که تماس با طبیعت و تفکر و مذاقه در آن احساس تذکر را در انسان به وجود آورده و مطمئناً او را به‌سوی شناختی بهتر و آگاهانه‌تر نسبت به اصول اساسی اسلام همچون توحید رهنمون خواهد کرد. پس شناخت مخلوقات از جمله عناصر طبیعی و تعاریفی که از آن‌ها می‌شود طبیعتاً نمایشگر تفکر اسلامی خواهد بود زیرا نظر هر تمدنی نسبت به طبیعت، انعکاس و نتیجه نظر آن تمدن درباره حقایق ملکوتی خواهد بود (امین‌زاده، ۱۳۷۹: ۵۵ - ۵۴). کیفیت مربوط به مؤلفه طبیعت مکان در شهرهای ایرانی - اسلامی در جدول ۷ آمده است.

جدول شماره ۶: کیفیت مؤلفه ریخت در مدل کیفیت مکان شهر ایرانی - اسلامی

کیفیت	گزاره
وحدت با طبیعت	تعالیم قرآنی عناصر طبیعی را آیات و نشانه‌های قدرت و علم الهی و ابزار و وسیله شناخت اصولی چون توحید و معاد می‌شمارد. همه این‌ها لزوم ارتباطی نزدیک و مداوم بین انسان و طبیعت را ضروری می‌نماید تا امکان بهره‌گیری از این آیات الهی و تفکر در آن‌ها فراهم آید (نقی‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۹ - ۲۰). از طرفی از آنجایی که زندگی انسان در طبیعت در جریان است، برای تولید آثار مختلف از منابع طبیعی استفاده می‌شود و هر گونه فعالیت انسانی بر طبیعت اثر می‌گذارد، توجه به طبیعت و اهتمام در پیشگیری از تخریب آن و در یک کلام همزیستی با طبیعت و عناصر طبیعی اصلی است که در همه فعالیت‌های انسانی و از جمله در طراحی شهر و فضاهای شهری باید ملاک عمل قرار گیرد (نقی‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۸۹). بنابراین شیوه ارتباط با طبیعت در فضاهای شهری اصل مهمی است چراکه نظر هر تمدنی نسبت به طبیعت انعکاس و نتیجه نظر آن تمدن درباره حقایق آسمانی و ملکوتی است (امین‌زاده، ۱۳۷۹: ۵۵ - ۵۴).
بهره‌گیری از عناصر طبیعی	یکی از اصلی‌ترین موضوعاتی که در طراحی شهری باید مورد توجه قرار گیرد، بهره‌گیری از عناصر طبیعی در فضاهای شهری می‌باشد. در آیه ۱۵ سوره مائده آمده است: ای اهل کتاب، تحقیقاً رسول ما به سوی شما آمده که حقایق و احکام بسیاری از آنچه از کتاب آسمانی را پنهان می‌دارید برای شما بیان می‌کند و از سر بسیاری (از خطاهای شما) درمی‌گذرد. همانا از جانب خدا برای (هدایت) شما نوری (عظیم) و کتابی آشکار آمد (مائده: ۱۵) در سوره حجر آیه ۲۲ آمده است: و ما بادهای باردار کننده (رحم طبیعت) را فرستادیم، آن‌گاه باران را از آسمان فرود آوردیم تا به آن آب، شما را سیراب گردانیدیم و اگر نه شما نمی‌توانستید آب‌هایی (برای وقت حاجت خود در هر جای زمین از کوه و دره و بیابان و صحرا) منبع ساخته و جاری سازید (حجر: ۲۲). در سوره انعام آیه ۹۹ آمده است: و هم اوست خدایی که از آسمان آبی فرو بارید پس هر نبات را بدان رویانیدیم و سبزه‌ها را از زمین برون آوردیم و از آن سبزه‌ها دانه‌هایی که بر روی هم چیده شده بیرون آریم و از شکوفه نخل خوشه‌هایی است به هم پیوسته و باغ‌های انگور و زیتون و انار که برخی شبیه و برخی نامشابه به هم است (خلق کنیم)، شما در آن باغ‌ها هنگامی که میوه آن پدید آید و برسد (با چشم تعقل) بنگرید، که در آن آیات و نشانه‌هایی (از قدرت خدا) برای اهل ایمان هویدا است (انعام: ۹۹).
اهمیت فضای سبز در شهر	در سوره سبا آیه ۱۵ آمده است که: و برای (اولاد و قوم) سبا در وطنشان (سرزمین یمن و شام) از راست و چپ (جنوب و شمال) دو سلسله باغ و بوستان آیتی (از لطف و رحمت حق) بود (همه پر نعمت، و به آن‌ها گفتیم که) بخورید از رزق خدای خود و شکر وی به جای آرید، که مسکنتان شهری نیکو و پر نعمت است و خدای شما غفور (و مهربان) است (سبا: ۱۵). در آیات ۱۰ تا ۱۲ سوره الرحمن نیز آمده است: و زمین را (با هزاران نعمت) برای (زندگانی) خلق مقرر فرمود. که در آن میوه‌های گوناگون و نخل خرمای با پوشش برگ و شکوفه و غلاف است. و هم حبوبات متنوع که دارای برگ و گل است و نیز ریاحین است (الرحمن: ۱۰ - ۱۲). و در آیات ۲۷ تا ۲۹ سوره واقعه آمده است: و اصحاب یمن هم چه خوش روزگارند! در سایه درختان سدر پرمیوه بی‌خار. و درختان پربرگ سایه‌دار (واقعه ۲۷ - ۲۹). آیت‌الله جوادی آملی در آرمانشهر خود توسعه و رونق فضای سبز و آبادانی را از وظایف کارگزاران پیشرفت صنعت یاد می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۰: ۱۹۵)
تعادل	تعادل یکی از مشتقات یا تجلیات عدل است که می‌توان از آن به‌عنوان مصداق بارز تجلی عینی و کالبدی عدل یاد کرد (نقی‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۵۸). تعادل به معنی آن است که هر چیز در مکان مناسب، به اندازه لازم و در زمان مناسب قرار گیرد (بحرینی، ۱۳۸۲: ۴۰۶). در توصیف ویژگی‌ها و معنای خلقت آمده است: خلقت هر چیز به معنای گردآوری آن و در جای خود قرار دادن هر جزء است به‌نحوی که اثر مطلوب را از هر جای دیگر بهتر بدهد (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۱۸۴). بنابراین برای خلق یک مکان شهری با کیفیت باید به اصل تعادل پایبند بود.
حفظ محیط زیست	آیت‌الله جوادی آملی در آرمانشهر خود به حفظ محیط‌زیست توجه دارد و حتی توسعه و رونق فضای سبز و آبادانی را از وظایف کارگزاران پیشرفت صنعت یاد می‌کند: صنایع تجربی موظفند در راستای تأمین سعادت و سلامت همه بشر جهت‌گیری کنند؛ چنانکه مکلفند حقوق طبیعی هر موجود دیگر را اعم از دریا و آبریان، جنگل و چهارپایان، هوا و پرندگان و استنشاق‌کنندگان از آن و نیز هر پدیده طبیعی دیگر را رعایت نمایند و هرگز به هلاکت نسل رضایت ندهند و از منابع نیز به گونه‌ای استفاده کنند که نیازهای نسل آتی نادیده گرفته نشود (جوادی آملی، ۱۳۸۰: ۱۹۵).

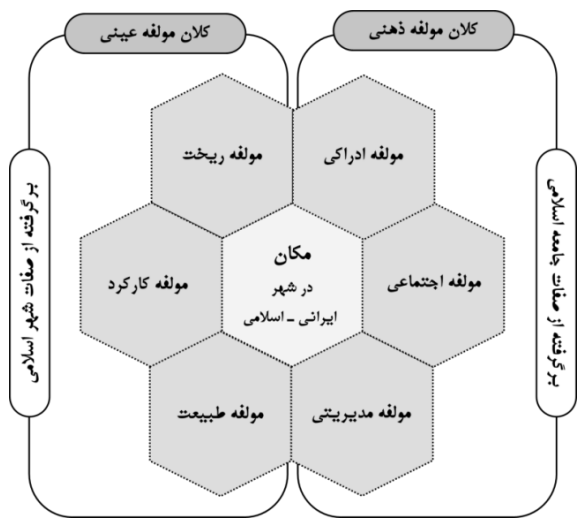
نتیجه گیری

تعاملات اجتماعی یکی از اصلی ترین موضوعاتی است که به انحاء مختلف مورد عنایت مکاتب فکری و اجتماعی مختلف از جمله اسلام بوده و در شکل دادن به وحدت و هویت جمعی یک جامعه نقشی درخور توجه دارد. برای تقویت تعاملات اجتماعی که به مبادلات فکری و ارتباط آحاد جامعه و احراز هویتی واحد و ایجاد تشکلهایی همچون امت، ملت، جامعه و اجتماع و ایجاد زمینه های همکاری و همفکری و احساس در جمع و با جمع بودن مربوط می شود، راه ها، ابزارها و شیوه های گوناگونی قابل طرح است که یکی از بهترین و مؤثرترین آنها خلق و در دسترس بودن فضاهای عمومی و مکان های شهری با کیفیت بالا می باشد. مکان هایی که بنا بر مبانی و مختصات فرهنگی و اعتقادی مردم، در هر جامعه ای ویژگی های خاص خود را دارند. این مکان ها از آن جهت اهمیت دارند که برخلاف برخی از وسایل ارتباط جمعی، ارتباطی حقیقی و نه مجازی، ارتباطی دوسویه و نه یک سویه، زمینه گفتگو به معنای دیالوگ و نه مونولوگ، امکان بحث، زمینه توسعه و تکامل و پویایی فرهنگی، زمینه وحدت اجتماعی و بستر هویت ملی را از طریق ایجاد ارتباطات رودرو و معقول و منطقی و مطلوب بین مردم فراهم می کنند. به علاوه با فراهم آوردن امکان برپایی مطلوب آیین ها و جشن ها و مراسم مختلف، این مکان ها به تقویت خاطره های جمعی، پایدار نمودن آیین ها و جشن ها و مراسم مختلف و ایجاد آثار ملی و بومی کمک شایان توجهی می کنند.

و اما در ارتباط با واقعیت ها و حقیقت های اشیا و پدیده ها و از آن جمله مکان، در تفکر اسلامی، دو رویکرد وجود دارد: رویکرد نخست، رویکردی است که در آن واقعیت اشیا و موجودات را نهفته در ماهیت و یا چیستی آن ها می دانند که برای ادراک آن از حس و عقل کمک گرفته می شود. رویکرد دیگر، رویکردی است که اصل را بر وجود و هستی شی یا موجود دانسته که در این میان شهود، نقشی اساسی را ایفا می نماید. رویکرد سومی نیز وجود دارد که واقعیت و معنای یک شی را حاصل وحدت ماهیت و وجود و یا عین و ذهن دانسته و آن را در ارتباط با نظریه «اصالت پدیداری معنا» بیان می دارد.

بر همین مبنا، فضای ادراک شده در شهر ایرانی - اسلامی، حاصل گفتگویی بین ذهن و اجتماع است و استخراج و استنباط و القای معنای فضای شهری در شهر ایرانی - اسلامی بدون پیوند مفاهیم وجودی اجتماع و ذهن با مکان، منجر به رویکردهایی سطحی نسبت به واقعیت مکان های شهری در شهر ایرانی - اسلامی می شود. حضور انسان در مکان های شهری به معنای اتصال به وجودی جمعی است. از این رو کیفیت تعاملات حاصل از کیفیت مکان مطرح شده در غرب، با کیفیت ذهنی در رویکرد اسلامی، در بیان واقعیات تعاملات انسان با مکان کارایی لازم را نخواهد داشت. فلذا در پژوهش حاضر با هدف کشف مؤلفه های کیفیت مکان در شهر ایرانی - اسلامی که از طرفی متناسب با کیفیت

ذهنی و اجتماعی در متن شهر ایرانی - اسلامی و از طرف دیگر متناسب با مکتب و اندیشه ایرانی - اسلامی باشد، در دو کلان مؤلفه ذهنی و کلان مؤلفه عینی، پیگیری شده اند. در نمودار ۵ دو کلان مؤلفه عینی و ذهنی و مؤلفه های مربوطه ارائه شده است.



نمودار شماره ۵: مدل کیفیت مکان در شهر ایرانی - اسلامی

کلان مؤلفه ذهنی خود دارای سه مؤلفه ادراکی، اجتماعی و مدیریتی و کلان مؤلفه عینی دارای سه مؤلفه کارکرد، ریخت و طبیعت می باشد. هر یک از مؤلفه ها خود شامل تعدادی کیفیت هستند. این کیفیات در نمودار ۵ ارائه شده است. مجموعه کیفیات مورد بررسی ۵۲ کیفیت را شامل می شود که برای طراحی، برنامه ریزی، مدیریت و تصمیم گیری و ارزیابی کیفیت مکان های شهری در شهرهای ایرانی - اسلامی، چک لیستی از اصول مربوطه را ارائه می دهد. در ارتباط با مؤلفه ادراکی در طراحی و برنامه ریزی یک مکان شهری در شهر ایرانی - اسلامی باید کیفیاتی همچون، هدفمندی، تاریخ مندی، عبرت، دعوت به تسبیح، ذکر، تفکر، شکر، امنیت، تعادل و هدایت کنندگی مورد توجه قرار گیرد. درباره مؤلفه اجتماعی مکان، توجه به اختلاط اجتماعی، ایجاد حس وحدت، آزادی، عزت، کرامت انسانی، عفاف، تقویت مشارکت و تعاون و صلح الزامی است. بر مؤلفه مدیریتی مکان در یک شهر ایرانی - اسلامی کیفیاتی مانند توجه به اصلاح، حفاظت، تقویت سرمایه های اجتماعی، تقویت معنوی و همچنین فرایندنگری، جامع نگری، مسئولیت پذیری و پایش مداوم مترتب است. در برنامه ریزی و طراحی کارکردها در یک مکان شهری ایرانی - اسلامی، رعایت عدالت (برای مثال در دسترسی ها)، تعادل، اندازه، حد، میانه روی، تنوع عملکردی، انعطاف پذیری، پرهیز از مزاحمت و مسجدمحوری باید مورد توجه واقع شود. رعایت نظم و وحدت، توجه به کثرت، ملحوظ داشتن امر وحدت در کثرت، تنوع فضایی و کالبدی و درعین حال تعادل، توازن و تناسب، توجه به زیبایی بصری، تواضع، پرهیز از بیهودگی، بومی گرایی، خوانایی و هویت مندی در طراحی و برنامه ریزی ریخت مکان شهری ایرانی - اسلامی باید رعایت گردد. وحدت با طبیعت، بهره گیری از طبیعت

مؤلفه‌ها و کیفیت‌های مکان در شهر ایرانی - اسلامی



نمودار شماره ۶: کیفیت‌های مکان شهری در مدل کیفیت مکان شهر ایرانی - اسلامی

۱۲. بمانیان (۱۳۹۳)، «معنا و مفهوم‌شناسی شهر ایرانی - اسلامی»؛ مبانی نظر و مصداق‌ها، شهر پایدار، شماره ۱.
۱۳. بهزادفر، مصطفی (۱۳۹۹)، اصول طراحی دلان‌های دروازه‌ای شهر، تهران: دانشگاه علم و صنعت.
۱۴. پارسا، حمید، (۱۳۹۲)، جهان‌های اجتماعی، قم: کتاب فردا.
۱۵. پورجعفر، محمدرضا و لیلیا السادات هاشمی دمنه (۱۳۹۰)، نقش اکولوژی اجتماعی در بافت قدیم شهر ری»، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۳۹.
۱۶. تقوایی، علی اکبر و سکینه معروفی (۱۳۸۹)، ارزشیابی نقش مساجد در ارتقاء کیفیت محیط، مطالعه موردی: مسجد امیر تهران»، مدیریت شهری، شماره ۲۵.
۱۷. توکل، محمد (۱۳۸۸)، جامعه‌شناسی معرفت، جستاری در تبیین رابطه ساخت و کنش اجتماعی و معرفت‌های بشری، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۸. حبیبی، سیدمحسن (۱۳۸۰)، فضای شهری: برخوردی نظریه‌ای»، صفت، شماره ۳۳.
۱۹. حکمت، نصرالله (۱۳۸۴)، حکمت و هنر در عرفان ابن عربی، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.
۲۰. حیدر، گلزار (۱۳۶۳)، هنر اسلامی: گزیده‌ای از مقاله به‌سوی یک محیط اسلامی طراحی محیط در معماری اسلامی»، ترجمه: طاهر پسند، هنر، شماره ۷.
۲۱. حیدری، علی اکبر و عیسی قاسمیان (۱۳۹۸)، «تحلیل نمودپذیری مفهوم قناعت در الگوی خانه‌های سنتی ایرانی (نمونه موردی: خانه مرتاض در یزد)»، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره ۲۳.
۲۲. جعفری تبریزی، علامه محمدتقی (۱۳۶۹)، زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام، تهران: موسسه تدوین و نشر آثار استاد علامه محمد تقی جعفری.
۲۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱)، صهیای حج، قم: مرکز نشر اسراء.
۲۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، جامعه در قرآن، قم: مرکز نشر اسراء.
۲۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹)، فلسفه حقوق بشر، قم: مرکز نشر اسراء.
۲۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۰)، انتظار بشر از دین، قم: مرکز نشر اسراء.

در طراحی و برنامه‌ریزی مکان‌های شهری، توجه و اهمیت دادن به فضاهای سبز شهری، تعادل در بهره‌گیری از محیط طبیعی و مصنوعی و حفاظت از محیط‌زیست، از کیفیات مورد توجه در مؤلفه طبیعت می‌باشد.

فهرست منابع و مراجع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن عربی، محیی‌الدین (۱۴۲۰)، الفتوحات المکیه، به تحقیق احمد شمس‌الدین، جلد ۳، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳. ادیانی، یونس (۱۳۸۱)، فلسفه ذهن و معنی، تهران: نقش جهان.
۴. اکبری، بهمن (۱۳۸۷)، «بحران هویت و هویت دینی»، فصلنامه پیک نور، سال ششم، شماره ۴.
۵. امین‌زاده، بهناز، (۱۳۷۸)، «حیاط مساجد، بررسی تاریخی و سیر تحول آن»، مجموعه مقالات همایش مسجد، تهران: انتشارات دانشگاه هنر.
۶. امین‌زاده، بهناز (۱۳۷۹)، «حکمت تماس با طبیعت در شهرهای مسلمین»، صفت، شماره ۳۱.
۷. انصاری، مجتبی؛ احسان شریفیان و محمد مهدی عبدالهی ثابت (۱۳۹۲)، «وحدت‌گرایی رویکردی الهی به طراحی شهری»، هویت شهر، شماره ۱۶.
۸. بحرینی، سیدحسین (۱۳۸۲)، فرآیند طراحی شهری، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۹. براتی، ناصر (۱۳۸۲)، زبان، تفکر و فضا، پیش‌درآمدی بر نگره‌های بعد از مدرنیسم به محیط‌زیست، تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
۱۰. بنتلی، ای‌ین؛ آلن الکک؛ پال مورین؛ سومک گلین و گراهام اسمیت (۱۳۸۶)، محیط‌های پاسخ‌ده، ترجمه: مصطفی بهزادفر، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
۱۱. بمانیان، محمدرضا؛ محمدرضا پورجعفر؛ فریال احمدی و علیرضا صادقی (۱۳۸۹)، «هویت معنوی و انگاره‌های قدسی در معماری مساجد شیعی»، فصلنامه شیعه‌شناسی، شماره ۳۰.

۲۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۲)، **حق و تکلیف در اسلام**، قم: مرکز نشر اسراء.
۲۸. جوارشکیان، عباس (۱۳۸۷)، «اجتماع دو منظر اصالت ماهیت و اصالت وجود در نظریه اصالت پدیداری معنا»، **مطالعات اسلامی و فلسفه کلام**، شماره ۸۱.
۲۹. خنیفر، حسین و ناهید مسلمی (۱۳۹۸)، **اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی**، تهران: انتشارات نگاه دانش.
۳۰. رئیسی، محمدمنان و عبدالحمید نقره کار (۱۳۹۴)، «هستی‌شناسی معنا در آثار معماری»، **هویت شهر**، شماره ۲۴.
۳۱. ساسانی، فرهاد (۱۳۸۱)، **عوامل مؤثر در تفسیر و فهم متن: تفسیرگری پیوستاری**، رساله دکتری، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
۳۲. سبحانی نیا، محمد تقی (۱۳۹۳)، **قرآن کتاب اخلاق**، قم: انتشارات دارالحدیث.
۳۳. سجاذزاده، حسن و محمدتقی پیربابایی (۱۳۹۱)، «مفاهیم فضای شهری در شهر اسلامی»، **فصلنامه شهر ایرانی - اسلامی**، شماره ۱۰.
۳۴. سجاذزاده، حسن (۱۳۹۲)، «نگاهی واقع‌گرایانه به معنای فضای شهری در شهر اسلامی»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره ۱۴.
۳۵. سجاذزاده، حسن؛ عادل شریفی؛ محمدعلی اسدی و ندا شریفی (۱۳۹۴)، «دل‌بستگی مکانی و ادراک کیفیت محیطی بر میزان حس رضایت در محله سنتی (نمونه موردی: محله حاجی همدان)»، **نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری**، شماره ۲۲.
۳۶. سعیدنیا، احمد (۱۳۷۹)، **مدیریت شهری**، جلد یازدهم کتاب سبز شهرداری‌ها، تهران: سازمان شهرداری‌های کشور.
۳۷. سیدرضی، محمد (۱۳۹۰)، **نهج البلاغه**، مترجم: محمد دشتی، قم: انتشارات علویون.
۳۸. شریف‌زادگان، حسین و سحرندایی طوسی (۱۳۹۴)، **روش‌های پژوهش کیفی در برنامه‌ریزی توسعه**، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۳۹. صارمی، حمیدرضا؛ کاظم تقی‌نژاد و سیمیا پیری (۱۳۹۵)، «تجلی اصل وحدت در کثرت در مرکز محله شهراسلامی، مطالعه موردی: میدانگاه عباسعلی شهر گران»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره ۲۶.
۴۰. صارمی، حمیدرضا و آیلین شیدایی (۱۳۹۹)، «خوانش سرمایه اجتماعی در حکمت صدرایی»، **فصلنامه نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان**، سال دهم، شماره ۱.
۴۱. صبا، سامان (۱۳۹۹)، «کاربست واقع‌گرایی اسلامی در فهم ارزش‌های انسانی مکان در معماری»، **فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی**، سال پنجم، شماره ۲.
۴۲. صدرالدین شیرازی (۱۳۶۰)، **الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه**، تصحیح: سیدجلال‌الدین آشتیانی، تهران: نشر دانشگاهی.
۴۳. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۷)، **المبداً والمعاد**، تصحیح: سید جلال‌الدین آشتیانی. تهران: انجمن حکمت و فلسفه.
۴۴. صدرالدین شیرازی (۱۳۵۴)، **المبداً و المعاد**، تصحیح: سیدجلال‌الدین آشتیانی، تهران: انجمن حکمت و فلسفه ایران.
۴۵. ضرغامی، اسماعیل؛ عبدالحمیدقنبران؛ پوریاسعدتی و قارو مرتضی‌ضامنی (۱۳۹۷)، «نقش‌خوانایی کالبدی بر امنیت بوستان‌های شهری (نمونه موردی: بوستان مردم همدان)»، **مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره ۳۲.
۴۶. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۴۶)، **تفسیر المیزان**، جلد ۲، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دارالعلم.
۴۷. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۷۴)، **تفسیر المیزان**، جلد ۴، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.

۴۸. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۷۸)، **تفسیر المیزان**، جلد ۱۴، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، تهران: انتشارات محمدی.
۴۹. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۸۴)، **تفسیر المیزان**، جلد ۱۵، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۵۰. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۶۳)، **تفسیر المیزان**، جلد ۲۸، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، تهران: انتشارات محمدی.
۵۱. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۵۷)، **تفسیر المیزان**، جلد ۳۲، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، تهران: انتشارات محمدی.
۵۲. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۶۱)، **تفسیر المیزان**، جلد ۳۴، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، تهران: انتشارات محمدی.
۵۳. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۶۲)، **تفسیر المیزان**، جلد ۱۲، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، تهران: انتشارات محمدی.
۵۴. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۶۲)، **تفسیر المیزان**، جلد ۴۰، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، تهران: انتشارات محمدی.
۵۵. قاسمی، کیمیا؛ مهدی حمزه‌نژاد و ابوالفضل مشکینی (۱۳۹۸)، «ارائه الگوی برنامه‌ریزی کالبدی شهر ایرانی اسلامی برای پاسخ به نیازهای انسان از منظر اسلام»، **نقش جهان**، دوره ۹، شماره ۳.
۵۶. کرومونا، متیو؛ کلودیو دی ماگالانس و لئو هاموند (۱۳۹۷)، **فضای عمومی: ابعاد مدیریتی**، ترجمه: ایرج اسدی و مهدی عباس‌زاده، تهران: سمت.
۵۷. کرومونا، متیو؛ تیم هیث، تر اک و استیون تیسدل (۱۳۹۱)، **مکان‌های عمومی، فضاهای شهری: ابعاد گوناگون طراحی شهری**، ترجمه: فریبا قرائی، مهشید شکوهی، زهرا اهری و اسماعیل صالحی، تهران: دانشگاه هنر.
۵۸. کرومونا، متیو و استیو تیزدل (۱۳۹۴)، **خوانش مفاهیم طراحی شهر**، ترجمه: کامران ذکاوت و فرناز فرشاد، تهران: آذرخش.
۵۹. کریمی، محمد کاظم و کریم خان محمدی (۱۳۹۳)، «رویکردهای سیاسی اجتماعی در فلسفه ملاصدرا»، **فصلنامه علمی پژوهشی سیاست متعالیه**، شماره ۵.
۶۰. کوشا، غلام حیدر (۱۳۹۵)، «هستی‌شناسی اجتماعی در حکمت صدرایی (بررسی «تکوین جامعه» و «هستی اجتماعی انسان» در حکمت متعالیه)»، **تحقیقات بنیادین علوم انسانی**، شماره ۵.
۶۱. گاکار، کوروش (۱۳۹۳)، **آفرینش مکان پایدار، تأملی در باب نظریه طراحی شهری**، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۶۲. مجلسی، محمدتقی (۱۳۶۲)، **بحار الانوار**، جلد ۱، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۶۳. مجلسی، محمدتقی (۱۳۶۳)، **بحار الانوار**، جلد ۷۲، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۶۴. مجلسی، محمدتقی (۱۳۶۳)، **بحار الانوار**، جلد ۷۴، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۶۵. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۹۳)، **قواعد فقه: بخش مدنی (مالکیت و مسئولیت)**، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۶۶. مشکینی، ابوالفضل و علی رضایی مقدم (۱۳۹۳)، «بررسی مؤلفه‌های شهر اسلامی با تأکید بر نقش و اهمیت فرهنگ سازی در تحقق الگوی شهرسازی اسلامی - ایرانی»، **نشریه شهر پایدار**، شماره ۱.
۶۷. مطهری، مرتضی (۱۳۶۷)، **مسئله شناخت**، تهران: انتشارات صدرا.
۶۸. معاریان، غلامحسین (۱۳۹۵)، **سبک شناسی معماری ایرانی**، تهران: معاریان.

۶۹. میرمقتدایی، مهتا (۱۳۸۳)، «معیارهای شناخت و ارزیابی هویت کالبدی شهرها»، **نشریه هنرهای زیبا**، شماره ۱۹.
۷۰. نصر، سیدحسین (۱۳۸۹)، **هنر و معنویت اسلامی**، مترجم: رحیم قاسمیان، تهران: انتشارات حکمت.
۷۱. نقره کار، عبدالحمید (۱۳۸۱)، **انسان، طبیعت و معماری**، تهران: دانشگاه پیام نور.
۷۲. نقره کار، عبدالحمید (۱۳۸۷)، **درآمدی بر هویت اسلامی در معماری**، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، دفتر معماری و طراحی شهری، شرکت طرح و نشر پیام سیما.
۷۳. نقره کار، عبدالحمید و محمدمنان رئیسی (۱۳۹۱)، «تحقق پذیری هویت اسلامی در آثار معماری»، **مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره ۷.
۷۴. نقره کار، عبدالحمید؛ مهدی حمزه‌نژاد و صدیقه معین مهر (۱۳۹۲)، «راهبردهای تقویت تعاملات انسانی در طراحی محیط زندگی از منظر اسلامی (مطالعه موردی: بررسی بافت کهن کرمان در دو مقیاس محله، خانه)»، **مطالعات شهری**، شماره ۷.
۷۵. نقی‌زاده، محمد (۱۳۷۷)، «صفات شهر اسلامی در متون اسلامی»، **هنرهای زیبا**، شماره ۴ و ۵.
۷۶. نقی‌زاده، محمد (۱۳۷۹)، «صفات شهر اسلامی از دیدگاه قرآن»، **مطالعات تاریخی قرآن و حدیث (صحیفه مبین سابق)**، شماره ۲۲.
۷۷. نقی‌زاده، محمد و بهناز امین‌زاده (۱۳۷۹)، «رابطه «معنا» و «صورت» در تبیین مبانی هنر»، **هنرهای زیبا**، شماره ۲۲.
۷۸. نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۶)، **زیبایی و هویت شهر در پرتو تفکر اسلامی**، اصفهان: انتشارات سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
۷۹. نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۹)، «تأملی در چیستی شهر اسلامی»، **فصلنامه شهر ایرانی اسلامی**، شماره ۱.
۸۰. نقی‌زاده، محمد (۱۳۹۵)، **طراحی شهر و فضای شهری ایرانی (مبانی، اصول، معیارها، نمونه‌ها)**، تهران: خورشید باران.
۸۱. هاگت، پیتر (۱۳۷۳)، **جغرافیای ترکیبی نو**، مترجم: شاپور گودرزی‌نژاد، تهران: انتشارات سمت.

82. Banerjee, T. (2002), «The Future of Public Space: Beyond Invented Streets and Reinvented Places», *Journal of the American Planning Association*, 67.
83. Buchanan, P. (1988), «What City? A Plea for Place in the Public Realm», *Architectural Review*, 1101.
84. Jacobs, J. (1961), «The Death and Life of Great American Cities: The Failure of Modern Town Planning», London: Peregrine Books.
85. Jacobs, A. & Appleyard, D. (1987), «Towards an Urban Design Manifesto: A Prologue», *Journal of the American Planning Association*, 53.
87. Lynch, K. (1960), *The Image of the City*, Cambridge: MIT Press.
88. Norberg Schulz, C. (1976), «The Phenomenon of Place», In: A. R. Cuthbert (Ed.) (2003), *Designing Cities: Critical Readings in Urban Design*, Oxford: Blackwell.
89. Relph, E. (1976), «On the Identity of Places», In: M. Carmona & S. Tiesdell (Eds.) (2007), *Urban Design Reader*, Oxford: Architectural Press.
90. Tibbalds, F. (2000), «Making People Friendly Towns: Improving the Public Environment in Towns and Cities», UK: Taylor & Francis.

تبیین ابعاد و مولفه‌های الگوی مناسب مدیریت بحران زلزله در بافت‌های فرسوده شهر تهران*

اسد رازانی** (نویسنده مسئول)، کمال نوذری^۱، مجتبی رفیعیان^۲

^۱ کارشناس ارشد شهرسازی، گروه مدیریت و برنامه‌ریزی شهری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاددانشگاهی، تهران، ایران.
^۲ دانش‌آموخته دکتری رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و کارشناس شرکت بازآفرینی شهری ایران، تهران، ایران.
^۳ دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۲۸

چکیده

با توجه به آسیب پذیری بالای بافت‌های فرسوده شهری، ضرورت پیش‌تدبیری نظام‌مند و ارائه ویژگی‌ها و مولفه‌های الگویی کارآمد در مدیریت بحران در این بافت‌ها وجود دارد که ابعاد تصمیم‌گیری در مدیریت خطرپذیری زلزله در آنها را روشن سازد. هدف این پژوهش بررسی ابعاد و مولفه‌های الگوی مناسب مدیریت بحران در بافت‌های فرسوده شهری به منظور کنترل و کاهش صدمات و خسارات ناشی از وقوع زلزله در مقطع قبل از رخداد آن (مرحله پیشگیری) در بافت‌های فرسوده شهر تهران است. روش پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه انجام توصیفی - تحلیلی و چون در تلاش برای برقراری ارتباط میان ابعاد و مولفه‌های مدیریت بحران زلزله در بافت‌های فرسوده شهری است، اکتشافی است. پس از شناسایی ابعاد و مولفه‌های الگوی مدیریت بحران در بافت‌های فرسوده در مطالعات اسنادی (مبانی نظری، تجارب ایران و تجارب جهانی)، با مراجعه به صاحب‌نظران و کارشناسان تدقیق و اولویت‌گذاری شده است و در گام بعدی ضریب اهمیت هر یک از مولفه‌ها مشخص شده و نتایج پرسش‌نامه‌ها به صورت محتوایی با استفاده از نرم‌افزار PLS ارزیابی و تعیین اعتبار شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد در زمینه مدیریت بحران در بافت‌های فرسوده شهر تهران بیش از این که به مدیریت بحران با نگاه پس از بحران در این بافت‌ها نگاه کرد ضرورت دارد نگاه مدیریت ریسک و پیش‌اندیشانه و پیش از بحران به آن داشت. در مرحله پیش از بحران توجه به ابعاد مختلف و در نظر گرفتن مولفه‌های تاثیرگذار هر یک از ابعاد در مدیریت بحران (ابعاد اجتماعی و فرهنگی، کالبدی - محیطی، اقتصادی، ساختاری و مدیریتی، حقوقی - قانونی و زیرساخت‌ها) در بافت‌های فرسوده شهری و به کارگیری آن‌ها می‌تواند در نهایت منجر به کاهش آسیب‌پذیری و ارتقاء تاب‌آوری این بافت‌ها در مواجهه با سوانح مختلف از جمله زلزله شود.

واژگان کلیدی: مدیریت بحران، بافت فرسوده، زلزله، پیشگیری، شهر تهران، مدل PLS.

مقدمه و بیان مسأله

یکی از موضوعاتی که بیشتر شهرهای بزرگ جهان با آن دست به گریبان هستند، موضوع حوادث طبیعی و زلزله است. که می‌بایست به دنبال راهکارهایی برای افزایش توان و بالا بردن تاب‌آوری جامعه و کاهش آسیب‌پذیری شهرها در برابر سوانح خصوصاً در مرحله قبل از وقوع بحران بود.

کشور ایران نیز به واسطهٔ مجموعهٔ ویژگی‌های اقلیمی، زمین‌شناسی و توسعهٔ اجتماعی - فضایی، از جملهٔ آسیب‌پذیرترین کشورهای جهان در برابر مخاطرات طبیعی به‌ویژه زلزله و سیل می‌باشد. به طوری که از یک طرف مکان و موقعیت استقرار جمعیت و سکونتگاه‌های شهری و روستایی در پهنهٔ جغرافیایی کشور و از طرف دیگر کیفیت و نحوهٔ رشد و گسترش آن‌ها و نحوهٔ انطباق آن‌ها با محیط طبیعی و نیز سطح توسعهٔ اجتماعی - اقتصادی و نهادی، وضعیت و شرایطی آسیب‌پذیر، شکننده و بحران‌زا را در کشور به وجود آورده است (قدیری، ۱۳۸۶). بررسی آمارها نشان می‌دهد در سال‌های اخیر به‌طور متوسط هر پنج سال یک‌بار زلزله‌ای مخرب و پر آسیب در نقطه‌ای از کشور رخ داده است و در حال حاضر ایران در صدر کشورهای است که وقوع زلزله در آن با تلفات جانی بالا همراه است. از حدود ۱۰۰۰ شهر کشور، در حدود ۷۷ درصد آن‌ها بر روی گسل‌ها و در پهنه‌بندی زلزله قرار دارند. براساس آمارهای شرکت بازآفرینی شهری ایران، تاکنون حدود ۱۴۰ هزار هکتار بافت ناکارآمد شهری در گونه‌های مختلف در کشور شناسایی شده است که حدود یک سوم جمعیت کشور در این بافت‌ها سکونت دارند (شرکت بازآفرینی شهری ایران، ۱۳۹۶). همین امر آسیب‌پذیری در برابر رخدادهای طبیعی چون زلزله را دوچندان خواهد کرد.

شهر تهران نیز با وسعتی بیش از ۷۰۰ کیلومترمربع و جمعیتی بالغ بر هشت میلیون نفر در دامنه کوه‌های البرز واقع شده است که گسل‌های فعال مختلفی از جمله گسل مشاء - فشم، گسل شمال تهران، گسل شمال ری، گسل کهریزک در جنوب ری و گسل‌های فرعی متعددی همواره این شهر را تهدید می‌کنند. از این رو یکی از جنبه‌های مهم و قابل توجه در برنامه‌ریزی توسعه، تأکید و توجه به آسیب‌پذیری شهرها و خصوصاً بافت‌های فرسوده و آسیب‌پذیر شهری در مقابل بلایای طبیعی است. زیرا این شهر، با توجه به حجم بالای سرمایه‌گذاری و مکان‌گزینی بسیاری از تأسیسات و ابزارهای اقتصادی و اجتماعی جامعه، توجه بیشتری را طلب می‌کند، چراکه در صورت بروز این حوادث تلفات و خسارات مالی و جانی زیادی به دنبال خواهد داشت.

با توجه به موارد ذکر شده، زلزله برای کلان‌شهر تهران خصوصاً در محدوده بافت‌های فرسوده شهر، نیازمند توجه ویژه از سوی مدیران است؛ این بافت‌های فرسوده، بنا به دلایلی از قبیل عدم رعایت معیارهای فنی و مهندسی در ساخت بنا، مصالح نامناسب به کاررفته در آن‌ها، آسیب‌پذیری شریان‌های حیاتی در این مناطق، شبکه‌ی ارتباطی ناکارآمد و عدم وجود تأسیسات و تجهیزات

شهری مناسب و... بیشتر از سایر بافت‌های شهری در برابر زلزله، آسیب‌پذیر بوده و شدت تلفات و خسارات نیز در این بافت‌ها به نسبت بیشتر می‌شود ولی با توجه به ماهیت بالای آسیب‌پذیری بافت‌های فرسوده، یک الگوی مناسب و نگاه ویژه‌ای جهت مواجهه با بحران‌ها در بافت‌های فرسوده وجود ندارد.

در مطالعات صورت گرفته نیز به تمام ابعاد مدیریت بحران پرداخته نشده است. یکی از طرح‌های مهم انجام‌شده در خصوص مدیریت بحران شهر تهران، طرح ریز پهنه‌بندی لرزه‌ای تهران بزرگ که توسط جایکا (آژانس همکاری‌های بین‌المللی ژاپن)^۱ انجام شده است که در آن توجه چندانی به عوامل انسانی، نهادی و ... نشده و به توصیه‌های کلی اکتفا کرده است. حل مسائل و مشکلات بافت‌های فرسوده در شهر تهران و ارتقای وضعیت ایمنی و مدیریت بحران در آن‌ها، تنها از طریق صرف هزینه و بودجه میسر نخواهد شد، بلکه مدیریت خردمندانه و باورمند شهری را به همراه مشارکت واقعی و نهادمند اجتماعات محلی طلب می‌کند. در این راستا، تعامل مستمر و مداوم با اجتماعات محلی و ارتقای ظرفیت‌ها و آگاهی‌های موجود در جهت تحقق مشارکت فعال نهادهای برخاسته از آن، از الزامات حل مسئله می‌باشد. با تأکید بر چالش‌های پیش‌رو و آسیب‌پذیری بالای بافت‌های فرسوده شهری، ضرورت پیش‌تدبیری نظام‌مند و ارائه ویژگی‌ها و مؤلفه‌های الگویی کارآمد مدیریت بحران در بافت‌های فرسوده وجود دارد که ابعاد تصمیم‌گیری در مدیریت خطرپذیری زلزله در این بافت‌ها را روشن سازد.

این پژوهش به دنبال این است که یک الگوی مناسب مدیریت بحران در بافت‌های فرسوده دارای چه ویژگی‌ها و مؤلفه‌هایی است. این مطالعه با بهره‌گیری از مطالعات پیشین مرتبط با موضوع و الگوهای مدیریت بحران در کشورهای مختلف و تجارب جهانی، درصدد بررسی ابعاد مختلف فرآیند مدیریت بحران و شناسایی و تحلیل ابعاد و مؤلفه‌های یک الگوی مناسب مدیریت بحران در بافت‌های فرسوده شهری به منظور کنترل و کاهش خسارات ناشی از زلزله در مقطع قبل از رخداد زلزله (مرحله پیشگیری) است.

پیشینه پژوهش

تلاش‌های اولیه برای ایجاد یک برنامه بین‌المللی برای سوانح طبیعی در سازمان ملل متحد در دهه هشتاد میلادی آغاز شد. اعلام هفته بین‌المللی کاهش ریسک سوانح طبیعی برای هفته دوم ماه اکتبر در سال ۱۹۸۹ صورت گرفت. سازمان ملل متحد براساس پیشنهاد مجمع عمومی دهه پایانی قرن بیستم (۲۰۰۰-۱۹۹۹) را دهه بین‌المللی کاهش خطرات سوانح طبیعی نام‌گذاری کرد. در این راستا تاکنون گردهمایی‌ها و کنفرانس‌های متعددی توسط سازمان ملل متحد برگزار شده است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به کنفرانس جهانی کاهش اثرات بلایای طبیعی یوکوهامای ژاپن (۱۹۹۴)، اجلاس جهانی توسعه پایدار ژوهانسبورگ (۲۰۰۲)، اجلاس هیوگو ژاپن (۲۰۰۵) با هدف ایجاد تاب‌آوری در ملل و

جوامع، GPD RR^۲ در (قلب ۴ نشست در سال‌های ۲۰۰۷، ۲۰۰۹، ۲۰۱۱ و ۲۰۱۳) در سوئیس و GAR^۳ در سندای واقع در میاگی ژاپن (۲۰۱۵) اشاره کرد.

در دهمین سالروز زلزله سال ۱۹۹۵ کوبه، در ژانویه ۲۰۰۵ دومین کنفرانس سازمان ملل متحد با عنوان «دومین کنفرانس جهانی برای کاهش ریسک سانحه» برای گردهم‌آوری مسئولان دولتی، سازمان‌های مردم‌نهاد و دانشمندان از ۱۵۰ کشور عضو سازمان ملل متحد در شهر هیوگو ژاپن تشکیل شد. نتیجه عملی این کنفرانس تصویب یک چارچوب عملیاتی بین‌المللی با عنوان «چارچوب هیوگو برای اقدام ۲۰۰۵-۲۰۱۵»^۴ بود. در سال ۲۰۱۱ مجمع عمومی سازمان ملل متحد از برنامه راهبرد جهانی سازمان ملل متحد برای کاهش سوانح خواست که برای چارچوب بعد از ۲۰۱۵ کاهش ریسک سوانح برنامه‌ریزی کند. کنفرانس جهانی بعدی کاهش ریسک سانحه از سوی سازمان ملل متحد سال ۲۰۱۵ در شهر سندای ژاپن آغاز شد. در این کنفرانس عنوان شد که ۷۰ درصد خسارت سوانح طبیعی به تغییرات اقلیمی مربوط است و ۹۰ درصد این خسارت به کشورهای توسعه‌نیافته و در حال توسعه وارد می‌شود. در پایان کنفرانس جهانی سندای چارچوب جدید بین‌المللی با نام «چارچوب سندای برای کاهش ریسک سانحه (SFDRR)»^۵ تدوین گردید که این برنامه برای ۱۵ سال آینده و تا سال ۲۰۳۰ معتبر خواهد بود. در این بخش به نتایج این دو سند مهم جهانی که در بالا به آن اشاره شد پرداخته می‌شود.

چارچوب هیوگو برای اقدام ۲۰۰۵-۲۰۱۵: چارچوب کاری این سند برای سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵ مصوب شده است. اهداف راهبردی این سند عبارت‌اند از:

- ادغام کاهش خطر سوانح در سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های توسعه پایدار
- توسعه و تقویت نهادها، مکانیسم‌ها و ظرفیت‌های ایجاد تاب‌آوری در برابر خطرات
- داشتن رویکردی منظم به کاهش مخاطرات در اجرایی نمودن برنامه‌های آمادگی، مقابله و بازیابی
- در این راستا اولویت‌های عملیاتی سند به شرح زیر می‌باشد:
- حصول اطمینان از اینکه کاهش مخاطرات اولویتی ملی و محلی است و دارای جایگاه مناسبی در نهادهای اجرایی برای پیاده‌سازی می‌باشد.
- شناسایی، ارزیابی و کنترل مخاطرات طبیعی و ارتقای سامانه‌های هشداردهنده

- استفاده از دانش نوآوری و آموزش برای ایجاد فرهنگ «ایمنی» و «تاب‌آوری» در تمام سطوح
- کاهش عوامل خطر زمینه‌ای سوانح
- تقویت آمادگی در برابر سوانح در راستای پاسخی مؤثر در تمامی سطوح (URL1).

چارچوب سندای برای کاهش خطر سوانح (۲۰۱۵-۲۰۳۰): چارچوب سندای برای کاهش خطر سوانح برای سال‌های ۲۰۱۵

- ۲۰۳۰ و به‌عنوان جایگزینی برای چارچوب هیوگو که دوره‌ی زمانی آن پایان یافته بود، تدوین و تصویب شده است. از جمله فرصت‌هایی که تهیه این سند ارائه نمود عبارت‌اند از:

- تصویب چارچوب موجز، متمرکز، اقدام‌گرا و آینده‌نگر برای اقدامات مرتبط با کاهش خطر سوانح برای سال‌های پس از ۲۰۱۵؛
- تکمیل ارزیابی و بازبینی اجرای چارچوب اقدام هیوگو (۲۰۰۵-۲۰۱۵) با عنوان ایجاد تاب‌آوری ملل و جوامع در برابر سوانح؛
- در نظر گرفتن تجربیات به‌دست آمده از استراتژی‌ها، نهادها و طرح‌های ملی و بین‌المللی در حوزه کاهش خطر سوانح و توصیه‌های آن‌ها و همچنین موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای مرتبط با اجرای چارچوب هیوگو؛
- شناسایی روش‌های همکاری‌های مبتنی بر تعهدات به‌منظور اجرای چارچوب پس از ۲۰۱۵ در راستای کاهش خطر سوانح؛
- تعیین روش‌های بررسی دوره‌های اجرای چارچوب کاهش خطر سوانح در سال‌های پس از ۲۰۱۵؛

هدف نهایی مدنظر در این سند پیشگیری از خطرهای جدید و کاهش خطر فعلی سوانح از طریق اجرای ادغام یافته و جامع اقدامات اقتصادی، ساختاری، حقوقی، اجتماعی، سلامتی، فرهنگی، محیطی، فناوری، سیاسی و سازمانی که منجر به پیشگیری و کاهش مواجهه با مخاطرات، آسیب‌پذیری و افزایش آمادگی برای پاسخ و بازیابی و نهایتاً تقویت تاب‌آوری می‌شوند، عنوان شده است (URL2).

علاوه بر این اسناد در ادامه به برخی نتایج پژوهش‌های داخلی انجام گرفته در رابطه با موضوع مورد بحث پرداخته شده است. مزوی و همکاران (۱۳۸۹)، در پژوهشی با عنوان «آسیب‌پذیری بافت‌های فرسوده بخش مرکزی شهر تهران در برابر زلزله (مورد: منطقه ۱۲)»؛ کاهش آسیب‌پذیری در برابر زلزله در بافت‌های فرسوده را مورد بررسی قرار داده‌اند. در این پژوهش با در نظر گرفتن «نظام‌های آسیب‌زا و تأثیرپذیر» در درون نظام شهری و محدوده بافت‌های بخش مرکزی، آسیب‌پذیری بافت‌های قدیمی (فرسوده) منطقه ۱۲ شهر تهران در مقابل زلزله از منظر جغرافیای شهری مورد بررسی قرار گرفته است. برای این منظور هفت متغیر در حوزه جمعیت، فعالیت و ویژگی‌های فیزیکی - کالبدی منطقه مذکور انتخاب و بررسی و تحلیل شده است. در این بررسی، آسیب‌پذیری هر یک از متغیرها و چگونگی پراکنش آن‌ها در سطح بلوک‌های منطقه در تابع مورد نظر محاسبه شده و وضعیت آسیب‌پذیری محدوده مورد بررسی بر اساس وزن کل متغیرها در سطح نواحی و بلوک‌های شهری منطقه، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که با در نظر گرفتن «نظام‌های آسیب‌زا» و «نظام‌های تأثیرپذیر» در درون سیستم شهری و بافت فرسوده بخش مرکزی شهر تهران، متغیرهای فاصله کاربری‌ها از فضاهای باز، دسترسی به محدوده آسیب‌پذیر، سال احداث بنا و نوع مصالح ساختمان‌ها، به ترتیب بیشترین تأثیر را در آسیب‌پذیری منطقه ۱۲ از زلزله دارند.

مهرجو و گیاه چین (۱۳۹۱)، در پژوهشی با عنوان «نقش برنامه‌ریزی راهبردی در کاهش خطرپذیری زلزله در بافت‌های فرسوده شهری منطقه ۲۰ شهر تهران» بیان می‌کند که مقابله با زلزله فراتر از رعایت اصولی فنی برای مقاوم‌سازی ساختمان‌ها می‌باشد و در حقیقت می‌بایست کل شهر را با هدف کاهش آسیب‌پذیری در برابر زلزله برنامه‌ریزی و طراحی کرد. این پژوهش به دنبال وجوه مشترک در اقدامات نوسازی، برنامه‌ریزی شهری و مدیریت بحران بوده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که فرسودگی بافت‌های شهری و نوسازی در شهرها، فرصتی مطلوب برای انجام طرح توسعه شهری را فراهم آورده است که می‌توان با اقدامات مدیریت بحران و کاهش آسیب‌پذیری هم‌زمان مورد توجه قرارداد و عنوان شده که راهبرد به کارگیری اصول مدیریت بحران در طرح‌های توسعه شهری در شرایط امروزی کلان‌شهرها، ملزوم و عملی می‌باشد.

مداح و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «تدوین راهکارهای مدیریت بحران در بافت‌های فرسوده شهری در منطقه ۱۲ شهر تهران» بیان می‌دارند که کاربست اصول مدیریت بحران می‌تواند کمک مؤثری در بهبود وضعیت زیست‌محیطی، سکونت و ایمنی شهر در برابر حوادث احتمالی داشته باشد و مفهوم شهر ایمن را محقق سازد. این پژوهش در پی آن است که نشان دهد ساختار کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی - نهادی بافت فرسوده منطقه ۱۲ شهر تهران دارای چارچوبی آسیب‌پذیر و ناقص در زمینه عناصر و الزامات مدیریت بحران است و راهکارهایی در راستای کاهش اثرات سوانح، کمک به بهبود فرآیند برنامه‌ریزی و مدیریت بحران شهری برای ارائه بهینه خدمات ایمنی و امداد و نجات ارائه شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، بعد کالبدی، بیش‌ترین تأثیر را در آسیب‌پذیری منطقه ۱۲ دارا است. ابعاد اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی نهادی نیز به ترتیب بعد از آن قرار دارند. در پژوهش راهکارهایی از جمله اقدامات پیشگیرانه از قبیل تقویت ساختمان‌های موجود، ایجاد فضاهای باز کافی، تعریض معابر، افزایش پایگاه‌های پشتیبانی مدیریت بحران و تشکیل گروه‌های دوام و اطلاع‌رسانی وسیع و جامع به ساکنان در قبل از بحران، اقدامات مربوط به واکنش اضطراری حین بحران و طرح‌های مربوط به بازسازی در پس از بحران ارائه شده است.

کر که آبادی و میرزاد (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر آسیب‌پذیری بافت فرسوده نواحی شهری (نمونه موردی: شهر فریدونکنار)» بیان می‌دارد که بافت فرسوده شهری، کل یا آن بخشی از فضای شهری است که نظام زیستی آن، هم از حیث ساخت و هم از حیث کارکرد اجزای حیاتی خود، دچار اختلال و ناکارآمدی شده است. در این پژوهش سعی بر آن شده تا با آشنایی در خصوص بافت فرسوده و میزان آسیب‌پذیری در برخورد با حوادث غیر مترقبه، مواردی مطرح و پس از شناسایی عوامل به بررسی آن‌ها جهت کاهش میزان آسیب وارده پرداخته شود. به همین منظور با مطالعات میدانی به عمل آمده (شهر

فریدونکنار) و استفاده از تجربیات گذشته و همچنین تهیه و توزیع پرسشنامه بین دست‌اندرکاران امر مدیریت سوانح، اقدام به سنجش راهبردهای کنونی چرخه مدیریت بحران نموده‌اند.

نقدی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «تحلیلی بر وضعیت شاخص‌های تاب‌آوری در بافت‌های فرسوده شهری مطالعه موردی: بافت فرسوده شهر فاروج» وضعیت شاخص‌های تاب‌آوری در بافت فرسوده و قدیمی شهر فاروج را بررسی کرده‌اند. در این راستا تعداد ۳۲ شاخص در چهار بعد، کالبدی - محیطی، اجتماعی، اقتصادی و نهادی - مدیریتی براساس مطالعات مبانی نظری تحقیق انتخاب و اولویت‌بندی شده‌اند. نتایج بدست آمده حاکی از آن است که تاب‌آوری در بعد نهادی - مدیریتی در رتبه اول، بعد کالبدی - محیطی در رتبه دوم تاب‌آوری و ابعاد اجتماعی و اقتصادی به ترتیب در رتبه‌های سوم و چهارم قرار دارند. در بخش دیگری از پژوهش ضریب اهمیت هر یک از شاخص‌ها براساس نظرات کارشناسان برآورد شده و در پایان براساس تلفیق نتایج، شاخص‌هایی که اولویت اجرایی بالاتری دارند، مشخص شده است. در این باره می‌توان به شاخص‌هایی همچون دسترسی به محل اسکان موقت، میزان آگاهی در زمینه نسبت به بروز بلایای طبیعی و انسانی در محله، میزان آگاهی در زمینه واکنش‌ها و نحوه رفتار مناسب در زمان بحران، امنیت شغلی، توان مالی ساکنان برای مشارکت در حین بحران و حمایت سازمان‌های بیمه از ساکنان اشاره کرد.

مرور پژوهش‌ها و مطالعات انجام‌شده در زمینه مدیریت بحران در بافت‌های فرسوده نشان می‌دهد که راهکارهای مختلفی برای مدیریت بحران در این گونه بافت‌ها بیان‌شده است برخی از این راهکارها عبارت‌اند از:

- تمرکز بر راه‌حل‌های اقتصادی - اجتماعی نه صرفاً فنی و فیزیکی
- تأکید بر راهبردهای توسعه اقتصادی و اجتماعی
- تأکید بر راهبردهای توسعه حمل و نقل
- تأکید بر آموزش شهروندان بخصوص آموزش گروهی
- ایجاد مدیریت یکپارچه شهری
- تهیه سند راهبردی مدیریت بحران
- تجمع و بلندمرتبه‌سازی در بافت‌های فرسوده جهت ایجاد شرایط کالبدی مناسب
- تشکیل تعاونی‌های ساخت‌وساز و مرمت در بافت‌های فرسوده و تاریخی
- اقدامات پیش‌گیرانه مانند، تقویت ساختمان‌ها، ایجاد فضای باز، تعریض معابر و افزایش پایگاه‌های پشتیبانی مدیریت بحران در بافت‌های فرسوده
- رعایت جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی، مدیریتی و اقتصادی در مدیریت بحران
- اجتناب از سپردن مسئولیت‌های تصمیم‌ساز به افرادی که دارای تجارب اندک و غیرعلمی در زمینه مدیریت بحران هستند.
- ترکیب دو رویکرد برنامه‌ریزی بهسازی بافت‌های فرسوده و مدیریت بحران در طرح‌های مدیریت و عمران شهری
- توانمندسازی مدیریت بحران در برابر بلایای طبیعی ...

مبانی نظری پژوهش

برای مدیریت بحران در شهرها لازم است ابتدا رابطه بین بحران و شهرها شناخته شود. کشورها متناسب با درک و شناخت از شهر و بحران و شرایطی که این دو برای آن‌ها به وجود می‌آورند سیاست‌ها و برنامه‌های مدیریت بحران خود را تنظیم می‌کنند. باور عمومی این است که بحران‌ها علت و پیامدهای حاصل از آن‌ها معلول می‌باشند. به همین دلیل واکنش‌های برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران غالباً محدود بوده و فقط به جنبه‌های فیزیکی و فضایی و اقدامات بعد از بحران‌ها خلاصه و محدود می‌شوند. ولی واقعیت بسیار پیچیده‌تر از این است. شهرنشینی تغییر و تحولات زیادی را به وجود می‌آورد که باعث تمایز مناطق شهری می‌شود. شهرها با داشتن محیط خاص فیزیکی/فضایی، ویژگی‌های اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نهادی شان از دیگر مناطق متمایز می‌شوند. برای فهم ارتباط بین بحران‌ها و شهر لازم است که این ویژگی‌ها به درستی شناخته شوند. شایان ذکر است که در میان ۲۰ ابرشهر دنیا بیشتر از نیمی از آن‌ها در کشورهای در حال توسعه قرار دارند که غالباً هم در معرض انواع مخاطرات زمین‌شناسی مانند زلزله و آتش‌فشان و سونامی و یا اقلیمی و آب و هوایی مانند طوفان‌ها و سیل و یا آتش‌سوزی و مانند آن‌ها می‌باشند.

بدون شک ارتباط معنی‌داری بین شکل اداره شهر و ماهیت اقتصادی و اجتماعی آسیب‌پذیری و میزان در معرض مخاطرات بودن شهروندان وجود دارد (UNISDR, 2012). شهر تاب‌آور و شهری که می‌تواند بحران‌ها را با خوبی مدیریت نماید شهری است که تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی در آن با مشارکت مردم، بحث و مذاکره، شفافیت، و همکاری همراه است. شهری است که در آن همه اقدار جامعه اعم از سازمان‌های غیردولتی، بخش خصوصی و انواع گروه‌های اجتماعی حضوری فعال دارند. این شهرها شهرهایی هستند که نابرابری و تبعض در آن‌ها کم بوده و شهروندان دسترسی عادلانه و یکسان به امکانات و خدمات شهری دارند. شواهد علمی زیادی وجود دارند که نشان می‌دهند افزایش و بهبود ظرفیت اداره حکومت‌های محلی برای ارتقای توان شهرها برای مقابله با بحران‌ها بسیار مؤثر است. طی سال‌های اخیر نقش شهرها در مدیریت بحران‌ها در حال بازتعریف بوده است (Bulkeley, 2010) و در برخی از کشورها از جمله آن‌هایی که شهرها به‌طور مستقیم در مدیریت بحران‌ها فعال نیستند نیاز به این مسئله بسیار زیاد است. با افزایش شهرنشینی شهرها مرکز فعالیت‌های خصوصی و عمومی شده‌اند و نقش مهمی در اقتصاد منطقه‌ای و ملی ایفا می‌نمایند. بنابراین مدیریت بحران آن‌ها نیز از اهمیت بیشتری برخوردار گردیده است. خلائی که در اکثر کشورها و بخصوص کشورهای آسیایی وجود دارد قطع ارتباط بین مدیریت بحران و مدیریت توسعه شهری است. به‌عنوان مثال سازمان ملل در یافته است که به رغم آن‌که مدیریت بحران مرتباً در اسناد، مدارک، برنامه‌ها و راهبردهای دولت‌ها ذکر می‌شود،

کمتر با آن به‌صورت فعالیتی چندبخشی که نیازمند مقررات و تنظیمات خاص خود و کاملاً مرتبط با توسعه باشد برخورد می‌شود. این مسئله حتی در برخی از کشورهای توسعه یافته نیز وجود دارد و بخش‌های توسعه شهری ارتباطشان با مدیریت بحران نسبتاً کم است.

اصولاً به دلیل تفاوتی که بین مدیریت و برنامه‌ریزی برای شرایط عادی و مدیریت و برنامه‌ریزی که برای شرایط بحران لازم است خیلی از شهرها نیروهای متخصص لازم برای این نوع برنامه‌ریزی و مدیریت‌ها را ندارند. روش‌هایی که به‌طور روزمره بکار گرفته می‌شوند قادر نیستند پیچیدگی‌های مدیریت و شرایط بحران را مدنظر قرار دهند. به همین دلیل ایجاد ظرفیت‌های ویژه مدیریت بحران در شهرها از اهمیت زیادی برخوردار است. این به‌نوبه خود مستلزم انتقال منابع و اختیارات از رده‌های بالاتر دولت به سطوح شهری است. شهرها در بسیاری از کشورهای در حال توسعه گام‌هایی را در این زمینه شروع کرده‌اند ولی تا رسیدن به سطوح مطلوب فاصله زیادی وجود دارد. در میان کشورهای در حال توسعه در آسیا اندونزی شاید گام‌های بیشتری را در این زمینه برداشته است (Roy & Sethi, 2012). چین اقدامات اساسی را در این زمینه با غیرمتمرکز کردن برخی از امور بخصوص در زمینه‌های محیط‌زیست شروع کرده است. هنوز کشورهای زیادی هستند که حاکمیت را از طریق شهر مرکزی (پایتخت) بر کل کشور اعمال می‌نمایند. البته باید اشاره کرد که سپردن امور به دولت‌های محلی به تنهایی کافی نیست و لازم است این مسئله با خلاقیت‌ها و نوآوری‌هایی نیز همراه باشد. این مسئله بخصوص در زمینه مدیریت از اهمیت زیادی برخوردار است. ظرفیت‌های محلی برای انجام این کار بسیار محدود است. اگرچه برخی از اقدامات پیشگیرانه در پروژه‌های ساخت‌وساز ملحوظ می‌شوند ولی همچنان بسیاری از تصمیمات با مشارکت شهروندان گرفته نمی‌شوند. موفقیت تمرکززدایی و دادن اختیارات بیشتر به دولت‌های محلی برای مدیریت و برنامه‌ریزی بحران نیاز به اعطای مشوق‌هایی است که این کارها را از الگوهای سنتی مقابله محور به سمت الگوهای مدرن‌تر و مبتنی بر پیشگیری و آمادگی هدایت می‌کند. ماهیت پویای مدیریت بحران ایجاب می‌کند که همه عوامل در تولید دانش، تجهیز منابع و اقدام مشترک شرکت نمایند.

بحران‌ها در فضای سیاسی و اجتماعی رخ می‌دهند (Cohen & Werker, 2008). بنابراین مشارکت مردم در کلیه ابعاد مدیریت بحران در سطوح ملی و محلی لازم است. در عین حال مطلوب است که فعالیت‌های مدیریت بحران هم‌زمان با توانمندسازی دولت‌های محلی و شرایط و نیازهایشان به آن‌ها واگذار شود. شهرنشینی از یک طرف و افزایش جمعیت برخی از شهرها از طرف دیگر شرایط جدیدی را برای برخورد با بحران‌ها و مدیریت آن‌ها به وجود آورده‌اند. این مسئله بخصوص با ساکن شدن بخش زیادی از جمعیت در واحدهای مسکونی غیر مقاوم و یا محلاتی که دارای مخاطرات بالا بوده و ارائه خدمات به آن‌ها به آسانی امکان‌پذیر

نیست همراه می‌باشد. مدیریت و برنامه‌ریزی بحران باید فراتر از یک نوع خاص بحران (مانند زلزله) و یا حادثه خاص باشد. به عبارت دیگر فرایندی باید شکل گیرد که در آن آمادگی در برابر هر گونه شرایط بحرانی در شهرها و شهروندان ایجاد شود.

مدیریت بحران در بخش دولتی (اعم از ملی، استانی و محلی) نوعی خدمت عمومی محسوب می‌شود. نحوه ارائه این خدمت در کشورها و شهرهای مختلف جهان در دهه‌های گذشته دچار تغییر و تحولات زیادی شده است. این تغییر و تحولات هم در زمینه عاملان و سازمان‌های درگیر در ارائه این خدمات و هم در زمینه ابزارها و شکل ارائه آن‌ها بوده است. دیگر فقط سازمان‌هایی که به طور سنتی خدمات مدیریت بحران ارائه می‌دادند به این کار نمی‌پردازند. با افزایش بحران‌ها و ابعاد و اندازه آن‌ها سازمان‌های دولتی و غیردولتی زیادی و از جمله مردم وارد عمل شده و وظایف و مسئولیت‌هایی را برعهده گرفته‌اند. بنابراین آنچه امروزه در مدیریت بحران اهمیت زیادی دارد سازمان‌دهی و مدیریت این سازمان‌ها و گروه‌ها و به عبارتی ایجاد حاکمیت برای مدیریت جامع و کارای بحران‌ها می‌باشد. کشورهایی که بتوانند این نیروها و امکانات را به درستی سازمان‌دهی، آموزش و برنامه‌ریزی کنند می‌توانند در مدیریت بحران‌ها موفق‌تر باشند. در اینجا حاکمیت در واقع چیزی جز همکاری بین بخشی و بین دولتی برای ارائه خدمات مدیریت جامع بحران به شهروندان نمی‌باشد. حاکمیت یکی از مهم‌ترین ابزارها برای برخورد با مسائل پیچیده اجتماعی مانند مخاطرات و بحران‌ها می‌باشد. مدیریت بحران یکی از مهم‌ترین این زمینه‌ها است که در طی سال‌های گذشته به خاطر افزایش اثرات بحران‌ها بر مردم دستخوش تغییر و تحولات بوده است. امروزه تصور اینکه مدیریت بحران فقط متشکل از سازمان‌هایی باشد که به تنهایی عمل می‌کنند وجود ندارد و دولت‌ها در کلیه سطوح به دنبال مشارکت اعم از رسمی و غیررسمی برای مواجهه با این نوع مسائل و مشکلات پیچیده و بفرنج می‌باشند (Kapucu & Ozerdem, 2013).

البته باید اشاره کرد که مدیریت بحران به طور تاریخی جنبه مشارکتی داشته است. از اوایل قرن بیستم که اولین سازمان‌های مدیریت بحران به شکل امروزی شروع به پیدایش نمودند مشارکت بین بخش‌ها در این زمینه به نوعی وجود داشت (Claire, 2007). به تدریج سازمان‌های عمومی از سطوح مختلف دولت، سازمان‌های بخش خصوصی، غیرانتفاعی، سازمان‌های خصوصی و اجتماعی همه و همه بخشی از سیستم مدیریت بحران شدند. اگرچه ورود این سازمان‌ها فرصت‌های زیادی را ایجاد می‌کنند در عین حال بر پیچیدگی‌های سازمان‌دهی و هماهنگی نیز می‌افزایند. در این میان هر چه شهر بزرگ‌تر باشد مدیریت بحران هم ابعاد پیچیده‌تری به خود می‌گیرد (Kapucu & Ozerdem, 2013). در این وضعیت و شرایط داشتن زیرساخت‌های اطلاعاتی کارا و انعطاف‌پذیر می‌تواند کمک بسیار زیادی بنمایند. این زیرساخت‌ها برای تصمیم‌گیری‌های به موقع کمک

خیلی مؤثر خواهند بود. مدیریت بحران در شهرها و به ویژه شهرهای بزرگ نوعی سیستم‌های پیچیده هستند که باید با همین نگاه مورد سازمان‌دهی و برنامه‌ریزی قرار گیرند. در اغلب کشورهای جهان گرایش به سمت تهیه برنامه‌های مدیریت بحران در سطوح مختلف دولت به وجود آمده است. اعتقاد به این که بحران‌ها باید در پایین‌ترین سطوح مدیریت شوند و در صورت نیاز سطوح بالاتر دولت وارد عمل شوند در حال پذیرفته شدن است. در این صورت هر برنامه مدیریت بحران در سطوح شهری می‌تواند با برنامه‌های مدیریت بحران بخشی و یا مدیریت بحران برای مخاطرات پراهمیت تهیه شوند.

روش تحقیق و ابزارها

این پژوهش از نظر هدف، توسعه‌ای - کاربردی است و از نظر شیوه انجام توصیفی - تحلیلی خواهد بود و از آن منظر که در تلاش برای برقراری ارتباط میان ابعاد و مؤلفه‌های مدیریت بحران زلزله در بافت‌های فرسوده شهری است، اکتشافی است. روش مطالعه در این پژوهش از نظر کیفی یا کمی بودن تلفیقی از روش‌های کمی و کیفی است که از نوع مطالعه توصیفی - همبستگی می‌باشد که از طریق پیمایش بر دو نوع اسنادی (مرور) و بررسی اسناد و مدارک مرتبط با طرح‌ها و پروژه‌ها و... و میدانی (پرسش‌نامه) تکیه دارد. پژوهش به‌رغم استفاده از داده‌های کمی در مراحل مختلف پژوهش برای بررسی روندها، و ارائه شاخص‌های مطلوب بر روش کیفی استوار است. داده‌های تولیدشده در انتها به ارائه ابعاد و مؤلفه‌های الگوی مناسب در مدیریت بحران در مناطق فرسوده خواهد انجامید.

جامعه آماری ترکیبی از صاحب‌نظران (اساتید مستقل دانشگاهی و کارشناسان مسائل شهری در تهران) و مدیران و مسئولان اجرایی در وزارت کشور، وزارت راه و شهرسازی، شهرداری تهران و کنشگران غیردولتی و محلی می‌باشد و حجم نمونه با توجه به اصل بسندگی و با روش نمونه‌گیری تصادفی که از بین جامعه آماری با در نظر گرفتن هفت شاخص «آشنایی با موضوع مدیریت بحران و بافت‌های فرسوده و نابسامان شهری»، «نگارش کتب علمی مدیریت بحران و بافت‌های فرسوده شهری»، «نگارش مقالات مرتبط با مدیریت بحران و بافت‌های فرسوده شهری»، «همکاری در پژوهش‌های علمی مرتبط با مدیریت بحران و بافت‌های فرسوده شهری»، «همکاری در طرح‌های کلان تدوین اسناد مدیریت بحران و بافت‌های فرسوده شهری در کشور»، «دارای سمت اجرایی در سازمان‌ها یا نهاد‌های مرتبط با مدیریت بحران و بافت‌های فرسوده شهری» و «سوابق فعالیت اجرایی در حوزه پیشگیری از سوانح» در مرحله اول و دوم ۳۴ نفر و در مرحله سوم ۷۸ نفر از بین خبرگان (کارشناسان و مدیران با همان شاخص‌های ذکر شده) شناسایی و انتخاب شده است. در مرحله اول وضعیت مؤلفه‌های اولیه شناسایی شده و در مطالعات اسنادی، مصاحبه‌ها و پرسشنامه‌ها با مراجعه به صاحب‌نظران و کارشناسان

به فضای شهری است که باعث بی‌سازمانی، عدم تعادل و عدم تناسب آن می‌شوند (شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران، ۱۳۹۴).

ارائه تعریف از بافت‌های شهری که به‌طور مشخص دچار فرسودگی هستند قدری مشکل به نظر می‌رسد. بافت‌هایی در شهر که تحت عناوین مختلفی ضعف‌های کالبدی، اجتماعی و اقتصادی آن‌ها بیان می‌شود، متنوع هستند زیرا تقریباً هیچ محدوده شهری بدون مشکلی وجود ندارد. بدین ترتیب تعاریف مختلفی از بافت فرسوده وجود دارد.

در ایران اصطلاح بافت فرسوده اصطلاحی رایج است که برای اشاره به بافت‌های درون شهری مسئله‌دار به کار می‌رود. طبق مصوبه کمیسیون ماده ۵ شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، به‌منظور شناسایی بافت‌های فرسوده شهری، این بافت‌ها را محدوده‌های آسیب‌پذیر شهر تعریف می‌نماید. در این تعریف بافت آسیب‌پذیر، براساس بلوک آسیب‌پذیر تعریف شده و بلوک آسیب‌پذیر، بلوکی است که حداقل یکی از شرایط سه‌گانه زیر را داشته باشد (شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۸۵):

۱. بلوکی که دارای حداقل ۵۰ درصد بناهای فرسوده، نامناسب به لحاظ زیستی و سکونتی یا آسیب‌پذیر باشد. بناهای فرسوده یا آسیب‌پذیر حداقل یکی از شرایط دوگانه زیر را باید داشته باشد: الف- بنایی که فاقد سیستم سازه‌ای باشد (سازه بتنی، فولادی یا شناژهای تحتانی، قائم و فوقانی).

ب- بنایی که در اجرای آن مفاد آیین‌نامه ۲۸۰۰ رعایت نشده باشد، یا قابلیت انطباق با آیین‌نامه مذکور را نداشته باشد.

۲. بلوکی که حداقل ۵۰ درصد املاک آن مساحتی کمتر از دوپست مترمربع را داشته باشد.

۳. بلوکی که حداقل ۵۰ درصد عرض معابر آن با عرض کمتر از ۶ متر باشد.

براساس آمارهای موجود حدود ۵۳ هزار هکتار بافت فرسوده شهری در کشور وجود دارد که ۲۰ درصد آن متعلق به کلان‌شهرهای کشور است. براساس آمار سازمان نوسازی شهر تهران، از ۶۲۱۰۰ هکتار مساحت کل شهر تهران، حدود ۳۲۶۸ هکتار یعنی ۵ درصد کل مساحت آن در بافت‌های فرسوده قرار گرفته است. تعداد جمعیت ساکن در بافت‌های فرسوده حدود ۱۵ درصد کل جمعیت شهر تهران می‌باشد. تعداد پلاک‌های واقع در بافت فرسوده ۲۰۶۲۳۴ از مجموع ۹۲۰۷۴۷ پلاک در کل شهر تهران است بدین معنی که حدود ۲۲ درصد واحدهای شهر تهران در بافت‌های فرسوده قرار گرفته‌اند. علاوه بر بافت فرسوده، گستره بافت‌های ناپایدار تهران (شاخص اول) نیز وسعتی در حدود ۱۴۷۹۲ هکتار که ۲۴ درصد کل شهر تهران را شامل می‌شود (جدول ۱).

مشخص شده‌اند. در مرحله دوم به منظور اعتبارسنجی، مؤلفه‌ها تدقیق و اولویت‌گذاری می‌شود و در مرحله سوم ضریب اهمیت مؤلفه‌های یک الگوی مناسب مدیریت بحران در بافت‌های فرسوده شهری با استفاده از نظرات کارشناسان و صاحب‌نظران مشخص شده و نتایج پرسش‌نامه‌ها به صورت محتوایی با استفاده از نرم افزار PLS ارزیابی و تعیین اعتبار شده است.

مدل‌سازی معادلات ساختاری تا این زمان، با دو نسل روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها معرفی شده است. نسل اول روش‌های مدل‌سازی معادلات ساختاری روش‌های کوواریانس محور هستند که هدف اصلی این روش‌ها تایید مدل بوده و برای کار به نمونه‌هایی با حجم بالا نیاز دارند. نرم افزارهای LISREL، AMOS، EQS و MPLUS چهار عدد از پرکاربردترین نرم افزارهای این نسل هستند. چند سال پس از معرفی روش کوواریانس محور، به دلیل نقاط ضعفی که در این روش وجود داشت، نسل دوم روش‌های معادلات ساختاری که مولفه محور بودند، معرفی شدند. روش‌های مولفه محور که بعداً به روش حداقل مربعات جزئی تغییر نام دادند، برای تحلیل داده‌ها روش‌های متفاوتی نسبت به نسل اول ارائه دادند. پس از معرفی روش حداقل مربعات جزئی، این روش از علاقه‌مندان بسیاری برخوردار شد و پژوهشگران متعددی تمایل به استفاده از این روش پیدا کردند که مهم‌ترین نرم افزار برای این روش Smart PLS می‌باشد. PLS نرم افزاری کاربردی برای طراحی مدل‌های معادلات ساختاری است که به کاربر این اجازه را می‌دهد به جای نوشتن فرامین بلند و پیچیده از نشان‌گرهای گرافیکی استفاده نماید. این نرم افزار برای مدل‌سازی مسیر با متغیرهای مکنون پنهان و آشکار (مدل عمومی معادلات ساختاری) به کمک روش PLS طراحی شده است (داوری و رضازاده، ۱۳۹۳).

ابعاد فرسودگی بافت‌های شهری در شهر تهران

اصطلاح فرسودگی شهری برای شرایطی استفاده می‌شود که بخش قابل توجهی از شهر یا کل آن با پدیده فرسودگی همراه باشد. در گسترش پدیده فرسودگی شهری عوامل مختلفی دخالت دارند. برخی شهرهای صنعتی در نتیجه جابجایی کارخانجات و صنایع به خارج از شهر با عرصه‌هایی از کاربری‌های فرسوده و متروکه رها شده‌اند، عدم تعمیر یا بازسازی این کالبدها موجب مشکلاتی برای زندگی، خدمات‌رسانی و حفظ شرایط زیست‌محیطی مطلوب در شهر می‌شود. برخی شهرها نیز در نتیجه تغییر ساختاری در اقتصاد یا جابه‌جایی مراکز اقتصادی و خدماتی به خصوص از مرکز قدیمی شهر به مراکز جدید دچار فرسودگی وسیع می‌شوند. شهرهایی نیز فرسودگی خود را در نتیجه عدم تعمیر درازمدت ساختمان‌ها به دست آورده‌اند. در این مورد فقر شهری و اسکان جمعیت مهاجر موجب گسترش فرسودگی در شهر می‌شود. به علاوه بر این عوامل دیگری نیز در فرسوده شدن شهر مؤثر هستند. فرسودگی یکی از مهم‌ترین مسائل مربوط

جدول شماره ۱: مقایسه مساحت، جمعیت و تعداد واحدهای مسکونی بافت‌های فرسوده شهر تهران

مساحت	بافت فرسوده		بافت ناپایدار	شهر تهران
	هکتار	۱۴۷۹۲ هکتار		
جمعیت براساس سرشماری سال ۱۳۹۵	مساحت بافت فرسوده ۵ درصد کل شهر تهران		-	۸۶۹۳۷۰۶
	سکونت ۱۴۸۶ درصد جمعیت شهر در بافت‌های فرسوده			
تعداد پلاک‌ها	۲۰۶۲۳۴		۶۳۴۱۷۹	۶۳۴۱۷۹
	قرارگیری ۲۲ درصد واحدهای شهر تهران در بافت‌های فرسوده			

مأخذ: طرح جامع شهر تهران (۱۳۸۵)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ و محاسبه نگارنده گان

با توجه به طرح جامع تهران، نتایج حاصله از شناسایی محدوده بافت‌های فرسوده نشانگر وضعیت ۸۱۷ هزار قطعه (یا پلاک) در قریب ۳۰ هزار بلوک شهری تهران به‌قرار جدول زیر است:

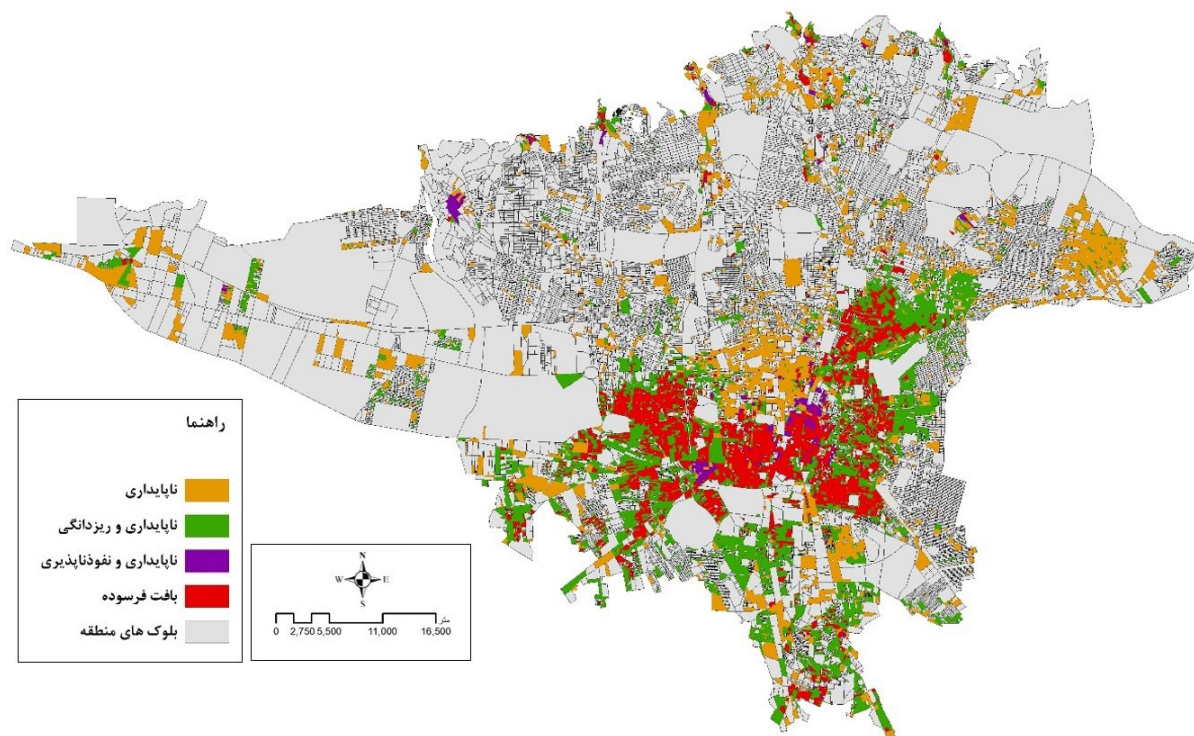
جدول شماره ۲: بافت‌های فرسوده شهر تهران بر مبنای شاخص‌های مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران

شاخص‌های شناسایی بافت‌های فرسوده	وسعت پهنه‌ها (هکتار)	بلوک (تعداد)	واحد مسکونی
ناپایداری	۱۴۷۹۲	۱۴۰۵۲	۶۴۰۱۹۲
ناپایداری و ریزدانی	۸۶۶۹	۱۰۷۵۲	۵۲۹۷۴۴
ناپایداری و نفوذناپذیری	۳۶۲۰	۵۲۹۴	۲۷۵۱۹۲
ناپایداری، ریزدانی و نفوذناپذیری	۳۲۶۸	۴۹۹۰	۲۶۱۷۸۶
وسعت شهر (درصد)	۵,۳	۱۶,۵	۱۷,۶

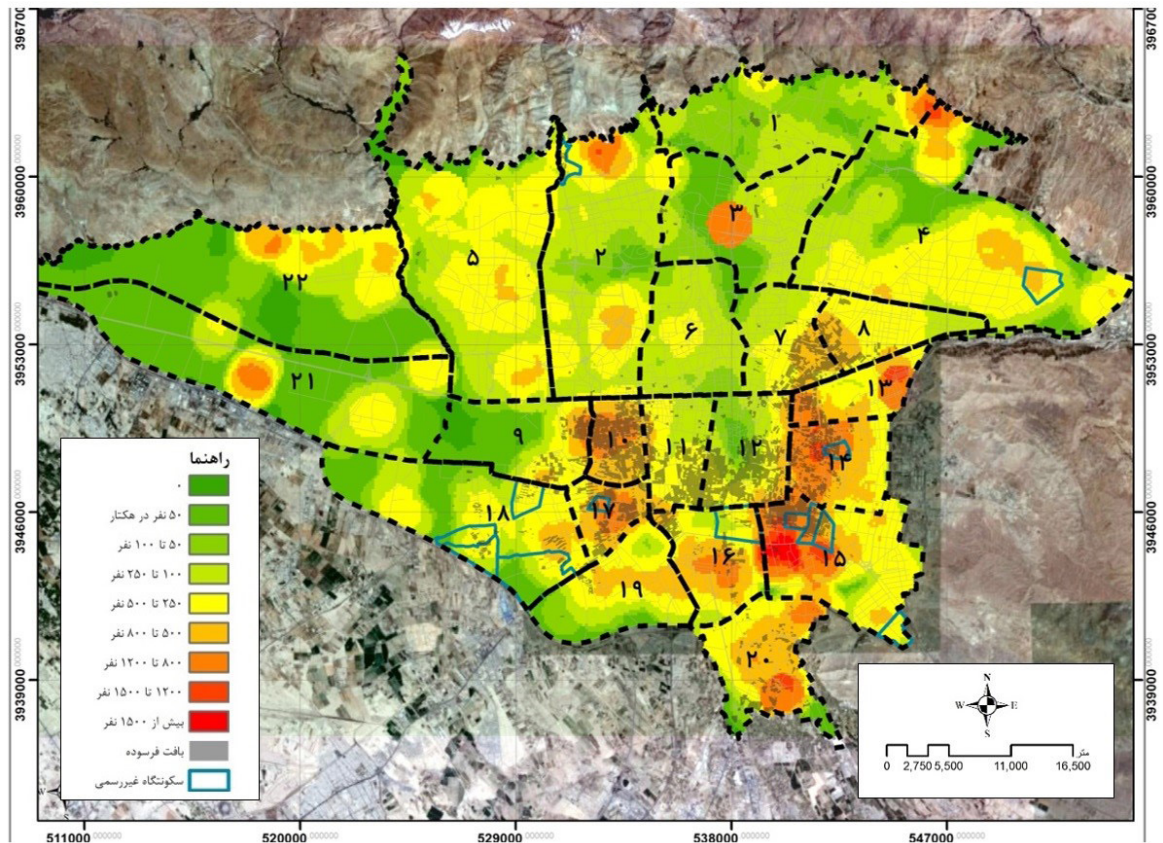
مأخذ: مهندسان مشاور بوم سازگان، ۱۳۸۵

اهمیت شاخص ناپایداری در ارزیابی آسیب‌پذیری بافت‌های شهری در برابر زلزله، پهنه‌های فرسوده را به یکی از حیاتی‌ترین مسائل شهر تهران تبدیل کرده و ضرورت اتخاذ رویکردهای مدیریت بحران در مجموعه اقدامات کلان مدیریتی و برنامه‌های را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. در بافت فرسوده شهر تهران تراکم جمعیت بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ بسیار بالا بوده و در حدود ۳۹۵,۲۵ نفر در هکتار و بیش از دو نیم برابر تراکم کل شهر تهران (۱۴۱ نفر در هکتار) است. در حالی که براساس سرشماری سال ۱۳۸۵ این تراکم حدود ۳۵۲ نفر در هکتار بوده است و به رغم تأکید سند طرح ساختاری - راهبردی شهر تهران بر کاهش بار تراکم محله‌های پرتراکم در بافت‌های فرسوده شهر تهران؛ به دلیل سیاست‌های نوسازی و فروش تراکم در سال‌های اخیر نه تنها از تراکم موجود کاسته شده بلکه بر میزان آن در سال‌های اخیر افزوده شده است.

اهمیت شاخص ناپایداری در ارزیابی آسیب‌پذیری بافت‌های شهری در برابر زلزله، پهنه‌های فرسوده را به یکی از حیاتی‌ترین مسائل شهر تهران تبدیل کرده و ضرورت اتخاذ رویکردهای مدیریت بحران در مجموعه اقدامات کلان مدیریتی و برنامه‌های را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. در بافت فرسوده شهر تهران تراکم جمعیت بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ بسیار بالا بوده و در حدود ۳۹۵,۲۵ نفر در هکتار و بیش از دو نیم برابر تراکم کل شهر تهران (۱۴۱ نفر در هکتار) است. در حالی که براساس سرشماری سال ۱۳۸۵ این تراکم حدود ۳۵۲ نفر در هکتار بوده است و به رغم تأکید سند طرح ساختاری - راهبردی شهر تهران بر کاهش بار تراکم محله‌های پرتراکم در بافت‌های فرسوده شهر



تصویر شماره ۱: طبقه بندی بافت‌های ناپایدار شهر تهران؛ مأخذ: براساس آمار مهندسان مشاور بوم سازگان، ۱۳۸۵



تصویر شماره ۲: تراکم جمعیت در شهر تهران؛ مأخذ: براساس داده‌های سرشماری ۱۳۹۵ مرکز آمار ایران و محدوده بافت‌های فرسوده ناکارآمد مصوب شهر تهران.

«پیشگیری از سوانح» و «آمادگی در برابر سوانح» رسید. در واقع به مرور زمان و با استفاده از تجربیات گذشته، کشورها به مرور تغییراتی در رویه‌ی مدیریت بحران و برخورد با بحران‌ها در پیش گرفتند که بطور خلاصه می‌توان مهم‌ترین رویه‌های مورد نظر را بصورت زیر بیان نمود:

- تغییر رویکرد از تمرکز بر مدیریت پس از حادثه به مدیریت پیش از حادثه (اعتقاد به پیش بینی بحران قبل از وقوع و مقابله موثر در صورت وقوع)
- تغییر تمرکز مدیریت بحران از سطح دولتی به سطح منطقه‌ای و محلی
- توجه به ارزیابی اثرات طرح‌های کلان توسعه‌ای بر مدیریت بحران و سوانح
- توجه به ظرفیت نهادهای غیردولتی و مشارکت مردم در مدیریت بحران
- روی آوردن به برنامه‌ریزی جامع و همه‌جانبه‌نگرانه در سطوح مختلف مدیریت بحران
- توجه به ظرفیت‌سازی و توانمندسازی جامعه در راستای افزایش قابلیت سازگاری جامعه با پیامدهای سوانح
- جلب مشارکت مردمی در راستای اقداماتی که منجر به کاهش خطر می‌شود و رویکرد پایین به بالا
- توجه به افزایش توان جامعه برای پیشگیری و مقابله با بحران

تهران؛ به دلیل سیاست‌های نوسازی و فروش تراکم در سال‌های اخیر نه تنها از تراکم موجود کاسته شده بلکه بر میزان آن در سال‌های اخیر افزوده شده است.

بحث و یافته‌های پژوهش

در زمینه رویکردهای مواجهه با سوانح دیدگاهی که قبلاً وجود داشت، رویکرد سنتی بود. در رویکرد سنتی، تاکید و تمرکز بر مجموعه اقدامات پس از وقوع سانحه، رویکرد قانون طبیعی نگرش منفی به مدیریت بحران، رویکرد بالا به پایین و عدم توجه به مشارکت مردمی، رویکرد بحران‌گریزی و بحران‌پذیری دارد (ربیعی و حسینی، ۱۳۹۲). از جمله جهات منفی این رویکرد عدم آمادگی‌های لازم در برابر بحران و عدم برنامه‌ریزی مدون و مشخص برای آن، اجرای برنامه‌ها و اقدامات غیر ضروری و تأکید بر مجموعه اقدامات پس از بحران است. همچنین برخی از رویکردها دارای جهتی مثبت و دقیقاً برعکس این موارد عمل می‌کنند. بی‌توجهی به موارد فوق علاوه بر افزایش هزینه‌ها برای جامعه در راستای رفع آن، تبعاتی را بعد از وقوع زلزله نیز به همراه خواهد داشت از جمله می‌توان به فشارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، روانی، بلا تکلیفی، و پیچیده شدن اوضاع و... اشاره کرد. با توجه به رویکردها و سیاست‌هایی که در کشورهای مختلف دنیا بررسی شد می‌توان به نتایجی در خصوص تغییر رویکردهای جهانی از «مدیریت حادثه» به سمت راهکارهای مدیریتی به منظور

شناسایی و استخراج ابعاد و مولفه‌های اولیه مدیریت بحران زلزله در بافت‌های فرسوده شهری

پس از جمع‌بندی و تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای مطالعات صورت گرفته در زمینه مبانی نظری و الگوهای موجود مدیریت بحران، تجارب جهانی و تجارب ایران در زمینه مدیریت بحران، ۳۲ مولفه تأثیر گذار در زمینه مدیریت بحران زلزله در بافت‌های فرسوده شهری استخراج شد. با توجه به اینکه مولفه‌های شناسایی شده ابعاد مختلفی از موضوع را شامل می‌شوند، در شش بعد «اجتماعی- فرهنگی»، «اقتصادی»، «کالبدی - محیطی»، «ساختاری - مدیریتی»، «حقوقی - قانونی» و بعد «زیرساخت‌ها» به شرح جدول شماره ۳ دسته بندی شده‌اند.

بررسی ابعاد و مولفه‌ها از نظر صاحب‌نظران و خبرگان

پس از مشخص شدن ابعاد مدیریت بحران در بافت‌های فرسوده شهری و مؤلفه‌های هر بعد، به منظور نهایی کردن مؤلفه‌ها، ابتدا در دو

مرحله به ۳۴ نفر از صاحب‌نظران و کارشناسانی که با روش نمونه‌گیری تعدی از بین جامعه آماری انتخاب شده بودند، ارائه شد. ۵۸٫۸ درصد از شرکت کنندگان در این مرحله دارای مدرک دکتری تخصصی، ۲۶٫۶ درصد دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۱۴٫۷ درصد دارای مدرک کارشناسی و فوق دیپلم بودند. از نظر مرتبه شغلی ۳۸٫۲ از شرکت کنندگان عضو هیات علمی، ۳۲٫۴ درصد در سمت اجرایی - مدیریتی و ۲۹٫۴ درصد در سمت اجرایی - کارشناسی بوده‌اند. تحلیل پاسخ‌های ارائه شده توسط صاحب‌نظران و کارشناسان در خصوص ابعاد مختلف الگوی مدیریت بحران در بافت‌های فرسوده شهری نشان می‌دهد همه ابعاد استخراج شده از تجارب جهانی و ایران و مبانی نظری موضوع مورد تایید قرار گرفته و درصد توافق در همه ابعاد الگو بالاتر از ۸۴ درصد می‌باشد.

جدول شماره ۳: ابعاد و مؤلفه‌های اولیه الگوی مدیریت بحران در بافت‌های فرسوده شهری

ابعاد	مؤلفه‌ها
اجتماعی و فرهنگی	<ul style="list-style-type: none"> - آموزش و آگاه سازی ساکنان بافت‌های فرسوده شهری در راستای ارتقاء دانش و فرهنگ عمومی در زمینه پیشگیری و آمادگی در برابر زلزله - تشکیل گروه‌های دوام - افزایش مشارکت مردمی و ظرفیت سازی برای مقابله با سوانح احتمالی - تربیت نیروی انسانی متخصص در مدیریت بحران در بافت‌های فرسوده شهری - استفاده از ظرفیت رسانه‌های عمومی و ملی - تراکم بالای جمعیت در بافت‌های فرسوده شهری
کالبدی - محیطی	<ul style="list-style-type: none"> - تعریض معابر و افزایش دسترسی‌ها جهت تسهیل امداد رسانی در مواقع بروز بحران - توزیع مناسب کاربری‌ها در محدوده بافت‌های فرسوده شهری - مقاوم سازی ساختمان‌های فرسوده (رعایت استانداردهای سازه ای) - ایمن سازی اماکن عمومی مانند کوچه‌ها در بافت‌های فرسوده و ناپایدار - ایجاد فضاهای باز در محدوده بافت‌های فرسوده شهری و ناپایدار - تجمیع و نوسازی بافت‌های ریز دانه در بافت‌های فرسوده و ناپایدار
اقتصادی	<ul style="list-style-type: none"> - تأمین مالی و ارائه تسهیلات نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده شهری - تشکیل تعاونی‌های ساخت و ساز با تسهیلات ویژه در بافت‌های فرسوده شهری - جذب درآمد پایدار به منظور اقدامات کالبدی - فرهنگی در بافت‌های فرسوده شهری
ساختاری و مدیریتی	<ul style="list-style-type: none"> - تقویت ساختار مدیریت بحران در سطح مناطق شهرداری با اولویت قرار دادن بافت‌های فرسوده - تشکیل کمیته ایمنی و مدیریت بحران ذیل ستاد بازآفرینی شهر تهران و ستاد ملی بازآفرینی شهری - هماهنگی برنامه‌های مدیریت بحران با برنامه‌های توسعه عمرانی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری (مدیریت یکپارچه) - اولویت قرار گرفتن برنامه‌های کاهش آسیب پذیری در برنامه‌های توسعه ملی و محلی - هماهنگی در اقدامات و برنامه‌های کوتاه، میان و بلند مدت دستگاههای متولی - استفاده از افراد با تجربه و متخصص در حیطه تصمیم سازی و مدیریت بحران.
حقوقی - قانونی	<ul style="list-style-type: none"> - توجه به ضوابط و مقررات مربوط به مقاوم سازی - نظارت دقیق بر سازمانهای نظارت بر ساخت و ساز توسط دولت - تهیه ضوابط ارتفاع و خط آسمان به منظور عدم انسداد معابر در هنگام زلزله - بررسی و بازنگری در قوانین و مقررات مربوطه - توجه به اصول و ضوابط شهرسازی (همجواری کاربری‌ها، ظرفیت کاربری و دسترسی‌ها)
زیرساخت‌ها (تجهیزات و امکانات)	<ul style="list-style-type: none"> - تقویت زیرساخت‌ها و تاسیسات ارتباطی تأثیر گذار در مدیریت بحران - افزایش پایگاه‌های پشتیبانی مدیریت بحران و تجهیز و تقویت آنها - افزایش امکانات مدیریت واکنش اضطراری و اورژانسی در بافت‌های فرسوده و ناپایدار - آماده سازی شرایط فرود اضطراری و امداد رسانی هوایی - احداث ایستگاه‌های آتش نشانی و خدمات ایمنی در بافت‌های فرسوده و ناپایدار شهری - طراحی محدوده‌های اسکان اضطراری در اطراف بافت‌های فرسوده و ناپایدار شهری

مأخذ: برداشت نگارندگان از بررسی مبانی نظری، الگوهای موجود مدیریت بحران و تجارب جهانی و داخلی

جدول شماره ۴: ابعاد و مؤلفه‌های نهایی الگوی مدیریت بحران در بافت‌های فرسوده شهری

شناسه	مؤلفه‌ها	ابعاد
q1	آموزش و آگاه‌سازی ساکنان بافت‌های فرسوده شهری برای ارتقاء دانش، فرهنگ عمومی و تاب‌آوری جامعه در زمینه پیشگیری و آمادگی در برابر زلزله	اجتماعی و فرهنگی
q2	افزایش مشارکت مردمی، ظرفیت‌سازی و شبکه‌سازی برای مقابله با سوانح احتمالی	
q3	تغییر نظام باورها و ارزش‌های شهروندان در راستای توجه به موضوعات مقاوم‌سازی و کاهش آسیب‌پذیری	
q4	بهبود و مناسب‌سازی دسترسی‌های درون بافت فرسوده و رفع موانع نفوذپذیری جهت تسهیل امدادسانی در مواقع بحران	محیطی - کالبدی
q5	نوسازی بناهای فرسوده و مقاوم‌سازی ابنیه قابل نگهداری (رعایت استانداردهای سازه‌ای)	
q6	ایمن‌سازی اماکن عمومی و معابر در بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری	
q7	توسعه فضاهای باز و سبز در محدوده بافت‌های فرسوده جهت اسکان اضطراری و امدادسانی در مواقع بحران	اقتصادی
q8	تأمین مالی و ارائه تسهیلات نوسازی و بهسازی ویژه به مالکان در محدوده بافت‌های ناکارآمد و فرسوده	
q9	ارائه سیاست‌های تشویقی به سرمایه‌گذاران و توسعه گران جدید در بافت‌های فرسوده شهری	
q10	تقویت ساختار مدیریت بحران در سطح مناطق شهرداری با اولویت قرار دادن بافت‌های ناکارآمد و فرسوده	ساختاری و مدیریتی
q11	ایجاد کمیته مدیریت بحران در ستاد بازآفرینی پایدار شهری کلان شهر تهران	
q12	تقویت روابط میان سازمان‌ها مبتنی بر هماهنگی میان کنشگران در حوزه مدیریت بحران و نوسازی بافت‌های فرسوده	
q13	نظارت و کنترل دقیق بر عملکرد سازمانهای ناظر بر ساخت و ساز در محدوده بافت‌های ناکارآمد شهری	قانونی - حقوقی
q14	اجرای ضوابط و مقررات مربوط به کاهش آسیب‌پذیری و مقاوم‌سازی در بافت‌های فرسوده شهری	
q15	توجه به اصول و ضوابط شهرسازی و تجدید نظر در ضوابط بلندمرتبه‌سازی، تامین خدمات و زیرساخت‌ها و جلوگیری از افزایش تراکم در بافت‌های فرسوده شهری	
q16	وضع دستورالعمل‌های موضعی متناسب با شرایط هر محدوده بافت فرسوده	زیرساخت‌ها (تجهیزات و امکانات)
q17	تقویت زیرساخت‌ها، تجهیزات و تاسیسات ارتباطی و واکنش اضطراری تأثیرگذار در مدیریت بحران بافت‌های فرسوده شهری	
q18	مکان‌یابی پایگاه‌های پشتیبانی مدیریت بحران و تجهیز و تقویت آن‌ها در محدوده بافت‌های ناکارآمد شهری	
q19	مکان‌یابی محدوده‌های اسکان اضطراری در بافت‌های فرسوده و ناپایدار شهری	

مأخذ: نگارندگان بر گرفته از نتایج حاصل از مصاحبه با خبرگان و کارشناسان



تصویر شماره ۳: میزان موافقت صاحب‌نظران و کارشناسان با ابعاد الگوی پیشنهادی (درصد)

مؤلفه‌های مدیریت بحران در بافت‌های فرسوده شهری

در مرحله اول ۳۲ مؤلفه به صاحب‌نظران و کارشناسان ارائه شد که پس از جمع‌بندی نظرات و اصلاح، ویرایش و حذف برخی از مؤلفه‌های اولیه، ۱۹ مؤلفه نهایی شد و در مرحله دوم ۱۹ مؤلفه به شرح جدول شماره ۴ مورد تایید کارشناسان و صاحب‌نظران قرار گرفت. در مرحله سوم به منظور اعتبار سنجی مؤلفه‌ها و اولویت‌گذاری و ضرایب اهمیت هر یک از آن‌ها و بسط و اعتبارسنجی الگوی پیشنهادی، مؤلفه‌ها به ۷۸ نفر از صاحب‌نظران و کارشناسان (با لحاظ ۷ شاخصی که پیش‌تر بیان شد) ارائه شد. همانگونه که از جدول زیر مشخص است، ۲۹٫۵ درصد از شرکت‌کنندگان در این مرحله دارای مدرک دکتری تخصصی، ۵۷٫۷ درصد دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۱۲٫۸ درصد دارای مدرک کارشناسی بودند. همچنین از بین شرکت‌کنندگان در این مرحله ۶۲٫۸ درصد مرد و ۳۷٫۲ درصد زن بودند. از نظر سابقه فعالیت در این حوزه ۳۲٫۱ درصد کمتر از ۵ سال سابقه، ۴۳٫۶ درصد بین ۵ تا ۱۰ سال سابقه و ۲۴٫۴ درصد بالاتر از ۱۰ سال سابقه فعالیت در این حوزه را داشتند. از نظر مرتبه شغلی شرکت‌کنندگان در مرحله سوم ۱۹٫۲ درصد از افراد دانشجویی و عضو هیات علمی، ۱۶٫۷ درصد در سمت اجرایی - مدیریتی، ۱۶٫۷ درصد در سمت اجرایی - کارشناسی و ۱۶٫۷ درصد نیز به عنوان سایر که غالباً دانشجویان دوره دکتری در رشته مرتبط بوده‌اند.

تحلیل ابعاد و مؤلفه‌های مدیریت بحران زلزله در بافت‌های فرسوده شهری با استفاده از مدل PLS

در بررسی‌های اولیه و شناسایی ابعاد الگو، ابعاد مختلف به شرح زیر بر یکدیگر اثرگذار هستند که می‌بایست با استفاده از مدل PLS فرضیه‌های زیر بررسی شود:

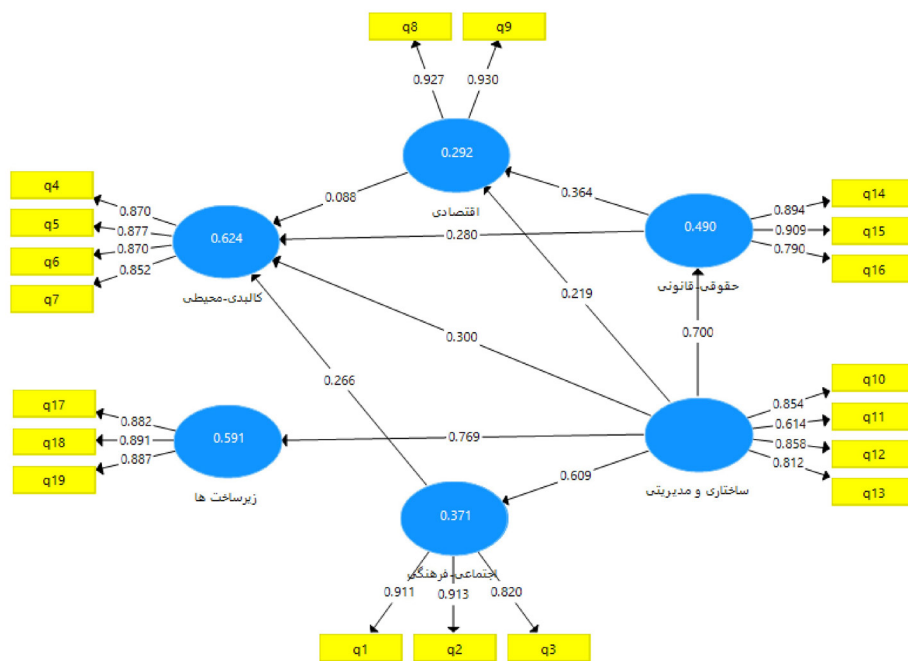
- ۱) بعد ساختاری و مدیریتی بر بعد حقوقی - قانونی تأثیر دارد.
- ۲) بعد ساختاری و مدیریتی بر بعد اقتصادی تأثیر دارد.
- ۳) بعد ساختاری و مدیریتی بر بعد کالبدی - محیطی تأثیر دارد.
- ۴) بعد ساختاری و مدیریتی بر بعد زیرساخت‌ها تأثیر دارد.

بررسی تاثیر ابعاد الگو بر یکدیگر در الگوی اولیه پژوهش
 اگر آماره t بزرگتر از مقدار ۱/۹۶ و سطح معناداری کوچکتر از ۰/۰۵ باشد فرضیه صفر رد می شود و فرضیه پژوهش مورد پذیرش قرار می گیرد. مقدار تاثیر متغیر مستقل بر متغیر وابسته برابر با ضریب مسیر (β) است (جدول شماره ۵).

۵) بعد ساختاری و مدیریتی بر بعد اجتماعی- فرهنگی تاثیر دارد.
 ۶) بعد حقوقی- قانونی بر بعد اقتصادی تاثیر دارد.
 ۷) بعد حقوقی- قانونی بر بعد کالبدی- محیطی تاثیر دارد.
 ۸) بعد اقتصادی بر بعد کالبدی- محیطی تاثیر دارد.
 ۹) بعد اجتماعی- فرهنگی بر بعد کالبدی- محیطی تاثیر دارد.

جدول شماره ۵: بررسی تاثیر ابعاد الگو بر یکدیگر در الگوی اولیه پژوهش

ردیف	فرضیه	آماره آزمون	β	p-values	نتیجه آزمون
۱	بعد ساختاری و مدیریتی بر بعد حقوقی- قانونی تاثیر دارد.	۱۰/۹۹۷	۰/۷۰۰	۰/۰۰۰	رد فرضیه H ₀ و پذیرش فرضیه تحقیق
۲	بعد ساختاری و مدیریتی بر بعد اقتصادی تاثیر دارد.	۱/۳۱۳	۰/۲۱۹	۰/۱۹۰	پذیرش فرضیه H ₀ و رد فرضیه تحقیق
۳	بعد ساختاری و مدیریتی بر بعد کالبدی- محیطی تاثیر دارد.	۲/۴۹۶	۰/۳۰۰	۰/۰۱۳	رد فرضیه H ₀ و پذیرش فرضیه تحقیق
۴	بعد ساختاری و مدیریتی بر بعد زیرساخت ها تاثیر دارد.	۱۴/۳۴۸	۰/۷۶۹	۰/۰۰۰	رد فرضیه H ₀ و پذیرش فرضیه تحقیق
۵	بعد ساختاری و مدیریتی بر بعد اجتماعی- فرهنگی تاثیر دارد.	۶/۵۰۴	۰/۶۰۹	۰/۰۰۰	رد فرضیه H ₀ و پذیرش فرضیه تحقیق
۶	بعد حقوقی- قانونی بر بعد اقتصادی تاثیر دارد.	۲/۶۸۲	۰/۳۶۴	۰/۰۰۸	رد فرضیه H ₀ و پذیرش فرضیه تحقیق
۷	بعد حقوقی- قانونی بر بعد کالبدی- محیطی تاثیر دارد.	۲/۶۳۱	۰/۲۸۰	۰/۰۰۹	رد فرضیه H ₀ و پذیرش فرضیه تحقیق
۸	بعد اقتصادی بر بعد کالبدی- محیطی تاثیر دارد.	۱/۰۰۶	۰/۰۸۸	۰/۳۱۵	پذیرش فرضیه H ₀ و رد فرضیه تحقیق
۹	بعد اجتماعی- فرهنگی بر بعد کالبدی- محیطی تاثیر دارد.	۳/۲۰۹	۰/۲۶۶	۰/۰۰۱	رد فرضیه H ₀ و پذیرش فرضیه تحقیق



تصویر شماره ۴: الگو پیشنهادی در حالت استاندارد

بررسی روابط بین متغیرها می باشد که در مورد رابطه بین تمامی ابعاد طرح، هم در سطح خطای 1% و هم در سطح خطای 5% با Sig=0.000 ارتباط معنی دار و مستقیمی را نشان می دهد.

تبیین ابعاد الگوی پیشنهادی مدیریت بحران زلزله در بافت های فرسوده شهری

آزمون همبستگی پیرسون: ضریب همبستگی پیرسون، میزان همبستگی بین دو متغیر فاصله ای یا نسبی را محاسبه کرده و مقدار آن بین +1 و -1 می باشد. ضریب همبستگی اصلی ترین معیار برای

جدول شماره ۶: ماتریس ضرایب همبستگی ابعاد الگوی پیشنهادی

کالبدی - محیطی	ساختاری و مدیریتی	زیر ساخت ها	حقوقی - قانونی	اقتصادی	اجتماعی - فرهنگی
					اجتماعی - فرهنگی
					اقتصادی
					حقوقی - قانونی
					زیر ساخت ها
					ساختاری و مدیریتی
					کالبدی - محیطی

جدول شماره ۸: ماتریس مقایسه جذر AVE و ضرایب همبستگی ابعاد الگوی پیشنهادی

کالبدی - محیطی	ساختاری و مدیریتی	زیر ساخت ها	حقوقی - قانونی	اقتصادی	اجتماعی - فرهنگی
					اجتماعی - فرهنگی
					اقتصادی
					حقوقی - قانونی
					زیر ساخت ها
					ساختاری و مدیریتی
					کالبدی - محیطی

معیارهای برازش مدل

روایی همگرا: معیاری است که برای برازش مدل‌های اندازه‌گیری در روش PLS از روایی همگرا و معیار AVE⁶ برای برازش مدل‌های اندازه‌گیری استفاده می‌شود (Fornell & Larck, 1981). با توجه به جدول زیر مقدار AVE برای هر شش بعد بالای ۰/۵ می‌باشد که حکایت از روایی همگرای مناسب مدل (ابعاد با مؤلفه‌ها) دارد.

جدول شماره ۷: میانگین واریانس استخراج شده ابعاد الگوی پیشنهادی

ردیف	ابعاد	میانگین واریانس استخراج شده
۱	ساختاری و مدیریتی	۰/۶۲۶
۲	حقوقی - قانونی	۰/۷۵۰
۳	کالبدی - محیطی	۰/۷۵۲
۴	اقتصادی	۰/۸۶۲
۵	اجتماعی - فرهنگی	۰/۷۷۹
۶	زیر ساخت ها	۰/۷۸۶

روایی واگرا: در قسمت روایی واگرا میزان رابطه یک بعد با مؤلفه‌هایش در مقایسه رابطه آن بعد با سایر ابعاد است. در روش PLS، در صورتی مدل روایی واگرای قابل قبولی دارد که اعداد مندرج در قطر اصلی از مقادیر زیرین خود بیشتر باشند (داوری و رضازاده، ۱۳۹۳). مقدار جذر AVE ابعاد در پژوهش حاضر که در خانه‌های موجود در قطر اصلی ماتریس قرار گرفته‌اند، از مقدار همبستگی میان آن‌ها که در خانه‌های زیرین هستند، بیشتر است از این رو می‌توان اظهار داشت که در پژوهش حاضر، ابعاد در مدل تعامل بیشتری با شاخص‌های خود دارند تا با ابعادی دیگر. به بیان دیگر روایی واگرای مدل در حد مناسب است.

آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی^۷

یکی از روش‌های محاسبه پایایی استفاده از فرمول کرونباخ است. این روش برای محاسبه هماهنگی درونی ابزار اندازه‌گیری به کار می‌رود. در این گونه ابزار، پاسخ هر سوال می‌تواند مقادیر عددی مختلف اختیار کند. از آنجایی که معیار آلفای کرونباخ یک معیار سنتی برای تعیین پایایی ابعاد می‌باشد، روش PLS معیار مدرن تری نسبت به آلفا به نام پایایی ترکیبی به کار می‌برد و برتری آن نسبت به آلفای کرونباخ در این است که پایایی ابعاد نه به صورت مطلق بلکه با توجه به همبستگی ابعادیشان با یکدیگر محاسبه می‌گردد. در نتیجه برای سنجش بهتر پایایی در روش PLS هر دوی این معیارها به کار برده می‌شوند. برخی محققین معیار ترکیبی (CR) را با Rho نیز معرفی می‌کنند. مقدار CR یک بعد از یک نسبت حاصل می‌شود که در صورت این کسر، واریانس بین یک بعد با مؤلفه‌هایش و در مخراج کسر، واریانس بعد با مؤلفه‌هایش به اضافه مقدار خطای اندازه‌گیری می‌آید. در صورتی که مقدار CR برای هر بعد بالای ۰/۷ شود، نشان از پایداری درونی مناسب برای مدل‌های اندازه‌گیری دارد و مقدار ۰/۶ عدم وجود پایایی را نشان می‌دهد. مطابق جدول پایایی ترکیبی برای هر ۶ بعد بالاتر از ۰/۷ می‌باشد که نشان از پایایی مناسب و قابل قبول مدل‌های اندازه‌گیری می‌باشد.

جدول شماره ۹: آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی ابعاد الگوی پیشنهادی

متغیرها	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی
ساختاری و مدیریتی	۰/۸۰۰	۰/۸۶۸
حقوقی - قانونی	۰/۸۳۲	۰/۹۰۰
کالبدی - محیطی	۰/۸۹۰	۰/۹۲۴
اقتصادی	۰/۸۴۰	۰/۹۲۶
اجتماعی - فرهنگی	۰/۸۵۷	۰/۹۱۳
زیر ساخت ها	۰/۸۶۴	۰/۹۱۷

معیار واریانس تبیین شده (R Squares یا R²)

معیار R²، معیاری است که برای متصل کردن بخش اندازه گیری و بخش ساختاری مدل سازی، معادلات ساختاری به کار می رود و نشان از تاثیری دارد که یک متغیر مستقل بر یک متغیر وابسته می گذارد. مقدار R² تنها برای ابعادی درون زای مدل (متغیرهای وابسته) محاسبه می گردد و در مورد ابعادی بیرون زای، مقدار این معیار صفر است. هر چه مقدار R² مربوط به ابعادی درون زای یک مدل بیشتر باشد، نشان از برازش بهتر مدل دارد. معمولاً سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ را به عنوان مقدار ملاک برای مقادیر ضعیف، متوسط و قوی R² در نظر گرفته می شوند. همانطور که از شکل مدل در حالت استاندارد مشخص می باشد، مقادیر R² مربوط به متغیرهای درون زای (حقوقی - قانونی، کالبدی - محیطی، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و زیرساخت ها) برابر ۰/۴۹۲، ۰/۶۱۹، ۰/۲۶۷، ۰/۳۷۱ و ۰/۵۹۱ می باشند که می توان گفت مدل تقریباً از برازش متوسط مدل ساختاری برخوردار است.

معیار Q²

این معیار قدرت پیش بینی مدل را مشخص می سازد. مدل هایی که دارای برازش بخش ساختاری قابل قبول هستند، باید قابلیت پیش بینی شاخص های مربوط به ابعادی درون زای مدل را داشته باشند. بدین معنی که اگر در یک مدل، روابط بین ابعاد به درستی تعریف شده باشند، ابعاد قادر خواهند بود تا تاثیر کافی بر شاخص های یکدیگر گذاشته و از این راه فرضیه ها به درستی تایید شوند. مقدار Q² باید در مورد تمامی ابعادی درون زای مدل محاسبه شود و نتیجه آن در قسمت تفسیر مدل بیان گردد. در صورتی که مقدار Q² در مورد یک بعد درون زای صفر و یا کمتر از صفر شود، نشان از آن دارد که روابط بین ابعادی دیگر مدل و آن بعد درون زای به خوبی تبیین نشده است و در نتیجه مدل احتیاج به اصلاح دارد. در مورد شدت قدرت پیش بینی مدل در مورد ابعادی درون زای سه مقدار ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ در نظر گرفته می شود، اگر مقدار Q² در مورد یک بعد درون زای در محدوده نزدیک به ۰/۰۲ باشد، نشان از آن دارد که مدل قدرت پیش بینی ضعیفی در قبال شاخص های آن بعد دارد (داوری و رضازاده، ۱۳۹۳). با توجه جدول مقادیر Q²، مدل در خصوص ابعاد درون زای حقوقی - قانونی، اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی از قدرت پیش بینی متوسط و در خصوص ابعاد کالبدی - محیطی و زیرساخت ها از قدرت قوی پیش بینی برخوردار است و برازش مناسب مدل ساختاری تایید می شود.

جدول شماره ۱۰: مقادیر Q² ابعاد الگوی پیشنهادی

مقادیر Q ²	بعد
۰,۳۴۱	حقوقی - قانونی
۰,۴۲۲	کالبدی - محیطی
۰,۲۱۷	اقتصادی
۰,۲۷۰	اجتماعی - فرهنگی
۰,۴۳۱	زیرساخت ها
۰	ساختاری و مدیریتی

معیار GOF

معیار GOF^۹ مربوط به بخش کلی مدل های معادلات ساختاری است. بدین معنی که توسط این معیار، محقق می تواند پس از بررسی برازش بخش اندازه گیری و بخش ساختاری مدل کلی پژوهش خود، برازش بخش کلی را نیز کنترل کند. سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ را به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF در نظر گرفته می شود.

$$GOF = \sqrt{\text{communalities} \times R^2}$$

$$GOF = \sqrt{0/786 \times 0/364} = \sqrt{0/286104} = 0/535$$

در پژوهش حاضر برای الگوی آزمون شده شاخص برازش مطلق GOF، ۰/۵۳۵ به دست آمد که مقدار به دست آمده برای این شاخص برازش، نشانگر برازش بسیار مناسب الگوی آزمون شده است.

رتبه بندی مؤلفه های الگوی اولیه پیشنهادی مدیریت بحران

زلزله در بافت های فرسوده شهری

برای رتبه بندی مؤلفه های هر بعد از الگو از آزمون فریدمن استفاده شده است. آزمون فریدمن یک آزمون ناپارامتری، معادل آنالیز واریانس با اندازه های تکراری (درون گروهی است) که از آن برای مقایسه میانگین رتبه ها در بین k متغیر (مؤلفه) استفاده می کنیم.

بعد اجتماعی - فرهنگی: با توجه به نتایج جدول، آزمون فریدمن معنی دار نبوده بنابراین رتبه های مؤلفه های بعد اجتماعی - فرهنگی با یکدیگر تفاوت معنی دار ندارند.

جدول شماره ۱۱: نتایج آزمون فریدمن برای بعد اجتماعی - فرهنگی

آماره خی دو	۰,۳۶۹
درجه آزادی	۲
معنی داری	۰/۸۲۱

جدول شماره ۱۲: رتبه بندی مؤلفه های بعد اجتماعی - فرهنگی

مؤلفه	شناسه	میانگین رتبه
مؤلفه ۱	q1	۱,۹۶
مؤلفه ۲	q2	۲,۰۰
مؤلفه ۳	q3	۲,۰۴

بعد حقوقی - قانونی: با توجه به نتایج جدول، آزمون فریدمن معنی دار بوده بنابراین رتبه های مؤلفه های بعد حقوقی - قانونی با یکدیگر تفاوت معنی دار دارند. نتایج جدول فوق نشان می دهد که به ترتیب مؤلفه های سوم، اول و دوم از رتبه های اول تا سوم برخوردار می باشند.

جدول شماره ۱۳: نتایج آزمون فریدمن برای بعد حقوقی - قانونی

آماره خی دو	۶,۴۸۰
درجه آزادی	۲
معنی داری	۰/۰۳۹

جدول شماره ۱۴: رتبه‌بندی مؤلفه‌های بعد حقوقی - قانونی

رتبه	میانگین رتبه	شناسه	مؤلفه
۱	۱,۸۳	q16	مؤلفه ۱
۲	۲,۰۶	q14	مؤلفه ۲
۳	۲,۱۲	q15	مؤلفه ۳

بعد محیطی - کالبدی: با توجه به نتایج جدول، آزمون فریدمن معنی دار نبوده بنابراین رتبه‌های مؤلفه‌های بعد کالبدی - محیطی با یکدیگر تفاوت معنی دار ندارند.

جدول شماره ۱۵: نتایج آزمون فریدمن برای بعد کالبدی - محیطی

آماره خی دو	۶,۸۵۰
درجه آزادی	۳
معنی داری	۰/۰۷۷

جدول شماره ۱۶: رتبه‌بندی مؤلفه‌های بعد حقوقی - قانونی

رتبه	میانگین رتبه	شناسه	مؤلفه
۱	۲,۷۲	q4	مؤلفه ۱
۲	۲,۵۳	q5	مؤلفه ۲
۳	۲,۳۶	q6	مؤلفه ۳
۴	۲,۳۹	q7	مؤلفه ۴

بعد ساختاری و مدیریتی: با توجه به نتایج جدول، آزمون فریدمن معنی دار بوده بنابراین رتبه‌های مؤلفه‌های بعد ساختاری و مدیریتی با یکدیگر تفاوت معنی دار دارند. نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که به ترتیب مؤلفه دوم رتبه اول، مؤلفه‌های اول و سوم رتبه‌ی دوم و مؤلفه چهارم رتبه سوم را به خود اختصاص می‌دهند.

جدول شماره ۱۷: نتایج آزمون فریدمن برای بعد ساختاری و مدیریتی

آماره خی دو	۱۳,۳۱۳
درجه آزادی	۳
معنی داری	۰/۰۰۴

جدول شماره ۱۸: رتبه‌بندی مؤلفه‌های بعد ساختاری و مدیریتی

رتبه	میانگین رتبه	شناسه	مؤلفه
۱	۲,۱۳	q11	مؤلفه ۲
۲	۲,۵۹	q10	مؤلفه ۱
۳	۲,۵۹	q12	مؤلفه ۳
۴	۲,۶۹	q13	مؤلفه ۴

بعد اقتصادی: با توجه به نتایج جدول، آزمون فریدمن معنی دار نبوده بنابراین رتبه‌های مؤلفه‌های بعد اقتصادی با یکدیگر تفاوت معنی دار ندارند.

جدول شماره ۱۹: نتایج آزمون فریدمن برای بعد اقتصادی

آماره خی دو	۲,۰۷۷
درجه آزادی	۱
معنی داری	۰/۱۵۰

جدول شماره ۲۰: رتبه‌بندی مؤلفه‌های بعد حقوقی - قانونی

رتبه	میانگین رتبه	شناسه	مؤلفه
۱	۱,۵۶	q8	مؤلفه ۱
۲	۱,۴۴	q9	مؤلفه ۲

بعد زیرساخت‌ها: با توجه به نتایج جدول، آزمون فریدمن معنی دار بوده بنابراین رتبه‌های مؤلفه‌های بعد زیرساخت‌ها با یکدیگر تفاوت معنی دار دارند. نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که به ترتیب مؤلفه‌های دوم، سوم و اول از رتبه‌های اول تا سوم برخوردار می‌باشند.

جدول شماره ۲۱: نتایج آزمون فریدمن برای بعد زیرساخت‌ها

آماره خی دو	۱۳,۴۴۷
درجه آزادی	۲
معنی داری	۰/۰۰۱

جدول شماره ۲۲: رتبه‌بندی مؤلفه‌های بعد زیرساخت‌ها

رتبه	میانگین رتبه	شناسه	مؤلفه
۱	۱,۸۷	q18	مؤلفه ۲
۲	۱,۸۸	q19	مؤلفه ۱
۳	۲,۲۵	q17	مؤلفه ۳

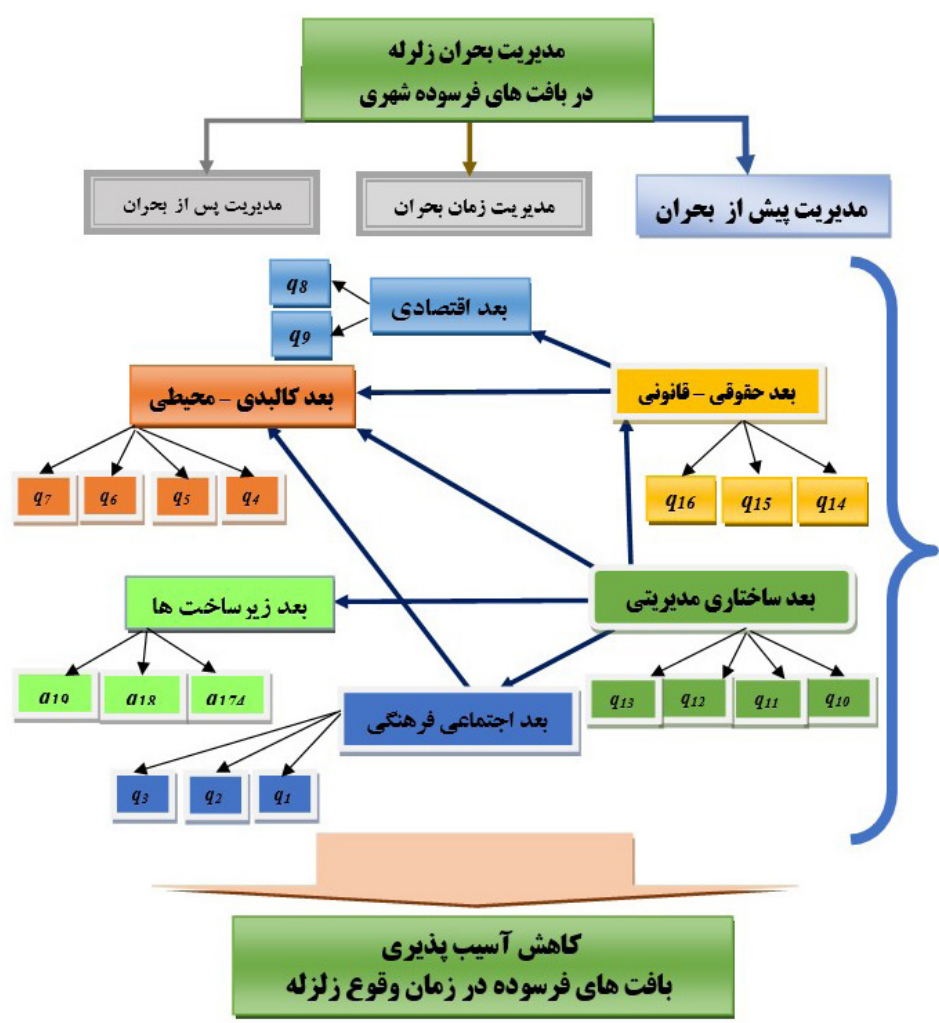
در بررسی رابطه بین ابعاد و مؤلفه‌ها، طبق آزمون پیرسون بین ۶ بعد طرح همبستگی وجود دارد. و روایی و آگرایی مدل که رابطه هر بعد با مؤلفه‌هایش است در حد مناسب است. در پژوهش حاضر برای الگوی آزمون شده شاخص برآزش مطلق GOF، ۰/۵۳۵ به دست آمد که مقدار به دست آمده برای این شاخص برآزش، نشانگر برآزش بسیار مناسب الگوی آزمون شده است. برای رتبه‌بندی مؤلفه‌های هر بعد از الگو، طبق آزمون فریدمن، رتبه مؤلفه‌های ابعاد اجتماعی - فرهنگی، کالبدی - محیطی و اقتصادی با یکدیگر تفاوت معنی دار ندارند و دارای رتبه یکسانی هستند ولی رتبه بندی مؤلفه‌های ابعاد ساختاری - مدیریتی، حقوقی - قانونی و زیر ساختها به شرح جدول ۲۳ می‌باشد:

نتایج یافته‌ها براساس جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که بعد ساختاری و مدیریتی بر ابعاد حقوقی - قانونی، کالبدی - محیطی، زیرساخت‌ها و اجتماعی - فرهنگی تاثیر مثبت و معناداری دارد و مقادیر تاثیر به ترتیب ۰/۷، ۰/۳، ۰/۷۶۹ و ۰/۶۰۹ می‌باشد. بعد حقوقی - قانونی بر ابعاد اقتصادی و بعد کالبدی - محیطی تاثیر مثبت و معناداری دارد و مقادیر تاثیر به ترتیب برابر ۰/۳۶۴ و ۰/۲۸۰ می‌باشد و بعد اجتماعی - فرهنگی بر بعد کالبدی - محیطی تاثیر مثبت و معناداری دارد که مقدار تاثیر برابر با ۰/۲۶۶ می‌باشد. در صورتی که بعد ساختاری و مدیریتی بر بعد اقتصادی و همچنین بعد اقتصادی بر بعد کالبدی - محیطی تاثیر مستقیم و معناداری ندارد (تصویر ۶).



جدول شماره ۲۳: رتبه‌بندی مولفه‌های ابعاد ساختاری-مدیریتی، حقوقی- قانونی و زیرساخت‌ها

رتبه	مؤلفه‌ها	شناسه	ابعاد
۱	تشکیل کمیته مدیریت بحران در ستاد بازآفرینی پایدار شهر تهران	q11	ساختاری و مدیریتی
۲	تقویت ساختار مدیریت بحران در سطح مناطق شهرداری با اولویت قرار دادن بافت‌های ناکارآمد و فرسوده	q10	
۳	تقویت روابط میان سازمان‌ها مبتنی بر هماهنگی میان کنشگران در حوزه مدیریت بحران و نوسازی بافت‌های فرسوده	q12	
۴	نظارت و کنترل دقیق بر عملکرد سازمانهای ناظر بر ساخت و ساز در محدوده بافت‌های ناکارآمد شهری	q13	
۱	وضع دستورالعمل‌های موضعی متناسب با شرایط هر محدوده بافت فرسوده	q16	حقوقی - قانونی
۲	اجرای ضوابط و مقررات مربوط به کاهش آسیب‌پذیری و مقاوم سازی در بافت‌های فرسوده شهری	q14	
۳	توجه به اصول و ضوابط شهرسازی و تجدید نظر در ضوابط بلندمرتبه سازی، تامین خدمات و زیرساخت‌ها و جلوگیری از افزایش تراکم در بافت‌های فرسوده شهری	q15	
۱	مکان‌یابی پایگاه‌های پشتیبانی مدیریت بحران و تجهیز و تقویت آن‌ها در محدوده بافت‌های ناکارآمد شهری	q18	زیرساختها (تجهیزات و امکانات)
۲	مکان‌یابی محدوده‌های اسکان اضطراری در بافت‌های فرسوده و ناپایدار شهری	q19	
۳	تقویت زیرساخت‌ها، تجهیزات و تاسیسات ارتباطی و واکنش اضطراری تأثیرگذار در مدیریت بحران بافت‌های فرسوده شهری	q17	



تصویر شماره ۶: الگوی پیشنهادی مدیریت بحران زلزله در بافت‌های فرسوده شهر تهران در مرحله پیش از بحران



با توصیفی که از مفاهیم و ویژگی های بافت های فرسوده شهر تهران و برنامه هایی که در قالب محورهای مختلف ذکر گردید که می تواند ملاک عمل مدیریت بحران و مدیریت شهری قرار گیرد، می توان اذعان نمود که در فضاهای شهری استقرار سیستم یکپارچه مدیریت بحران نیازمند نگاه سیستمی است. برخی از فضاهای شهری مانند بافت های فرسوده نیازمند توجه خاص و ویژه در پهنه شهر و نیازمند برنامه ریزی دقیق و حساب شده ای برای سیستم مدیریت بحران و ارتقای ایمنی هستند. کارایی و پویایی سیستم مدیریت بحران و ارائه خدمات ایمنی و امداد به شهروندان ساکن در این بافت ها شرایط خاصی را طلب می نماید. بین مدیریت و برنامه ریزی برای شرایط عادی و مدیریت و برنامه ریزی برای آمادگی در برابر شرایط بحرانی در بافت های فرسوده تفاوت وجود دارد. بنابراین آمادگی و برنامه ریزی مناسب برای شرایط بحرانی نیازمند تغییر رویکردها، ابزارها و نیروهای موجود است. به همین دلیل ایجاد ظرفیت های ویژه مدیریت خطرپذیری بحران در بافت های فرسوده شهر تهران از اهمیت زیادی برخوردار است و با توجه به تغییر رویکردها و سیاست ها در کشورهای مختلف دنیا از «مدیریت حادثه» به سمت راهکارهای مدیریتی به منظور «پیشگیری از سوانح» و «آمادگی در برابر سوانح» این موضوع در بافت های فرسوده شهری در مواجهه با بحران ها اهمیت دوچندان می یابد. ارتقای وضعیت ایمنی و مدیریت بحران مستلزم اتخاذ سیاست های چند وجهی در حوزه عمران، خدمات و مسکن شهری و ارائه خدمات اجتماعی و اقتصادی به ساکنان بافت های فرسوده است و انجام این وظیفه به تنهایی از عهده یک دستگاه و یا یک بخش خارج است و پیشبرد آن در مقیاس بافت های فرسوده شهر تهران، مستلزم حداکثر هم افزایی، هماهنگی و یکپارچگی فعالیت های مجموع دستگاه های دولتی و شهرداری، مشارکت مردم و فعالان غیردولتی و خصوصی و... می باشد. با این شرایط در زمینه مدیریت بحران در بافت های فرسوده شهر تهران ابتدا می بایست نگاه و دیدگاه کلان به این موضوع را در این بافت ها طراحی و تعریف کرد که حسب شرایط و دیدگاه های علمی موجود بیش از این که به مدیریت بحران با نگاه پس از بحران پرداخت ضرورت دارد نگاه مدیریت ریسک و پیش اندیشانه و قبل از بحران به آن داشت. در مرحله پیش از بحران توجه به ابعاد مختلف و در نظر گرفتن مؤلفه های تاثیر گذار هر یک از این ابعاد در مدیریت بحران در بافت های فرسوده شهری و بکارگیری آن ها می تواند در نهایت منجر به کاهش آسیب پذیری و ارتقاء تاب آوری این بافت ها در مواجهه با سوانح مختلف از جمله زلزله که موضوع این پژوهش بود، شود.

- 1- Japan International Cooperation Agency
- 2- Global Platform for Disaster Risk Reduction
- 3- Global Assessment Report on DRR
- 4- Hyogo Framework for Action 2005-2015
- 5- Sednai Framework for Disaster Risk Reduction
- 6- Average Variance Extracted (AVE)
- 7- Composite Reliability
- 8- Stone-Geisser Criterion
- 9- Goodness Of Fit (GOF)

فهرست منابع و مراجع

۱. آژانس همکاری های بین المللی ژاپن (جایکا) (۱۳۸۰)، مرکز مطالعات زلزله و زیست محیطی تهران بزرگ، گزارش نهایی پروژه ریزپهنه بندی لرزه های تهران بزرگ.
۲. داوری، علی و آرش رضازاده (۱۳۹۳)، مدل سازی معادلات ساختاری با نرم افزار PLS، انتشارات آگاه، تهران.
۳. ربیعی، علی و سمیرا السادات حسینی (۱۳۹۲)، مدیریت بحران، مفاهیم، الگوها و شیوه های برنامه ریزی در بحران طبیعی، انتشارات تپسا، تهران.
۴. شرکت باز آفرینی شهری ایران (۱۳۹۶)، آمار مساحت و جمعیت بافت های ناکارآمد شناسایی شده در شهرهای کشور.
۵. شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران (۱۳۹۴)، دفتر شماره هفت، نوسازی بافت فرسوده با مشارکت کارکنان: محله خوب بخت، منطقه ۱۵ تهران.
۶. طرح جامع شهر تهران (۱۳۸۵)، شهرداری تهران.
۷. کرکه آبادی، زینب و سید مرتضی میرنژاد (۱۳۹۹)، «بررسی عوامل مؤثر بر آسیب پذیری بافت فرسوده نواحی شهری (نمونه موردی: شهر فریدونکنار)»، فصلنامه دانش پیشگیری و مدیریت بحران، دوره ۱۰، شماره ۳۶، ۱۵۲-۱۶۲.
۸. قدیری محمود (۱۳۸۶)، کاهش آسیب پذیری در برابر زلزله؛ ضرورت نگرش همه جانبه در برنامه های توسعه پنجساله ایران، سومین کنفرانس بین المللی مدیریت جامع بحران تهران.
۹. ملداح، مریم، مجید عبدالمهدی و مجید صالحی نیا (۱۳۹۲)، «تدوین راهکارهای مدیریت بحران در بافت های فرسوده شهری در منطقه ۱۲ شهر تهران»، نشریه دانش پیشگیری و مدیریت بحران، شماره ۹.
۱۰. مرکز آمار ایران (۱۳۹۵)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵.
۱۱. منزوی، مهشید، محمد سلیمانی، سیمین تولابی و اسماعیل چاوشی (۱۳۸۹)، «آسیب پذیری بافت های فرسوده بخش مرکزی شهر تهران در برابر زلزله (مورد: منطقه ۱۲)»، پژوهش های جغرافیای انسانی (پژوهش های جغرافیایی)، دوره ۴۲، شماره ۷۳.
۱۲. مهرجو، محسن و نسرین گیاه چین (۱۳۹۱)، «نقش برنامه ریزی راهبردی در کاهش خطرپذیری زلزله در بافت های فرسوده شهری منطقه ۲۰ شهر تهران»، نشریه دانش پیشگیری و مدیریت بحران، شماره ۳.
۱۳. مهندسان مشاور بوم سازگان تهران (۱۳۸۵)، طرح جامع تهران، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران.
۱۴. وزارت راه و شهرسازی (۱۳۸۵)، مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری در مورد شاخص های شناسایی بافت فرسوده.

۱۵. نقدی، آمنه، عزت‌اله مافی و مهدی وطن‌پرست (۱۴۰۰)، «تحلیلی بر وضعیت شاخص‌های تاب‌آوری در بافت‌های فرسوده شهری مطالعه موردی: بافت فرسوده شهر فاروج»، *نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، سال ۲۱، شماره ۶۰.

16. Roy. B and Sethi G (eds.). (2012). Fiscal Federalism in Latin America: Argentina, Colombia, Mexico and Peru. Washington, D.C.: World Bank.
17. Bulkeley, H., (2010), Cities and the Governing of Climate Change, Annual Review of Environment and Resources, 35 (229-253).
18. Fornell. C and Larcker. D.F, (1981), Evaluating Structural Equation Models with Unobservable Variables and Measurement Error, Journal of Marketing Research, Vol. 18, No. 1.
19. Cohen C. and Werker, E., (2008), The Political Economy of 'Natural' Disasters, Harvard Business School, Harvard Business School Working Paper No. 08-040. P. 795.
20. Kapucu, N, & Ozerdem, A. (2013). Managing emergencies and crises. Boston: Jones & Bartlett.
21. Rubin, Claire B. (Ed). (2007). Emergency Management: The American Experience, 1900-2005, Washington, DC: Public Entity Risk Institute.
22. UNISDR/UNESCAP (2012) The Asia-Pacific Disaster Report 2012: Reducing Vulnerability and Exposure to Disasters. Geneva and Bangkok: International Strategy for Economic and Social Commission for Asia and the Pacific.
23. **URL1-** https://www.unisdr.org/files/1037_hyogoframeworkforactionenglish.pdf.
24. **URL2-** https://www.unisdr.org/files/43291_sendai-frameworkfordrren.pdf.

معیارهای پیاده‌مداری در سطح محله‌های قدیمی شهر اصفهان از منظر ساکنان نمونه موردی: محله سنگ تراش‌ها

اسلام کرمی^۱، احسان عباسیه^{۲*} (نویسنده مسئول)

^۱ استادیار دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه صنعتی شاهرود، شاهرود، ایران.
^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه صنعتی شاهرود، شاهرود، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۰۱

چکیده

اولویت تردد پیاده و به تبع آن پیش‌بینی تمهیداتی برای تحقق نیازها و تامین زیرساخت‌هایی برای سهولت جابجایی شهروندان، یکی از اصول مهم طراحی شهری در جوامع سنتی بوده است. در شرایط کنونی، توسعه افسارگسیخته شهرها و غلبه تردد اتومبیل در نتیجه منطقه‌بندی عملکردی و توسعه ناموزون شهر منکی بر اقتصاد زمین، نه تنها سبب افول محوریت انسان و فراموشی نیازهای وی شده است، بلکه آثار نامطلوبی در حیات جمعی و اکولوژی اجتماعی- انسانی شهرها بر جای گذاشته و مرگ حیات مدنی در فضای میان ساختمان‌ها هر روز بیشتر خود را نمایان می‌سازد. در چنین فضایی و در فقدان حیات اجتماعی و مدنی، مطالعه نمونه‌هایی از فضاهای شهری جاذب جمعیت پیاده از بُعد کیفیت پیاده‌مداری و مولفه‌های آن و واکاوی دلایل افزایش یا کاهش این کیفیات از نظر کالبدی، محیطی، اجتماعی و فردی می‌تواند الگوهای برای خلق فضاهای پیاده‌مدار جدید و اجتناب از خلق فضاهای پیاده‌گریز در اختیار جامعه قرار دهد. سوال پژوهش حاضر، عوامل موثر در ارتقای کیفیت پیاده‌مداری در فضاهای شهری است که در نمونه موردی محله سنگ تراش‌ها در اصفهان و با هدف شناسایی عوامل جاذب جمعیت از نظر ساکنان و فراهم آوردن زمینه کاربردی آن در الگوهای معاصر طراحی شهری انجام گرفته است که به روش توصیفی- تحلیلی با استفاده از ابزار پرسشنامه به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انجام شده است. نتایج تحلیل‌های نرم‌افزار SPSS حاکی از آن است که ارتباط خطی بین مولفه‌های پیاده‌مداری برقرار بوده و مولفه تامین امنیت و ایمنی در محله مورد بررسی از بیش‌ترین معدل بین مولفه‌های پیاده‌مداری برخوردار بوده است. با توجه به این که در بررسی مولفه تامین امنیت و ایمنی، شاخص عبور و مرور ایمن نسبت به شاخص تامین امنیت حرکت پیاده از ضریب بالاتری برخوردار بوده است، می‌توان گفت، توجه به ایمنی پیاده در طراحی کالبدی خیابان‌ها در محله سنگ تراش‌ها، یکی از عوامل تاثیرگذار در جذب جمعیت پیاده بوده است.

واژگان کلیدی: پیاده‌مداری، محله پیاده‌مدار، کیفیت فضایی، محله سنگ تراش‌ها، اصفهان.

مقدمه

خیابان‌های شهر طی سال‌ها نقش‌های متفاوتی اعم از مسیر جابجایی و تردد، مکانی برای جشن‌ها و اعتراضات، مکانی برای فعالیت‌های اقتصادی غیر ثابت و... ایفا کرده است. مسأله‌ای که در طول سال‌ها بدون تغییر مانده، حضور مردم در این فضای عمومی به عنوان استفاده‌کنندگان آن بوده است. البته این وابستگی و ارتباط، دوسویه است؛ انسان برای جابجایی در سطح شهر و مناسبات اجتماعی به خیابان‌ها نیاز خواهد داشت و در طرف مقابل حضور انسان در خیابان، ضامن پویایی و سرزندگی خیابان است. در واقع اگر بپذیریم بخش مهمی از برخوردهای اجتماعی و فرهنگی در فضاهای شهری اتفاق می‌افتد، در آن صورت نقش فضاهای پیاده در تقویت بنیان‌های اجتماعی و فرهنگی شهر انکارناپذیر می‌نماید (غلامی و همکاران، ۱۳۹۸). عدم توجه به نقش اساسی پیاده در فضاهای عمومی شهری و به انزوای راندن آن به بهانه سهولت در حمل‌ونقل سواره در سطح شهر، می‌تواند عواقب جبران‌ناپذیری برای بافت کالبدی و اجتماعی شهر همراه داشته باشد. افزایش آلودگی‌های زیست‌محیطی، کاهش سلامت عمومی، افزایش هزینه‌های تعمیر و نگهداری، کاهش چشمگیر ارتباطات اجتماعی در سطح محلات و شهر از نظر کمی و کیفی تنها گوشه‌ای از عواقب این تصمیم‌گیری یک‌سویه خواهد بود. محله سنگ‌تراش‌های اصفهان که به عنوان نمونه موردی این پژوهش انتخاب شده است در اکثر ساعات شبانه‌روز میزان تعداد قابل ملاحظه‌ای از ساکنین و عابرین می‌باشد و به صورت مشهود حرکت پیاده در این بافت نسبت به حرکت سواره ارجحیت دارد. دبا یک نگاه اجمالی می‌توان دریافت، عمده خیابان‌ها و گذرهای موجود در ایران با تمرکز بر تردد اتومبیل‌ها طراحی و تنها بخشی از باقی‌مانده عرض گذر برای عبور و مرور پیاده سامان‌دهی شده است. در دهه‌های اخیر اقداماتی در مسیر فراهم آوردن شرایط برای بازگشت به ارجحیت حرکت پیاده بر سواره در برخی شهرهای کشور صورت گرفته است؛ خیابان ۱۵ خرداد، پیاده‌راه باغ سپهسالار و پیاده‌راه باب همایون در تهران، پیاده‌راه تربیت تبریز، خیابان کوه سنگی مشهد و خیابان چهارباغ عباسی اصفهان همه از گذرهایی هستند که در ایران با محوریت حرکت پیاده طراحی یا باز اجرا شده‌اند و نتیجه آن در جذب جمعیت پیاده، قابل دفاع بوده است. پیاده‌روی قدیمی‌ترین و اولین شکل حمل‌ونقل و جابجایی انسان است که به دلیل هزینه کمتر و همچنین سهولت تردد و ارتقای سلامت شهری مورد استفاده همگان بوده است و شهرها در گذشته به دلیل شکل کالبدی و فقدان لوازم حمل‌ونقل پیشرفته و صنعتی از قابلیت پیاده‌مداری^۱ بیش‌تری برخوردار بوده‌اند (محمدی و حاجی‌زاده، ۱۳۹۵). با اینحال، با شروع انقلاب صنعتی، اختراع اتومبیل و گسترش شهرها، به تدریج اولویت دادن به نقش عابر پیاده و فضای پیاده‌محور در شهرها و فضاهای شهری کم‌رنگ شده و از کیفیات فضایی عرصه‌های عمومی شهر، فضاهای باز

شهری و پیاده‌راه‌ها کاسته شده است (کربلایی حسینی غیاثوند و بهزادپور، ۱۳۹۸). این مسأله موجب بروز مشکلات فراوانی در مسائل شهری از جمله افزایش آلودگی‌های زیست‌محیطی، کاهش سلامت عمومی، افزایش هزینه‌های تعمیر و نگهداری و فقدان حیات مدنی و اجتماعی شده است (غلامی و همکاران، ۱۳۹۸). این تغییرات در برخی موارد، تا اندازه‌ای زیاد بوده که نه تنها به ارجحیت حضور سواره به جای پیاده در فضاها و میدانی شهری منتج گردیده است بلکه بسیاری از این فضاها که برای برقراری روابط اجتماعی ایده‌آل بودند، اکنون به فضاهایی پیاده‌گریز و غیرانسانی مبدل شده‌اند. در چنین ساحتی از توسعه، بنظر می‌رسد، مطالعه نمونه‌های موجود از فضاهای شهری که هنوز جاذب جمعیت پیاده باشند، الگویی مناسب از توسعه انسانی شهرها و دستیابی به مولفه‌های پیاده‌مداری و شاخص‌های تحقق آن و تبیین راهکارهای کالبدی-فضایی آن در جلال با توسعه کمی و رشد ناموزون و مکانیکی شهر داشته باشد.

در این پژوهش تلاش می‌شود با بررسی کیفیت‌های پیاده‌مداری در یکی از محله‌های شناخته شده و قدیمی در شهر اصفهان، تاثیر معیارهای پیاده‌مداری را بر شکل‌گیری فضایی که ارجحیت حضور پیاده نسبت به سواره طی سال‌ها در آن مشهود بوده است بررسی و با هم مقایسه نماید و به این پرسش پاسخ دهد که هر یک از مولفه‌ها و شاخص‌های پیاده‌مداری در این فضا، تا چه اندازه در خلق فضایی جاذب جمعیت تاثیر گذار بوده‌اند.

رعایت حریم سواره‌رو و پیاده‌رو، عرض کم سواره‌رو و کف‌فرش سنگی مسیرهای سواره در خیابان‌های محله سنگ‌تراش‌ها که به محدود کردن سرعت سواره و افزایش ایمنی پیاده می‌انجامد، یکی از عوامل افزایش تمایل به حضور پیاده نسبت به سواره در این محله است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ ماهیت از نوع توصیفی - تحلیلی و به لحاظ زمانی از نوع تحقیقات مقطعی آینده‌نگر و به لحاظ هدف جزء تحقیقات کاربردی و به لحاظ فرآیند جزء روش‌های کمی محسوب می‌شود. ابزار گردآوری اطلاعات اولیه در این مطالعه، پرسش‌نامه از نوع باز مبتنی بر ابعاد مختلف متغیرهای تحقیق (مولفه‌های کالبدی فضایی معرفی شده در جدول شماره ۳ به عنوان مولفه‌های مستقل تحقیق و کیفیت پیاده‌مداری به عنوان مولفه وابسته تحقیق) جهت ارزیابی نظرات ساکنین گذر سنگ‌تراش‌ها شهر اصفهان است و پایلوت اولیه در قالب ترکیبی (مقیاس پنج گزینه ای لیکرت و سوالات ترتیبی) انجام شده است؛ روایی داخلی پرسش‌نامه به تایید دوازده نفر از کارشناسان این حوزه رسیده است. از آن‌جا که پژوهش به بررسی معیارهای پیاده‌مداری در گذر سنگ‌تراش‌ها اصفهان می‌پردازد و نیز ویژگی‌های عمومی و فردی پاسخ‌گویان را ارائه می‌دهد و در ادامه با استفاده از تحلیل‌هایی همچون تحلیل مسیر، همبستگی،

دهی جمعیت مخاطب، باعث ارتباط عمیق با ساکنان شده و در برخی موارد برخی سوالات منجر به طرح مباحثی می‌گردد که در بیان یافته‌های تحقیق و اعتبارسنجی یافته‌ها تاثیرگذار بود.

پیشینه پژوهش

طی سال‌های اخیر پژوهش‌های ارزشمندی در خصوص پیاده‌مداری و معیارهای آن صورت گرفته است که به جهت پرهیز از اطاله کلام، مولفه‌های پیاده‌مداری که هر پژوهشگر به آن‌ها استناد نموده است، در جدول ۱ معرفی شده‌اند.

رگرسیون، میزان روابط و تاثیرگذاری متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته پژوهشرا تحلیل و بررسی می‌کند، لذا روش توصیفی - تحلیلی برای پژوهش حاضر انتخاب گردید. نمونه‌گیری در این پژوهش به روش تصادفی ساده انجام شده است؛ جمعیت هدف برای توزیع پرسش‌نامه طبق فرمول کوکران ۳۵۳ نفر بوده اما با توجه به شرایط پاندمی کرونا، اکثریت ساکنین تمایلی به تکمیل پرسش‌نامه نداشتند و در مورد توزیع مجازی پرسش‌نامه نیز بسیاری این روش را بی‌ثمر دانسته و در انجام آن همکاری نکردند فلذا جمعیت شرکت‌کننده ۱۰۰ نفر بوده که تلاش شده این نمونه، کل قسمت‌های محله را شامل شود. حضور محقق در طی چاسخ

جدول شماره ۱: مروری بر سابقه پژوهش و کیفیت‌های بررسی شده توسط دیگر پژوهشگران

نام پژوهشگر	سال انتشار	دسترسی و نفوذپذیری	حضورپذیری و گشودگی	دسترسی به شبکه حمل و نقل عمومی	تناسبات بصری	خواتایی	غناي حسی	تامین امنیت حرکت پیاده در مسیر	تامین عبور و مرور ایمن	تنوع و اختلاط کاربری‌ها	همسازي با اقلیم	تامین نظافت محیط	آسایش صوتی	افزایش زمینه حضور شهروندان
کاغذلو و همکاران	۱۳۹۹			*	*			*	*			*	*	*
نوروزی و سجاذزاده	۱۳۹۹					*	*	*	*	*				
یزدان‌پناه و همکاران	۱۳۹۹	*	*					*						
محسی تازه‌کند	۱۳۹۹							*			*		*	
سلیمانی و همکاران	۱۳۹۹			*				*		*				
حیدری و همکاران	۱۳۹۹	*			*			*		*			*	
Hirwani & Vaiya	۲۰۲۰			*				*	*	*				
حسینی غیاثوند و بهزادپور	۱۳۹۸					*		*	*					
غلامی و همکاران	۱۳۹۸	*		*										
جهانگیر و همکاران	۱۳۹۸							*	*		*	*	*	*
محمدی و شارع‌پور	۱۳۹۸							*	*					
حوریجانی و چاره‌جو	۱۳۹۸				*			*	*					
Verstaavel & et al	۲۰۱۹								*					
Guan & et al	۲۰۱۹						*		*					
Zhang & et al	۲۰۱۸			*				*	*	*				
صفاری‌راد و شمس	۱۳۹۶	*		*				*	*	*	*	*	*	*
Chiang & et al	۲۰۱۷			*				*	*				*	*
محمدی و حاجی‌زاده	۱۳۹۵	*		*				*	*	*	*	*	*	*
Kim & et al	۲۰۱۴			*				*	*	*	*	*	*	*
Peiravian & et al	۲۰۱۴			*				*	*	*	*	*	*	*
سیف‌الهی‌فخر و همکاران	۱۳۹۲				*			*	*	*	*	*	*	*
Talen & Koschinsky	۲۰۱۳			*				*	*	*	*	*	*	*

مبانی نظری پژوهش

تاریخچه پیاده‌مداری

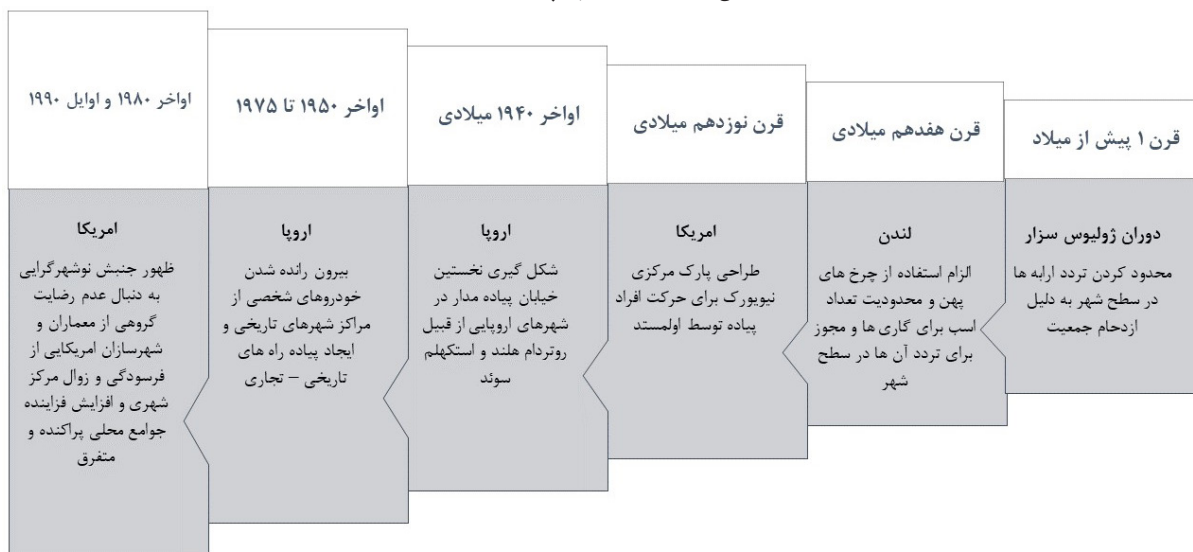
پیشینه شکل‌گیری پیاده‌راه به شهر رم در زمان ژولیوس سزار^۲ برمی‌گردد که به علت تراکم بیش از حد خیابان‌ها و برخوردهای مداوم سواره و پیاده، از عبور و مرور آرا به‌ها در داخل شهر، در ساعات روز به جز آرا به‌های لازم برای کارهای ساختمانی و چند گروه از کالسکه‌های دولتی، ممانعت به عمل آورده بود (کربلایی حسینی غیاثوند و بهزادپور، ۱۳۹۸). هم‌چنین در لندن (۱۶۶۶)، تمهیداتی نظیر کسب مجوز برای عبور و مرور گاری‌ها، اجبار استفاده از چرخ‌های پهن برای گاری‌ها و محدودیت تعداد اسب‌ها، برای تردد مناسب آرا به‌ها در کنار مردم در نظر گرفته شد (همان: ۲۹۰). هم‌چنین، نخستین اقدام به منظور تفکیک حرکت سواره از پیاده در آمریکا، در سال ۱۸۵۸ به وسیله شهرساز و معمار آمریکایی، "اولمستد"^۳ صورت گرفت. اولمستد در طراحی پارک مرکزی نیویورک برای عبور افراد پیاده، پلی از سنگ بر روی جاده بنا نهاد. در ایالات متحده پس از جنگ جهانی دوم، این نوع خیابان‌های پیاده با نام "مال" شکل گرفتند که بیش‌تر همسو با مقاصد تجاری در مرکز شهرها بودند و در عین حال هدفشان ایجاد محیط‌های مطلوب برای خرید و گردش بود (کربلایی حسینی غیاثوند و بهزادپور، ۱۳۹۸). در اروپا خیابان‌های پیاده‌مدار برای نخستین بار در اواخر ۱۹۴۰ در شهرهای بزرگ اروپا به وجود آمد. پس از جنگ جهانی دوم و بازسازی خرابی‌های جنگ و نوسازی مراکز تاریخی شهرها، اندیشه جداسازی معابر پیاده سواره شکل گرفت. نخستین تجربه‌های آزمایشی در ایجاد منطقه بی‌ترافیک، شهرهای روتردام هلند و استکهلم سوئد بود. در اواخر دهه ۵۰ خودروهای شخصی از نواحی مرکزی و تاریخی شهرها به دلیل تهدید مراکز شهرهای اروپا به وسیله ترافیک و تخریب بافت‌های ارزشمند شهری به بیرون رانده شدند؛ به طوری که تا سال ۱۹۷۵ تقریباً تمام شهرهای مهم و تاریخی اروپا، ورود اتومبیل را به بخش بزرگی از ناحیه تاریخی و مرکزی خود محدود کردند و پیاده‌راه‌های تاریخی - تجاری در

آن‌ها به وجود آمد (کربلایی حسینی غیاثوند و بهزادپور، ۱۳۹۸). در دهه ۱۹۸۰ تعداد زیادی از معماران و شهرسازان آمریکایی از فرسودگی و زوال مرکز شهری و افزایش فزاینده جوامع محلی که پراکنده و متفرق، وابسته به اتومبیل و دارای فاصله با مراکز شهری بودند، اظهار نارضایتی کردند. در سال‌های پایانی دهه ۱۹۸۰ و ابتدای دهه ۱۹۹۰ این نارضایتی منجر به ظهور جنبش نوشهرگرایی^۴ شد. نوشهرگرایی اصول برنامه‌ریزی است که محلات قابل زیست و قابل پیاده‌روی در یک محیط مساعد پیاده‌روی به وجود می‌آورد (اصغرزاده یزدی، ۱۳۸۹). نوسال پیاده‌مداری را میزان مطلوبیت محیط مصنوع برای حضور مردم، زندگی، خرید، ملاقات، گذران اوقات و لذت بردن از آن در یک پهنه تعریف می‌کند (Nosál 2009: 7، به نقل از محمدی و خلوصی، ۱۳۹۲). با نگاهی به مطالعات انجام یافته، تاریخچه پیاده‌مداری مطابق شکل (۱)، ارایه شده است.

متغیرهای پژوهش

در پژوهش کیفی حاضر، قابلیت پیاده‌مداری (کیفیت مفهومی) در محله سنگ‌تراش‌های اصفهان (نمونه موردی)، متغیر وابسته پژوهش و مولفه‌های کالبدی - فضایی محله مورد مطالعه با طیفی از عوامل و متغیرهای درونی، متغیر مستقل پژوهش است که مولفه‌های سازنده آن و شاخص‌های موثر بر تحقق آن در جدول (۲)، ارایه شده است. با نگاهی به جدول (۲)، موضوعات سیستم حمل و نقل کارآمد، زیبایی و تنوع، امنیت و ایمنی، خوداتکایی شهری، پایداری زیست محیطی و انسجام اجتماعی مولفه‌های اصلی مفهوم پیاده‌مداری است. با وجود تنوعی از دیدگاه‌ها و شاخص‌ها برای هر یک از مولفه‌ها، متناسب با هر کدام از مولفه‌ها و به فراخور مکانی موضوع تحقیق، شاخص‌هایی ارایه شده است. در مجموع کم و کیف شاخصها و هم‌چنین کفایت نظری شاخص‌ها توسط اساتید مجرب مورد بررسی قرار گرفته است تا در خاصیت روایی پژوهش خللی وارد نشود.

شکل شماره ۱: تاریخچه پیاده‌مداری



جدول شماره ۲: معیارهای پیاده‌مداری و مأخذ دریافت آن

مؤلفه‌های پیاده‌مداری	معیارها و شاخص‌های پیاده‌مداری	منابع دریافت معیارها
سیستم حمل و نقل کارآمد	دسترسی و نفوذپذیری	(سیف‌الهی فخر و همکاران، ۱۳۹۲)
	حضورپذیری و گشودگی	
زیبایی و تنوع	تناسبات بصری	(سیف‌الهی فخر و همکاران، ۱۳۹۲)
	خوانایی	
	غناي حسی	
امنیت و ایمنی	تامین امنیت حرکت پیاده در مسیر	(نوروزی و سجاذزاده، ۱۳۹۹) (Guan & et al, 2019)
	تامین عبور و مرور ایمن	(یزدان‌پناه و همکاران، ۱۳۹۹) (Zhang & et al, 2018) (Hirawani & Vaiya, 2020) (Guan & et al, 2019) (Verstaavel & et al, 2019)
خوداتکایی شهری	اختلاط کاربری‌ها	(سیف‌الهی فخر و همکاران، ۱۳۹۲) (صفاری‌راد و شمس، ۱۳۹۶) (Zhang & et al, 2018) (Hirawani & Vaiya, 2020) (Talen & Koschinsky, 2013) (Guan & et al, 2019)
	تنوع در کاربری‌های سازگار	
پایداری زیست‌محیطی	همسازی با اقلیم	(یزدان‌پناه و همکاران، ۱۳۹۹)
	تامین نظافت محیط	
انسجام اجتماعی	آسایش صوتی	(یزدان‌پناه و همکاران، ۱۳۹۹) (صفاری‌راد و شمس، ۱۳۹۶)
	اجرای برنامه‌های فرهنگی	(سیف‌الهی فخر و همکاران، ۱۳۹۲) (یزدان‌پناه و همکاران، ۱۳۹۹) (Chiang & et al, 2017) (Talen & Koschinsky, 2013)
	احساس تعلق به مکان	
به‌گوش‌رسیدن آوای گذشته		

نمونه موردی

محلّه سنگ‌تراش‌ها یکی از محلّه‌های قدیمی منطقه ۵ شهرداری شهر اصفهان واقع در استان اصفهان است. این محلّه در سمت جنوبی رودخانه زاینده‌رود واقع شده است و از شمال به خیابان خاقانی، از غرب به کوچه تبریزی‌ها، از جنوب به خیابان محتشم کاشانی و از شرق به خیابان حکیم‌نظامی محدود می‌شود. با وجود این که گذر سنگ‌تراش‌ها در ابتدا محل زندگی آرامنه مسیحی در اصفهان بوده است، اکنون محلی برای زندگی مسیحیان و مسلمانان در کنار یکدیگر می‌باشد. اولین چیزی که در کالبد این گذر نظر عابری را به خود جلب می‌کند، کف‌فرش سنگی مسیر است. نام سنگ‌تراش‌ها یادآور شغل آرامنه‌ای است که در دوران صفویه به این محل کوچانده شده‌اند. دلیل انتخاب این گذر به عنوان نمونه موردی، ارجحیت ملموس حضور پیاده در

ساعات مختلف شبانه‌روز نسبت به حضور سواره، حضور ساکنین و عابری از تمام رده‌های سنی و البته هر دو جنس مرد و زن بوده است. در جدول (۳) به معرفی اجمالی محلّه سنگ‌تراش‌ها به عنوان نمونه موردی این پژوهش شده است

جدول شماره ۳: معرفی نمونه مورد مطالعه



محدوده محله بر روی نقشه



تصاویر تهیه شده از محدوده محله

از شمال به خیابان خاقانی. از غرب به محله تبریزی‌ها از جنوب به خیابان محتشم کاشانی. از شرق به خیابان حکیم نظامی	همجواری‌ها
نزدیک به ۲۶ هکتار	مساحت
۴۴۲۰ نفر	تراکم ناخالص جمعیت

تحلیل و بررسی یافته‌ها

- متغیرهای جمعیت شناختی (داده‌های توصیفی): نتایج به دست آمده از عوامل فردی داده‌های آماری نشان می‌دهد که از کل پاسخگویان به پرسش‌نامه، ۵۴٪ زنان و ۴۶٪ مردان مشارکت داشته‌اند که از میان آن‌ها ۳٪ در گروه سنی زیر ۲۰ سال، ۳۴٪ در گروه سنی ۲۰ تا ۳۰ سال، ۴۶٪ در گروه سنی ۳۰ تا ۴۰ سال، ۱۱٪ در گروه سنی ۴۰ تا ۵۰ سال و ۶٪ در گروه سنی بیش از ۵۰ سال بوده‌اند. درباره فراوانی میزان تحصیلات شرکت کنندگان ۱۶٪ دارای مدرک تحصیلی دیپلم یا کمتر، ۹٪ دارای مدرک تحصیلی فوق دیپلم، ۵۰٪ دارای مدرک کارشناسی و ۲۵٪ دارای مدرک کارشناسی ارشد یا بالاتر هستند که بیشترین درصد مربوط به افراد دارای مدرک کارشناسی بوده است. از این بین ۱۵٪ مشغول مشاغل دولتی، ۴۷٪ مشغول به مشاغل آزاد، ۱۵٪ محصل و دانشجو، ۳٪ بازنشسته و ۲۰٪ خانه‌دار هستند که بیشترین درصد در این میان مربوط به شاغلین حرفه‌های آزاد است. از بین پاسخگویان به پرسش‌نامه ۳۸٪ کم‌تر از یک میلیون تومان، ۳۴٪ بین یک تا سه میلیون، ۱۹٪ بین سه تا شش میلیون و

۹٪ بیش از شش میلیون تومان درآمد ماهیانه داشته‌اند. در بررسی تعداد افراد خانواده شرکت کنندگان ۱۱٪ از خانواده‌های یک نفره، ۳۲٪ از خانواده‌های دو نفره، ۲۵٪ از خانواده‌های سه نفره و ۳۲٪ از خانواده‌های چهار نفره و یا بیش‌تر بوده‌اند. هم‌چنین از بین پاسخ دهندگان به پرسش‌نامه ۴٪ کم‌تر از یک سال، ۳۴٪ بین یک تا پنج سال، ۱۸٪ بین پنج تا ده سال و ۴۴٪ بیش از ده سال در محله مورد پژوهش سکونت داشته‌اند که فراوانی جمعیت در گروه آخر نشان از بافت بومی محله است. در بین شرکت کنندگان ۷۱٪ مالک، ۱۹٪ مستاجر و ۱۰٪ ساکن خانه بستگان نزدیک بوده‌اند و ۴۰٪ از پاسخ دهندگان به پرسش‌نامه ساکن خانه‌های ویلایی و ۶۰٪ ایشان ساکن خانه‌های آپارتمانی بوده‌اند.

- تاثیر عوامل فردی بر کیفیت مولفه‌های پیاده‌مداری: نتایج به دست آمده از بررسی جدول میانگین حاصل از آرای شرکت کنندگان در پرسش‌نامه برای مولفه‌های پیاده‌مداری در محله سنگ تراش‌ها به عنوان نمونه موردی پژوهش، در جدول (۴) بازتاب یافته است.

جدول شماره ۴: تاثیر عوامل فردی بر کیفیت مولفه‌های پیاده‌مداری

عامل	مولفه‌ها	بالاترین میانگین امتیاز	نتیجه حاصل از آزمون میانگین
جنسیت	زنان	تامین امنیت و ایمنی	عامل جنسیت بر میانگین امتیاز مولفه‌های پژوهش اثر ملموسی نداشته است.
	مردان	پایداری زیست محیطی	
گروه سنی	زیر بیست سال	خوداتکایی شهری	کیفیت مولفه انسجام اجتماعی با وجود دریافت کم‌ترین میانگین امتیاز بین تمام گروه‌های سنی پژوهش، بین گروه‌های سنی مختلف تفاوت معناداری دارد و با افزایش سن، میانگین افزایش یافته است.
	۲۰-۳۰ سال	تامین امنیت و ایمنی	
	۳۰-۴۰ سال	تامین امنیت و ایمنی	
	۴۰-۵۰ سال	پایداری زیست محیطی	
	بالای ۵۰ سال	تامین امنیت و ایمنی	
میزان تحصیلات	دیپلم و زیر دیپلم	پایداری زیست محیطی	سطح تحصیلات بر میانگین امتیاز مولفه‌های پژوهش اثر ملموسی نداشته است.
	فوق دیپلم	خوداتکایی شهری	
	لیسانس	تامین امنیت و ایمنی	
	ارشد و بالاتر	تامین امنیت و ایمنی	
وضعیت اشتغال	شاغلین دولتی	تامین امنیت و ایمنی	امتیاز مولفه‌های پیاده‌مداری بین افراد خانه‌دار میانگین پایین‌تری نسبت به اقشار دیگر در این دسته‌بندی داشته است.
	حرفه‌های آزاد	پایداری زیست محیطی	
	محصلین و دانشجوها	تامین امنیت و ایمنی	
	بازنشسته‌ها	پایداری زیست محیطی	
درآمد ماهیانه (به تومان)	کمتر از ۱ میلیون	پایداری زیست محیطی	میانگین امتیاز مولفه تامین امنیت و ایمنی با سطح درآمد رابطه مستقیم داشته، به نحوی که با افزایش درآمد، میانگین امتیاز این مولفه نیز بین شرکت کنندگان افزایش یافته است.
	۱ تا ۳ میلیون	تامین امنیت و ایمنی	
	۳ تا ۶ میلیون	پایداری زیست محیطی	
	بیش از ۶ میلیون	تامین امنیت و ایمنی	
وضعیت سکونت	مالکین	تامین امنیت و ایمنی	میانگین امتیاز مولفه پایداری زیست محیطی در بین آرای مستاجران به شکل چشم‌گیری بالاتر از آرای مالکین است.
	مستاجرین	پایداری زیست محیطی	

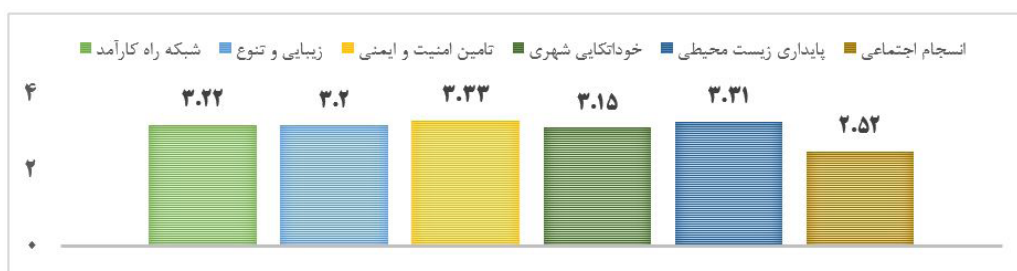
بررسی کیفیت مولفه‌های پیاده‌مداری در محله سنگ‌تراش‌ها بر مبنای نظر ساکنان این محله: جدول میانگین مولفه‌های پیاده‌مداری در نمونه موردی نشان داد بین مولفه‌های پیاده‌مداری، به ترتیب تامین امنیت و ایمنی با ۳۳.۳، پایداری زیست محیطی با ۳۱.۳، شبکه راه کارآمد با ۲۲.۳، زیبایی و تنوع با ۲۰.۳، خوداتکایی شهری با ۱۵.۳ و انسجام اجتماعی با ۵۲.۲ از میانگین امتیاز بالاتری برخوردار بوده‌اند (شکل ۲).

بررسی کیفیت شبکه راه‌ها در محله سنگ‌تراش‌ها: برای سنجش کیفیت شبکه راه‌های محله سنگ‌تراش‌ها، سه شاخص تعادل در نفوذپذیری، حضورپذیری و گشودگی، دسترسی به سیستم حمل‌ونقل عمومی مورد بررسی قرار گرفته است. جدول میانگین مربوط به ابعاد مولفه شبکه راه کارآمد نشان می‌دهد در محله مورد مطالعه، بیش‌ترین میانگین امتیاز در آرای ساکنان به دسترسی به سیستم حمل‌ونقل عمومی و کم‌ترین امتیاز به حضورپذیری و گشودگی تعلق گرفته است (شکل ۳). با توجه به مشاهدات نگارنده، سهولت در دسترسی پیاده به خیابان‌های خاقانی از شمال، حکیم‌نظامی از شرق و محتشم کاشانی از سمت جنوب محله و وجود ایستگاه‌های سیستم حمل‌ونقل شهری اعم از تاکسی و اتوبوس واحد در دو خیابان حکیم‌نظامی و محتشم کاشانی باعث افزایش کیفیت دسترسی به سیستم حمل‌ونقل عمومی شده و عواملی چون عرض کم گذرها و تعداد

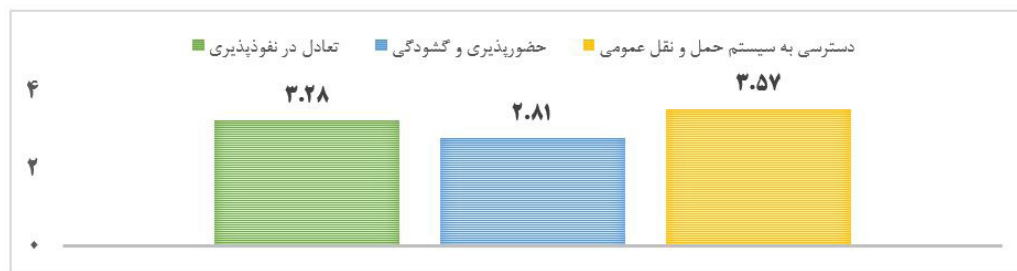
بالای بن‌بست‌ها در سطح محله باعث کاهش میزان حضورپذیری و گشودگی گردیده است.

بررسی کیفیت زیبایی و تنوع در محله سنگ‌تراش‌ها: به منظور سنجش کیفیت زیبایی و تنوع در محله سنگ‌تراش‌ها، سه شاخص مورد بررسی قرار گرفته است: تناسب بصری، خوانایی، غنای حسی. جدول میانگین مربوط به ابعاد مولفه زیبایی و تنوع نشان می‌دهد که خوانایی، غنای حسی و تناسب بصری به ترتیبی که ذکر شد از بالاترین امتیاز بین آرای شرکت کنندگان برخوردار بوده‌اند (شکل ۴). بر اساس مشاهدات نگارنده، وجود خانه‌های تاریخی شناخته شده در این محله و دو میدان به نام‌های کوچک و بزرگ از عوامل اصلی خوانایی مسیر برای پیاده بوده است. هم‌چنین وجود درختان، گیاهان و جوی آب در مسیر حرکت پیاده در محور شمال-جنوب محله (خیابان بیژن) در تقویت شاخص غنای حسی، تاثیر غیرقابل انکاری داشته است. کاغذلو و همکاران (۱۳۹۹) نیز در پژوهشی در همین موضوع بیان نموده‌اند کیفیت‌های بصری، نقش غیرقابل انکاری در ارتقای پیاده‌مداری در فضاهای عمومی دارد. هم‌چنین غنای حسی و خوانایی در پژوهش نوروزی و سجاذزاده (۱۳۹۹) از تاثیرگذارترین عوامل در ارتقا کیفیت پلازاهای شهری معرفی شده‌اند.

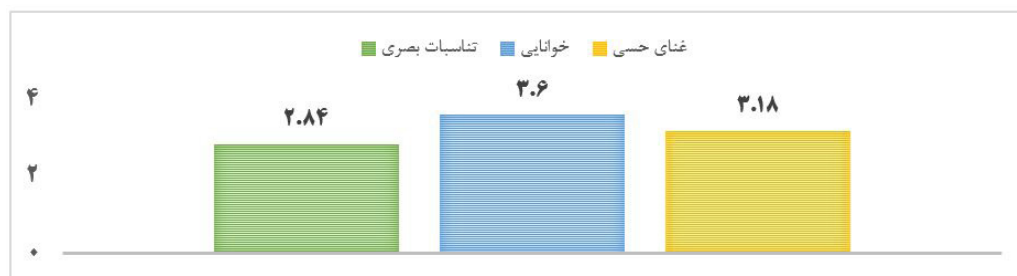
بررسی کیفیت تامین امنیت و ایمنی در محله سنگ‌تراش‌ها: برای سنجش این معیار، دو نوع کیفیت بررسی شده است؛ تامین



شکل شماره ۲: بررسی مولفه‌های پیاده‌مداری در محله سنگ‌تراش‌ها



شکل شماره ۳: بررسی شاخص‌های پیاده‌مداری در مولفه شبکه راه کارآمد



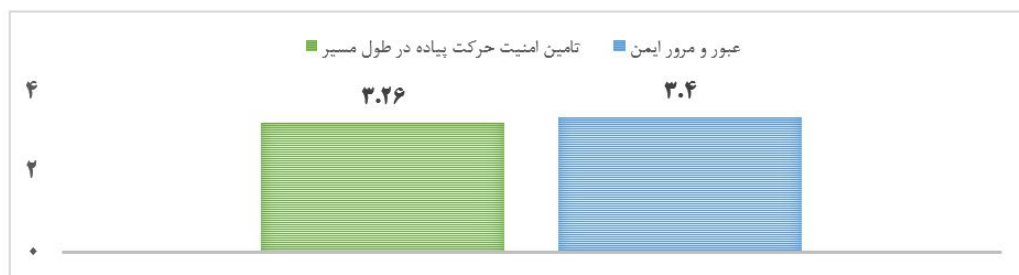
شکل شماره ۴: بررسی شاخص‌های پیاده‌مداری در مولفه تنوع و زیبایی محله سنگ‌تراش‌ها

بودن کاربری‌های متنوع در سطح محله مثل واحدهای تجاری ارائه دهنده خدمات روزمره ساکنین محله مسکونی. با بررسی جدول میانگین مربوط به ابعاد مولفه خوداتکایی شهری مشاهده می‌گردد که شاخص تنوع در کاربری‌های سازگار از امتیاز بالاتری نسبت به شاخص اختلاط کاربری برخوردار بوده است (شکل ۶). مشاهدات نگارنده از وجود سوپر مارکت‌ها، کافه‌ها، فروشگاه‌های مواد پروتئینی، فروشگاه‌های پوشاک کوچک و خدماتی از قبیل خیاطی و... در محله سنگ‌تراش‌ها گزارش می‌دهد، در حالی که کاربری‌های ناسازگار با کاربری مسکونی از جمله کارگاه‌ها، انبارها، صنایع و یا حتی تعمیرگاه‌ها که با ایجاد سروصدا مخل آسایش ساکنین هستند، در کل محدوده محله به چشم نمی‌آیند.

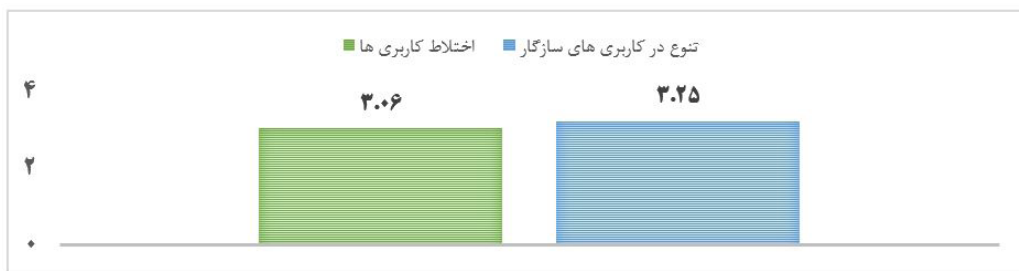
- بررسی کیفیت پایداری زیست‌محیطی در محله سنگ‌تراش‌ها: به منظور سنجش کیفیت پایداری زیست‌محیطی، سه معیار ارزیابی شده است: همسازي با اقلیم، تامین نظافت محیط، آسایش صوتی در طول ساعات شبانه‌روز از منظر ساکنان محله. با بررسی جدول میانگین مربوط به ابعاد مولفه پایداری زیست‌محیطی می‌توان نتیجه گرفت که از نظر ساکنان نظافت محیط بالاترین امتیاز و همسازي با اقلیم کم‌ترین امتیاز را داشته‌اند (شکل ۷). بر اساس مشاهدات نگارنده، بومی بودن بافت ساکنین محله و نظارت اجتماعی ایشان یکی از عوامل مهم ارتقا کیفیت نظافت محیط در محله سنگ‌تراش‌ها بوده است.

امنیت حرکت پیاده در طول مسیر، تامین عبور و مرور ایمن. عدم وجود زمین‌های رها شده و فاقد کاربری به عنوان محل مناسب بزه، استفاده مناسب از چراغ‌های روشنایی و نظارت اجتماعی مستمر به عنوان نمونه‌هایی از شاخص‌های امنیت در نظر گرفته شده و مورد سوال واقع شده‌اند. جدول میانگین مربوط به ابعاد این مولفه نشان می‌دهد، ایمنی در عبور و مرور پیاده از امتیاز بالاتری نسبت به امنیت عبور و مرور پیاده برخوردار است (شکل ۵). مشاهدات نگارنده نشان می‌دهد عرض کم مسیرهای سواره، کف‌فرش سنگی مسیرها، استفاده از المان سنگی برای جدا کردن بستر سواره‌رو و پیاده‌رو، هم‌چنین ایجاد اختلاف سطح به منظور بالاتر قرار دادن پیاده‌رو از سواره‌رو که همگی باعث تعدیل سرعت خودروهای عبوری در محله می‌گردد به افزایش کیفیت ایمنی برای عابرین پیاده در محله منتج گردیده است. اهمیت مولفه تامین امنیت و ایمنی در پژوهش‌های صورت گرفته توسط نوروزی و سجادزاده (۱۳۹۹)، Hirawani & Vaiya (۲۰۲۰) و کربلایی حسینی غیاثوند و بهزادپور (۱۳۹۸) نیز تاکید گردیده است.

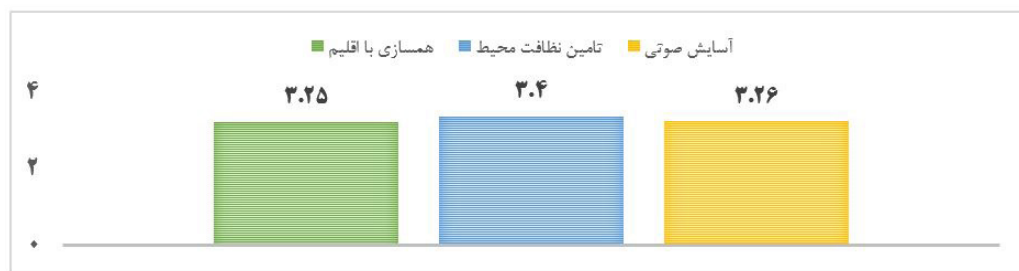
- بررسی کیفیت خوداتکایی شهری در محله سنگ‌تراش‌ها: برای سنجش کیفیت خوداتکایی شهری در محله سنگ‌تراش‌ها، دو معیار مورد ارزیابی واقع شده است: اختلاط کاربری‌ها به مفهوم ادغام کاربری‌های سازگار مثل مسکونی در طبقات و تجاری در همکف، تنوع در کاربری‌های سازگار به مفهوم در دسترس



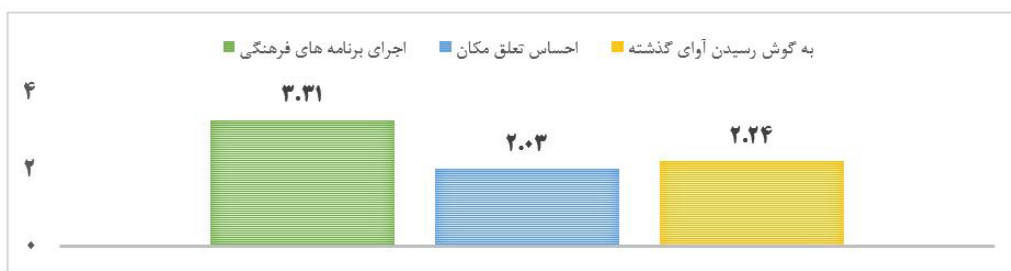
شکل شماره ۵: بررسی شاخص‌های پیاده‌مداری در مولفه امنیت و ایمنی محله سنگ‌تراش‌ها



شکل شماره ۶: بررسی شاخص‌های پیاده‌مداری در مولفه خوداتکایی شهری محله سنگ‌تراش‌ها



شکل شماره ۷: بررسی شاخص‌های پیاده‌مداری در مولفه پایداری زیست‌محیطی در محله سنگ‌تراش‌ها



شکل شماره ۸: بررسی شاخص های پیاده‌مداری در مولفه انسجام اجتماعی محله سنگ‌تراش‌ها

همبستگی بین برخی مولفه‌های پیاده‌مداری با یکدیگر و با کیفیت پیاده‌مداری در نمونه موردی پژوهش بوده است که در قالب جدول (۵) برخی این روابط و مقدار آن نمایش داده شده است. مشخصاً بیشترین ضریب همبستگی، بین کیفیت پیاده‌مداری و مولفه همسازی با اقلیم برقرار است.

- بررسی میزان اثرگذاری شاخص‌های پیاده‌مداری بر کیفیت پیاده‌مداری در محله سنگ‌تراش‌ها بر اساس آزمون رگرسیون: بررسی جدول رگرسیون نشان می‌دهد بین شاخص‌های پیاده‌مداری با کیفیت پیاده‌مداری در محله سنگ‌تراش‌ها ارتباط خطی برقرار است به جز شاخص اختلاط کاربری. با توجه به ضرایب بتا بیش‌ترین میزان تاثیرگذاری بر کیفیت پیاده‌مداری شامل همسازی با اقلیم به اندازه ۰,۷۰۰ و کمترین میزان تاثیرگذاری مربوط به دسترسی به حمل و نقل عمومی به اندازه ۰,۲۶۹ است (جدول ۶)

- بررسی کیفیت انسجام اجتماعی در محله سنگ‌تراش‌ها: اجرای برنامه‌های فرهنگی، احساس تعلق به مکان، به گوش رسیدن آوای گذشته، معیارهای مولفه انسجام اجتماعی در این پژوهش بوده است. پس از بررسی جدول میانگین مربوط به امتیازهای ابعاد مولفه انسجام اجتماعی مشخص گردید اجرای برنامه‌های فرهنگی، به گوش رسیدن آوای گذشته و حس تعلق به مکان به ترتیبی که ذکر شد از امتیاز بالاتری در آرای ساکنین برخوردار بوده‌اند (شکل ۸). بر اساس مشاهدات نگارنده، تعداد بالای آرامنه مسیحی در بین ساکنین این محله، برنامه‌های مخصوص این گروه از شهروندان، از جمله جشن‌های سال نو میلادی بسیار پرمخاطب است.

- بررسی ضرایب همبستگی بین مولفه‌های پیاده‌مداری در محله سنگ‌تراش‌ها: بررسی جدول همبستگی پیرسون برای مولفه‌های پیاده‌مداری در محله سنگ‌تراش‌ها بیان‌گر وجود

جدول شماره ۵: بررسی ضرایب همبستگی پیرسون بین مولفه‌های پژوهش

ردیف	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
متغیر	به گوش رسیدن آوای گذشته	احساس تعلق مکان	اجرای برنامه‌های فرهنگی	آسایش صوتی	تأمین نظافت محیط	همسازی با اقلیم	عبور و مرور ایمن	تأمین امنیت پیاده در مسیر	عنائی حسی	خوانایی	تناسبات بصری	دسترسی به حمل و نقل عمومی	حضورپذیری و گشودگی	تعادل در نفوذپذیری
۱												۰,۱۲۳	۰,۴۱۴	-
۲													-	۰,۴۱۴
۳												-	۰,۱۲۳	
۴									۰,۳۴۲	۰,۲۸۶	-			
۵									۰,۳۷۰	-	۰,۲۸۶			
۶									-	۰,۳۷۰	۰,۳۴۲			
۷							۰,۴۷۳	-						
۸							-	۰,۴۷۳						
۹				۰,۴۵۸	۰,۵۱۵	-								
۱۰				۰,۱۳۸	-	۰,۵۱۵								
۱۱				-	۰,۱۳۸	۰,۴۵۸								
۱۲	۰,۳۵۹	۰,۱۶۸	-											
۱۳	۰,۵۲۳	-	۰,۱۶۸											
۱۴	-	۰,۵۲۳	۰,۳۵۹											

جدول شماره ۶: بررسی میزان اثرگذاری شاخص‌های پیاده‌مداری بر کیفیت پیاده‌مداری در محله سنگ‌تراش‌ها بر اساس آزمون رگرسیون

تبادل در نفوذپذیری	حضور پذیری و گشودگی	دسترسی به حمل‌ونقل عمومی	تناسبات بصری	خوانایی	غناي حسی	تامین امنیت پیاده در مسیر	عبور و مرور ایمن	همسازي با اقلیم	تامین نظافت محیط	آسایش صوتی	اجرای برنامه‌های فرهنگی	احساس تعلق مکان	به گوش رسیدن آرای گذشته
۰,۶۶۰	۰,۶۷۸	۰,۲۶۹	۰,۵۴۰	۰,۴۴۲	۰,۶۹۰	۰,۵۹۲	۰,۶۷۴	۰,۷۰۰	۰,۶۲۵	۰,۵۲۳	۰,۳۷۶	۰,۵۱۶	۰,۵۶۷

- بررسی رابطه میان مولفه‌ها: برای پیش‌بینی رابطه بین مولفه‌های پیاده‌مداری بر اساس پرسش‌نامه، از آزمون رگرسیون استفاده شده و بر اساس نتایج این آزمون، بین مولفه‌های معرفی شده در این پژوهش جز مولفه خوداتکایی شهری، رابطه خطی برقرار است.

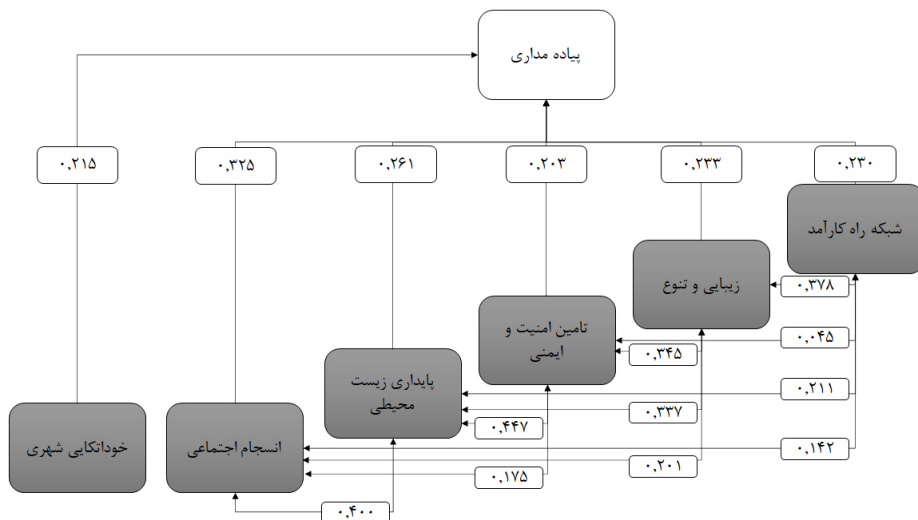
نتایج آزمون رگرسیون نشان داد به ازای یک واحد تغییر در شاخص شبکه راه کارآمد، ۰,۲۳۰ تغییر در کیفیت پیاده‌مداری و به ازای یک واحد تغییر در شاخص زیبایی و تنوع، ۰,۲۳۳ تغییر در کیفیت پیاده‌مداری و به ازای یک واحد تغییر در شاخص امنیت و ایمنی، ۰,۲۰۳ تغییر در کیفیت پیاده‌مداری و به ازای یک واحد تغییر در شاخص پایداری زیست‌محیطی، ۰,۲۶۱ تغییر در کیفیت پیاده‌مداری و به ازای یک واحد تغییر در شاخص انسجام اجتماعی، ۰,۳۲۵ تغییر در کیفیت پیاده‌مداری ایجاد می‌شود؛ بنابراین معادله خطی زیر بین شاخص‌ها و کیفیت پیاده‌مداری برقرار است (شکل ۹):

$$\text{کیفیت پیاده‌مداری (انسجام اجتماعی)} = ۰,۳۲۵ + ۰,۲۶۱(\text{پایداری زیست‌محیطی}) + ۰,۲۰۳(\text{امنیت و ایمنی}) + ۰,۲۳۰(\text{شبکه راه کارآمد}) + ۰,۲۳۳(\text{زیبایی و تنوع}) + ۰,۲۳۳(\text{تامین امنیت و ایمنی})$$

نتیجه‌گیری

طبق نتایج آزمون رگرسیون، بالاترین تاثیرپذیری کیفیت پیاده‌مداری در محله سنگ‌تراش‌ها از سه مولفه «همسازي با

اقلیم»، «غناي حسی» و «حضورپذیری و گشودگی» حاصل خواهد شد لذا پیشنهاد می‌شود به منظور تقویت این کیفیت در محیط در هنگام برنامه‌ریزی برای طراحی و بهسازی، مولفه‌های یاد شده به عنوان اهداف اصلی طراحی در نظر گرفته شوند. هم‌چنین با توجه به همستگی بالای مولفه‌های اشاره شده به ترتیب با مولفه‌های «تامین نظافت محیط»، «خوانایی» و «تبادل در نفوذپذیری» بر اساس جدول همبستگی پیرسون، انتظار می‌رود بهبود کیفیت این مولفه‌ها به صورت غیرمستقیم بر کیفیت پیاده‌مداری موثر باشد. بر اساس داده‌های پرسش‌نامه، در بین مولفه‌های پیاده‌مداری در محله سنگ‌تراش‌ها اصفهان به عنوان نمونه موردی این پژوهش، بالاترین میانگین امتیاز در بین آرای شرکت‌کنندگان زن و در بین آرای کل شرکت‌کنندگان مربوط به مولفه تامین امنیت و ایمنی بوده است که فرضیه پژوهش را اثبات می‌نماید. به بیان دیگر رعایت استانداردهای مورد انتظار عابرین پیاده در خصوص تامین امنیت و ایمنی در گذرهای عمومی محله، یکی از عواملی بوده که باعث تقویت پتانسیل این محیط در جذب جمعیت پیاده بین شهروندان شهر اصفهان گردیده است. تقدیم بخش قابل توجهی از عرض گذر به فضای سبز و فضاهای مکث در راستای افزایش میزان ارتباطات اجتماعی از نظر کمی و کیفی، هم‌چنین پیش‌بینی واحدهای تجاری در نقاط شاخص گذر با قابلیت دید ناظر بر فضاهای عمومی از جمله الگوهای مشهود در محله سنگ‌تراش‌ها اصفهان است که می‌تواند توسط معماران و شهرسازان امروز در



شکل شماره ۹: نمودار تحلیل مسیر تاثیر مولفه‌های پیاده‌مداری بر یکدیگر و بر کیفیت پیاده‌مداری محله سنگ‌تراش‌ها

جدول شماره ۸: دسته‌بندی عوامل براساس نمودار دو بعدی تأثیر گذاری و تأثیر پذیری

مولفه پیاده‌مداری	شاخص‌های پیاده‌مداری	راهکار طراحی
شبکه راه کارآمد	تعادل در نفوذپذیری	طراحی ورودی غرب‌گزر برای محله در مجاورت خیابان‌های پرتراфик شهری
	حضورپذیری و گشودگی	طراحی میدانی با ابعاد متناسب محله در طول مسیر به منظور خلق فضاهای مکث
زیبایی و تنوع	خوانایی	توجه به اهمیت حضور نشانه‌ها، ایجاد کریدورهای دید به سمت نشانه‌های شاخص شهری از سطح محله
	غنای حسی	استفاده از درختان به جای نرده‌های فلزی به عنوان جداکننده مسیرهای پیاده و سواره
تامین امنیت و ایمنی	تامین امنیت پیاده در طول مسیر	به کارگیری تئوری چشم‌های خیابان و ایجاد دید ناظر از کاربری‌های مجاور گذرهای محله
	عبور و مرور ایمن	اجرای مسیرهای سواره‌رو با ابعاد و مصالحی که منجر به کاهش سرعت خودروهای عبوری گردد
پایداری زیست‌محیطی	همسازی با اقلیم	استفاده از ویژگی‌های کالبدی ساباط، ایوان، درختان سایه‌انداز و ... در طول مسیر به منظور حفظ عابر پیاده از گزند تابش شدید آفتاب، باران و باد.
	تامین نظافت محیط	شیب‌بندی گذر و استفاده از آبراه به منظور اجتناب از جمع شدن آب‌های سطحی

فهرست منابع و مراجع

- اصغرزاده یزدی، سارا (۱۳۸۹)، «اصول پیشنهادی نوشهرگرایی در برنامه‌ریزی محله‌های شهری»، **نشریه مسکن و محیط روستا**، دوره ۲۹ (۱۳۰)، ۶۳-۵۰.
- جهانگیر، صبا؛ حمیدرضا صارمی و حسین کلاتری خلیل‌آباد (۱۳۹۸)، «امکان‌سنجی ارتقا پیاده‌مداری با رویکرد سرزندگی در فضاهای شهری»، **نشریه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، دوره ۹ (۳۵)، ۶۴-۴۷.
- حوریجانی، نسیم و فرزین چاره‌جو (۱۳۹۸)، «نقش محیط مصنوع در پایداری شهری با تاکید ویژه بر قابلیت پیاده‌مداری در محله‌های مسکونی»، **نشریه معماری و شهر پایدار**، دوره ۸ (۱۷)، ۴۸-۲۹.
- حیدری، محمدتقی؛ محسن احدنژاد روشنی؛ سعید محرمی و مریم رحمانی (۱۳۹۹)، «تحلیلی بر اثر بخشی اجتماعی توسعه فضاهای عمومی در بافت مرکزی شهرهای ایران»، **نشریه پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری**، دوره ۸ (۲)، ۴۴۳-۴۱۵.
- سلیمانی، محمد؛ سیمین تولایی؛ ساسان پورفرزانه؛ مهسا نوروزیان و علی شمعی (۱۳۹۹)، «تحلیل نقش قابلیت پیاده‌روی در ارتقای سرمایه اجتماعی محله‌های شهری»، **نشریه پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری**، دوره ۸ (۲)، ۲۹۷-۲۷۹.
- سیف‌الهی فخر، سپیده؛ تایماز لاریمیان؛ امیرمحمد معززی مهر طهران (۱۳۹۲)، «تعیین شاخص‌های مؤثر در خلق مکان‌های امن پیاده‌مدار جهت ارتقا تعاملات اجتماعی»، **نشریه انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران**، دوره ۴ (۱)، ۹۵-۸۵.
- صفری‌راد، علی و مجید شمس (۱۳۹۶)، «بررسی تطبیقی معیارهای پیاده‌مداری در سطح محلات شهری»، **فصلنامه آمایش محیط**، دوره ۱۰ (۳۹)، ۲۰۴-۱۸۳.
- غلامی، یونس؛ محسن شاطریان؛ محمدرضا بسحاق و معصومه جهانی (۱۳۹۸)، «امکان‌سنجی اجرای طرح پیاده‌مداری با تاکید بر شاخص حمل‌ونقل شهری»، **فصلنامه علمی برنامه‌ریزی فضایی**، دوره ۹ (۲)، ۲۲-۱.
- کاغذلوی، زهرا؛ علیرضا لادن مقدم و سعید اکبری (۱۳۹۹)، «تأثیرات کیفیت منظر شهری در ارتقا پیاده‌مداری در فضاهای عمومی شهری»، **فصلنامه علمی پژوهش و برنامه‌ریزی شهری**، دوره ۱۱ (۴۰)، ۹۱-۹۱.
- کربلایی حسینی غیاثوند، ابوالفضل و محمد بهزادپور (۱۳۹۸)، «ارائه مدل ساختاری به منظور بررسی روابط بین مولفه‌های مؤثر بر ارتقا تعاملات اجتماعی در خیابان‌های پیاده‌مدار»، **نشریه آمایش محیط**، دوره ۱۲ (۴۴)، ۱۲۶-۱۰۵.

راستای تقویت مولفه «تامین امنیت و ایمنی» در طرح‌های جدید یا بازسازی محلات قدیمی مورد توجه قرار گیرد.

تفاوت مشهود در اولویت گروه‌های سنی مختلف بین مولفه‌های پیاده‌مداری بر اساس یافته‌های پژوهش، بیان گر اهمیت توجه به نیاز گروه‌های سنی مختلف در طراحی و پیاده‌سازی محله‌های پیاده‌مدار است. چه بسا محله‌های جدید یا بازطراحی شده با رویکرد پیاده‌مداری که با وجود صرف زمان، انرژی و هزینه فراوان به دلیل عدم توجه به تفاوت در انتظارات و نیازهای گروه‌های سنی متفاوت و تمرکز بر روی انتظارات یک گروه سنی خاص، به نتیجه مورد انتظار نرسیده‌اند.

تأثیر مولفه «خوانایی» در ایجاد فضایی جذاب جمعیت پیاده با توجه به میانگین امتیاز این شاخص در آرای شرکت کنندگان در پرسش‌نامه، نشان داد که تنوع در بافت بدنه‌های گذر، ایجاد فضاهای با کیفیت حضورپذیری بالا در طول مسیر و تکنیک‌هایی از این دست که در افزایش خوانایی محیط مؤثرند، می‌توانند به عنوان ایده طراحی برای استفاده در محله‌های پیاده‌مدار، استفاده شوند.

پیشنهادها

مطالعه تطبیقی کیفیت مولفه‌های پیاده‌مداری در محلات قدیمی و جدید شهر، بررسی عوامل اجتماعی پیاده‌مداری منطبق با فرهنگ بومی، بررسی امکان احیای بافت‌های فرسوده شهری از طریق مداخلات کیفی نظیر پیاده‌مداری بجای مداخلات کالبدی، بومی‌سازی نظریه‌های توسعه شهر پیاده در فرهنگ اسلامی بالاخص از منظر اجتماعی ضمن توجه به مفهوم فضای شهری در آموزه‌های اسلامی و ایرانی و همچنین بهره‌گیری از مداخلات انسانی و اجتماعی در توسعه گردشگری و گردشگرپذیری پیشنهاد نگارندگان برای تحقیقات بعدی می‌باشد

پی‌نوشت‌ها

- 1- Walkability
- 2- Julius Caesar
- 3- Frederick Law Olmsted
- 4- New Urbanism

۱۱. محسنی تازه‌کند، ایرج (۱۳۹۹)، «تجربه پیاده‌راه سازی در مرکز تاریخی شهر»، *نشریه علمی تخصصی شبک*، دوره ۶ (۲)، ۹۹-۱۱۲.
۱۲. محمدی، بهشته و محمود شارع‌پور (۱۳۹۸)، «تاثیر فضای پیاده‌روهای شهری بر حیات اجتماعی جوانان»، *نشریه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، دوره ۸ (۱)، ۱۹۷-۱۷۵.
۱۳. محمدی، علیرضا و محمدجواد حاجی‌زاده (۱۳۹۵)، «سنجش و رتبه بندی محلات شهری در نماگرهای شهر پیاده‌مدار»، *نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، دوره ۷ (۲۶)، ۱۵۲-۱۳۱.
۱۴. محمدی، مریم و امیرحسین خلوصی (۱۳۹۲)، «تبیین شاخص‌های موثر بر افزایش قابلیت پیاده‌مداری به منظور ارتقای پایداری اجتماعی در محلات»، *نشریه معماری و شهرسازی پایدار*، سال ۱ (۲)، ۲۷-۱۳.
۱۵. نوروزی، میثم و حسن سجاذزاده (۱۳۹۹)، «آسیب‌شناسی عوامل موثر بر ناکارآمدی کیفیت‌های محیطی در میدان‌های شهری بعد از تبدیل به پیاده‌راه»، *نشریه معماری و شهرسازی آرمان شهر*، دوره ۱۳ (۳۰)، ۲۸۹-۲۷۵.
۱۶. یزدان‌پناه، زینب؛ مریم جعفری مهرآبادی و اصغر شکرگذار (۱۳۹۹)، «بررسی عوامل موثر بر پیاده‌راه‌ها با رویکرد گردشگری شهری»، *نشریه برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری*، دوره ۹ (۳۲)، ۸۶-۷۱.

17. Chiang, Yen Cheng; Sullivan, William and Larsen, Linda (2017), "Measuring neighborhood walkable environments: A comparison of three approaches", **International journal of environmental research and public health**, volume 14 (6). Article number 593.
18. Guan, ChengHe; Keith, Michael and Hong, Andy (2019), "Designing walkable cities and neighborhoods in the era of urban big data", **Urban Planning International**, Volume 34 (5), 9-15.
19. Hirwani, Vijay and Vaiya, Sonam. (2020), "A review of walkable neighborhoods and its multifaceted benefits", **International journal of innovative science and research technology**, Volume 5 (1), 1375-1388.
20. Kim, Sae Hoon; Park, Sung Jin & Lee, Jae Seung (2014), "Meso -or micro- scale? Environmental factors influencing pedestrian satisfaction", **Transportation research part D: Transport and environment**, Volume 30, 10-20.
21. Nosal, Bob Halton. 2009. "Creating Walkable and Transit-Supportive Communities in Halton". Region Health Department of Halton University.
22. Peiravian, Farideddin; Derrible, Sybil and Ijaz, Farukh (2014), "Development and application of the pedestrian environment index", **Journal of transport geography**, Volume 39, 73-84.
23. Talen, Emily and Koschinsky, Julia. (2013), "The Walkable Neighborhood: A Literature Review". **International Journal of Sustainable Land Use and Urban Planning**, Volume 1 (1), 42-63.
24. Verstaavel, Nicolas; Barthelemy, Johan; Forehead, Hugh & Perez, Pascal (2019), "Edge-computing video analytics for real-time traffic monitoring in a smart city", **Sensors Journal**, Volume 19 (9), 1-23.
25. Zhang, Ye; Azzali, Simona; Janssen, Patrick & Stouffs, Rudi (2018), **Designing walkable neighborhoods in Singapore using form-based codes**, Reframing urban resilience implementation: Aligning Sustainability and Resilience. 1-16.

بازخوانی حضور مراتب حیات در ساخته‌ها با رجوع به خانه‌های تاریخی شهر یزد*

سید محمد کاظمی^۱ ** (نویسنده مسئول)، حسین مهدوی پور^۲، سید علی اکبر کوشش گران^۳

^۱ پژوهشگر دکتری معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

^۲ استادیار معماری، دانشکده هنر و معماری دانشگاه یزد، یزد، ایران.

^۳ استادیار معماری، دانشکده هنر و معماری دانشگاه یزد، یزد، ایران.

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۷)

چکیده

عالم هستی، از موجودات زنده و غیرزنده تشکیل شده که در منظومه هستی هر یک به فراخور ظرفیت از مرتبه‌ای حیات برخوردار می‌باشند. ساخته‌های انسان نیز از آن حیث که با تغییر و یا تثبیت در شرایط ماده امکانی را برای کشف و یا آفرینش فراهم می‌سازد، دارای این قابلیت می‌شود که مرتبه‌ای از حیات در آن ایجاد گردد. سازندگان نیز تلاش می‌کنند، آثار و ساخته‌هایی را ایجاد کنند که تا حدودی به این صفت نزدیک باشند. صفتی که در بطن آن حس سرزندگی، دل‌بازی و مؤلفه‌های کیفی دیگر را تقویت می‌کند. بنابراین سؤال تحقیق بدین گونه مطرح می‌شود: چه طبقه‌بندی در رابطه با مراتب حیات در ساخته‌ها می‌توان در نظر گرفت؟ کیفیت فضایی خانه‌های سنتی شهر یزد با حضور مؤلفه‌های حیات چگونه محقق شده است؟ پژوهش حاضر در پی ارائه و یا پیشنهاد مرتبه‌بندی مفهوم حیات در ساخته‌ها است که در آن، ارزش‌ها و ویژگی‌های مرتبط با حیات ساخته‌ها با شایستگی بیشتری بازگو شود. از همین رو به نظر می‌رسد این قابلیت در شهرهای دوره‌ی سنت بیشتر قابل شناسایی می‌باشد. در همین رابطه به منظور شناخت دقیق‌تر با رجوع به بافت تاریخی شهر یزد الگوهای حیات مرکزی، گودال باغچه‌دار و خانه باغ انتخاب و طبقه‌بندی نیز در آن‌ها مورد واکاوی قرار می‌گیرد. روش تحقیق تحلیلی - توصیفی و روش جمع‌آوری اطلاعات اسنادی و میدانی می‌باشد. همچنین در چارچوبی مشخص ادبیات تحقیق جمع‌آوری گردیده و پس از تحلیل بر اساس اصل استقرای تلاش می‌گردد مطالب جمع‌بندی گردد. نتیجه آنکه در خانه‌های دوره سنت یزد شش منظومه کلی مرتبط با مقوله حیات قابل شناسایی می‌باشد: حیات به مثابه امری وجودی که در همه موجودات ساری است، حیات به مثابه وجهی استعاری، حیات به مثابه وجهی از انرژی، حیات به مثابه وجهی زیستی، حیات به مثابه وجهی روحی و در نهایت حیات به مثابه یک اندیشه تعالی بخش که این موارد استخوان‌بندی تحقیق را شکل می‌دهد.

واژگان کلیدی: طبقه‌بندی، حیات، مراتب حیات، خانه‌های سنتی، بافت تاریخی یزد.

مقدمه

ساخته‌ها حاصل اندیشه و تفکر است که طی سده‌های متمادی سهمی را برای تحقق نحوه بهتر حضور انسان در این گیتی فراهم نموده است. از همین روی سازندگان تلاش داشتند تا کیفیت‌هایی را در ساخته‌ها بکار گیرند و آثار و بناهایی را خلق کنند که انسان از بودن در آن احساس سرزندگی و رضایت کند. تلاش‌های گسترده‌ای در جهت کیفیت بخشیدن به ساخته‌ها نیز طی سده‌های متمادی صورت گرفته است که نتایج موفق و بعضاً نیز ناموفق را به همراه داشته است. بهره‌گیری از صفات و یا مؤلفه‌هایی که تلقی انسان از کیفیت بودن و حیات در فضای زیستی را نشان می‌دهد. شولتز معتقد است: نویسندگان بسیاری از جمله، اوتزن، پی تیلو و فن مایس نشان داده‌اند معماری مفاهیم زندگی و حیات را بیان می‌کند و این نشان می‌دهد که فهم بسیار عمیق‌تری از بودن در جهان لازم است (شولتز، ۱۳۸۰: ۸). بر همین اساس یکی از مهم‌ترین مقولات که در ادبیات پسامردن معماری و شهرسازی مورد توجه برخی نظریه‌پردازان قرار گرفته، موضوع کیفیت حیات و حیات‌مند کردن ساخته‌ها می‌باشد. «حیات کیفیتی است که در ذات فضا نهفته است و برای هر آجر، هر سنگ، هر فرد و هر نوع ساختار فیزیکی که در فضا ظاهر می‌شود، به کار می‌رود. هر چیز، حیات خود را دارد» (الکساندر، ۱۳۹۲: ۳۰). اینکه ممکن است ساخته‌ها قادر باشند علاوه بر جسم روحيات ما را با آرامش عجین کنند و خود نیز روایتگر مرتبه‌ای از حیات شوند، دور از ذهن نیست.

این مقوله کانون توجه اندیشمندان، حکما و فلاسفه بوده و دو جنبه ماده و فراماده مبنای تعریف این واژه می‌باشد. از یک سو با خصیصه، آثار و علائمی چون؛ رشد و تغذیه، قوه و انرژی مرتبط است و از سوی دیگر با مقولات؛ وجود، جوهر، نفس و روح در ارتباط می‌باشد. اینکه همه موجودات جهان حتی جمادات دارای حیات و شعور هستند (صدرالمألهین، ۱۳۸۱: ۱۰۵) و یا اجزاء عالم از یکدیگر متأثر می‌شوند و مانند اعضای پیکر یک موجود زنده، تأثیر یکدیگر را حس می‌کنند (بدوی، ۱۹۷۷: ۲۱۳-۲۱۲) و یا تحقیقات جدید علمی - تئوری‌های فیزیک کوانتوم و نسبیت و یا فرضیه گایا- این نظریه را که جهان هستی دارای یک سیستم زنده است را تأیید می‌کنند (محمدی، ۱۳۸۴: ۱۵ و سالینگروس، ۱۳۹۳: ۴۹) نظریات و سخنان متعدد دیگر، بیانگر وجود مقوله‌ای با عنوان حیات در موجودات زنده و غیرزنده می‌باشد.

ساخته‌ها نیز از این مقوله جدا نیست و لذا تلاش‌های گسترده‌ای توسط طراحان طی چند دهه گذشته انجام گرفته تا نشان دهند ساخته‌ها قادراند اندیشه و روحيات انسان را از خود متأثر سازند. لذا در این پژوهش سعی می‌شود، با تأمل بر نظریات یا جملات برخی نظریه‌پردازان نظیر؛ شولتز، الکساندر و اندیشمندان دیگر و مقایسه و تحلیل مضمونی آن‌ها مراتبی از حیات که بخشی از مبانی نظری معماری و شهرسازی به آن مرتبط می‌باشد، شناسایی، نامگذاری و مختصر شرح داده شود.

از سوی دیگر آثار و ابنیه شهرهای دوره سنت طی قرون متمادی نشان داده که مقولاتی چون؛ سکونت و روح مکان نسبت‌هایی را با حیات جسمی و روحی داشته و در تحقق آرمان بهتر زیستن رابطه‌ای مستقیم داشته است. به همین سبب آنچه در مقیاس شهری در کنار ابنیه عمومی و عام‌المنفعه حضور پررنگ‌تری داشته، مقوله سکونت می‌باشد تا پیوند نیازهای جسمی، روحی و معنوی را نیز محقق سازد. این گونه به نظر می‌رسد که طراحان یا سازندگان برای تحقق یک خانه‌ی ایده‌آل و مطلوب همزمان به معیارهایی اندیشیده‌اند و آن را در ساخته‌ها به ودیعه نهاده‌اند تا تحقق یک زندگی آرمانی را جامه‌ی عمل ببوشانند. البته چنین گمانی را نیز در ذهن تقویت می‌سازد که گویی مثنی زنده بودن و زندگانی داشتن فراتر از نفس کشیدن و حیات جسمی ساکنین در طراحی و ساخت خانه‌ها ترتیب داده شده است. لذا با رجوع به خانه‌های دوره سنت، دور از تصور نباشد که سرخشی از پیوند میان حیات - جسمی و روحی - ساکنین با کالبد فضاها را در الگوهای بتوان پیگیری کرد.

به همین سبب سعی گردیده با رجوع به بافت تاریخی شهر یزد الگوهای فضایی از برخی خانه‌های دوره سنتی یزد که شامل؛ خانه‌های حیاط مرکزی، گودال باغچه‌دار و خانه‌باغ می‌باشد مورد مطالعه، واکاوی و تحلیل قرار گیرد. تلاش می‌شود کیفیت‌های فضایی که در کالبد این ابنیه حضور پررنگ‌تری داشته و تا حدودی حس برانگیزش انسان را در فضا ایجاد می‌کند، معرفی گردد.

طبیعی است که اندیشه پشتیبان و جهان‌بینی اسلامی محقق در این تحلیل، نقشی زمینه‌ای داشته است. همچنین لازم به ذکر است، اصل تدوین و نامگذاری این مراتب ماحصل تحلیل‌ها و برداشت‌های نگارندگان از مطالعه کتابخانه‌ای و بررسی نمونه‌های موردی بوده و ادعایی در ذکر جامع مراتب حیات وجود ندارد.

پیشینه تحقیق

نتیجه‌ی برخی تحقیقات صورت گرفته نشان می‌دهد؛ مقوله‌ی حیات به جهت همسو بودن با مبانی و حکمت، پای هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی را در ساخته‌ها باز می‌کند و از همین روی جنبه‌های متفاوتی از زنده‌انگاشت مکان مطرح می‌گردد. در همین رابطه پژوهش‌هایی انجام شده است و نظریات اندیشمندان چون؛ شولتز، الکساندر و دیگر پدیدارشناسانی مطرح بوده که با ابزاری چون؛ استعاره، تمثیل و مفاهیم به مقوله‌ی سکونت و حیات (زندگانی) پرداخته‌اند. مفهوم و تمثیل سکونت (راپوپورت، ۱۳۸۸)، روح مکان (شولتز، ۱۳۸۸)، کیفیت بی‌نام و سرشت نظم (الکساندر، ۱۳۹۲) و مفاهیم دیگر دستمایه‌های نظری است که این محققین به گونه‌ای کیفیت زیستن و مواجه انسان با محیط پیرامون را در این گزاره‌ها مورد واکاوی قرار داده‌اند. کتاب چهار جلدی سرشت نظم^۱ و نیز نبرد برای زندگی و زیبایی زمین^۲ تا حدودی نگاهی نو به مفهوم حیات در ساخته‌ها را مطرح می‌کند. در همین

رابطه نیز معرفی پانزده خصلت بنیادین پدیده‌های زنده (الکساندر: ۱۳۹۲، ۱۹۷-۱۰۹)، تلاش جهت تعیین شاخصه‌ها و نیز ارزیابی ساخته‌ها بر مبنای مقوله‌ی حیات‌مند نمودن آن‌ها می‌باشد. پر تلاش‌ترین محققین این حوزه الکساندر می‌باشد که در همین رابطه وی کتاب معماری و راز جاودانگی را نگارش نموده و سعی داشته تا تحقق یک معماری خوب را با مقوله‌ی زنده بودن مرتبط کند و نیز خلق الگوها را برای دستیابی به زندگی آرمانی در این فرایند تأثیر گذار قلمداد می‌کند (الکساندر، ۱۳۸۱). در مقیاس بافت شهری نیز خانم طاهره نصر به گردآوری و تحلیل برخی نظریات محققین داخلی و خارجی پرداخته که از این تحلیل‌ها معرفی مؤلفه‌های کیفی حیات بخش می‌باشد و متعاقب آن نیز تقویت جایگاه هویت شهری را مطرح می‌کند (نصر، ۱۳۹۳: ۱۳-۲۶). افرادی چون محمد علی آبادی از زاویه عقل و حکمت، جایگاه انسان را در نسبت با ساخته‌ها مورد واکاوی قرار داده و حیات شهر را با میزان استمداد از مقوله‌ی اندیشه مرتبط و واجد اعتبار دانسته است (علی آبادی، ۱۳۹۱: ۲۵-۳۷). نظریه فضای حیات طیب؛ شهر آرمانی اسلام، که توسط محمد نقی زاده مطرح گردیده نیز تلاش دارد تا اصلی‌ترین ویژگی شهر آرمانی اسلام را که بتواند مرجعی برای تجلی بخشیدن به مقولات متعدد و از جمله کالبد ساخته‌ها باشد را محقق سازد (نقی زاده، ۱۳۹۵: ۱۹۳-۱۹۶).

ریپورت، نیز گرایش‌های معناگرایانه به معماری و مفهوم سکونت را مطرح ساخته است که به طور خاص در فرضیه خود به ارزش‌های فرهنگی، آداب و رسوم و سنت‌ها در کنار عوامل فیزیکی خانه‌ها می‌پردازد (ریپورت، ۱۳۸۸: ۸۳). پیشینه تبیین معناگرایانه موضوع‌هایی همانند؛ فضا، مکان، سکونت و خانه را در فرهنگ اسلامی نیز می‌توان پی گرفت، از جمله در آراء ابن سینا در تعریف مکان (حداد عادل، ۱۳۹۰: ۱۰-۴) و یا فارابی نیز در توضیح شهر آرمانی، رویکرد فلسفی را در زمینه مکان شهر مطرح نموده است (فلامکی، ۱۳۶۷: ۱۶۰-۱۳۹). همچنین ابن خلدون، با نگاهی اجتماع‌شناختی بناهای ساخت انسان را ذیل مفاهیم شهر، آبادی، اقلیم هفتگانه و نیز سکونتگاه به اقلیم‌های گوناگون بررسی کرده است (حداد عادل، ۱۳۹۰). ولی مطالعات به انجام رسیده توسط اینان، تنها تلاشی در جهت بازخوانی بخشی از ویژگی‌ها، مؤلفه‌ها و صفاتی است که در ساخته‌های دوره سنت حضور داشته و کیفیت‌هایی را در فضا به ارمغان آورده است. ضمن آنکه هنوز می‌توان لایه‌های دیگری از این اتمسفر سنگین و غنی معمارانه را همچنان احصاء نمود و به قواعدی درخور برای زندگی امروز معرفی کرد.

روش تحقیق

در گام اول روش تحقیق تحلیلی-توصیفی بوده که بر اساس مطالعه کتابخانه‌ای و جستجو پیرامون آراء و نظریات برخی اندیشمندان معمار و شهرساز، ادبیات تحقیق جمع‌آوری می‌گردد. سپس این نظریات دسته‌بندی شده و پس از روش «تحلیل» بر

اساس اصل «استقراء» تلاش می‌گردد رابطه‌ای معنادار میان آن‌ها کشف گردد. گام دوم با روش تحقیق میدانی و رجوع به بافت تاریخی شهر یزد می‌باشد که سعی می‌گردد، برخی از خانه‌های تاریخی مورد مطالعه و تحلیل قرار گیرند و مبنای استخراج شده از گام اول با اسناد میدانی تطبیق و سپس نتیجه‌گیری می‌شود.

مبانی نظری

حیات در لغت، در مقابل «موت» به کار میرود و به معنای زنده بودن می‌باشد (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۱۱ و مصطفوی، ۱۳۶۰: ۳۳۵). معنای دیگری نیز برای این واژه بر شمرده‌اند که شامل: نیروی رشد دهنده گیاهان و حیوانات، نیروی حس کننده، قوه و نیروی عقل کننده عاقله، شکوفایی و شادابی پس از اندوه، حیات جاودان اخروی، صفتی که خدای تعالی با آن توصیف می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۶۸). بررسی مفهوم حیات از دیدگاه قرآن کریم مبانی هستی‌شناسانه را معرفی می‌کند. حی، حیات، ممت، احیاء و مشتقات آن بیش از ۵۷۰ بار و مکرراً در برخی آیات قرآن بکار رفته و علاوه بر حیات جمادی، به حیات مادی، معنوی و در مرتبه‌ای بالاتر به تأله اشاره دارد که ریشه در بینش و عمل صالح انسان داشته و معیاری برای دستیابی به کمال و حیات جاودان تلقی می‌گردد. در همین رابطه قرآن مجاری متداول برای شناخت حیات را داده‌های حسی، تفکر و شهود معرفی می‌کند. همچنین با رجوع به کتاب کشف اصطلاحات، حیوة^۳ به معنای زندگی و ضد مرگ و حی به معنای زنده ترجمه شده است (تهانوی، ۱۹۹۶: ۷۲۴-۷۲۱). در فرهنگ لغت و بستر واژه Life معنای زیادی برای آن طرح شده که این مقاله معانی بودن، وجود و زنده بودن را مورد استفاده قرار می‌دهد. در مجموع این واژه گستره مفهومی بالایی در عرفان، فلسفه، ادیان را پیش روی محققین قرار می‌دهد. با توجه به مطالب فوق، در حیطه‌ی این مفهوم ما قادریم حیات را به دو صورت با ساخته‌ها مرتبط بدانیم؛ ۱- زیستن و زنده بودن ۲- بودن و در حوزه مکان و زمان حضور داشتن می‌باشد.

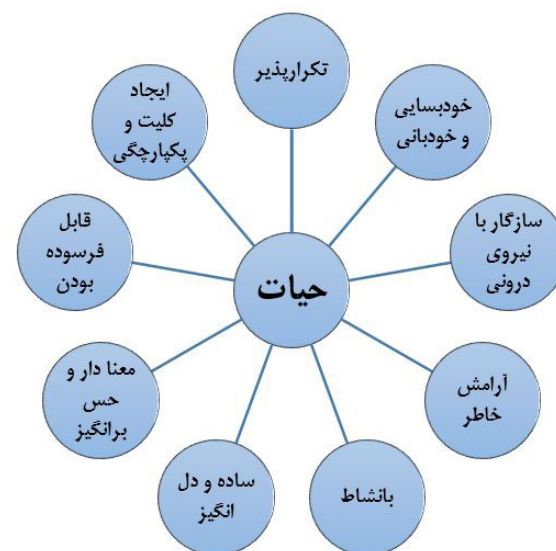
اینکه معماری پدیده‌ای است ملموس شامل: منظرها، سکونتگاه‌ها، بناها و بیان کننده شخصیت آن‌ها؛ پس واقعیتی زنده می‌باشد (شولتس، ۱۳۸۶: ۱). انسان‌ها تلاش می‌کنند با ساختن و آباد کردن مرتبه‌ای از زنده بودن را تجربه کنند و آن را به منصف ظهور رسانند.

حیات در ساخته‌ها

شهرهای سنتی ایران از نمونه‌های بارز شهرهای زنده هستند که زندگی در تمامیت آن قابل ادراک می‌باشد. از مؤلفه‌های مهم این شهر زنده تبعیت از قانون توزیع مقیاس‌بندی و توزیع اندازه‌ها در آن‌ها می‌باشد که به وضوح به چشم می‌آید (سالینگاروس، ۱۳۹۴: ۵۵ و ۵۶).

سازندگان طی قرون متمادی تلاش می‌کردند کیفیت‌هایی را در ساخته‌ها بکار گیرند تا حس سرزندگی در آن ایجاد گردد. از

همین رو سرزندگی ما منوط به زندگی کردن در بناها و شهرهایی است که زنده باشند. اما آن فقط زمانی در بناها وجود دارد که ما آن را در خود داشته باشیم. به اعتقاد الکساندر محیط‌های گوناگون از جهت برخورداری از حیات با یکدیگر، تفاوت دارند و برخی از آنها نسبت به برخی دیگر زنده‌تر می‌باشند. اما شرط لازم معماری خوب، برای رسیدن به مکانهایی زنده و جاودانه، شناخت زندگی است (الکساندر، ۱۳۸۱: ۹). اینکه معماری پدیده‌ای است ملموس شامل: منظرها، سکونتگاه‌ها، بناها و بیان کننده شخصیت آن‌ها؛ پس واقعیتی زنده می‌باشد (شولتس، ۱۳۸۶: ۱). انسان‌ها تلاش می‌کنند با ساختن و آباد کردن مرتبه‌ای از زنده بودن را تجربه کنند و آن را به منصف ظهور رسانند. این زنده بودن به الگوهایی که محیط را شکل می‌دهند وابسته است. یعنی هر اندازه که الگوها، از زندگی برخوردار باشند، محیط به همان نسبت واجد مرتبه‌ای از کیفیت حیات می‌باشد. محیطی که بدین ترتیب سرزنده و شاداب گردد، صیانت نفس و خوددبانی نیز در آن شعله‌ور می‌شود (الکساندر، ۱۳۸۱: ۱۰۵-۴۷).



تصویر شماره ۱: خصلت‌های حیات‌مند بودن پدیده‌ها بر مبنای نظریه الکساندر؛ مأخذ: الکساندر، ۱۳۸۱

وقتی درباره شهری فکر می‌کنیم، عناصر شکل دهنده‌ی آن چون؛ بازار، میدان شهر، خیابان‌ها و کوچه‌های پیچ در پیچ و تنگ، ردیف خانه‌های به هم چسبیده، بامها و موارد متعدد دیگر تداعی کننده رفتارها و زندگی مردم شهر می‌باشد. این عناصر اجزای مرده معماری و بنا نیست. هر یک حیاتی دارد که کاملاً وابسته به آن است (همان: ۶۰). البته پیداست که فقط در صورتی می‌توانیم این الگوی رویدادها را بفهمیم که آن‌ها را عناصری زنده در فضایشان تلقی کنیم. آنچه زنده است و نفس می‌کشد خود فضا می‌باشد. از آنجا که معماری از عناصر زنده و الگوهای مشخص رویدادها در فضا ساخته شده است، می‌توان نتیجه گرفت که آنچه در نظر اول کالبدی مرده می‌نماید که بنا یا شهر می‌خوانیمش، در واقع چیزی با روح و سیستمی زنده می‌باشد. زیرا مجموعه‌ای از الگوی

رویدادهایی را مشخص می‌کند که در تعامل با یکدیگر بارها و بارها تکرار می‌شود (همان: ۶۲-۶۰). زمانی که یک شهر به علت خصلتی مشخص ما را خشنود می‌سازد، معمولاً بدین علت است که اکثریت بناهایش به شیوه‌ای یکسان به زمین و آسمان مرتبط‌اند؛ به نظر می‌رسد که آن‌ها شکل مشترکی از زندگی را بیان می‌کنند... بدین سان آن‌ها روح مکان را که این همان‌سازی انسانی را ممکن می‌سازد، شکل می‌دهند (شولتس، ۱۳۸۸: ۹۷). در برخی از آن‌ها نیروهای زمین و در برخی دیگر قدرت نظم دهنده آسمان به شدت احساس می‌شوند (همان: ۱۱۳). نمود این قرارگاه‌های انسانی در شهرها و بافت‌های تاریخی دوره سنت قابل ردگیری می‌باشد. بویژه که این پیوند علاوه بر مکان‌های عمومی و عام‌المنفعه در خانه‌ها بیشتر قابل ادراک می‌شود. شاهد این مدعا گرایش به مرکز که در ساختار حیاط خانه‌های دوره سنت نهفته شده است قابل مشاهده می‌باشد. الگوی حیاط نمودی از گرایش به کیفیت زندگی و درک حیات داشتن در فضای خانه‌ها است، زیرا امکانی را فراهم می‌آورد تا از یک سو بی‌قراری محیط بیرون را به قرار و آرامش در محیط درون مبدل سازد و از سوی دیگر راهکار این آرامش را در آفرینش مرکز و رو نمودن فضاهای زیستی به آن دانسته و پیوندی از طبیعت و آسمان را در این الگو نهادینه و به ارمغان می‌آورد و چنین می‌توان متصور شد که روح زندگی در حیاط خانه با آمیختن ساخته‌ها و نساخته‌ها شکل می‌گیرد. البته مؤلفه‌هایی چون؛ پویایی فضا، تقویت حس تعلق به مکان، تنوع بنا و فضا و نیز عناصر هویت بخشی به بافت شهری به عنوان چهار مؤلفه‌ی حیات بخش در نظریه‌ی برخی اندیشمندان شهرساز و معمار مطرح می‌باشد که دستیابی به مرتبه‌ای از زنده بودن ساخته‌ها را تقویت می‌کند (نصر، ۱۳۹۳: ۲۱). در جداول زیر به بررسی نظرات و اندیشه معماران و شهرسازان در خصوص مقوله‌ی حیات در ساخته‌ها می‌پردازیم.

یافته‌های تحقیق

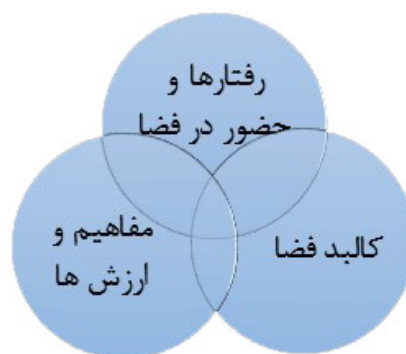
نظرات و یا سخنان بیان شده توسط اندیشمندان به طور مستقیم و یا غیر مستقیم به وجود و حضور کیفیتی با عنوان حیات در ساخته‌ها اشاره می‌کند. از همین رو چنین برمی‌آید، ساخته‌ها می‌توانند واجد مراتبی از زندگی باشند. می‌توان چنین استنباط کرد، که حضور مقوله‌ی روح مکان به عنوان یک مفهوم در نظر اندیشمندان واجد اعتبار بالایی می‌باشد. از سوی دیگر نیز کالبد بناها و سیمای شهری نیز تا حدودی می‌تواند مخاطب را متأثر از وجود کیفیتی کند که در این نوشتار با مقوله‌ی حیات قرابت بیشتری داشته و شاخصه‌ای تأثیرگذار می‌باشد. اما عمده‌ی نظرات اندیشمندان بیانگر وجود منظومه‌ای از عوامل نظیر؛ رفتارها و حضور انسان در فضا، نقش کالبد معماری در ارتقاء کیفیت حیات و نیز حضور مفاهیم و یا ارزش‌های فرهنگی، تاریخی از مؤلفه‌هایی است که به نظر در زنده انگاشت ساخته‌ها تأثیرگذار می‌باشد. در ادامه به شرح مختصری از یافته‌ها و پیشنهاد در طبقه‌بندی مراتب حیات در ساخته‌ها می‌پردازیم.

جدول شماره ۱: تحلیلی بر مراتب حیات در ساخته‌ها بر مبنای برخی نظریات و سخنان اندیشمندان خارجی

مرتبۀ	برداشت از نظریه	منبع	سخن یا نظریه اندیشمند	اندیشمند
رفتارها، کالبد و روح فضا	ساخته‌ها قادراند واجد مرتبه‌ای از حیات باشند و متعاقب آن نیز سطحی از کیفیت را در زندگی انسان ایجاد کنند.	(الکساندر؛ ۱۳۹۲: ۳۵)	ارائه تعریفی جدید در نگرش به جهان هستی که در آن هر چیز واجد مرتبه‌ای از حیات می‌باشد.	الکساندر
کالبد و روح فضا	نظریه مامفورد عمدتاً به بیان انرژی، ماده‌ی مرده و تولید مثل بیولوژیکی، که عوامل کمی و ابزاری مستقر در شهر هستند تأکید دارد. همچنین به فرم، فرهنگ، نمادهای زنده‌ی هنری و خلاقیت اجتماعی که این‌ها شاخص‌های انسانی و کیفی می‌باشد نیز تأکید می‌کند.	(رضوانی، ۱۳۹۵: ۷۹-۵۵)	(ساخته‌ها) یک ارگانسیم زنده می‌باشند. آن‌ها همانند موجود زنده؛ موقعیت‌مند، رشدپذیر، انعطاف پذیر، پیوند پذیر و... می‌باشد.	مامفورد
کالبد و روح فضا	با تکیه بر الگوهای که ریشه در گذشته تاریخی و فرهنگی دارند می‌توان ساخته‌ها را حیات‌مند نمود.	(نصر، ۱۳۹۳: ۱۹)	(ساخته‌ها) به مثابه موجود زنده‌ای می‌باشد که باید گذشته آن دیده شود و تا جایی که ممکن است، مصور گردد تا نظم کهن جایگزین بی‌نظمی جاری شود.	مارسل پوئت
زیست فنی	با بررسی فرایندهای زنده در موجوداتی نظیر؛ انسان، حیوان و گیاه بستری فراهم می‌شود تا با اقتباس از آنها به خلق اثر معماری پرداخت. تلاش در جهت تعامل ساخته‌ها با طبیعت زنده در این فرایند نقش کلیدی دارد.	(حکیم، ۱۳۸۲: ۱۸)	این معمار و نظریه‌پرداز آمریکایی، علاقه‌مند به خلق آثاری است که همچون موجود زنده دارای گونه‌های متمایز و انعطاف‌پذیر می‌باشد. همزیستی با شرایط محیط از لحاظ فرم یا رنگ نیز از شاخصه‌های این نگاه می‌باشد.	گرگ لین
رفتارها و حضور در فضا	زنده بودن دو حامل دو شاخصه مهم می‌باشد؛ یکی رفتارها و دیگری حضور افراد در ساخته‌ها است.	(هالپرین، ۱۹۷۲ و رضوانی، ۱۳۹۵: ۷۲)	نقش مردم در زنده نگه داشتن شهر نقشی حیاتی و مؤثر است و اجزای شهر را در ساختاری هئانگ، زنده فرض می‌کند. وی زندگی شهر را مدیون حضور شهروندان آن می‌داند.	هالپرین

جدول شماره ۲: تحلیلی بر مراتب حیات در ساخته‌ها بر مبنای برخی نظریات و سخنان اندیشمندان داخلی

مرتبۀ	برداشت از نظریه	منبع	سخن یا نظریه اندیشمند	اندیشمند
رفتار، کالبد و روح مکان	منظومه‌ای از مؤلفه‌های مؤثر در کالبد، عملکرد و مفهوم در حیات بخشی به ساخته‌ها و محیط نقش ایفا می‌کنند.	(بحرینی، ۱۳۸۶: ۴۵۱)	برای طراحی و ساخت شهری زنده پیشنهاداتی مطرح می‌شود که خلاصه آن شامل: متکی به فرایند می‌باشد، عرصه‌ها در آن نقش دارد، حس مکان، مقیاس مندی، فرهنگ، زمان، تاریخ، فعالیت‌ها و موارد متعدد دیگر در آن دیده شود.	سید حسین بحرینی
کالبد، رفتار و روح مکان	حیات دلالت بر کیفیتی از مکان زیستی دارد که منظومه‌ای از مؤلفه‌ها در شکل‌دادن به آن مؤثر می‌باشد.	(بهشتی، ۱۳۹۴: ۱۹)	کیفیتی از زندگی که دلالت بر وجوه تاریخی، فرهنگی و طبیعی داشته باشد، قادر است حیات شهر را رقم زند.	سید محمد بهشتی
کالبد، رفتار و روح مکان	رابطه‌ی مستقیم میان روح فضا و کالبد آن وجود دارد. حیات ساخته‌ها با هم‌نشینی این دو محقق می‌شود.	(شیعه، ۱۳۸۱: ۵۷ و رضوانی، ۱۳۹۵: ۱۹)	روح شهر در وجود سرزندگی و رفاه و آرامش روانی جمعیت آن تجلی می‌کند... چنانچه روح چنین شهری سالم باشد، کالبد آن نیز سالم خواهد بود.	اسماعیل شیعه
اندیشه هدف‌مند	اندیشه معیار زنده بودن و یا نبودن ساخته‌ها است. اگر عقل رشد یافته حاکم بر ساخته‌ها شود، می‌توان انتظار داشت ساخته‌ها زندگی انسان را حیات‌مند کنند.	(علی‌آبادی، ۱۳۹۱: ۳۲-۳۴)	زنده بودن یک شهر و معماری که در سایه عقل محقق می‌شود، ضرورتاً منوط و مشروط به زنده بودن روح است. شهری که اندیشه‌های کمال یافته بر زندگی ساکنان آن‌ها حاکم و جاری است، شهر انسان‌ها یعنی شهر زندگی و زندگی است.	محمد علی‌آبادی
رفتارها و روح مکان	فضایی زنده است که مردم در آن حس زنده بودن داشته باشند. اگر این ارتباط ایجاد نشود، آن معماری محکوم به مرگ می‌باشد.	(گلابچی، ۱۳۹۲: ۱)	معماری زنده عبارتست از زنده بودن فضا به حس حیات و زنده بودن مخاطبان و برقراری ارتباط نزدیک آنها با فضا.	محمود گلابچی
اندیشه و رفتار	بکارگیری عقل سلیم و تکیه بر معرفت دینی است که حیات واقعی را می‌آفریند و قادر است تا ساخته‌ها را به آرمان حقیقی سوق دهد.	(نقی‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۹۳-۱۹۶)	نظریه‌ای در شهر اسلامی مطرح می‌شود تحت عنوان حیات طیبه که لازمه تحقق شهر و [معماری] آرمانی اسلام قلمداد می‌شود.	محمد نقی‌زاده
وجود	ساخته‌ها را می‌توان به مراتبی از کیفیت حیات نائل نمود. حیات هدیه‌ای از طرف انسان به مکان معماری است.	(نقره‌کار، حمزه‌زاد، ۱۳۹۶: ۱۴)	منظور از حیات معماری زنده بودن زیست‌شناسانه نیست. انسان می‌تواند در ساخته‌هایش حیات ایجاد کند. حیات مقوله‌ای معنوی و وجودی است.	عبدالحمید نقره‌کار



تصویر شماره ۲: شاخص‌ترین مؤلفه‌های اثربخش در مقوله حیات

حیات کالبدی

سابقه‌ی این نگاه مربوط به قرون گذشته است. انگاره جهان زنده و حتی وجود حیات در جمادات (صدرالمآلهین، ۱۳۸۱: ۱۰۵) مقوله‌ای است که در همین رابطه توسط برخی اندیشمندان نیز مطرح می‌شود. حیات کالبدی در حله‌ی اول ناظر بر ظاهر پدیده می‌باشد و به عبارتی در بردارنده پیامی می‌شود که قادر است کیفیتی را که در جسم و فیزیک بنا وجود دارد و قابل درک می‌باشد به مخاطب مخابره کند. این پیام در مواجهه مستقیم و یا غیر مستقیم مخاطبین با اثر یا بنا به آن‌ها منتقل شده و نشانه‌ی آن می‌تواند حس برانگیزی باشد که در وجود افراد تقویت می‌شود. اما بخش قابل توجهی از انتقال پیام بواسطه‌ی وجود مرتبه‌ای از کیفیت حضور آن پدیده در عالم خلقت است که در ذات آن به ودیعه گذاشته شده است. از همین رو حیات کالبدی، ناظر بر «هستی و بودن» پدیده‌ها و وجود حقیقی در ذات آن پدیده می‌باشد. می‌توان چنین متصور شده که؛ فرایند تبدیل خاک به خشت یا آجر و در مرتبه‌ای دیگر چینی که منجر به خلق اشکال و صورت‌ها در کالبد می‌شود، منظومه‌ای از حیات ماده را خلق می‌کند.

اما از منظر دیگر، این حیظه حکایت از وجود یک منظومه معرفت‌شناسانه نیز می‌کند که سابقه‌ی طولانی در ادیان مقدس داشته است. به تعبیر دیگر؛ پدیده‌ها ممکن است بیانگر حالت یا حالاتی باشند که انسان بدلیل محدودیت و ظرفیت وجودی، با چشم سر قادر به شناخت چنین کیفیتی از مرتبه حیات را نداشته باشد. حمد و تسبیح موجودات، واکنش پدیده‌ها به وقایع و شهادت موجودات از جمله مواردی است که در تفاسیر کتب مقدس و عقاید دینی به آن اشاره شده که حاکی از وجود حیات در موجودات می‌باشد.

حیات استعاری

استعاره توصیفی است که از طریق تشبیه یک پدیده به پدیده‌ای دیگر که با هم وجه مشترکی دارند؛ به روشن شدن ذهن و شناخت ناشناخته‌ها کمک می‌کند. استعاره یک شکل خلاقانه برای توسعه ادراک ما محسوب می‌شود. همچنین پدید آوردن این همانی بین دو پدیده‌ای است که نمی‌توان به طور طبیعی آن را معادل تصور کرد (بینش، ۱۳۸۸: ۷۲). این نگاه در حوزه‌های مختلف هنر و از جمله ادبیات، گستره‌ای از مفاهیم را پیش‌روی

مخاطبین قرار می‌دهد. به عنوان مثال؛ سعدی در کتاب گرانسنگ گلستان از گلی خوشبو سخن به میان می‌آورد و از همنشینی آن با گل، حکایتگر شمیم خوش می‌شود^۵ و یا در شعر مولانا «نی» وسیله‌ای که واجد حیات می‌شود^۶ و به عنوان واسطه و ابزاری در دست هنرمند سخن از سر درون می‌گوید و حکایتگر و راوی کلام می‌شود. هر چند بر حسب ظاهر، جمادات در قیاس با جانداران و انسان بهره کمی از حیات می‌برند، اما انسان قادر است مرتبه‌ای از کیفیت حضور را که در جمادات می‌باشد، در حیات بخشیدن به ساخته‌ها نیز بخدمت گیرد. «هر بخش از فضا از مرتبه‌ای حیات برخوردار است که به طور عینی وجود دارد و قابل مشاهده و اندازه‌گیری است» (الکساندر، ۱۳۹۲: ۶۲). کالبد بناها با بهره‌گیری از نقش، طرح و رنگ و موارد متعدد دیگر قابلیت بیان را به ماده می‌دهند و انگاره‌ای از حیات را تداعی می‌کنند. این مشی فکری با بخدمت گرفتن؛ رنگ، نقش، بافت گونه‌ای از استعاره در زنده انگاشت ماده را تجلی می‌دهد. در کالبد بناهایی نظیر؛ مساجد، مدارس، مقابر و مکانهای مختلف دیگر از شهر و ابنیه تاریخی دوره سنت نیز این قابلیت به چشم می‌خورد. به عنوان مثال؛ گنبد شکلی است واجد تصویرپردازی زنده و حیاتی، دیگر اینکه اندیشه‌ی است که به میانجی امکانات ماده تجلی می‌یابد و یا چهارطاقی جنبه‌ای از زندگی دنیوی به عالم تخیل عرضه می‌کند که بنیادی‌اند و ظاهراً استوارترین جنبه‌های این حیات سنجی را نمایان می‌سازند (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰: ۷۵). در معماری مسجدی که از آجر ساخته شده، دیگر وجه معماری، آجر بودن آجر را نمی‌بینیم. گویی آجر خلع ماده می‌شود و به جای آن سایه روشن رنگ را می‌بینیم. پس در نظر معمار میان صورت و ماده مصالح با وجه ملکوتی آن فاصله‌ای وجود دارد (بهشتی، ۱۳۹۰: ۱۰)^۷.

کیفیات متعالی سطح از طریق اصالت و غنای فطری خود ماده‌ها، از طریق نقش‌بندی و آرایش سطح یا از طریق اثرات تلفیقی ماده‌هایی اصیل که نقش‌بندی‌هایی روی سطح‌ها پدید می‌آورند، محقق می‌شود (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰: ۳۳). بنابراین مرتبه‌ای از حیات را می‌توان به مدد بهره‌گیری و بخدمت گرفتن ماده و تغییر در شکل ظاهر جماد تحقق بخشید تا تقرب به باطن و لایه‌ی دیگر از آن نیز محقق گردد و آنگونه که سازنده از جهان اندیشه و انتظار دارد، با سبک و سیاقی از طرح و نقش واقع شود.

حیات حرکتی - رفتاری

این حیظه که انرژی و نیرو به عنوان منشاء حیات تلقی گردیده با نشانه‌هایی مادی و یا فرامادی شناخته می‌شود و از قرون متمادی در فلسفه و اسطوره‌ها و نیز تمدن‌های گذشته واجد ارزش بوده است (دیوگنس لائرتیوس، ۱۳۹۳: ۴۴). زنده انگاری عناصر اربعه و یا جوش و خروش امواج دریا، شعله آتش و وزش باد در نظر برخی فلاسفه و اندیشمندان می‌توانست دلالت داشته باشد بر اینکه آنها زنده هستند و از اینرو همواره در تکاپو و جوش و خروش می‌باشند. حرکت مقوله‌ای که واسطه می‌شود تا وجود

مرتبه‌ای از حیات در پدیده‌ها شکل گیرد. عنصری مانند آب یک پدیده‌ای بیش نیست، اما هنگامی که فراز و فرود را که با حرکت همراه است در خود داشته باشد، برای انسان قدرت برانگیزش ایجاد نموده و حیات بخش و محرک قلمداد می‌شود. بنابراین وجود جریان و حرکت در پدیده‌ها و انتقال آن به ساخته‌ها به طوری که موجب درک و حسی تازه توسط انسان گردد، مرتبه‌ای از حیات‌مندی را پدیدار کرده و آن را معنادار می‌سازد. این قاعده در ساخته‌ها نیز بکار گرفته می‌شود به طوری که فقدان انرژی و نیرو به منزله نبود حیات تلقی شده است.

حیات زیست فنی

معماران و شهرسازان بسیاری نظیر الکساندر، شولتز، کریر، بیکن ساخته‌ها و خصوصاً شهر را مشابه موجوداتی زنده دانسته‌اند که در عالم طبیعت وجود دارند و حتی به انسان نیز تشبیه کرده‌اند. هر ساختمان آدمی است در مقیاس بزرگ با همان خصوصیات (دیبا و اردلان، ۱۳۷۷).

تشریح ساختار شهر و شبکه عناصر کالبدی شهر به درخت (الکساندر، ۱۳۹۳) و یا بهره‌گیری از علوم زیستی و الگوگیری از خطوط و اشکال موجود در نظام طبیعت و یا اقتباس از نظام بیولوژیک موجودات زنده (گلابچی و زینالی فرید، ۱۳۹۳) دغدغه‌ای بوده که در دوره مدرن بدنبال تحقیق مقوله حیات بخشی به ساخته‌ها ایجاد شده است. مهم‌ترین مسئله این بوده که ساختمان بتواند «زنده بودن» خود را القاء کند (رضوانی، ۱۳۹۵: ۷۲). در واقع اندیشه مبتنی بر ساخته‌ها به مثابه موجود زنده با تقلید، الگوپذیری و الهام‌جویی (آنتونیادیس، ۱۳۸۱: ۴۲۷-۴۰۱) از طبیعت سعی دارد، زنده‌انگاشت از ساخته‌ها را در جهت تحقق آرمان معماری دوره مدرن و انتقال آن به نظام زیستی را فراهم سازد. اما از سوی دیگر همانگونه که می‌دانیم در شهرهای دوره سنت توجه به فضای زیستی یا فضاهای عام‌المنفعه، تلاش شده تا نگرش بومگرایانه که همسو با ظرفیت‌های محیط و طبیعت زنده می‌باشد را محقق سازد.

حیات روحی

این نگاه که زیستن انسان را در مرتبه‌ای فراتر از بودن و یا زیستن حیوانی و یا نباتی متصور است به کیفیتی از حیات در ارتباط با انسان و ساخته‌ها اشاره می‌کند که بواسطه ارزش‌ها، رفتارها و اهداف، تلاش برای زنده بودن را محقق می‌سازد. از جمله مهم‌ترین مقولاتی که مورد توجه می‌باشد؛ روح مکان، کیفیت بی‌نام^۸ و مفاهیم دیگر است که سرمنشاء «کیفیت زیستن و مراتبی از بودن انسان» را نشان می‌دهد^۹.

روح مکان و کیفیات تجلی یافته در آن دلیل بقا و حیات اثر معماری می‌باشد. از همین رو «ماناگزیر به گوش سپردن به مکان و کوشش برای درک روح آن هستیم» (portoghesi, 1974: 154). روح مکان از میراث ملنوس (سایت‌های تاریخی، ساختمان‌ها، مناظر، راه‌ها و...) و میراث ناملنوس (آئین‌ها، آداب و رسوم، دانش سنتی، بافت، رنگ و بو و...) ساخته شده است،

که هنه به طور قابل توجهی به حیات مکان و روح دار شدن آن کن‌کن می‌کند (مؤذن و همکاران، ۱۳۹۴: ۸).

حیات هدف مند

هدف در لغت به معنای، مقصد، غایت و آرمانی است که انسان تلاش می‌کند تا با عمل به آن دست یابد. حیات هدف‌مند نیز با چاشنی نیت و خلوص باطن همراه می‌شود تا مسیر را برای کمال انسان تسهیل سازد. در واقع این هدف است که راه را هموار نموده و به پدیده حیات می‌دهد.

این هدف‌مندی در صحبت از معماری و شهر آرمانی آیین اسلام نیز دیده می‌شود که بنا به آموزه‌های قرآنی، آن را «فضای حیات طیبه» اطلاق می‌کنند. تجلی شهر و معماری مطابق با شریعت اسلامی در عالی‌ترین صورت آن، شهر و ساخته‌هایی را مطرح می‌سازد که در آن، انسان‌ها بتوانند مطابق ارتباطات (بایدها و نبایدها) که از چشمه «وحی» اخذ و تدوین شده‌اند، به خلق محیط و کالبدی پردازند که آن محیط شایستگی «حیات طیبه» بودن را دارا باشد (نقی‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۹۴-۱۹۳).

از همین روی تحقق حیات هدف‌مند و طیب از یک سو با مؤلفه‌ی فطرت و از سوی دیگر با تکیه بر عقل میسر می‌شود. این عقل که عقل رشد یافته و اصیل یا ریشه‌مند است (علی‌آبادی، ۱۳۹۷: ۱۵۱) و آن نیز تعبیر به رسول باطنی شده است (کلینی، ۱۳۶۹: ۱۶ و آیه ۱۶۴ سوره بقره) می‌تواند کلید حیات طیبه محسوب گردد. اما نه عقلانیت مدرن که بریده از حق است بلکه عقلانیت حق‌مدار که مشخصه آن دیدن وحدت در پس جلوه‌هایی کثرت، ژرف نگری، جامع‌نگری و بریده از هوی پرستی و منفعت طلبی است (ندیمی، ۱۳۹۳: ۲۹). بنابراین ساخته‌های مردم جاهل که از اندیشه خود استفاده نمی‌کنند ساخته‌ی مردگان است. اما ساخته‌هایی که کالبد آن بر اساس مبانی فکری اسلام، اصول زندگی اسلامی و الگوهای رفتاری شریعت محمدی شکل بگیرد و رفتارهای انسانی و عقلانی نیز در جای‌جای هر یک از فضاهای آن جریان داشته باشد، ساخته‌ای زنده تلقی می‌گردد (علی‌آبادی، ۱۳۹۱: ۳۳-۳۲).


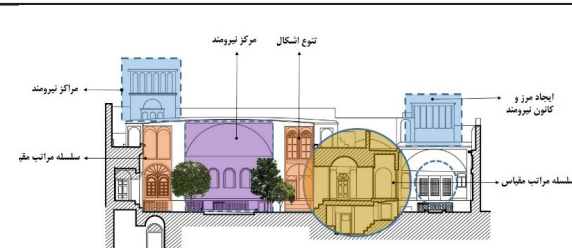


تحلیل یافته‌ها

بررسی‌ها و شواهد موجود از بافت تاریخی و خانه‌های دوره سنتی شهر یزد حکایت از حضور و کاربست مؤلفه‌های کیفی می‌کند که به نظر تا حدی قادراند حس زنده بودن، زندگی کردن، زیستن و مفاهیم کیفی دیگر را به ذهن مخاطب منتقل نماید. خصلت‌هایی که احتمالاً برانگیزش و سرزندگی را نیز در وجود ساکنین تا حدی تقویت می‌سازند. اما این خصلت‌ها خود به خودی شکل نمی‌گیرد بلکه به نظر شناخت از ظرفیت‌های وجودی (دانشی و بینشی) سازندگان و نیز استعداد سرزمین نقش مؤثری در این فرایند داشته است. شاهد این مدعا در بررسی الگوی خانه‌های بافت تاریخی یزد قابل ردگیری می‌باشد که به نظر سازندگان تلاش داشته‌اند تا منظومه‌ای از صفات را در مکان زیستی فراهم آورند و بدنبال آن وجوهی متفاوت از کیفیت

شکل می‌گیرد. بررسی‌ها نشان می‌دهد، بخشی از این صفات در کالبد نمود می‌یابد. از همین رو وجه کالبد خانه‌ها آینه تمام نمای ظهور و تحقق این تلاش از سوی بانیان می‌باشد و عمده هنر سازندگان با کاربست مؤلفه‌های برانگیزش محقق شده که بر روی سطوح بچشم می‌آید (جدول شماره ۳). از سوی دیگر بخشی از قواعد برانگیزش ریشه در مفاهیمی دارد که از سده‌های گذشته در سنت معماری وجود داشته و در طرح مایه خانه‌ها نیز از آن بهره گرفته شده که در نمونه‌های موردی بررسی شده قابل شناسایی می‌باشد. این مفاهیم یا استعاره‌ها می‌تواند؛ اعتقادی-آیینی یا فرهنگی باشد (جدول شماره ۴). شواهد نشان می‌دهد وجه دیگر حیات‌بخشی به خانه‌ها را در مقوله حرکت می‌توان پیگیری کرد. عاملی که منجر به کشف الگوهایی در فضاهای زیستی شده است. این مقوله وجه آسایش و آرامش را تقویت نموده و علاوه بر اینکه رابطه‌ی انسان با طبیعت- که در حیاط خانه‌ها نمود بیشتری یافته- به نظر تلاشی در همین رابطه بوده تا پذیرای بخشی از نیروهای حیات بخش طبیعت باشد (جدول شماره ۵). مشاهدات میدانی بیانگر آن است که وجه دیگر این حیات بخشی به مدد بهره‌گیری از استعداد سرزمین و ظرفیت‌های بومی محقق شده است. به عبارت دیگر دانش سازندگان از زمینه

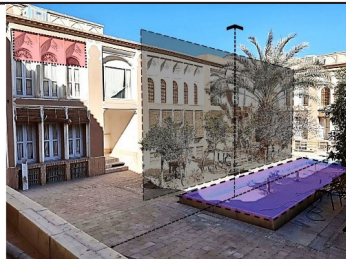
موجب شده تا راهکارهایی خلاقانه از آن استخراج شده و در این فرایند تکنیک نیز به کار گرفته شده و نتیجه آنکه آبادانی شهر برای شهروندان و سرزندگی به ساکنین هدیه داده می‌شود (جدول شماره ۶). اما وجه دیگر روح فضا است، مقوله‌ای که حس بودن در فضا و زندگی کردن را در وجود انسان شعله‌ور می‌کند؛ تأثیر پذیری و تأثیر گذاری فضا بر ساکنین می‌باشد. بررسی نشان می‌دهد در این خانه‌ها قوه‌ی ادراک و بهره‌گیری از حواس علاوه بر جسم، روح را نیز حیات‌مند می‌سازد. از همین رو بررسی‌های میدانی حکایت از آن دارد که معمارباشی‌ها به خوبی درک از حیات را در ارتباط با طبیعت، زمین و آسمان و پیوند میان آن‌ها را در محیط خانه برای ایجاد حس و روح مکان و کیفیت‌هایی دیگر فراهم ساخته‌اند (جدول شماره ۷). در این میان آنچه با رجوع به بافت تاریخی و خانه‌های دوره سنت به نظر قابل ادراک می‌باشد، تلاش در جهت نمود دادن اندیشه‌ای زنده و پویا مبتنی بر فطرت است. رعایت ارزش‌ها و کرامت انسانی در نسبت با ساخته‌ها نشان از بینشی داشته که ساز و کارهایی با دانش محقق و پیوند خورده و تلاش شده تا زندگی و زیستن با هدف دنبال شود (جدول شماره ۸).

جدول شماره ۳: بخشی از مؤلفه‌های مؤثر در حیات بخشی به کالبد خانه‌های دوره سنتی

<p>- چینش مصالح بر روی سطوح مانند: تنوع و ترکیب در بافت آجری (کف، دیوار و سقف)، ترکیب چوب و شیشه و ایجاد گره‌های هندسی و یا گچ و خاک جهت خلق نقوش و گجبری روی سطوح - ایجاد ریتم و آهنگ فضایی - بهره‌گیری از سلسله مراتب مقیاس روی سطوح مانند؛ در و پنجره‌ها یا قاب‌بندی دیوارها - ایجاد کانون‌های نیروبخش مانند؛ تالار، بادگیر، حیاط - بهره‌گیری از هندسه و اشکال خوب مانند؛ مربع، مستطیل، کلید، قوس و... - ایجاد مرز و یا تقویت لبه‌ها به منظور تأکید و تشخیص سطوح</p>	
	
<p>تصویر شماره ۴: تغییر در چینش آجرها تنوع را به فضا هدیه داده و انگار نظم حیات بخش را در کالبد فضای زیستی به همراه آورده است (خانه رسولیان).</p>	<p>تصویر شماره ۳: نقش مؤلفه‌های بنیادین که در پویایی و ایجاد مرتبه‌ای از حیات فیزیکی خانه‌ها مؤثر می‌باشد (خانه رسولیان)</p>
	
<p>تصویر شماره ۶: گوشه‌سازی در فضای زیستی با بهره‌گیری از چینش آجرها و پویا نمودن کالبد فضا (خانه کلاهدوزها)</p>	<p>تصویر شماره ۵: نقش هندسه و اشکال خوب در ایجاد حس سرزندگی به کالبد فضا (خانه ارجمند ترقی)</p>

جدول شماره ۴: بخشی از مؤلفه‌های مؤثر در حیات استعاری خانه‌های دوره سستی

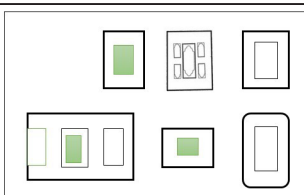
- عناصر فضایی چون؛ حوض آب، باغچه‌ها و یا کشش به آسمان و در مجموع ارتباط با طبیعت؛ نسخه‌ی صغیر از بهشت به عنوان جایگاه حیات ابدی می‌باشد.
 - هندسه فضاها از جمله؛ مربع نشانی از زمین و ثبات آن، پوشش یا آهیانه نشانی از آسمان، شکل چلیپا نشانی از چهار جهت اصلی و موارد متعدد دیگر مفاهیم و استعاره‌هایی است که در جان‌مایه، طرح‌مایه و ساخت‌مایه فضاها بکار گرفته می‌شود.
 - نور منشاء حیات مادی و معنوی بوده و در فضاهای عبادی نشانی از حضور خالق می‌باشد.
 - نقوش روی سطوح؛ علاوه بر تزئین، جایگاهی جهت بیان اعتقادات مذهبی می‌باشد.



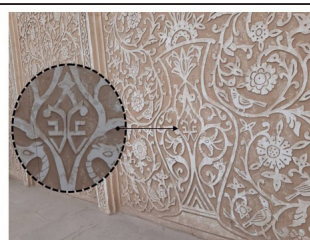
تصویر شماره ۸: کشش و رو کردن عناصر کیفی حیاط به سوی جهت اصلی که جلوه‌ی حقیقی عناصر طبیعت می‌باشد (خانه مرتاض)



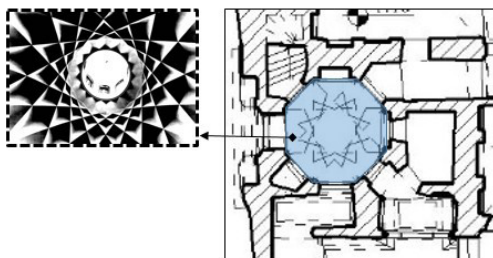
تصویر شماره ۷: نقش عناصر فضایی در حیاط و ایجاد استعاره بهشت صغیر (خانه کلاهدوزها)



تصویر شماره ۱۰: برخی الگوهای هندسی ثبات‌مند که در حیاط خانه‌ها به چشم می‌خورد به ترتیب از چپ به راست؛ ارجمندی، رسولیان، کلاهدوزها، علمی، دانشمندی و مرتاض



تصویر شماره ۹: انعکاس اعتقادات مذهبی در تزئینات روی سطوح (خانه کلاهدوزها)



تصویر شماره ۱۱: جلوه‌ی حضور نور که در مرکز هندسی فضا واقع شده و موجب روشنایی بخشیدن به فضا می‌شود (خانه رسولیان).

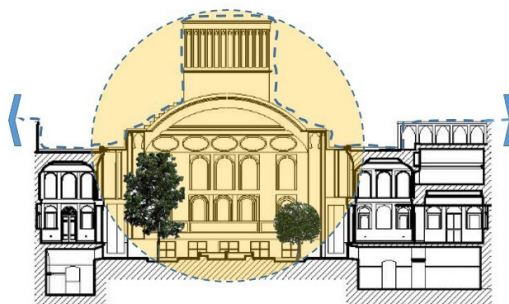
جدول شماره ۵: بخشی از مؤلفه‌های مؤثر در حیات حرکتی رفتاری خانه‌های دوره سستی

- جهت‌گیری فضاها به سمت نور یا باد مطلوب به عنوان نیروهای حرکتی طبیعت (دعوت باد به فضا با استقرار بادگیر به عنوان عنصر دعوت‌کننده که بر فراز بام قرار می‌گیرد و چرخش هوای مطلوب و انتقال خنکای آن به مکان زیستی مصداقی از مقوله حرکتی رفتاری می‌باشد).

- درک زمان (ساعات شب و روز) بواسطه حرکت خورشید و ماه در قاب آسمان خانه و ایجاد سایه روشن‌ها - قرارگیری حوض آب در کانون و مرکز ثقل فضا که به پویایی فضای زیستی افزوده و علاوه بر آن در محوریت دادن به مکان مؤثر می‌باشد.
 - تقویت حس برانگیزش به ساکنین با ایجاد بازشوهای سرتاسری و گشادگی فضایی (دعوت نور و ایجاد تالار رنگ در تقویت و پویایی فضایی)
 - درک فصول، بواسطه حضور طبیعت در حیاط خانه در کنار درک رشد و حیات حرکتی گیاهان و همچنین حضور پرندگان در فضا



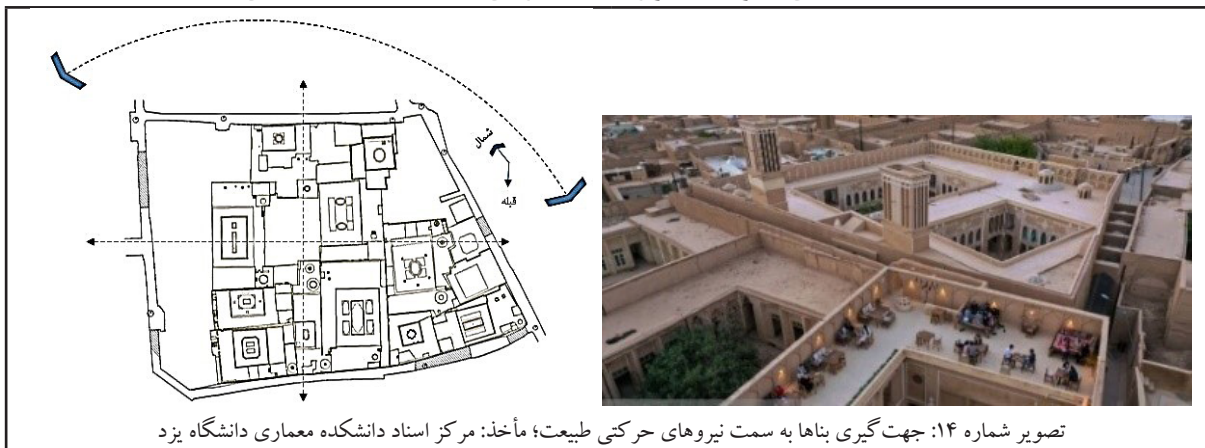
تصویر شماره ۱۳: ایجاد حس برانگیزش به مخاطب بواسطه حضور مؤلفه‌های کیفی چون؛ نور و رنگ در فضای زیستی (خانه کلاهدوزها)



تصویر شماره ۱۲: دعوت از باد، آب و نور به عنوان عناصر حرکتی در فضای زیستی (خانه مرتاض)



جدول شماره ۵: بخشی از مؤلفه‌های مؤثر در حیات حرکتی رفتاری خانه‌های دوره سستی

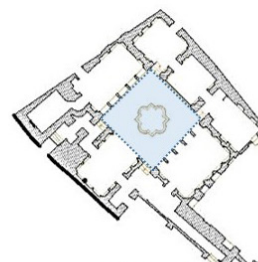
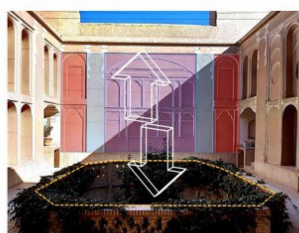
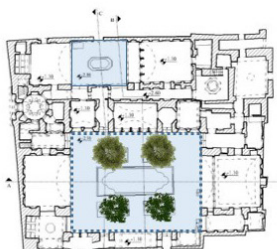
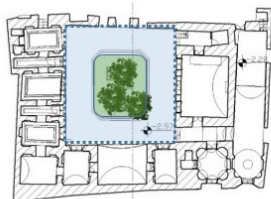


جدول شماره ۶: بخشی از مؤلفه‌های مؤثر در حیات زیست فنی (بوم‌گرا) خانه‌های دوره سستی

- بهره‌گیری از ظرفیت بستر (بکارگیری خاک حاصل از گودبرداری مکان زیستی جهت ساخت مصالح) - بکارگیری الگوهای که آرامش و آسایش را در فضای زیستی تقویت می‌کند. (الگوی گودال باغچه و حیاط مرکزی که ضمن ارتباط با طبیعت کمک در ایجاد طرح بیواقلیم در مقیاس فضای زیستی نیز محسوب می‌گردد).

- بهره‌گیری از تکنولوژی قنات در استعصال آب از عمق زمین و متعاقب آن ایجاد و گسترش شریان حیاتی در شهر جهت آبادانی - تکنیک‌های پیشرفته پوشش فضاها (تیرپوش، طاق‌پوش) در طول و عرض وسیع با بهره‌گیری از مصالح بوم‌آورد.

- فضاسازی در عمق زمین و ایجاد فضاهایی مطلوب برای زیستن در فصل گرم و توجه به آسایش جسمی ساکنین

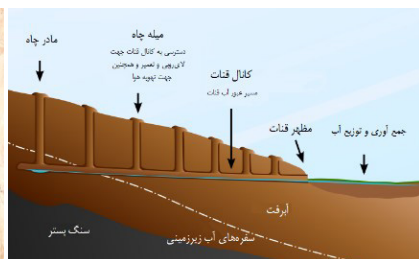
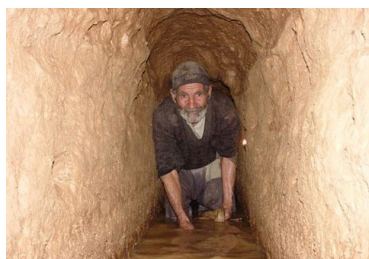


الگوی حیاط مرکزی

الگوی گودال باغچه

الگوی حیاط مرکزی

تصویر شماره ۱۵: از چپ به راست؛ پلان گودال باغچه خانه ارجمند ترقی و حیاط مرکزی خانه رسولیان، گودال باغچه خانه علوم، حیاط مرکزی خانه پیرنیا.



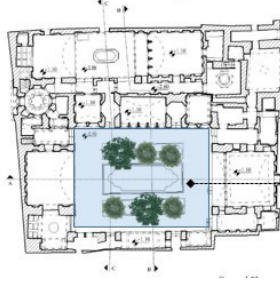
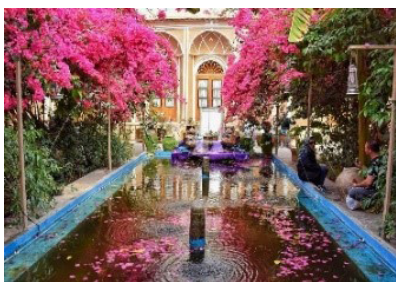
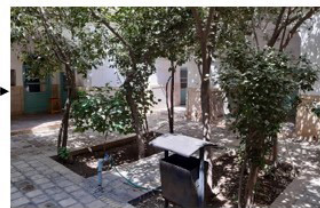
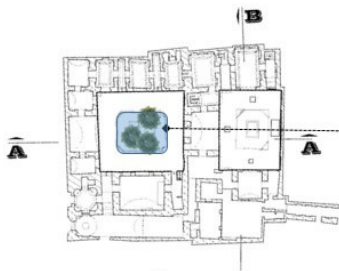
تصویر شماره ۱۷: تکنیک حفر قنات و تصویری از فضای داخل قنات (URL1)

تصویر شماره ۱۶: انتقال آب قنات به حوضچه‌ای در زیرزمین خانه‌ها به نام پایاب و متعاقب آن ایجاد فضایی مطلوب و خنک در فصل تابستان (خانه کلاهدوزها).



جدول شماره ۷: بخشی از مؤلفه‌های مؤثر در ایجاد حیات روحی خانه‌های دوره سنتی

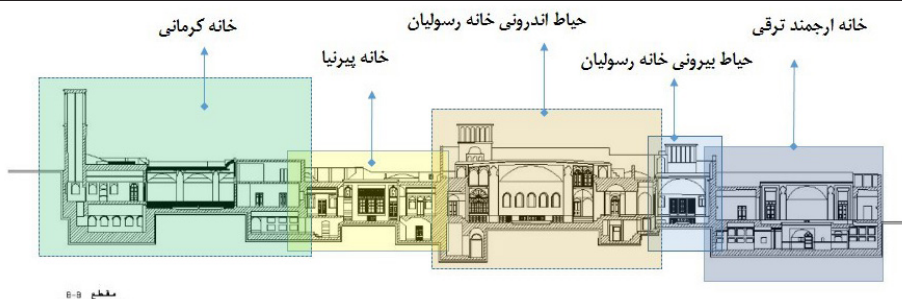
- میراث ملموس مانند؛ بافت تاریخی، ابنیه سنتی، دید و منظر فضایی و موارد دیگر موجب حضور و تقویت کیفیت‌هایی در مکان زیستی می‌گردد.
- میراث ناملموس مانند؛ ایجاد طیف نور، رنگ و یا بهره‌گیری از عناصری که حضور آن‌ها را در فضا با جلوه‌هایی ویژه همراه می‌سازد. عطر فضا (شمیم خوش گل و گیاهان)، صوت مکان (صدا و آواز پرندگان، طنین صوت اذان و قرآن در فضای شهر)، برگزاری آیین‌های فرهنگی و مذهبی در فضای خانه (عزاداری محرم و صفر، مراسم عروسی، تدارک نزورات) که همه موجب ایجاد حس خاطره‌انگیزی و یا نوستالژی در فضا می‌شود.



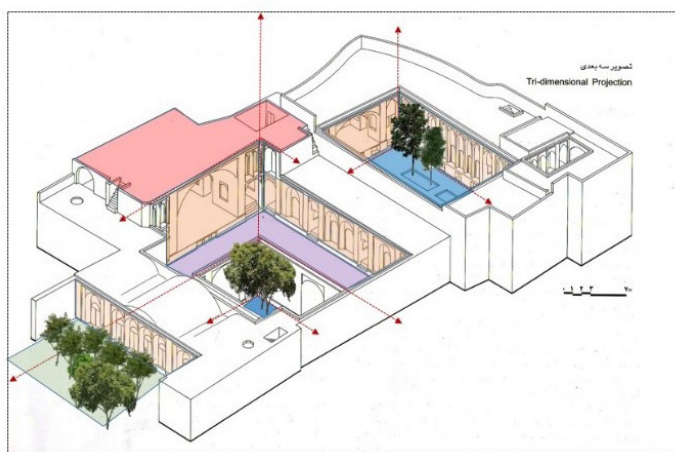
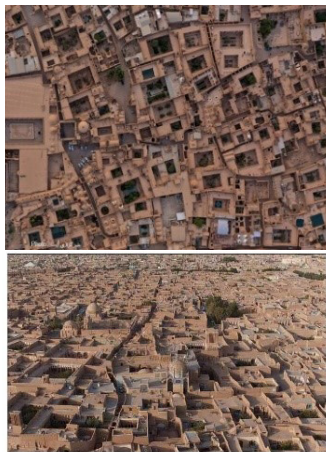
تصویر شماره ۱۸: بخشی از میراث ملموس و ناملموس خانه‌های تاریخی یزد، تصاویر از چپ به راست؛ خانه حسینیان، هتل کهن کاشانه، خانه ارجمند ترقی، و خانه رسولیان

جدول شماره ۸: بخشی از مؤلفه‌های مؤثر در حیات هدفمند خانه‌های دوره سنتی

- رعایت حریم (سلسله مراتب دسترسی به فضاها، درون‌گرایی با ساخت حیاط‌های اندرونی و بیرونی، کنترل دید از درون به بیرون فضاها و بلعکس).
- پرهیز از اسراف در ساختمایه
- رعایت حد ساختن و نساختن
- آزادی، اختیار و رعایت کرامت انسانی
- سادگی و آرامش درون



تصویر شماره ۱۹: برش طولی از مجموعه خانه‌های تاریخی یزد و نمایش رعایت حریم‌های فضایی



تصویر شماره ۲۰: رعایت حریم‌ها و حد ساختن و نساختن در بافت تاریخی شهر یزد

نتیجه گیری

برای تحقق حیات رابطه‌ای چند سویه بین انسان به عنوان سازنده، ساخته‌ها و محیط که بستر را برای پیوند فراهم می‌سازد، می‌تواند مورد شناسایی قرار گیرد.

شهر و ساخته‌هایی زنده، نه خیال و تصور زنده‌انگاشت پدیده‌ها بلکه واقعیت و بودن مرتبه‌ای از حیات در پدیده‌ها می‌باشد که عقل و فطرت سنگ بنای آن است و در جهت‌مندی به نیازهای انسان نقش اساسی دارد. از همین رو است که با رجوع به شهر دوره‌ی سنتی شاهد ایجاد ظرفیت‌هایی در ساخته‌ها می‌باشیم. در شهر دوره اسلامی سعی شده مرتبه‌ای از حیات در بطن فضاها به ودیعه گذاشته شود. به عبارتی دیگر توجه سازندگان به منظور حیات‌بخشی به ساخته‌ها صرفاً به یک جنبه از مبانی و قواعد معطوف نمی‌شود. مقوله حیات در ساخته‌ها از جنبه‌های متفاوتی قابل ردگیری می‌باشد. از یک سو ارزش ساخته‌ها در دوره سنت در فرم و کالبد آن نیست بلکه در صورت آن است. در وحله‌ی اول کالبد مقدمه‌ای برای حیات فیزیکی شهر و ساخته‌ها تلقی می‌گردد. از سوی دیگر سکونت‌گزیدن در دوره سنت صرفاً با مفاهیم و استعاره شکل نمی‌گیرد بلکه انسان سعی می‌کند تا بازتاب بودن و سکناگزینی خویش را به مکان گره زده و با بیان مفاهیم و استعاره حیات خویش را تحقق بخشد. اما وجه دیگر حیات‌بخشیدن به ساخته‌ها با مقوله پویایی و حرکت عجین و محقق می‌شود. از همین رو سازندگان با دعوت و کاربست عناصر طبیعت محور و نیروهائی چون؛ آب، باد، نورخورشید که در مجموع حضور این‌ها در فضای حیاط خانه‌ها تبلور می‌یابد، سعی نموده‌اند ساخته‌ها را زنده و پویا نمایند. حیات فنی یا بومگرایی نیز وجه دیگری از زنده‌انگاری در ساخته‌ها است که طی قرون متمادی تلاش سازندگان در تحقق همگنی و کاربست ظرفیت موجود در محیط یا بستر نمود پیدا کرده و اینگونه به نظر می‌رسد که بهره‌گیری از این قواعد ساخته‌ها را حیات‌مند می‌نماید. وجود مقوله‌ای بنام روح مکان و یا تعابیر و گزاره‌های دیگر در مکان زیستی که ادراک انسان را از بودن در فضا تقویت می‌سازد، حکایت از وجه دیگری از مرتبه‌ی حیات در ساخته‌ها و کیفیت سکناگزینی می‌باشد.

اما وجه دیگر حیات، تحقق زندگی آرمانی اسلامی با تمسک به ارزش‌های والای انسانی چون؛ رعایت حریم، پرهیز از اسراف، رعایت حد ساختن، دوری از تفاخر و موارد متعدد دیگر محقق می‌شود. ساخته‌هایی که از مجاری عقل بریده از هوس و تمایلات نفسانی گذر کند به نور، پاکی و صفای باطن نائل می‌شود. در مجموع می‌توان چنین انگاشت که تا حدودی در ساخت خانه‌های دوره سنت تلاش شده تا مراتبی از حیات کالبدی، روحی، استعاری، حرکتی - رفتاری، نگرش به بوم و ظرفیت‌های طبیعت و در نهایت هدف‌مندی در ساخته‌ها مورد توجه قرار گیرد. البته باید یادآور شد که لازمه ورود به هر یک از این مراتب به منزله گذر از دیگری نیست و اینکه خانی نیست که

الزاماً از آن باید گذر نمود تا به مرتبه بعدی یا قبلی دست یافت. به عبارت دیگر، خانه‌های دوره سنت بر حسب ظرفیت و قابلیت توسط معمارباشی‌ها مرتبه‌ای از کیفیت حیات را در خود به ودیعه نهاده‌اند. اما در پایان این مقوله بهانه‌ای می‌باشد تا در ساخته‌های دوره معاصر نیز طراحان تلاش کنند تا از ظرفیت‌های موجود در ساخته‌های دوره سنتی برای ساخت شهرهای زنده دوره معاصر نیز بهره‌گیرند.

پی‌نوشت‌ها

1. The Nature of Order
2. The Battle for the Life and Beauty of the Earth
3. در فرهنگ لغت بریتانیکا؛ حیات از جنبه‌ای مادی و با سیستمهای فیزیولوژیکی، متابولیکی، بیوشیمیایی، ژنتیکی و ترمودینامیک مرتبط دانسته‌اند (https://www.britannica.com)
4. سنگ حجرالاسود به عنوان سنگ آسمانی می‌باشد که در ساخت کعبه بکار رفته است. سنگی که بیان می‌شود به مرور زمان تحت تأثیر رفتار انسان‌ها از سبز به سیاه تغییر رنگ داده است. قداست آب زمزم، خاک (ترت) حضرت سیدالشهداء و واکنش آن بواسطه تجربه زیسته در صحرا (کربلا) نیز نمونه‌ای دیگر از حیات جمادی قلمداد می‌شود. واکنش و تغییر رنگ به واسطه‌ی درک واقعه‌ی کربلا و روز عاشورا به نظر در ظاهر نمودی از این مرتبه حی بودن به شمار می‌رود. بکارگیری این خاک در معماری برخی بناها، نظیر محراب مسجد جامع یزد، حکایت از اعتقاد به ارزش دیگر آن مافوق جماد بودن داشته و بر اساس این اعتقاد، معمارباشی کاربست آن در فضا را منشاء فیض و رحمت تلقی می‌کند.
5. گلی خوشبوی در حمام روزی، رسید از دست محبوبی به دستم... بگفتا من گلی ناچیز بودم، ولیکن مدتی با گل نشستم، کمال همنشین در من اثر کرد، و گرنه من همان خاکم که هستم (گلستان سعدی).
6. بشنو این نی چون حکایت می‌کند از جدایی‌ها حکایت می‌کند (مولوی، ۱۳۸۴).
7. سنگ مرمر نیز در بین دیگر سنگ‌ها شریف‌تر است. زیرا کدورت ندارد، صیقل پذیر است، نور را از خودش عبور می‌دهد و رنگ و نقش دارد. (بهشتی، ۱۳۹۰: ۱۰). از همین روی معمار همواره سعی می‌کند گونه‌های متنوع از ماده - فلز، چوب، سنگ و... - که برخوردار از مراتبی از حیات می‌باشند در معماری بکار گیرد. پس در مجموع هدف معمار در کاربرد مصالح باید به خلع ماده و نشان دادن صورت ملکوتی خلاصه کرد.
8. واژه‌ای که اغلب در بیان «کیفیت بی نام» الکساندر به کار می‌برد، واژه «زنده» است (الکساندر، ۱۳۸۱: ۲۵).
9. الکساندر دائماً از «زنده بودن» در مقابل سترون بودن سخن می‌گوید و لازمه زنده بودن واقعی را جدی گرفتن مرگ و اعتنا به دان در ساخت و ساز می‌داند. اگر ساختن معطوف به زندگی بدون اعتنا به مرگ باشد، به ساخته‌ای خیالی و غیر واقعی و غیر زنده منجر می‌شود. (طهوری، ۱۳۸۱: ۱۱۳ و ۱۱۲).

فهرست منابع و مراجع

1. الکساندر، کریستوفر (۱۳۹۲)، **سرشت نظم**، ترجمه: سیروس صبری، انتشارات: پرهام، تهران.
2. الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۱)، **معماری و راز جاودانگی**، ترجمه: مهرداد قیومی بیدهندی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
3. الکساندر، کریستوفر (۱۳۹۳)، **شهر یک درخت نیست**، ترجمه: فرناز فرشاد و شمین گلرخ، انتشارات آرمانشهر، تهران.

۲۸. علی‌آبادی، محمد (۱۳۹۱)، «جایگاه عقل در مفهوم پایداری شهر(نگاهی دیگر به مبانی نظری معماری و شهرسازی اسلامی)»، **فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات معماری ایران**، صفحات ۲۵-۳۷

۲۹. علی‌آبادی، محمد (۱۳۹۷)، «خلاصه‌ای از نظریه (راه جاویدان در طراحی و ساخت در هنر و معماری اسلامی)»، **فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات معماری ایران**، شماره سیزده، صفحات ۱۴۹-۱۵۴

۳۰. فلامکی، محمد منصور (۱۳۶۷)، **فارابی و سیر شهروندی در ایران**، انتشارات نقره، تهران.

۳۱. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۹)، **اصول کافی**، ترجمه: سید جواد مصطفوی، جلد ۱، روایت شماره ۱۲، انتشارات: علمیه اسلامی، تهران.

۳۲. گلابچی، محمود و آیدا زینالی فرید (۱۳۹۲)، معماری آرکی تایپی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

۳۳. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، جلد ۲، ناشر: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.

۳۴. محمدی، مقصود (۱۳۸۴)، «تئوری جهان زنده و انعکاس آن در حکمت متعالیه»، **فصلنامه خردنامه صدرا**، شماره ۴۰، صفحات ۱۵-۱۰

۳۵. مولوی، جلال‌الدین (۱۳۸۴)، **شرح مثنوی معنوی**، تصحیح: محمد جواد شریعت، انتشارات اساطیر، چاپ ۱، جلد چهار، تهران.

۳۶. مؤذن سجاد، هادی ندیمی و رضا ابویسی (۱۳۹۴)، «ادب حضور در محضر اثر تاریخی»، **فصلنامه صفا**، شماره ۷۰، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، صفحات ۵-۱۸

۳۷. نصر، طاهره (۱۳۹۳)، «واکاوی معنای هویت در سنجش پارادایم (تحلیل جایگاه هویت بخشی در بافت شهر)»، **فصلنامه هویت شهر**، سال هجدهم، شماره هشتم، صفحات ۱۳-۲۶.

۳۸. ندیمی، هادی (۱۳۹۳)، **یادداشت‌هایی بر معماری خوب**، از کتاب ضد معماری و واسازی، انتشارات سروش دانش، تهران، صفحات ۲۳-۲۹

۳۹. نقی‌زاده، محمد (۱۳۹۵)، «فضای حیات طیبه: شهر آرمانی اسلام»، **فصلنامه مطالعات معماری ایران**، شماره ۹، صفحات ۱۹۳-۱۹۶.

۴۰. نقره کار، عبدالحمید، حیدر جهان بخش و مهدی حمزه‌نژاد (۱۳۹۶)، **انسان طبیعت معماری**، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران.

۴. ابن منظور، جمال‌الدین (۱۴۱۴)، **لسان العرب**، جلد چهارم، ناشر: داراحیاء، بیروت.

۵. اردلان، نادر و لاله بختیار (۱۳۸۰)، **حس وحدت**، نشر خاک، تهران.

۶. آنتونیادس، آنتونی سی (۱۳۸۱)، **بوطیقای معماری**، ترجمه احمد رضا آی، جلد دوم، چاپ هشتم، انتشارات: سروش، تهران.

۷. بدوی، عبدالرحمن (۱۹۷۷)، **افلوپین عند العرب**، اتولوجیا، وکالة المطبوعات، کویت.

۸. بحرینی، سیدحسین (۱۳۸۶)، **فرایند طراحی شهری**، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

۹. بهشتی، سید محمد (۱۳۹۴)، «بافت تاریخی یا پهنه تاریخی»، **مجله چیدمان**، سال چهارم، شماره ۱۰، صفحات ۱۸-۲۳.

۱۰. بهشتی، سید محمد (۱۳۹۰)، «از خلع ماده تا درک ملکوت»، **ماهنامه علمی تخصصی اطلاعات حکمت و معرفت**، سال ششم، شماره ۹، صفحات ۹-۱۲.

۱۱. بینش، مسعود (۱۳۸۸)، «زبان مجازی و تفکر استعاری»، **تدبیر**، شماره ۲۰۹، صفحات ۶۹-۷۳.

۱۲. شولتس، کریستین نوربرگ (۱۳۸۶)، **معنا در معماری غرب**، ترجمه: مهرداد قیومی بیدندی، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران.

۱۳. شولتس، کریستین نوربرگ (۱۳۸۰)، **پدیده مکان**، ترجمه: نیر طهوری، مجله معمار، شماره ۱۳، صفحات ۴-۹

۱۴. شولتس، کریستین نوربرگ (۱۳۸۸)، **روح مکان (به سوی پدیدارشناسی مکان)**، ترجمه: محمد رضا شیرازی، انتشارات رخداد نو، تهران.

۱۵. راغب اصفهانی، حسین ابن محمد (۱۴۱۲)، **مفردات الفاظ قرآن**، انتشارات: دارالقلم، دمشق.

۱۶. رضوانی، علی‌رضا (۱۳۹۵)، «روح شهر؛ باز تعریفی از شهر، فضا، فضای شهری و تعیین شاخص‌های روحش»، **فصلنامه معماری سبز**، سال دوم، شماره چهار، صفحات ۵۵-۷۹.

۱۷. راپوپورت، آیماس (۱۳۸۸)، **انسانشناسی مسکن**، ترجمه: خسرو افضلیان، انتشارات حرفه هنرمند، چاپ اول، تهران.

۱۸. تهانوی، محمد علی (۱۹۹۶)، **کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم**، جلد ۱، ناشر: مکتب لبنان ناشران.

۱۹. حکیم، نگار (۱۳۸۲)، «معماری بیونیک و اندیشه‌های گرگ‌لین»، **مجله معمار**، شماره ۲۳، صفحات ۱۷-۲۰

۲۰. حداد عادل، غلامحسین (۱۳۹۰)، **دانشنامه جهان اسلام**، جلد ۱۵، انتشارات بنیاد دایره المعارف اسلامی، تهران.

۲۱. دیبا، داراب و امیر هوشنگ اردلان (۱۳۷۷)، «آن سوی آب و گل»، **نشریه آبادی**، انتشارات وزارت راه و شهرسازی، شماره ۲۸-۲۷، صفحات ۴-۱۲

۲۲. سالینگروس، نیکولاس (۱۳۹۳)، **ضد معماری و واسازی**، ترجمه: زهیر متکی و همکاران، انتشارات سروش دانش، تهران.

۲۳. سالینگاروس، نیکولاس (۱۳۹۴)، **طراحی الگوریتمی پایدار**، ترجمه حامد زرین کمری و مریم معیری نیا، ناشر: مترجمان، تهران.

۲۴. شیعه، اسماعیل (۱۳۸۱)، «آینده شهرسازی ایران، روح زمانه»، **فصلنامه معماری و شهرسازی**، شماره ۶۴-۶۵.

۲۵. دیوگنس، لائرتیوس (۱۳۹۳)، **فیلسوفان یونان**، ترجمه: بهراد رحمانی، نشر مرکز، تهران.

۲۶. صدرالمتألهین شیرازی (۱۳۸۱)، **اسفار اربعه**، ترجمه: محمد خواجهی، جلد ۶، انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدرا، تهران.

۲۷. طهوری، نیر (۱۳۸۱)، «سکونت شاعرانه و ساختن جاودانه (بررسی وجوه تشابه در آراء هایدگر و الکساندر)»، **فصلنامه خیال**، شماره ۳، انتشارات فرهنگستان هنر، صفحات ۷۰-۱۱۳

41. Portoghesi, P. (1974), *Le Inibizioni Dell, Architettura Moderna*. Roma: Bari.

42. Halparin, L (1972), *cities*, Massachusetts, the MIT press.

43. URL1: <https://fa.wikipedia.org>

44. URL2: <https://www.britannica.com/search?query=life>

تأثیر الگوی هندسی حیاط مرکزی بر جریان هوا در خانه‌های سنتی شوشتر*

علی مردانی^{۱*} (نویسنده مسئول)، امین روسایی^۲

^۱ گروه معماری، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران.
^۲ گروه معماری، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۹

چکیده

حیاط مرکزی یکی از الگوهای کهن و ارزشمند معماری اقلیمی ایران و به عنوان عنصر کالبدی در سازماندهی ساختار فضای خانه‌های سنتی ابعاد مختلفی از نیازهای زیستی، اجتماعی و فرهنگی را پاسخ داده است. هندسه حیاط مرکزی (شکل و تناسب) به عنوان اصلی‌ترین شاخص طراحی همواره بر عملکرد میزان انرژی تابشی جذب شده، شرایط مناسب آسایش حرارتی، و الگوی حرکت جریان هوا تأثیرگذار است. از این رو پژوهش حاضر ارتباط بین تناسبات حیاط و الگوی جریان هوا در خانه‌های سنتی شوشتر را مورد ارزیابی قرار داده است. جهت دست یابی به یافته‌های دقیق‌تر در بناهای موجود، خانه‌های نعنایی، رضوان، امین زاده، بقال به عنوان نمونه‌های مورد مطالعه در یک دوره تاریخی، با حداقل مداخله در ساختار فضایی آن‌ها انتخاب گردید. روش تحقیق این پژوهش با توجه به ماهیت میان رشته‌ای آن، یک روش ترکیبی است: در مرحله اول پس از مشاهدات اولیه با استفاده از راهبرد تجربی متغیرهای مستقل تأثیرگذار (شکل، تناسب) حیاط‌ها شناسایی و متغیرهای وابسته (سرعت جریان باد) توسط دستگاه دیجیتال باد سنج اندازه‌گیری شدند. به منظور بررسی دقیق‌تر داده‌ها شبیه‌سازی این پژوهش با روش دینامیک سیالات محاسباتی CFD و با استفاده از نرم افزارهای Design Modeler و Fluent صورت پذیرفت و جریان هوای داخل حیاط‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان می‌دهد، خانه‌هایی که دارای حیاط‌های چهارطرف ساخت با تناسب طول به عرض ۱/۰۸ و ۱/۲ دارای مطلوب‌ترین شرایط توزیع جریان هوا و حیاط‌های سه طرف ساخت با طول به عرض ۱/۰۱ و ۱/۱۳ از نظر توزیع یکنواخت جریان هوا از شرایط نامطلوبی در فصول گرم سال در شهر شوشتر برخوردار هستند. تغییرات صورت گرفته در تناسبات و الگوی هندسی حیاط‌ها بر شرایط کیفیت جریان هوا و شرایط آسایش حرارتی ساکنان تأثیرگذار بوده است.

واژگان کلیدی: الگوی هندسی، حیاط مرکزی، جریان هوا، خانه‌های شوشتر.

* این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی معماری با عنوان "تأثیر الگوی هندسی حیاط مرکزی بر جریان هوا در خانه‌های سنتی شوشتر" است که توسط آقای علی مردانی و آقای امین روسایی با حمایت مالی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آبادان انجام یافته است.

** E-Mail: ali_mardani4563@yahoo.com

مقدمه

مندی در زمینه بررسی و تحلیل نحوه عملکرد عنصر حیاط مرکزی در مواجهه با شرایط محیطی در خانه‌های شوشتر صورت نگرفته است؛ راهکارهای بکار رفته در معماری تاریخی این شهر می‌تواند الگوهای تأثیرگذار در طراحی معماری مدرن ارائه دهد. این پژوهش در پی آن است تا نقش الگوی هندسی (ابعاد و تناسب) حیاط مرکزی در میزان کیفیت جریان هوا را که نقش موثری بر شرایط آسایش حرارتی افراد دارد مورد بررسی قرار دهد. تحلیل‌ها بر روی نمونه‌های مورد مطالعه و با استفاده از راهبرد تجربی و شبیه سازی انجام گرفته و نتایج حاصل از آن ارائه شده است.

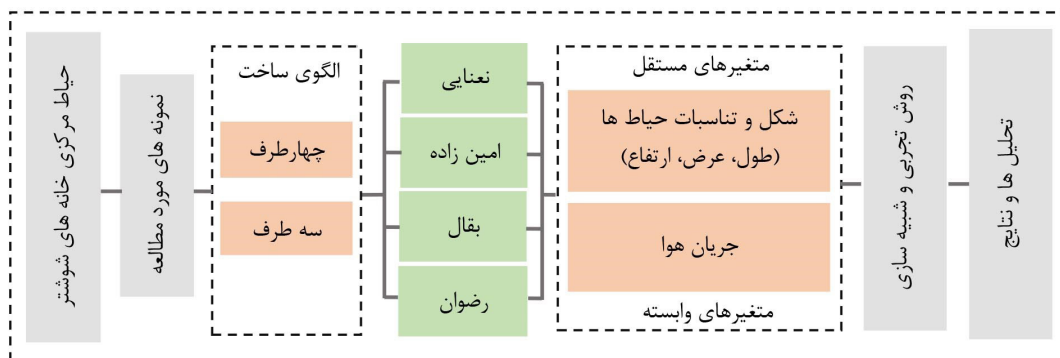
پرسش‌های پژوهش

- کدام الگوی هندسی حیاط مرکزی در خانه‌های تاریخی شوشتر عملکرد جریان هوای بهتری را نشان می‌دهد؟
- تناسب حیاط مرکزی خانه‌های شوشتر چه تأثیری بر کیفیت جریان هوا دارد؟

روش تحقیق

مقاله حاضر عنصر کالبدی حیاط در خانه‌های سنتی شوشتر را مورد مطالعه قرار داده است و هدف آن بررسی تأثیر الگوی هندسی حیاط مرکزی بر جریان هوا می‌باشد. از آنجا که «بسیاری از پژوهش‌های معماری بین رشته‌ای بوده و نیازمند روش‌های خاص ترکیبی» هستند (Grote, 2013: 370)، روش تحقیق این پژوهش به صورت ترکیبی است. در راستای این پژوهش ۴ مورد از خانه‌های حیاط دار تاریخی شوشتر با الگوی چهار طرف و سه طرف ساخت به عنوان نمونه‌های مطالعاتی انتخاب و با استفاده از راهبرد تجربی متغیرهای مستقل تأثیرگذار (شکل و تناسب) حیاط‌ها شناسایی و متغیرهای وابسته (سرعت جریان باد) اندازه‌گیری شدند. در این پژوهش شبیه سازی جریان هوای داخل فضای حیاط‌ها با استفاده از روش دینامیک سیالات محاسباتی CFD و توسط نرم افزار Fluent (ویرایش ۲۰۲۰) صورت پذیرفت. ابتدا توسط برنامه دیزاین مدلر ۱ حجم معماری خانه‌های مورد مطالعه مدل سازی گردید سپس توسط برنامه فلونت مشینگ ۲ شبکه مش بندی انجام گرفت و از مدل $k-\epsilon$ استاندارد برای شبیه سازی و تحلیل جریان هوا استفاده شد. در نهایت نتایج تحقیق ارائه گردید. تدابیر مورد استفاده در پژوهش نیز مطالعات کتابخانه‌ای، مشاهده، برداشت‌های میدانی، اندازه‌گیری‌ها و شبیه سازی است (تصویر ۱).

ساختمان‌ها بخش قابل توجهی از کل انرژی مصرفی در کشورهای مختلف را به خود اختصاص داده اند. بنابراین، یافتن راه‌حلی برای صرفه جویی در انرژی این بخش تأثیر قابل توجهی در مصرف کل انرژی دارد (Kheirkhah & Nasrollahi, 2020). با نگاهی به الگوهای معماری گذشته در شهرهای ایران، صرفه جویی در مصرف انرژی به شیوه‌های گوناگونی مورد توجه قرار گرفته است. در این شهرها فرم ساختمان‌ها و عناصری شاخص در کالبد معماری بناها چه به لحاظ ظاهر و چه به لحاظ نحوه ترکیب فضاهای گوناگون با یکدیگر، زمینه‌ی کاهش مصرف انرژی را فراهم می‌ساخته که کاربرد عمده آنها، رفع نیازهای اقلیمی و تأمین شرایط آسایش محیطی است. معماران گذشته با استفاده از تجربه و مهارت خود با در نظر گرفتن تمامی شرایط، خانه‌ها را به گونه‌ای طراحی می‌کردند تا بتوانند شرایط محیطی درون بنا را به گونه‌ای متعادل سازند و سطح کیفیت زندگی ساکنان را ارتقاء بخشند (Akbari & Teshnehdel, 2018). یکی از الگوهای ارزشمند معماری سنتی ایران و سازگار با اقلیم، «حیاط مرکزی» است، که به عنوان عنصری تفکیک ناپذیر در معماری ایرانی و یکی از روشهای بهره‌گیری از سامانه‌های ایستا می‌باشد، که با استراتژی‌های مختلف موجب کاهش بار سرمایشی ساختمان می‌شود. این عنصر به واسطه بهره‌گیری از سامانه‌های سرمایش تبخیری، تهویه عبوری، سرمایش تابشی و سایه اندازی به خنک سازی و کاهش بار سرمایشی ساختمان کمک می‌کند (سلیقه و سعادت جو، ۱۳۹۹). در این میان مولفه‌های کالبدی حیاط مرکزی اعم از شکل کلی حیاط و تناسب نقش موثری در بهبود کیفیت جریان هوا در فضاهای داخلی دارد (Sadatjoo & et al, 2016). در خانه‌های مناطق گرم و نیمه مرطوب، با شرایط آب و هوایی سخت استفاده از حیاط یکی از راهکارها به منظور ایجاد سایه و نفوذ حداقل تابش خورشید به داخل ساختمان و استفاده از جریان طبیعی هوا در جهت تعدیل مولفه‌های اقلیمی (درجه حرارت و رطوبت) و ارتقاء سطح آسایش حرارتی و کیفیت هوای محیط ساخته شده مدنظر قرار داده شده است (Mofidi Shemirani & Nikghadam, 2013). در واقع حیاط با تغییر اقلیم به ریز اقلیمی در اطراف ساختمان سبب افزایش جریان هوای درون ساختمان می‌شود (ملکی و همکاران، ۱۳۹۶). با توجه به اینکه تحقیقات نظام



تصویر شماره ۱: دیاگرام مراحل روش تحقیق

در دهه اخیر تحقیقات مشابه بسیاری با موضوع حیاط مرکزی صورت پذیرفت که بسیاری از پژوهشگران به موضوع خانه‌های حیاط مرکزی ایران پرداخته‌اند. مروری بر نوشته‌ها و تحقیقات مختلف نشان می‌دهد که در این بناها، جریان هوا از طریق تهویه طبیعی که معمولاً به سبب فشار منفی هوا (مکش)، ایجاد می‌شود اتفاق می‌افتد. همچنین تعامل فاکتورهای مختلف مانند هندسه حیاط مرکزی، تعیین کننده رفتار ترمودینامیک و توزیع دما در حیاط مرکزی است (Tablada & et al, 2005). فتاحی و همکاران در مقاله خود "نقش هندسه و نوع فضاهای باز شهری بر آسایش حرارتی و کیفیت محیطی در بافت تاریخی کاشان" را مورد مطالعه قرار دادند (فتاحی و همکاران، ۱۳۹۹). زمانی و همکاران با استفاده از شبیه سازی به تحلیل و بررسی عملکرد خرد اقلیمی حیاط مرکزی در حوزه علمیه معمار باشی تهران پرداختند (زمانی و همکاران، ۱۳۹۹). خاکسپیدی و همکاران در پژوهشی با استفاده از شبیه ساز سیالات Flow 3D به تدوین گونه بهینه حیاط مرکزی ساختمان‌های مسکونی زابل در برابر بادهای ۱۲۰ روزه پرداختند (خاکسپیدی و همکاران، ۱۳۹۹). کرمی راد و همکاران نیز در مقاله خود با عنوان "ارزیابی و تحلیل آسایش حرارتی حیاط خانه‌های تاریخی شهر شیراز در دوره‌ی قاجاریه" نشان داده‌اند در حیاط خانه‌هایی که دارای کمترین ضریب دید آسمان و مساحت هستند علاوه بر اینکه سایه اندازی بیشتری دیده می‌شود، شرایط آسایش حرارتی بیرونی بهتری را برای ساکنین تامین می‌کند (کرمی راد و همکاران، ۱۳۹۸). ملکی و همکاران در پژوهشی "عملکرد حیاط و خصوصیات طراحی آن جهت بهبود عملکرد گرمایی و آسایش حرارتی در شرایط آب و هوایی تهران" را بررسی کردند (ملکی و همکاران، ۱۳۹۶). تابان و همکاران در مقاله‌ای با عنوان "تعیین الگوی بهینه حیاط مرکزی در مسکن سنتی دزفول با تکیه بر تحلیل سایه دریافتی سطوح مختلف حیاط" به این نتیجه دست یافتند، بناهایی که حیاط آن‌ها دارای نسبت $1/4$ تا $1/1$ میان طول و عرض (حیاط با فرم مربعی شکل) و نسبت طول به ارتفاع $2/1$ تا $1/1$ (عمق متوسط) باشد مناسب‌ترین میزان سایه در فصول گرم بر روی کف و جداره‌ها ایجاد خواهد شد (تابان و همکاران، ۱۳۹۲). اکبری و تشنه دل عملکرد اقلیمی حیاط مرکزی خانه‌های سنتی کاشان و اردبیل را بر اساس شاخصه‌های سایه اندازی تابش آفتاب با استفاده از شبیه سازی مورد تحلیل و ارزیابی قرار دادند (Akbari & Teshnehdel, 2018). آریانی و همکاران مطالعه‌ای در زمینه نقش حیاط مرکزی در جایجایی جریان هوا در فضای خانه‌های آندونزی انجام دادند (Aryani & et al, 2017). الحفیث و همکاران در مقاله‌ای با بررسی هندسه و جهت گیری حیاط مرکزی خانه‌های بغداد با استفاده از شبیه سازی به این نتایج رسیدند که موثرترین پارامتر در سایه اندازی نسبت عرض حیاط به طول آن است (Al-Hafith & et al, 2017). مطالعات انجام گرفته توسط سفلائی و همکارانش نشان می‌دهد

که حیاط‌های مرکزی سنتی ایران با توجه به اهمیت جهت گیری و ویژگی‌های هندسی در خصوص پارامترهای فیزیکی و طبیعی به عنوان یک سیستم خنک کننده منفعل موثر طراحی شده‌اند (Soflaei & et al, 2016). ژو و همکاران، با استفاده از روش CFD بهترین عملکرد حیاط در مناطق سرد و گرم چین ارزیابی کردند (Xiaodong & et al, 2018). الحفیث و همکاران در مقاله‌ای با بررسی هندسه و جهت گیری حیاط مرکزی با استفاده از شبیه‌سازی به این نتایج رسیدند که موثرترین پارامتر در سایه اندازی نسبت عرض حیاط به طول آن است (Al-Hafith & et al, 2019).

مبانی نظری پژوهش

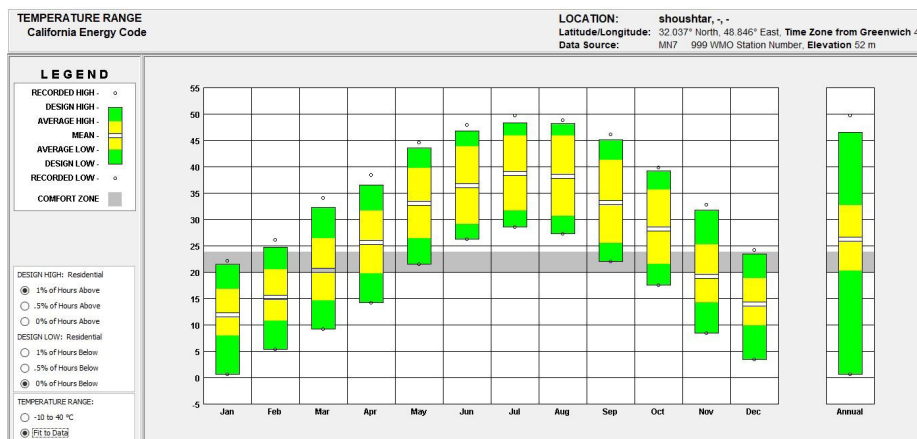
استفاده از منابع و انرژی‌های طبیعی به عنوان یکی از الگوهای ساخت و سازماندهی فضایی در خانه‌های سنتی است (حنیف، ۱۳۹۷). با مطالعه بناهای تاریخی ایران، نقش و جایگاه مهم حیاط در سازماندهی فضاهای خانه با توجه به اقلیم و شرایط آب و هوایی نمایان می‌شود و شرایط اقلیمی هر منطقه و نحوه تعامل با طبیعت باعث ایجاد گونه‌های مختلف جانمایی حیاط نسبت به قرارگیری فضاهای خانه شده است (صالحی پور و همکاران، ۱۳۹۹). از دیدگاه محیطی، حیاط مرکزی به منزله دستگامی کارآمد و پاسخده، علاوه بر اینکه وظیفه خود را در حفاظت ساکنین از شرایط نامساعد جوی و محیطی در مناطق گوناگون به خوبی انجام داده است (مرادی و همکاران، ۱۳۹۷)، به عنوان یکی از راهکارها در افزایش بهره‌وری انرژی و بهبود شرایط زندگی در محیط داخلی و همچنین در مواجهه با تابش و دمای هوا و کنترل آن توسط جریان باد دارای اهمیت می‌باشد و مانند یک سیستم غیر فعال خورشیدی در صرفه جویی مصرف انرژی عمل می‌نماید (Ghazanfari & Kaboli, 2019). تهویه طبیعی و گردش هوا در بنا یکی از موثرترین راه کارها برای تحقق پایداری و توجه به محیط زیست است. این پدیده بر اساس شیوه انتقال گرما از طریق همرفت، عمل می‌کند و با جابه جایی هوا باعث دفع گرما می‌شود (رهسپار منفرد و همکاران، ۱۳۹۹). در معماری بومی ایران بخصوص در مناطق گرم همراه با رطوبت، تهویه طبیعی یکی از فاکتورهای مهم در طراحی بنا به شمار می‌آید. چرا که ضمن تامین آسایش، در کاهش مصرف انرژی و هزینه‌ها نیز موثر خواهد بود. اثر بخشی تهویه طبیعی به شدت به روند طراحی بستگی دارد و قادر است بین ۲۰ تا ۶۰٪ انرژی مورد نیاز ساختمان را تامین کند (دل افروز هود و همکاران، ۱۳۹۹). جریان هوا در بناها علاوه بر اینکه باعث تبادل حرارت بین بدن انسان و محیط می‌شود، تأثیر فراوانی بر احساس آسایش حرارتی دارد. در این میان استخراج تناسبات حیاط و تأثیر آن بر جریان هوا می‌تواند به یافتن رابطه بین طراحی‌های جدید در ساختمان‌ها کمک نماید (پسران و همکاران، ۱۳۹۸). در اقلیم‌های گرم در صورتی که نسبت طول به عرض حیاط‌ها به درستی تعیین شود، ایجاد سایه بهینه بر روی کف و جداره‌های ساختمان، از دمای

عملکرد را در برابر شرایط تابش خورشید از نظر نیاز به سایه داشته باشد، از اهمیت بالایی برخوردار است» (تابان و همکاران، ۱۳۹۲). همچنین الگوهای عمده معماری حیاط در خانه‌های شهر شوشتر بیشتر بصورت مستطیل و مربع است که با مفاهیم و اصول هندسی طرح ریزی شده اند و محور بندی از مهم ترین ویژگی های الگوهای هندسی حیاطها می باشد. با این وجود برخی از حیاطهای ساخته شده در این منطقه، هندسی نیستند و ممکن است شکل نامنظمی داشته باشند (مهدوی نژاد و همکاران، ۱۳۹۵). لذا با توجه به شرایط اقلیمی شهر شوشتر، می توان این گونه بیان کرد که اقلیم (تک لایه بودن بنا جهت کوران طبیعی هوا) از خصوصیات بارز محور اصلی خانه های شوشتر بوده که سبب شده حیاط به عنوان یک فضا با عملکردهای گوناگون از جمله اقلیمی، زیستی و ارتباطی مطرح گردد. علاوه بر این حیاط مرکزی به عنوان یکی از عناصر کالبدی مهم به گونه ای عمل می کرده که علاوه بر کنترل تابش شرایط تهویه طبیعی و تأثیر آن بر کاهش رطوبت در فضای داخلی حیاط را به حداقل رسانده و شرایط آسایش را برای ساکن فراهم آورد.

شرایط اقلیمی منطقه مورد مطالعه

شهرستان شوشتر در ۴۸ درجه و ۳۵ دقیقه طول شرقی و ۳۱ درجه ۳۲ درجه و ۲۶ دقیقه عرض شمالی و با مساحت ۳۵۳۸ کیلومتر مربع در شمال استان خوزستان قرار گرفته و دارای تابستان های طولانی و به شدت گرم و زمستان های نسبتاً معتدل است. میانگین ارتفاع شهرستان شوشتر از سطح دریا ۰۱۵ متر می باشد و تحت تأثیر بادهایی چون شمال و جنوب قرار دارد و باد شمال باعث بالا رفتن دمای هوا می شود اما باد جنوب درجه حرارت را نسبت به وزش باد شمال یک تا سه درجه کاهش می دهد اما به دلیل عبور از روی خلیج فارس مقدر رطوبت نسبی را افزایش می دهد و باد نامطلوب غرب است. با توجه به قرارگیری نسبی این شهر در ارتفاع ساختار شهر از رون راسته تبعیت می کند (لطفی و همکاران، ۱۳۹۲). با بررسی در بناهای بافت سنتی شوشتر در می یابیم که جهت غالب بناها ۲۵ تا ۳۵ درجه چرخش نسبت به محور شمال و کشیدگی در راستای

دیوارها و لایه های هوای اطراف آن کاسته و ایجاد کوران و تهویه طبیعی، سبب کاهش دمای هوا در حیاط و در نتیجه بهبود شرایط حرارتی در فضاهای اطراف می گردد (اخوت و زینلیان، ۱۳۹۶). شهر شوشتر از نظر موقعیت جغرافیایی در منطقه گرم و نیمه مرطوب قرار گرفته است و خصوصیات آب و هوایی (گرما و رطوبت) از مهم ترین عوامل شکل گیری معماری بومی و ساختمان های مسکونی این شهر است. در این راستا به منظور کنترل تابش و رطوبت در فضاهای داخل و خارج بناها از ایجاد خرده اقلیم در جهت آسایش حرارتی در محیط بیرونی، جلوگیری از انتقال حرارت ناشی از تابش بر روی سطوح به فضای داخل ساختمان، سرد شدن سطوح در شب از طریق ایجاد امکان تابش به آسمان صاف و ایجاد امکان برای تهویه عبوری جهت پایین آوردن میانگین دمای روزانه فضای داخل استفاده شده است. آنچه که در بافت شهری و معماری سنتی شوشتر مشهود می باشد، این است که با وجود توجه به ایجاد سایه برای جلوگیری از تابش مستقیم بر روی سطوح، ایجاد کوران و تهویه طبیعی برای دفع رطوبت نیز مورد توجه بوده است (تابان و همکاران، ۱۳۹۸). معماری خانه های شوشتر نیز به تبعیت از شرایط اقلیمی منطقه به صورت درونگرا است و «فرم بنا در این منطقه به صورت حیاط مرکزی جهت حداکثر استفاده از سایه و کوران هوا شکل گرفته است. در اطراف حیاط مرکزی اتاق های با ارتفاع زیاد و پنجره های بلند و کشیده، با ایوان های وسیع و مرتفع، قرار دارد» (عطاریان و صفرعلی نجار، ۱۳۹۷). حیاط مرکزی در خانه های شوشتر به عنوان راهکاری مناسب با ایجاد خرد اقلیم مطلوب آسایش فیزیکی را در فضای مسکونی سنتی این منطقه فراهم آورده و تأثیرات اقلیمی از دو جهت بر روند شکل گیری حیاط مرکزی در خانه های شوشتر تأثیر گذار بوده اول: این که برای ایجاد شرایط بهتر اقلیمی، در اغلب بناها، جهت گیری ساختمان قابل توجه بوده است، دوم: مشخصه معماری سنتی شوشتر ساخت فضاهایی در اطراف حیاط مرکزی برای استراحت و انجام کارهای روز مره است و تمام اتاق ها بازوهای بی رو به حیاط دارند که باعث ایجاد تهویه درونی اتاق ها می شود. «علاوه بر این در نظر گرفتن تناسبات مناسب حیاطها به گونه ای که بهترین



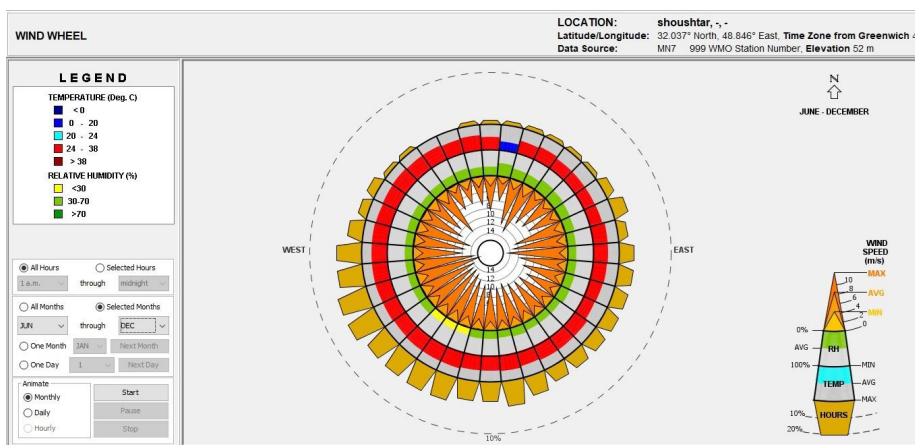
تصویر شماره ۲: نمودار دما در ماه های سال در شهر شوشتر نرم افزار کلاسیک کانسالتنت نسخه ۶

تا ۱/۶۷ (مستطیلی شکل) می‌باشند. لذا با توجه به این که هدف این پژوهش، بررسی تأثیر هندسه حیاط مرکزی بر جریان هوا است و به دنبال یافتن الگوی بهینه اقلیمی حیاط از نظر شکل، ابعاد و تناسب در خانه‌های سنتی شوشتر می‌باشد، در این پژوهش ۴ نمونه از خانه‌های تاریخی ارزشمند شوشتر (نعنایی، رضوان، امین‌زاده، بقال) نسبتاً سالم با حداقل مداخله در ساختار فضایی آن‌ها و بر اساس الویت‌های زمانی و مکانی انتخاب شدند. خانه‌های مورد مطالعه متعلق به دوره تاریخی قاجار می‌باشند. نمونه‌های انتخاب شده همگی به ثبت سازمان میراث فرهنگی رسیده‌اند و از لحاظ ساختاری، دارای الگوی چهار طرف ساخت و سه طرف ساخت که بیشترین فراوانی الگوی حیاط در خانه‌های شوشتر تشکیل داده‌اند. در ادامه منظور دست‌یابی به داده‌های تکمیلی تناسب حیاط‌ها شامل طول حیاط (L)، عرض حیاط (W)، نسبت طول به عرض و ارتفاع جداره‌های مجاور حیاط (L/H) و (W/H) استخراج گردید و در جداول (۲ و ۱) مشخصات هر یک از نمونه‌ها بر اساس اسناد کتابخانه‌ای و نقشه‌های برداشت شده سازمان میراث فرهنگی ارائه شدند.

شمال شرقی - جنوب غربی است (تقی‌زاده و تقوایی، ۱۳۹۸) میانگین بالاترین دما در بازه زمانی مربوط به اوایل تیر تا مرداد ماه برابر با ۰۴ درجه سانتی‌گراد گرم‌ترین و دی و بهمن با ۱۳٫۷ درجه سانتی‌گراد سردترین ماه سال می‌باشند (تصویر ۲). به طور متوسط میانگین سالانه دمای هوا در شهرستان شوشتر ۲۶٫۸ درجه سانتیگراد و به طور متوسط سالانه رطوبت نسبی منطقه ۳۸٫۶ درصد است. نمودار جهت وزش بادهای محلی شهر شوشتر در تصویر ۳ نشان می‌دهد، جهت وزش باد غالب در طول غرب و جنوب غربی به سمت شرق با متوسط سرعت ۵/۳ m/s می‌باشد.

بررسی نمونه‌های موردی

حیاط مرکزی خانه‌های شوشتر دارای ابعاد و الگوهای فضایی متفاوت از نظر ساخت می‌باشند. همین امر باعث شده تناسب میان جداره‌ها نیز تغییر یابد، که احتمالاً می‌توانسته تأثیر مستقیمی بر نحوه ارتباط هندسه فضای حیاط با جریان هوا داشته باشد. طبق بررسی‌ها صورت گرفته ۵۰ درصد از حیاط خانه‌های این شهر دارای نسبت ۱/۰۱ تا ۱/۰۹ (تقریباً مربع شکل) و ۴۰ درصد دارای نسبت ۱/۱۱

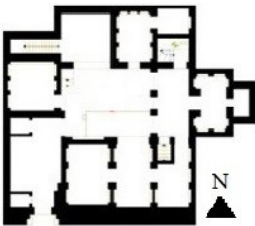

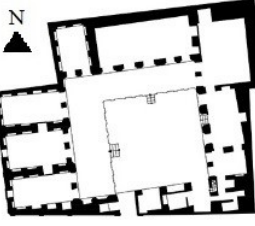

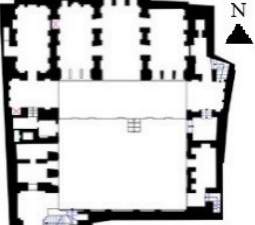





تصویر شماره ۳: نمودار متوسط سرعت جریان باد در شهر شوشتر

جدول شماره ۱: مشخصات حیاط مرکزی نمونه‌های موردی خانه‌های شوشتر

نام خانه	الگوی حیاط	طول (L)	عرض (W)	ارتفاع حیاط	تناسبات	نسبت L/H	نسبت W/H
خانه نعنایی		۶/۷	۵/۳	۳/۱۰	۱/۲	۲/۲	۱/۷
رضوان		۱۳/۸۵	۱۲/۷۱	۶/۴۱	۱/۰۸	۲/۱۴	۲
خانه امین‌زاده		۱۳	۱۲/۸	۸/۶۵	۱/۰۱	۱/۵	۱/۵
بقال		۹/۱۶	۸/۰۹	۵/۶۰	۱/۱۳	۱/۶	۱/۴۶

جدول شماره ۲: مشخصات حیاط مرکزی نمونه‌های موردی خانه‌های شوشتر

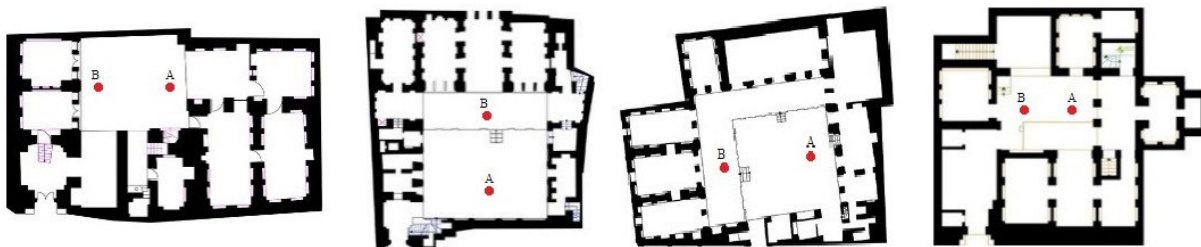
نام خانه	دوره	پلان	تصویر حیاط	توضیحات
نعنایی	قاجار			خانه نعنایی از بناهای دوره قاجار است که در محله کوره قرار دارد. این بنا به نام مالک اصلی آن، آقای نعنایی خوانده می‌شود. خانه به صورت یک حیاط مرکزی است که اتاق‌ها در اطراف آن قرار گرفته‌اند (سازمان میراث فرهنگی شوشتر، ۱۳۸۹).
رضوان	قاجار			این بنا از آثار دوره قاجاریه و در کوچه اوراضی (قسمت غربی محوطه آبشارها) قرار دارد این خانه دارای ۱۰ اتاق و دارای حیاط کوچکی می‌باشد که اطراف آن را سکویی فراگرفته که بر روی آن اتاق‌هایی تعبیه گشته. قسمت شرقی بنا دو طبقه می‌باشد (سازمان میراث فرهنگی شوشتر، ۱۳۸۹).
امین زاده	قاجار			خانه امین زاده در محله کندال قرار گرفته و از بناهای شاخص در معماری شوشتر است. خانه امین زاده در دوران قاجار توسط شخصی بنام امین زاده ساخته شده است (سازمان میراث فرهنگی شوشتر، ۱۳۸۹).
بقال	قاجار			این خانه که از خانه‌های ارزشمند بافت قدیم شوشتر می‌باشد در محله دلدل که از محله های موهگمی می‌باشد واقع است. خانه در ضلع غربی خیابان سنگفرش واقع است به طوری که با عبور از چند کوچه به این خانه با ارزش میرسیم. (سازمان میراث فرهنگی شوشتر، ۱۳۸۹).

آزمون‌های تجربی و و گردآوری داده‌ها

به منظور برداشت داده‌های دقیق پس از انتخاب نمونه‌های موردی با استفاده از روش تجربی نقاطی جهت اندازه‌گیری و برداشت داده‌های مربوط به سرعت جریان هوا در فضای داخلی حیاط‌ها تعیین شد. سپس با استفاده از دستگاه دیجیتالی بادسنج مدل YK-2004AH لوترون^۲ داده‌های مربوط به جریان هوا گردآوری شدند. برداشت داده‌ها در گرم‌ترین روزهای تابستان ۱۳۹۷ در ماه‌های (تیر و مرداد) از ساعت ۱۰ صبح تا ۵ بعدازظهر با فاصله زمانی هر نیم ساعت یک بار انجام گرفته است. نقاط A و B همانطور که در پلان تصویر ۸ نشان داده شده است، به ترتیب در ترازهای ۱ متری (ارتفاع سر انسان در حالت نشسته)،

۲ متر (ارتفاع سر انسان در حالت ایستاده) انجام گرفت و نمودار مربوط به داده‌های گردآوری شده توسط نرم افزار اکسل ترسیم شد (تصویر ۵-۶).

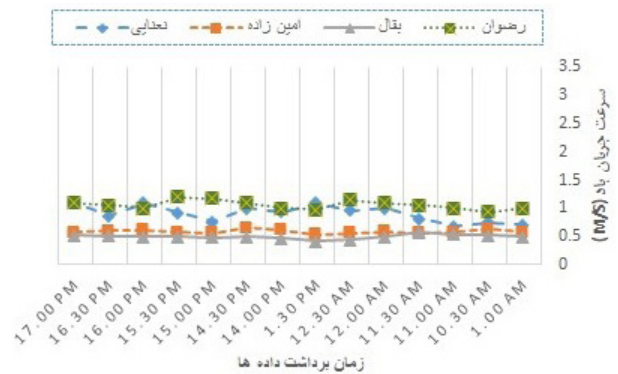
آزمون‌های تجربی در نمونه‌های مورد مطالعه مطابق تصویر ۴ و نتایج نمودارهای ترسیم شده از داده‌ها نشان داد، در نقاط A و B در تراز ارتفاعی ۱ متری کمترین اعداد ثبت شده از نظر سرعت جریان باد مربوط به فضای حیاط خانه‌های بقال و امین زاده است که از وضعیت نسبتاً نامطلوبی برخوردار است و نسبت به خانه‌های نعنایی و رضوان در همین تراز ارتفاعی از سرعت کمتری برخوردار می‌باشد (تصویر ۵). در تراز ارتفاعی ۱٫۵ متری حیاط خانه‌های انتخابی با توجه به نتایج نمودارها اعداد نزدیک



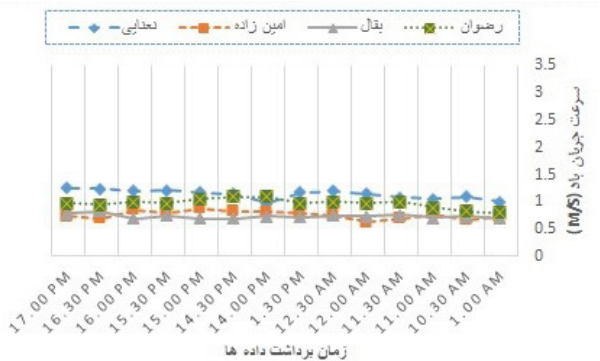
تصویر شماره ۴: نقاط برداشت داده‌های تجربی جریان هوا در پلان نمونه‌های مورد مطالعه

که در کنار کانتورهای جریان باد در مقاطع عرضی و پلان شکل‌های ۷ تا ۱۰ مشاهده می‌شود، نمودارهایی قرار دارد که مقدار سرعت جریان هوا در نقاط مختلف فضای حیاط را نشان می‌دهد. مطابق شبیه‌سازی‌های صورت گرفته بر روی نمونه‌های مورد مطالعه، جریان هوا در بخش‌های زیادی از فضای داخلی حیاط‌ها دارای سرعتی در حدود ۰-۲/۵ متر بر ثانیه به طور متغیر برقرار است. همانطور که در کانتور تصویر ۷ مشاهده می‌شود در خانه نعنایی جریان هوا تمرکز بیشتری در بخش میانی کف حیاط تا ارتفاع ۳ متری بام دارد و گردابه‌ای با سرعت ۰/۸ تا ۱/۷۰ متر را تشکیل داده اما در نزدیک جداره دیوارهای شمالی و جنوبی در ترازهای ۰/۵ تا ۱/۵ متری از کف حیاط سرعت جریان هوا به ۰ تا ۰/۶۵ متر بر ثانیه می‌رسد، که این شرایط یک اختلاف شاخص از سرعت جریان هوا در فضای داخلی حیاط (محدوده فعالیت ساکنان) به وجود آورده است. کانتور شبیه‌سازی ارائه شده در تصویر ۸ مربوط به خانه رضوان نشان می‌دهد، جریان باد گردابه‌ای بزرگ در فضای میانی و جداره‌های اطراف دیوارهای داخلی حیاط مرکزی در تراز کف تا ارتفاع ۳/۵ متری را به وجود آورده، که این مقدار از لحاظ عددی ۰/۹-۱/۳۰ متر بر ثانیه است. در خانه امین زاده مطابق کانتور تصویر ۹ بیشترین افت جریان هوا در بخش زیادی از فضای میانه و گوشه دیوارهای حیاط در تراز کف تا روی بام با (رنگ آبی تیره) قابل مشاهده است که سرعت آن به مقدار ۰-۰/۶۵ متر بر ثانیه می‌رسد و قسمت حداکثری جریان هوا در بخش مرکزی حیاط و جداره دیواره جنوبی از تراز ۱ متر به بالا بصورت گردابه کوچکی با (رنگ آبی روشن) تشکیل شده که سرعت آن از ۱/۳۰-۲ متر بر ثانیه متغیر است. دلیل آن الگوی ساخت فضاهای بسته اطراف حیاط است. در واقع توزیع هوا در فضای داخلی حیاط در اثر برخورد با دیواره جنوبی به صورت جریان برگشتی بدون اینکه در ترازهای پایین حیاط جریان داشته باشد، از بخش‌های بالایی حیاط خارج می‌شود. همین امر باعث افزایش دامنه جریان هوا در فضای میانی حیاط در تراز ارتفاعی ۱ متری تا تراز بام و کاهش محسوس فشار سرعت جریان باد در تراز کف حیاط شده است. لازم به ذکر است این شرایط علاوه بر اینکه کاهش کیفیت و عملکرد جریان هوا در محدوده فعالیت ساکنان را در بر دارد، باعث افزایش گرادیان دما می‌گردد. در کانتور تصویر ۱۰ خانه بقال توزیع جریان باد در کف حیاط تا تراز ۲/۵ متری با سرعت ۰-۰/۶۵ متر بر ثانیه متمرکز است و از تراز ۲/۵ تا ۵/۶۰ سرعت جریان هوا در نزدیکی جداره جنوب شرقی و غربی به ۱/۱-۱/۳۰ متر بر ثانیه قابل مشاهده است. بنابراین تجزیه و تحلیل‌های صورت گرفته بر روی شبیه‌سازی‌ها نشان دادند، در خانه نعنایی و رضوان با الگوی چهارطرف ساخت در ترازهای ارتفاعی ۱ و ۲ متر سر انسان در حالت (نشسته) و (ایستاده) جریان هوا با سرعت بیشتر و در خانه‌های امین زاده و بقال با الگوی سه طرف ساخت با سرعت کمتری برقرار است. این شرایط تحت تأثیر تناسبات، حیاط و الگوی ساخت فضاهای اطراف حیاط در مقابل جریان هوای ورودی به سمت حیاط به وجود آمده است. بررسی‌ها نشان داد، در خانه‌های امین زاده و بقال

به هم می‌باشند فقط در بخش‌های نزدیک جداره دیوارهای خانه‌های بقال و امین زاده تغییرات قابل ملاحظه‌ای از نظر کاهش سرعت جریان هوا مشاهده می‌شود (تصویر ۶). لازم به ذکر است در تمامی روزهای اندازه‌گیری سرعت جریان هوا در حیاط نسبت به بام کمتر است. در یک جمع بندی به نظر می‌رسد محصور بودن حیاط از نظر الگوی قرارگیری فضاها در اطراف حیاط و تناسبات (طول، عرض، ارتفاع) تأثیر بسزایی در سرعت و روند جابجایی هوا خواهد داشت.



تصویر شماره ۵: نمودار سرعت باد برداشت شده در ارتفاع ۱ متری از سطح زمین در نمونه‌های مورد مطالعه



تصویر شماره ۶: نمودار سرعت باد برداشت شده در ارتفاع ۲ متری از سطح زمین در نمونه‌های مورد مطالعه

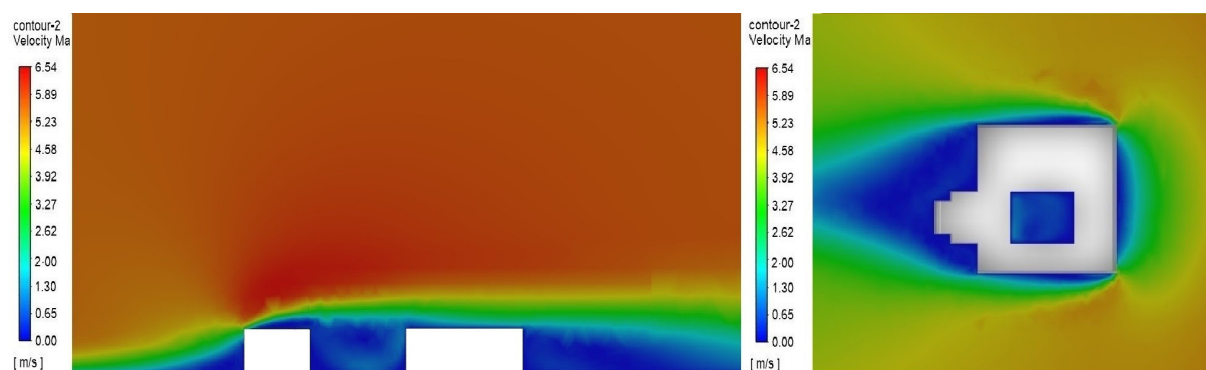
تحلیل نمونه‌های مورد مطالعه با روش CFD

با توجه به اینکه این پژوهش با هدف بررسی تأثیر هندسه حیاط مرکزی بر کیفیت جریان هوا در خانه‌های شوشتر انجام گرفته است، جهت ارزیابی دقیق داده‌های بدست آمده از راهبرد تجربی و مطابق با ادبیات موضوع جهت اعتبارسنجی و تأیید شرایط وضع موجود از روش (مکانیک سیالات محاسباتی) CFD برای شبیه‌سازی جریان هوا بر روی نمونه‌های موردی استفاده شده است. به منظور بررسی الگوی جریان باد در داخل فضای حیاط خانه‌ها، کانتورهای گرافیکی جریان باد به صورت پلان و مقطع در ترازهای ارتفاعی ۱ و ۲ متری از کف تصاویر ۷ تا ۱۰ ارائه شدند، که هدف مقایسه و تحلیل رفتار جریان هوا و دست‌یابی به الگوی بهینه هندسی حیاط مرکزی در خانه‌های شوشتر است که از نظر تهویه طبیعی عملکرد بهتری دارند. بررسی‌ها نشان داد، تغییر در تناسبات حیاط، رفتار جریان باد در فضاهای پیرامونی آن را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. همانطور

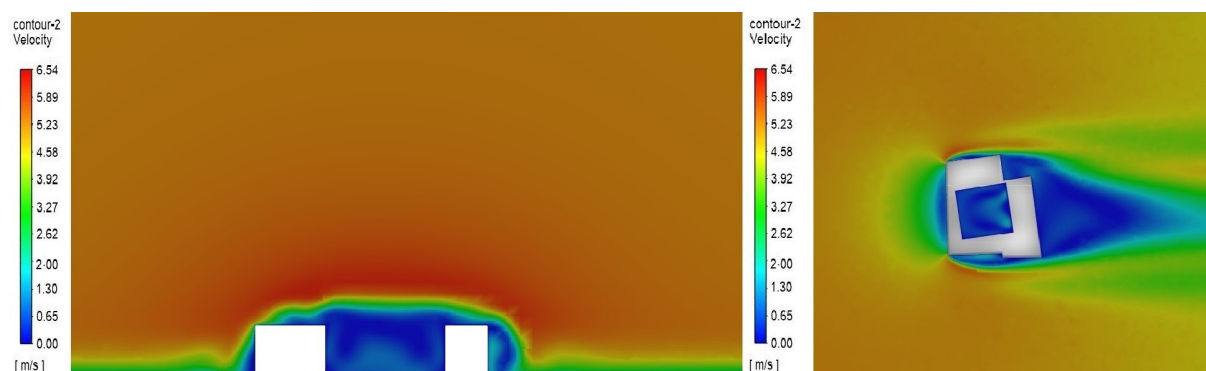
جریان در بعضی از قسمت‌های داخل حیاط در ترازهای بالای ۲/۵ متر با شیب مثبت افزایش می‌یابد.

نتایج شبیه‌سازی‌ها بیانگر آن است، داده‌های کمی بدست آمده از آزمون‌های تجربی و نمودارهای ارائه شده و نتایج حاصل از کانتورهای گرافیکی قابل مقایسه است و اختلاف بسیار اندکی دیده می‌شود. این اختلاف نیز به دلیل خطای آزمون‌ها قابل اغماض می‌باشد. کانتورهای توزیع سرعت جریان باد بیانگر این نکته است، که الگوی جریان هوا در مدل‌های مورد بررسی از روندی نسبتاً متفاوت برخوردار است، که در کانتور تصاویر ۷-۱۰ در فضای حیاط‌ها خانه‌ها دیده می‌شود. بنابراین طبق تحلیل‌های صورت گرفته می‌توان گفت حیاط‌های با الگوی چهار طرف ساخت نسبت به سه طرف ساخت، با بیشترین متوسط سرعت جریان باد به عنوان گزینه مطلوبی در ماه‌های گرم سال در شهر شوشتر به حساب می‌آیند و تحلیل‌های فوق حاکی از آن است که خانه رضوان با بهره‌گیری بیشتر از جریان هوا به منظور تهویه طبیعی در ترازهای ارتفاعی سرانسان در حالت (نشسته) و (ایستاده) در

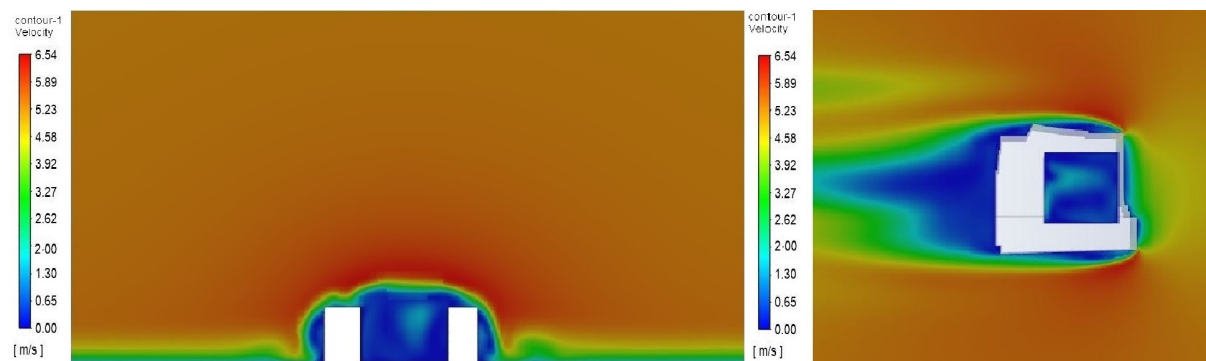
در قسمت‌هایی از حیاط که فرد در حالت نشسته و ایستاده قرار دارد با وجود اینکه جریان هوا برقرار است اما شرایط آسایش حرارتی در حد متوسط است و در برخی مواقع از ساعات روز به دلیل کاهش سرعت جریان هوا افراد احساس گرما می‌کنند. این در حالی است، که فضای حیاط در خانه‌های نعنایی و رضوان در شرایط مناسبی از نظر آسایش حرارتی قرار دارند و جریان هوا در هر دو تراز ارتفاعی با شرایط مطلوبی برقرار است. طبق تحلیل‌های صورت گرفته در حیاط‌های با الگوی هندسی چهار طرف ساخت افزایش طول از ۶/۷ به ۱۳/۸۵ متر باعث بهبود جریان هوا در فضای داخلی حیاط شده و این روند با افزایش عرض حیاط به ۱۲/۷۱ متر به صورت صعودی ادامه می‌یابد. شبیه‌سازی‌ها بر روی حیاط‌های با الگوی سه طرف ساخت تصاویر ۷ و ۸ نشان داد، با افزایش طول حیاط از ۹/۱۶ به ۱۳ متر و عرض ۰۹/۸ به ۱۲/۸ متر تغییرات اندکی در افزایش سرعت جریان هوا در ترازهای ۱ و ۲ متری حیاط صورت می‌گیرد، این در حالی است که با ادامه روند افزایش طول و عرض حیاط سرعت



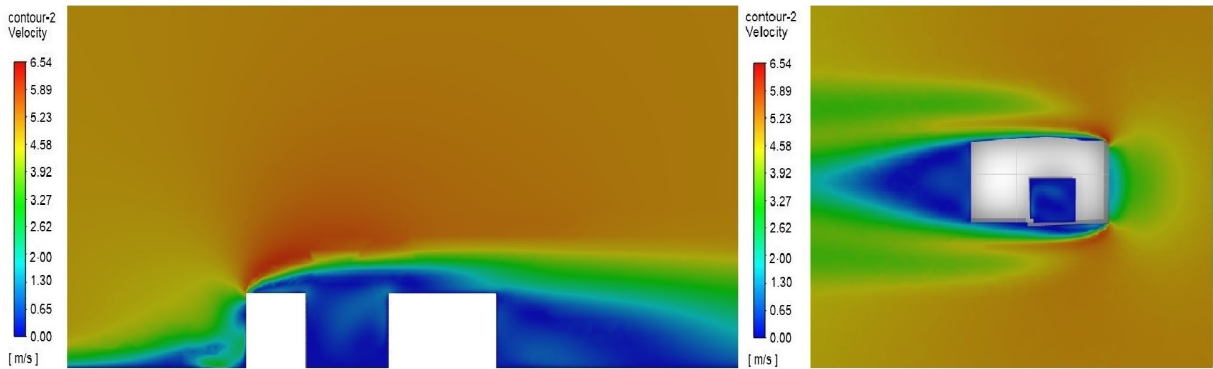
تصویر شماره ۷: کانتورهای جریان باد خانه نعنایی



تصویر شماره ۸: کانتورهای جریان باد خانه نعنایی



تصویر شماره ۹: کانتورهای جریان باد خانه امین زاده



تصویر شماره ۱۰: کانتورهای جریان باد خانه بقال

طول به عرض ۱ با ایجاد بیشترین سطح سایه و جریان هوای مطلوب می‌تواند تأثیر بهتری از نظر عملکردی در تأمین شرایط آسایش حرارتی، کاهش دما و بیشترین پتانسیل سرمایش ایستا در ترازهای ارتفاعی افراد در فضای حیاط مرکزی خانه‌های شهر شوشتر داشته باشد و می‌شود به عنوان الگوی مطلوب از نظر ساخت به آن اشاره کرد. بر این اساس می‌توان گفت، تغییرات در ساختار تناسبات هندسی حیاط‌ها می‌تواند بر کاهش یا بهبود کیفیت شرایط آسایش حرارتی و سرمایش ایستا در محیط داخلی تأثیر مهمی داشته باشد. در آخر می‌شود این چنین نتیجه گرفت، که بهره‌گیری از حیاط مرکزی با هدف ارتقاء کیفیت جریان هوا و بهبود شرایط آسایش حرارتی ساکنان از نظر سرمایش ایستا در مواقعی تأثیر گذار است که تناسبات هندسی حیاط‌ها با توجه به راستای محور مطلوب اقلیمی منطقه شکل گرفته باشد. لذا با توجه به اینکه حیاط مرکزی به عنوان یکی از راهکارهای غیرفعال در معماری بومی مناطق ایران جهت بهبود شرایط محیط داخلی از نظر سرمایش و گرمایش است، ایجاد تغییرات در ساختار کالبدی آن میتواند مولفه‌های الگوی هندسی جریان هوا، سایه اندازی را از نظر کیفی به طور قابل ملاحظه‌ای ارتقا بخشد. از این رو مطالعه دقیق‌تر حیاط‌ها از نظر تناسبات با استفاده از شبیه‌سازی‌ها میتواند به معماران معاصر در طراحی‌های جدید به منظور دستیابی به الگوهای شکلی مناسب جهت استفاده بهتر از جریان هوا و ارتقاء شرایط آسایش حرارتی مؤثر واقع شود.

پی‌نوشت‌ها

- 1- Design Modeler
- 2- Fluent Meshing
- 3- Lutron

فهرست منابع و مراجع

۱. اخوت، هانیه و نفیسه زینلیان (۱۳۹۶)، «ساختارشناسی حیاط در خانه‌های قجری اقلیم گرم و خشک و گرم و مرطوب با تمرکز بر گونه حیاط مرکزی مطالعه موردی: خانه‌های یزد و دزفول»، فصلنامه شهر ایرانی اسلامی، (۸)، ۳۰، ۲۹-۱۵.
۲. پسران، آرش؛ شهاب کریمی‌نیا؛ الهام ناظمی و شیرین طغیانی (۱۳۹۸)، «ارزیابی وجود مکانیزم طراحی منطبق بر تهویه طبیعی در معماری سنتی شهرهای اقلیم گرم‌وخشک بدون بادگیر (نمونه موردی: فضای بیرونی بناهای چهارطرفه قاجاری شیراز)، نشریه معماری اقلیم گرم و خشک، (۹(۷)، ۱۰۱-۱۱۹.

فضای داخلی حیاط به عنوان مطلوب‌ترین گزینه و خانه بقال با کمترین سرعت متوسط جریان باد به عنوان گزینه ضعیف‌تر از نظر الگوی هندسی حیاط در میان نمونه‌های مورد مطالعه می‌باشند.

نتیجه‌گیری

کیفیت و الگوی جریان هوا در فضاهای داخلی علاوه بر شرایط اقلیمی منطقه تحت تأثیر پارامترهای متعددی قرار دارد که هندسه بنا یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر آن می‌باشد. حیاط مرکزی به عنوان یکی از عناصر کالبدی معماری موجب استفاده بهتر از کوران هوا شده و یک لایه بودن فضاهای بنا را امکان پذیر می‌کند و مولفه‌های کالبدی (شکل و تناسبات) آن نقش تأثیرگذاری در بهبود سرمایش ایستا ساختمان دارد. پژوهش حاضر تأثیر الگوی هندسی حیاط مرکزی بر کیفیت جریان هوا در خانه‌های سنتی شوشتر را مورد مطالعه قرار داده و جهت دستیابی به نتایج دقیق‌تر با استفاده از روش تجربی و روش CFD به تجزیه و تحلیل نمونه‌های موردی پرداخته است.

بررسی‌ها نشان داد، خانه‌های حیاط مرکزی ساخته شده در شهر شوشتر با فرم مربع بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند و جهت غالب آن‌ها شمال شرقی- جنوب غربی است، که بر تابش دریافتی و تهویه طبیعی حیاط‌ها تأثیر گذار بوده است. بر اساس نتایج به دست آمده از شبیه‌سازی‌ها می‌توان به اختلاف مقدار سرعت جریان هوا در فضای داخلی حیاط‌های با الگوهای متفاوت از نظر ساخت اشاره کرد. در واقع می‌توان گفت تغییرات صورت گرفته در تناسبات طول و عرض حیاط‌ها بر اساس نمونه‌های مورد مطالعه تأثیر بسزایی بر شرایط توزیع یکنواخت سرعت جریان هوا و کیفیت آن در ترازهای ارتفاعی داخل حیاط دارد. نتایج شبیه‌سازی در این پژوهش نشان داد، خانه‌های حیاط مرکزی چهار طرف ساخت دارای تناسبات طول به عرض $1/0.8$ و $1/2$ از نظر توزیع جریان هوا عملکرد بهتری داشته و همین امر موجب شده گرادیان دما در فضای داخل حیاط کاهش یابد. اما حیاط‌های سه طرف ساخت با تناسبات $1/0.1$ و $1/1.3$ در ماه‌های گرم شوشتر در توزیع یکنواخت جریان هوا و شرایط آسایش دمایی دارای عملکرد نامطلوبی می‌باشند که این شرایط ارتباط مستقیم با تناسبات هندسی و جداره‌های حیاط‌ها دارد. طبق برآیند شبیه‌سازی‌ها مشخص شد، نزدیک‌تر شدن تناسبات حیاط‌های چهار طرف ساخت به نسبت

۳. تابان، محسن؛ محمد مهرکی زاده و سارا نجاریان (۱۳۹۸)، «شناخت عناصر سایه انداز در مسکن سنتی دزفول»، **معماری و شهرسازی آرمانشهر**، ۲۷، ۴۱-۲۵.
۴. تابان، محسن؛ محمدرضا پورجعفر؛ محمدرضا بمانیان و شاهین حیدری (۱۳۹۲)، «تعیین الگوی بهینه حیاط مرکزی در مسکن سنتی دزفول با تکیه بر تحلیل سایه دریافتی سطوح مختلف حیاط»، **فصلنامه باغ نظر**، ۲۷ (۱۰)، ۴۸-۳۹.
۵. تقی زاده، علیرضا و ویدا تقوایی (۱۳۹۸)، «محو بندگی فضایی، سیر تجلی وحدت در کثرت در معماری خانه‌های سنتی شوشتر (مطالعه موردی: خانه امین زاده و خانه گازر)»، **هویت شهر**، ۴۰ (۱۳)، ۹۱-۱۰۸.
۶. حنیف، احسان (۱۳۹۹)، «مفهوم سکونت و تاثیر آن بر حیاط خانه‌های ایرانی: مطالعه موردی خانه‌های کاشان دوره قاجار»، **نشریه علمی اندیشه معماری**، شماره (۲)، ۴۴-۳۱.
۷. خاک سفیدی، سعیده؛ بهزاد وثیق و محسن تابان (۱۳۹۹)، «طراحی بهینه‌ی حیاط مرکزی در ساختمان‌های مسکونی در برابر باد ۱۲۰ روزه زابل براساس تحلیل CFD»، **نشریه تحلیل فضایی مخاطرات محیطی**، سال هفتم، شماره (۱)، ۲۱۲-۱۹.
۸. رهسپار منفرد، رضا؛ سعید کاردار و ایرج شهروز تهرانی (۱۳۹۹)، «بررسی اصول طراحی ساختمان‌های مسکونی در اقلیم معتدل و مرطوب با رویکرد تهویه طبیعی (نمونه موردی: تحلیل بازشو شبیه سازی شده در بنای مسکونی در شهر آمل)»، **علوم و تکنولوژی محیط زیست**، دوره بیست و دوم، شماره (۱۲)، ۱۴۶-۱۳۳.
۹. زمانی، زهرا؛ شاهین حیدری و پیروز حناچی (۱۳۹۹)، «بررسی عملکرد خرد اقلیمی حیاط مرکزی در اقلیم تهران (نمونه موردی: حوزه علمیه معمارباشی)، **علوم و تکنولوژی محیط زیست**، دوره بیست و دوم، شماره (۵)، ۱۴-۱.
۱۰. سلیقه، الهام و پریا سعادت‌جو (۱۳۹۹)، «بررسی نقش تناسبات حیاط مرکزی بر سرمایه‌های استای ساختمان در اقلیم گرم و مرطوب (نمونه موردی: ساختمان‌های یک مرتبه شهر بندرعباس)»، **نقش جهان-مطالعات نظری و فناوری‌های نوین معماری و شهرسازی**، ۱۰ (۲)، ۱۵۲-۱۳۷.
۱۱. صالحی پور، علی؛ ایرج اعتصام؛ سیدمجید مفیدی شمیرانی (۱۳۹۹)، «بازشناسی ساختار فضای باز و تعامل آن با جداره‌های شفاف در خانه‌های تاریخی شهر اردبیل»، **دو فصلنامه اندیشه معماری**، ۸ (۴)، ۲۰۲-۲۲۰.
۱۲. عطاریان، کوروش و بهناز صفرعلی نجار (۱۳۹۷)، «تبیین معیارهای پایداری اقلیمی در ابنیه سکونت اقلیم گرم و مرطوب (نمونه موردی: خانه‌های سنتی اهواز)»، **نقش جهان-مطالعات نظری و فناوری‌های نوین معماری و شهرسازی**، ۸ (۳)، ۱۷۰-۱۶۱.
۱۳. فتاحی، کارن؛ نازنین نصراللهی؛ مریم انصاری منش؛ جمال خداکرمی و علی عمرانی پور (۱۳۹۹)، «بررسی نقش هندسه و نوع فضای باز شهری بر آسایش حرارتی و کیفیت محیطی (مطالعه موردی بافت تاریخی کاشان)»، **فصلنامه مطالعات شهری**، ۸ (۲)، ۹۷-۸۵.
۱۴. کریمی‌راد، سنینا؛ بهاره بنزاده؛ هانی زارعی و ابراهیم قزلباش (۱۳۹۸)، «ارزیابی و تحلیل آسایش حرارتی حیاط خانه‌های تاریخی شهر شیراز در دوره قاجاریه»، **پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران**، ۲ (۹)، ۱۸۳-۲۰۲.
۱۵. لطفی، کورش؛ منیژه ظهوریان پردل و میترا مکاری (۱۳۹۲)، «تأثیر اقلیم بر معماری و شهرسازی جدید و قدیم شهر شوشتر»، **فصلنامه جغرافیا برنامه‌ریزی منطقه‌ای**، ۴ (۱۲)، ۱۳۰-۱۲۱.
۱۶. ملکی، سیدمحمدرضا؛ بهروز محمدکاری و مهدی معرفت (۱۳۹۶)، «بررسی عملکرد حیاط و خصیصه‌های طراحی آن برای بهبود عملکرد گرمایی و آسایش حرارتی در شرایط آب و هوایی تهران»، **مهندسی مکانیک مدرس**، ۱۷ (۴)، ۳۸۰-۳۶۹.
۱۷. مهدوی نژاد، محمدجواد؛ مجید منصورپور و مصطفی مسعودی نژاد (۱۳۹۵)، «جایگاه اقلیم در ترکیب بندی بناهای معاصر (مطالعه موردی: خانه‌های دوران قاجار در شهر دزفول)»، **هویت شهر**، ۱۰ (۲)، ۷۴-۶۱.
۱۸. مرادی، ساسان، متین، مهرداد، فیاض، ریما، دهباشی شریف، مزین (۱۳۹۷)، «گونه شناسی خانه‌های سنتی حیاط دار تبریز بر اساس معیارهای کالبدی موثر بر عملکرد اقلیمی حیاط مرکزی»، **مدیریت شهری**، شماره (۵۱)، ۸۷-۱۰۵.
۱۹. هود، سیده دل افروز؛ مهناز محمودی زرنندی و سعید کامیابی (۱۳۹۹)، «دستیابی به اصول طراحی نماهای دو پوسته با تاکید بر ایجاد تهویه دودکشی در اقلیم گرم و مرطوب»، **فصلنامه علمی و پژوهشی نقش جهان**، شماره (۱۰)، ۱-۱۱.
20. Al-Hafith O, Satish B.K, Pieter De. (2017). "The Impact of Courtyard parameters on its shading level An experimental study in Baghdad, Iraq". **9th International Conference on Sustainability in Energy and Buildings, SEB-17, 5-7 July, Chania, Crete, Greece.**
21. Akbari H, Teshnehdel S. (2018). "Climatic Compatibility of Courtyard Houses, Based on Shad-ing- sunlit Index; Case Studies: Traditional Houses in Kashan & Ardabil Cities". **Armanshahr Architecture & Urban Development**, 11 (24): 1-13.
22. Aryani S M, Sasongko S, Sulistyono I B, Nur Hidayati N. . (2017), "Courtyard Placement for Maintaining Air Movement of Natural Ventilation inside a Transformed House", **Advances in Economics, Business and Management Research (AEBMR)**, Volume 41,
23. Ghazanfari, F., Kaboli, M, H. (2019), "Energy consumption of atria; the case of a commercial-office center in the semi-arid climate of Tehran", **Energy Equipment and Systems**, 7 (3), 211-234.
24. Grote, L.V.D. (2013), **Research Methods in Architecture**, (A. R. Eynifar, Trans), Tehran University Press, Tehran, Iran.
25. Kheirkhah, P, Nasrollahi, N. (2020). "Windcatchers and their applications in contemporary architecture". **Energy and Built Environment**, 2 - 18.
26. Mofidi Shemirani, S.M. Nikghadam, N. (2013), "Architectural Objectives in Tropical Climates (Comparing Climatic Patterns in Vernacular Houses of Bandar-e Lenge and Dezful)". **International Journal of Architecture and Urban Development**, 3 (3) : 57-64.
27. Saadatjoo, P. Mahdavinejad, J. Njaf Khosravani, SH. Kaveh, N. (2016), "Effect of Courtyard Propor-tion on Neural Ventilation Efficiency", **International Journal of Advances in Mechanical and Civil Engineering**, 3 (5): 92-97.
28. Tablada A, Blocken B, Carmeliet, J. Troyer, F.D. Verschure, H. (2005), "The influence of court-yard geometry on air flow and thermal comfort: CFD and thermal comfort simulations. Conference on Passive and Low Energy Architecture. Beirut, Lebanon". **The 22nd Conference on Passive and Low Energy Architecture**, Beirut, Lebanon.
29. Soflaei F, Shokouhian M, Mofidi Shemirani S.M. (2016), "Investigation of Iranian traditional courtyard as passive cooling strategy (a field study on BS climate)", **International Journal of Sustainable Built Environment**, 5, 99-113.
30. Xiaodong Xu, Fenlan Luo, WeiWang, Tianzhen Hong, and Xiuzhang Fu. (2018), "Performance-Based Evaluation of Courtyard Design in China's Cold-Winter Hot-Summer Climate Regions", **Sustainability**, 10, 3950.

زمینه‌های ظهور فضاهای تجاری جدید در دوران پهلوی اول* مطالعه موردی: شهر قم

مسعود ناری قمی^۱، مهدی ممتحن^{۲*} (نویسنده مسئول)، علی عمرانی پور^۳

^۱ استادیار دانشکده پسران قم، دانشگاه فنی و حرفه‌ای، قم، ایران.

^۲ استادیار دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

^۳ دانشیار دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۲۸

چکیده

تاریخ تحول معماری عامیانه ایران کمتر مورد پژوهش بوده است. در دوره گذار بین سنت و مدرنیته (اواخر قاجار و اوایل پهلوی) برخی مجموعه‌های تجاری در شهرهای بزرگ ایران پدیدار شد که تا حد زیادی از الگوهای بازار سنتی و تیمچه‌های آن متمایز بود، اما شباهت مطلق هم با پاساژهای مدرن اروپایی نداشت. این پژوهش پس از شناسایی و مستندنگاری این بناها در شهر قم، با روش تفسیری-تاریخی و براساس اسناد تعیین‌گر و زمینه‌ای، به جستجوی ریشه‌های ظهور این الگوهای تجاری میانه می‌پردازد. در این پژوهش سه الگوی خارجی برای این مجموعه‌های تجاری شناسایی و نقش آن‌ها مورد بحث قرار گرفته است که عبارتند از بدستان‌های عثمانی، پاساژهای روسی قرن نوزدهم و پاساژهای پاریسی. در کنار این الگوها، پنج عامل زمینه‌ای در درون جامعه ایرانی در تاریخ مورد بحث، مورد واکاوی واقع شده است که نقش عملیات تخریبی خیابان‌کشی‌های رضاخان و تقابل وی با بازاریان، نقش فرنگ‌رفته‌ها، نقش تکنیک‌های ساختمانی جدید و الگوهای سنتی در این مورد، مطالعه شده است و میزان اثر هر کدام ارزیابی و در مورد نمونه‌های قم، مستندسازی شده است.

واژگان کلیدی: مجموعه تجاری، مدرنیزاسیون، پهلوی اول، دوره گذار، پاساژهای پاریس.



تصویر شماره ۱: موقعیت مجموعه‌های تجاری کوچک و بزرگ شناسایی شده در سه دهه مورد پژوهش

مبانی نظری پژوهش

پاساژ و زمینه‌های ظهور آن در ایران

خیابان تجاری اروپایی که در ایران سابقه نداشت، در خیابان‌های قاجاری به سهولت پذیرفته شد و ناصر خسرو و لاله زار با منظره مشابه محور تجاری اروپایی ساخته شد؛ اما در مورد پیدایش مجموعه‌های تجاری در ایران و به‌ویژه شهر قم که موضوع بحث ماست، باید بررسی دقیق‌تری انجام شود. اساساً دو نوع الگوی بیرونی را می‌توان در مورد این تحول مؤثر دانست: الگویی از غرب نزدیک و الگویی از قلب غرب.

فضای تجاری سرپوشیده در ایران و عثمانی: ظهور تیمچه‌ها در ایران در دوره قاجار و تعدد آن‌ها در شهرهای اصلی تجاری، جای این سؤال را باقی می‌گذارد که چرا پیش‌ازاین، نمونه مشابهی در ایران پدید نیامد. اگرچه قیصریه‌ها (مانند بازار لار و اصفهان)، می‌توانسته مقدمه‌ای ایرانی برای این تحول باشد، اما در آن صورت هم باز تعداد زیاد این نمونه‌ها، با این تحول تدریجی، توجیه نمی‌شود. از این جهت، جستجوی الگو در خارج ایران، منطقی‌تر به نظر می‌رسد. به‌ویژه که با امضای معاهده ارزنة‌الروم میان ایران و عثمانی بعد از حدود دو قرن عدم رابطه سیاسی، می‌توانست انگیزه گذر از مرزها برای تجار و مردم دیگر و رفتن به این سرزمین را بیشتر کند. در قلمرو عثمانی به دلایلی همچون اقلیم سرد، فضای سرپوشیده بجای حیاط در انواع معماری‌ها دیده می‌شود. در مورد فضای تجاری نیز بدستان (Bedesten با تلفظ محلی) فضای مهمی در بازار بود که خصوصیات تجاری آن با تیمچه‌ها نزدیک است:

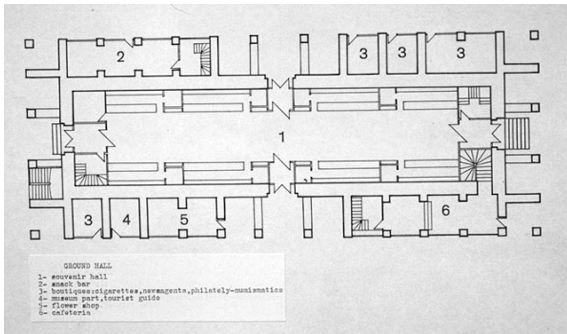
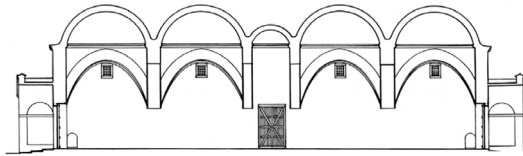
در قلمرو عثمانی هر بازار تنها یک بدستان دارد در صورتی که در حوزه صفوی هر بازار چند یا چندین تیمچه دارد. این تفاوت‌ها که تنها از دیدگاه مورخان و باستان‌شناسان اهمیت دارند نمی‌توانند در وحدت حیرت‌انگیزی که در خصوصیات اصلی طراحی و معماری بازارها وجود دارد شبهه‌ای ایجاد کنند... قاهره و استانبول. البته بازارهای استانبول و قاهره که بزرگ‌ترین شهرهای دولت بزرگ عثمانی بوده‌اند، واقع در پیرامون دو «دردار» در طرحی که ما از بازار ترسیم کردیم کاملاً نمی‌گنجند. در استانبول،

بررسی سوابق پژوهش‌های تاریخی، نشان از توجه کمتر به معماری عامیانه ایران دارد. برخی از مجموعه‌های تجاری پدید آمده در دوره گذار بین سنت و مدرنیته (اواخر قاجار و اوایل پهلوی) در شهرهای بزرگ ایران، در دوره‌های پیش از این دیده نمی‌شود. این مجموعه‌های تجاری با وجود آن که تا حدود زیادی متفاوت از الگوهای بازار سنتی و تیمچه‌های آن بودند، اما شباهت مطلق هم با پاساژهای مدرن اروپایی نداشتند. این بناها ساخته و طراحی شده از سوی مشاهیر معماری نبود و لذا چندان توجهی را در تاریخ‌نگاری معماری معاصر ایران به خود جلب نکرده است. پژوهش در حوزه معماری مدرن ایران و چالش دوره سنتی، در سالیان اخیر مورد توجه پژوهشگران معماری ایران قرار گرفته است؛ اما پرداختن به بناهای در حاشیه مانده در مباحث دانشگاهی و تحقیقی، یعنی بناهای مردمی‌ساز که در متن معماران دانشگاهی، مطرح نبوده است، زمینه نسبتاً بکرتری در این مجموعه تحقیقات است. وجود الگوهایی در این نمونه‌بناهای تجاری که نه می‌توان آن‌ها را کاملاً سنتی دانست و نه کاملاً مدرن، مسأله نحوه تأثیرپذیری معماری عوامانه ایران از مدرنیته را با چالش مواجه می‌کند. مسأله این تحقیق، روشن ساختن الگوهای کلی این دست از بناها و ریشه‌یابی علل تغییر و ثبات، در قیاس با الگوهای سنتی بازار و الگوی مدرن پاساژها و خیابان‌های تجاری است.

پرسش‌های پژوهش

– الگوهای ظاهر شده در بناهای تجاری ابتدای دوره مدرن در ایران (با تأکید بر مورد شهر قم) در مقیاس خرد و کلان، چیست؟
– علل و بسترهای ظهور این الگوها در متن معماری و فرهنگی ایران در این دوره چه بوده است؟
– کیفیت‌های خاص ظهور کرده در بناهای تجاری شهر قم در دوران گذار، ناشی از چه عواملی بوده است؟

برای دستیابی به پاسخ، این پژوهش با روش تفسیری - تاریخی و براساس اسناد تعیین‌گر و زمینه‌ای، به جستجوی ریشه‌های ظهور این الگوهای تجاری میانه می‌پردازد. با توجه به عدم وجود تحقیقات پیشین در مورد این دسته از بناها در ایران، برای داشتن تحلیل مناسب، یک طرح پژوهشی تعریف گردید که ضمن آن، کل بافت شهری دوران پهلوی قم قدم به قدم مورد بررسی واقع شد و تعداد ۶۱ بنای تجاری کوچک و بزرگ بازمانده از دهه‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۴۰ (براساس مشاهدات و مصاحبه‌ها) شناسایی و پرونده اولیه از آن‌ها تهیه گردید. سپس ده مورد از این بناها که تغییرات کمتری را نسبت به وضع اولیه تجربه کرده بودند، به طور کامل برداشت و تاریخ شفاهی مربوط به آن‌ها تا حد امکان ثبت گردید. اسناد بدست آمده از این برداشت، به عنوان مدارک دست اول برای تحلیل ذیل بکار گرفته شده است که در دو بخش ارائه می‌شود. در بخش نخست، زمینه‌های ظهور پاساژها در ایران بررسی می‌شود و در بخش دوم به موضوع ظهور این فضاها در شهر قم و کیفیت آن پرداخته خواهد شد.



تصاویر شماره‌های ۴، ۵ و ۶: بدستان علی‌پاشا (بلغارستان)؛
مأخذ: Hadem, 1983

فروژه آهنی، ستون‌هایی از سنگ مرمر و ساعت‌هایی زیبا ترین شده بودند. حدود ۲۰ نمونه از آن‌ها هنوز موجود می‌باشد. اواسط قرن ۱۹ اوج توسعه و ساخت‌وساز این گونه فضاهاست که شبکه‌ای بیش از ۱۴۰ پاساژ ساخته شده و بسیاری از آن‌ها به یکدیگر متصل بوده‌اند (پورجعفر و پورجعفر، ۱۳۹۳). مثلاً در مورد آغاز پاساژسازی در مسکو و سن پترزبورگ، برومفیلد (۲۰۰۱)، موضوع را به سفارش کار طراحی به میخائیل بایکوفسکی در ۱۸۳۵ می‌رساند که از وی خواسته شد پاساژی شبیه پاساژ رویال پالاس یا دوگراند کرف در پاریس طراحی کند. در طرح هوسمان برای پاریس، محلات بسیاری تخریب شد و الگویی برای نوسازی شهری پدید آمد که در زمان رضاشاه در ایران (احتمالاً با واسطه فروغی که در فرانسه درس خوانده بود) نیز تکرار شد. در خلال تحول مزبور، دو الگوی اصلی فضاهای تجاری شهری در پاریس پدید آمد: الگوی نخست را گیدین (۱۳۵۰: ۱۵۷) بخشی از طراحی هوسمان یا ناپلئون برای پاریس جدید می‌داند و آن، ایجاد بناهای تلفیقی تجاری-مسکونی در لبه خیابان‌های جدید از سوی دولت بود؛ این امر منجر به پدیده اجتماعی جدید یعنی اجتماع بلواری در مدرنیته شد که ناشی از تداخل اقشار «غریبه» و تداخل تجاری مسکونی در مقیاس شهری در همه شهر بود. به بیان مهدی قلی‌خان هدایت (یکی از نخست‌وزیران رضاشاه): «در این اوقات روزی به شاه عرض کردم تمدنی که آوازه‌اش عالم‌گیر است دو تمدن است یکی تظاهرات در بولوارها، یکی تمدن ناشی از لابراتوارها. تمدنی که مفید است و قابل تقلید، تمدن ناشی از لابراتوارها و کتابخانه‌ها است. گمان

محلّه سرپوشیده بدستان که به آن کاپالی چارشی (ساخته شده از سنگ در ۱۱۱۳) ... بدستان‌ها نیز کهن‌ترین نمونه‌های سرپوشیده بازار هستند. قدمت هیچ‌یک از تیمچه‌هایی که در حوزه فرهنگ ایرانی تا روزگار ما پاییده‌اند از قرن دوازدهم فراتر نمی‌رود. شاید بازار را که بی‌شباهت به یک تالار سرپوشیده طویل نیست بتوان در - قیصریه یا راسته اصلی بازار اصفهان اصل طلایه و نمونه اولیه و متقدم این گونه مجموعه‌ها دانست. قیصریه‌های مغرب نیز تاریخشان از قرن دوازدهم دورتر نمی‌رود؛ و معلوم نیست که ساختمان اصلی آن‌ها به صورت سراهای پوشیده بوده یا فقط مجموعه‌هایی از راسته‌های شبیه به هم که در و در بند داشتند ... (دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۹۳: ۵۶۵۰، ذیل «بدستان»)



تصویر ۲ و ۳: نما و فضای داخلی دو بدستان در ترکیه
مأخذ: Sahinalp & Gunal, 2016

پیدایش پاساژها در عصر مدرن: جستجوی تاریخ پاساژها در جهان معمولاً ما را به نمونه‌های پاریسی بعد از خیابان‌کشی‌های هوسمان می‌رساند:
واژه پاساژ به فضاهای سرپوشیده تجاری و تاریخی به زبان محلی در فرانسه اطلاق می‌شده است. نمونه‌های متعددی از این گونه فضاهای تجاری در قرن ۱۹ میلادی در فرانسه ساخته شدند. در اینجا به اختصار به کم و کیف این گونه فضاها پرداخته می‌شود. بیشتر این فضاهای تجاری با سقفی شیشه‌ای و فلزی پوشیده شده‌اند. این مجموعه‌ها روزگاری نمادهای زندگی مدرن شهری و مکانی ویژه برای مجموعه‌ای از فروشگاه‌ها در پاریس بودند. بسیاری از آن‌ها با کف سازی موزاییک، دروازه‌های



تصاویر شماره‌های ۷ و ۸: پاساژهای ورودودا و پانوراما از نمونه‌های اولیه پارسی که هنوز فعالند؛ مأخذ: Heynen, 1999



تصویر شماره ۹: (راست) یک مرکز خرید سرپوشیده در سن پترزبورگ در ۱۸۸۸؛ مأخذ: Brumfield, 2001



تصویر شماره ۱۰: (چپ) فضای داخلی پاساژ مرکزی مسکو (۱۸۸۹ تا ۱۹۹۳)؛ مأخذ: Brumfield, 2001

کردم به این عرض من توجهی فرموده‌اند آثاری که بیشتر ظاهر شد تمدن بولوارها بود که بکار لاله‌زار می‌خورد و مردم بی‌بندوبار خواستار بودند» (هدایت، ۱۳۸۵: ۳۸۳). در شهر پیشین، تجاری‌ها زیر خانه‌های اروپایی، متعلق به مالک خانه و در مقیاس محلی بود که هر دو در کار هوسمان دستخوش تغییر شد؛ اما پدیده دوم که مهمتر بود، ایجاد سقف شیشه‌ای روی معابر فرعی تجاری بود که به صورت راسته‌هایی برای تعامل اجتماعی مدرن در میان مردم درآمد و روابط ناهنجار (نسبت به مبانی اخلاقی عرفی) را رقم زد. مهم‌ترین تحلیل این جریان را والتر بنیامین به‌عنوان مدافع مدرنیته در همان دوران در کتاب «پروژه پاساژها» ذکر کرد؛ هایدلبرگ هاینر (۱۹۹۹) تحلیل بنیامین را این چنین خلاصه می‌کند:

بنیامین مرکز خرید پاریس را دستاورد مهم قرن نوزدهم در زمینه معماری قلمداد می‌کند. پاساژها وجود خود را افزون بر اینکه مرهون پیدایش خرده‌فروشی، به‌ویژه تجارت اقلام مجلل، بودند مرهون فن‌آوری‌های نوین ساخت، از همه مهم‌تر فن‌آوری معماری آهن و شیشه، نیز بودند. شفافیت سقف‌های شیشه‌ای چیزی است که به پاساژها ویژگی خاصی می‌بخشد. همین شفافیت است که تداخل درون و برون در یکدیگر را ممکن ساخته و به پاساژها خصوصیت ناحیه‌ی بینابین خیابان و خانه را می‌بخشد. سقف‌های شیشه‌ای، پاساژها را به مکانی عالی برای پرسه زنان بی‌هدف شهر بدل می‌کنند: اگر خیابان برای توده مردم و برای پرسه‌زنی که در بین توده مردم زندگی می‌کند یک جور «فضای زندگی» را تشکیل دهد، آنگاه این تصویر نمادین، به لحاظ مکان، در پاساژ محقق می‌شود در این جاست که توده‌های شهری از خیره‌شدن به «چیزهای جدید» لذت می‌برند؛ در این جاست که پرستش کالاها آغاز شد. این کاخ‌های عظیم نمایشگاهی «مکان‌هایی برای زیارت از کالاهای بت‌وار» بودند؛ «ما با رشد انبوه "کالاها"ئی مواجهیم که هم چون گیاهان ناشناخته هستند. کالاها را هاله‌ای تقریباً رؤیایی در میان می‌گیرد که در اثر نور خیره‌کننده‌ی روز و نور لرزان چراغ‌گازسوز در شب ایجاد می‌شود».

به‌رحال تحلیل مدافعه‌جویانه بنیامین، ریشه در دل‌بستگی وی به ایده‌های مارکسیستی قرن نوزدهم دارد که درهم‌ریختن تجربه زیسته اجتماعی را یک هدف و یک دستاورد تلقی می‌کند؛ گذشته از آن در ایران تجربه پاساژهای ابتدای دوره رضاشاه، از چند جهت با پاساژ غربی متفاوت است؛ نخست از بابت کارکرد اجتماعی که پاساژهای ایرانی بیشتر تداوم کارکردی سرراهی سنتی هستند و فقط در فرم به پاساژهای غربی نزدیک شده‌اند. دوم از بابت فناوری ساخت، این پاساژها را نمی‌توان جلوه بارز فناوری نوین دانست و اموری مانند شفافیت و دنیای ایده‌آل مدرنیستی را در ناصیه آن‌ها خواند. اگرچه بارقه‌های نوگرایی در همه اجزای آن‌ها دیده می‌شود. برای تجار ایرانی ظاهراً مجتمع شدن در یک فضای بسته، الگویی وارداتی است و از این جهت کارکرد این فضاهای غربی از جنبه صاحب‌مغازه‌ها، بیشتر از مشتریان مورد توجه قرار گرفته است؛ مثلاً علوی شیرازی در

دیدار از روسیه در دوران قاجار اشاره می‌کند:

در دکان و بازار آن‌ها که آن را یکسی می‌گویند و مکان اهل حرفه و دادوستد چیز می‌باشد. در هر مکان که هر صنفی توقف دارد، شبیه همان کسب خود را و جا و مکان کسب را در روی چیزی کشیده و ساخته درب همان جا آویخته است، که مشخص می‌شود که این دکان از فلان کس است و فلان حرفه و فلان صنعت دارد و این عمل، به جهت آن است که چون دکان این‌ها ظاهر و آشکارا نیست و در خانه‌ها و اطاق‌ها واقع است، هر کس که هر چیز می‌خواهد آن نقشه را ملاحظه کرده، به اندرون می‌رود و آنچه خواهد می‌گیرد؛ اما در حجره‌های تجار و کارخانه‌ها، این نقشه نیست و همه کس بلدیت دارند و طریق معامله و دادوستد ایشان، از هر چیز و هر جهت و هر مقوله، که یک تومان یا صد هزار تومان فی‌مابین ایشان معامله و خرید و فروش بشود (علوی شیرازی، ۱۳۶۳).

درواقع به نظر می‌رسد در قبال فضای باز و بی‌مالک خیابان (در قیاس با راسته‌بازار)، بازاری ایرانی، همچنان به دنبال عرصه‌ای دنج متعلق به خود بود و وجود الگوهای کارکردی مشابه در غرب برای وی بیش از آنکه الگوبخش بوده باشد، مایه اطمینان بود که او هنوز می‌تواند از «فضای خودی» بهره ببرد؛ گرچه ویژگی‌های جزئی این بهره‌وری، ناشی از عوامل دیگری است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

۲. تحلیل تحولات بناهای تجاری شهر قم در دوران گذار مدرنیته

سه دسته اطلاعات در مورد معماری دوران مورد بحث (زمان رضاشاه تا کودتای ۲۸ مرداد)، در شهر قم وجود دارد که می‌توان آن‌ها را در تحقیق تفسیری - تاریخی از نوع شواهد «تعیین‌گر» برشمرد (ر.ک به گروت و وانگ، ۱۳۸۴، فصل ششم) که ذیلاً وضعیت اجمالی آن‌ها معرفی می‌شود:

دسته نخست، خود بناهای باقیمانده در سطح شهر قم است که بسیاری از آن‌ها فاقد تاریخ دقیق مضبوط است. مستندنگاری این بناها و حتی موقعیت‌نگاری آن‌ها در سطح شهر، به دلایل گوناگونی، انجام نشده است؛ علت اصلی، عدم شمول این حوزه تاریخی در وظایف اداره میراث فرهنگی (وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی کنونی) بوده است که در قم، چنین وظیفه‌ای را برای خود متصور نبوده است

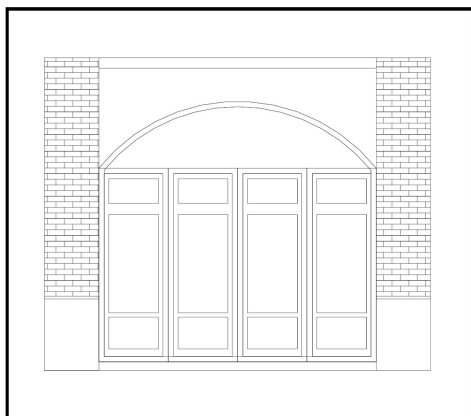
مطبوعات، مکتوبات و تصاویر ضبط‌شده، دسته دوم اسناد این بناها را شامل می‌شود که در حوزه شهری قم، تمایل به ثبت و ضبط اطلاعات مربوط به تاریخ شهر معاصر در دوران پهلوی (به‌ویژه در سال‌های ضعف پهلوی یعنی از ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲) نسبتاً زیاد بوده است؛ ناصرالشریعه (تاریخ قم)، مدرسی (ترتیب پاگان)، گنجینه آثار قم (فیض) و نوشته‌های پراکنده فقهی که بعدها در کتب وی گردآوری شد، نمونه‌هایی مربوط به این دوره‌هاست که در همین زمان گردآوری یا چاپ شده است. وجود یک روزنامه تقریباً منظم در شهر قم از ۱۳۱۵ (به نام «استوار»)، امکان اسنادی بسیار

خوبی در مورد این شهر است که به‌ویژه در پنج سال نخست خود که نگاه کمتر سیاسی و بیشتر توصیفی و خنثی نسبت به سیاست دارد، اطلاعات بیشتری از ساخت‌وسازهای شهری قم در بردارد (مثلاً گزارش بناهای راه آهن در چند شماره یا بنای کارخانه ریسباف و دبیرستان حکمت و حکیم نظامی در آن ذکر شده است). اسناد افزوده در این حوزه را کتاب «اسناد دوره پهلوی اول در مورد شهر قم» در اختیار می‌گذارد که بخشی از آن به معماری و شهرسازی مربوط است و اسناد مجلس شورای ملی (عریضه‌ها یا مصوبات) در مورد قم را معرفی می‌کند؛ دسته دیگری از این طیف اسناد که به‌نوبه خود، بسیار مهم است، عکس‌های موجود از این دوران است؛ وجود دستکم دو عکاس خانه بازمانده از آن دوران با آرشینو نسبتاً حفظ‌شده، می‌تواند راهگشای بسیاری از مسائل پژوهشی در مورد بناهای مورد بحث در این دوره باشد؛ تلاش‌های اخیر برای ثبت مدارک تصویری شهر قم از سوی شهرداری و اداره کل راه و شهرسازی قم صورت گرفته است که کتاب سه‌جلدی «در حریم حرم» و طرح پژوهشی منتشر نشده راه و شهرسازی قم، از این جمله است؛ اگرچه تمرکز این کارها، بیشتر روی عکس‌های قدیمی‌تر است و به‌رغم دسترسی به اسناد، به‌واسطه مقاصد پژوهشی متفاوت با این پژوهش، به بناهای عادی، بدنه خیابان‌ها یا فرایندهای ساخت که از عکس‌ها قابل برداشت است، اما برخی نشریات در مورد قم هست که به‌صورت گاهنامه یا حتی فقط یک‌بار انتشار یافته و در خلال آن، اطلاعات خوبی از ساخت‌وساز شهری و معماری، می‌توان یافت؛ نشریه شهرداری‌ها که در برخی سال‌ها انتشار یافته (۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵)، کتابچه «پلیس قم» در دهه ۱۳۴۰، کتابچه معرفی فعالیت‌های دارالتبلیغ قم که در آن به بناهای احداثی این مؤسسه نیز اشاره شده است و نشریات آستانه در مورد عملکرد خود در دوره پهلوی، نمونه این دسته از اسناد تقریباً معاصر با بناهای مورد نظر است؛ اگرچه تقریباً هیچ‌کدام دقیقاً درون بازه مورد بررسی این تحقیق، چاپ نشده و مربوط به چند سال بعد از ۱۳۳۲ است.

دسته سوم، تاریخ شفاهی شهر قم است. ثبت این تاریخ شفاهی، عمدتاً با سه فعالیت آغاز قابل دسترسی است؛ موضوع نخست مربوط به علما و روحانیون برجسته شهر بوده است که به‌صورت مصاحبه، مستند تلویزیونی یا کتاب، نشر شده است؛ اطلاعات ساختمانی و شهری در این موارد، اگرچه کم است، اما در موارد خاص، می‌تواند واجد ارزش باشد؛ مانند مساجدی که با اشراف مراجع تقلید ساخته شده یا بناهای عام‌المنفعه دیگر همانند بیمارستان و مدرسه علمیه؛ اما در حیطه مرتبط‌تر با معماری، تاریخ شفاهی برخی مدارس به همت فرهنگیان سابق، قابل ذکر است که اکنون دو مورد آن با نام «اسناد مدرسه حکیم نظامی قم» و «اسناد دبیرستان صدوق قم» منتشر شده است که اولی متعلق به دوران پهلوی اول و دومی مربوط به دوران پهلوی دوم است. دو کتاب مهدی عباسی در این زمینه، ارزش اسنادی زیادی دارد: «تاریخ تکایا و عزاداری‌های قم» در دهه ۱۳۷۰ و کتاب اخیر وی



تصویر شماره ۱۱: تجاری‌های کنار گذر در گذر جدا چهارمردان



تصویر شماره ۱۲: جزئیات لبه فوقانی لبه بنا غنی تر شده است
مأخذ: برداشت و ترسیم از نگارندگان



تصویر شماره ۱۳: اختلاف سطح در سرا، راهروی جلوی غرفه‌ها
نسبت به حیاط دسترسی اختصاصی تأمین می‌کند
(سرای احمدزاده چهارراه بازار)



تصویر شماره ۱۴: در سراهای سرپوشیده و تیمچه‌ها، برخلاف
سراهای باز، حجره‌ها، بی‌واسطه در جوار فضای مرکزی قرار دارند.
(سرای امین‌السلطان در کنار بازار نو).

با عنوان «تاریخچه خرک‌داری، گاری‌داری و درشکه سواری در قم» از نمونه‌های برجسته این حوزه است. پیدایش مؤسساتی مانند قم‌پژوهی یا قم‌شناسی در ده اخیر، راه را برای ثبت این تاریخ، هموارتر کرده است؛ گرچه نباید جناح‌بازی‌ها و تنگ‌نظری‌ها را در این نوع از سازمان‌های مردم‌نهاد از نظر دور داشت. مرتبط‌ترین تاریخ‌نگاری شفاهی که به معماری شهر قم نیز تا حد زیادی مرتبط است، خاطرات استاد محمدپیشوا یزدی است (با عنوان «از شاگردی تا استاد کاری») که بواسطه تولد و شاگردنمایی وی در شهر قم در دوره پهلوی اول، مطالب قابل توجهی در مورد موضوع دارد.

تحوّلات کلی فرمی و فضایی و ساختنی بناهای تجاری و عمومی در قم دوران گذار

احداث خیابان، در این دوره، نخستین بار «معمار سنتی» را با مسأله: «نحوه نظر بنا به فضای عمومی برونی (خیابان)» مواجه کرد و کاربری‌های جدید، به‌ویژه اداری‌ها و مدارس، در زمین‌های بزرگی که تقریباً ساخت بناهای مرکز‌گرا و متکی بر حیاط مرکزی در آن امکان نداشت، مسأله نسبتاً نوین: ساخت تک‌بنای مترکم دارای دو تا چهار نمای بیرونی، برای وی مطرح شد؛ این دو امر و نیز، ملزومات معماری - عملکردی این کاربری‌ها (به‌ویژه مسافرخانه‌ها و پاساژها) در تعامل با الگوهای سنتی از جمله عواملی است که منجر به پیدایش الگویی از بناها شده است که - برخلاف بناهای مدرن (دوره سوم و بعداز آن) - انقطاع الگویی و معنایی در آن مشهود نیست و نمونه تداوم تاریخی - کالبدی است.

احداث خیابان‌های «رضاشاهی» در محل راسته‌بازار متضمن این معنی بود که تجاری‌ها، از این پس می‌توانند پشت به بازار و بافت قدیم و رو به خیابان، مخاطب خود را در عرصه اتومبیل‌رو بیابند؛ نخستین نماهای دکان‌های مجاور خیابان که عبارت بودند از: حجره‌های نه‌چندان عمیق یک طبقه و به عرض قابل ایجاد طاق ضربی یا چشمه‌ای (حدود ۳۰ متر)، نمونه پشت‌ورو شده حجره‌های بازارند که تنها پوشش آجری روی لبه‌های باربر (که جنبه حفاظت در مقابل عوامل جوی نیز دارد) آن‌ها را از نمونه سنتی بازار تا حدی متمایز می‌کند و در ازاره‌ها و لبه‌بام‌ها، اقدامات شاخصی صورت پذیرفته است (خط آسمان با دو یا سه لبه‌پله‌ای آجری تمام شده و در ازاره‌های آجری، گاه از سنگ‌های شبه‌گرانیته استفاده شده است) این نمونه‌ها به‌ویژه در قسمت پشت بازار کهنه قم دیده می‌شوند. مثال‌های کارشده‌تر از این را که احتمالاً از لحاظ زمانی نیز متأخرترند، در تجاری‌های کنار «گذر» در محله می‌توان دید. در واقع کاهش اهمیت تجاری محدودده راسته «بازار کهنه» و نمو تدریجی موقعیت اقتصادی محور «ارم - صفاییه» در همین زمان‌ها، نیز، در این عدم پرداخت دقیق بی‌تأثیر نبوده است.

تحولات الگوهای فضایی در این دوره، همانند دوره مشابه در تهران می‌باشد. احداث بیمارستان فاطمی، بنای شهرداری سابق، مجموعه ایستگاه، دارالتبلیغ، دارایی و سایر بناهای دولتی و غیردولتی عمومی، عمدتاً با پلان‌های خطی و بدون حیاط مرکزی، نشان از یک تحول عمده در الگوهای فضایی شهر دارد.

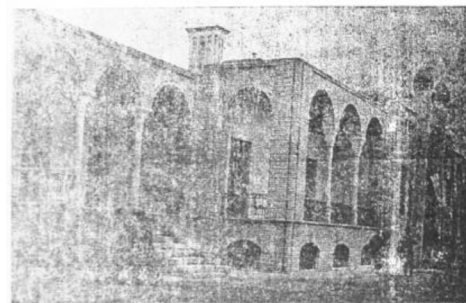


تصویر شماره ۱۵: نمای روبرو از ایستگاه راه آهن قم (دفتر آستانه قم، ۱۳۱۷).

مثلاً الگوهای سنتی در ساختمان جدیدالاحداث در ایستگاه قم در دوره رضاشاه که در چند شماره روزنامه استوار دیده می‌شود (همانند روزنامه استوار، ۱۳۱۵ - اکثر این بناها اکنون وجود ندارد)، رویکرد ناماسازی دوره اسلامی با پلان‌های مدرنیستی را دنبال می‌کند. اما در نمونه بیمارستان فاطمی که به توصیه آیت ... حائری و با سرمایه دکتر فاطمی ساخته می‌شود، الگوهای پلان نیز تا حد زیادی سنتی قاچاری است.



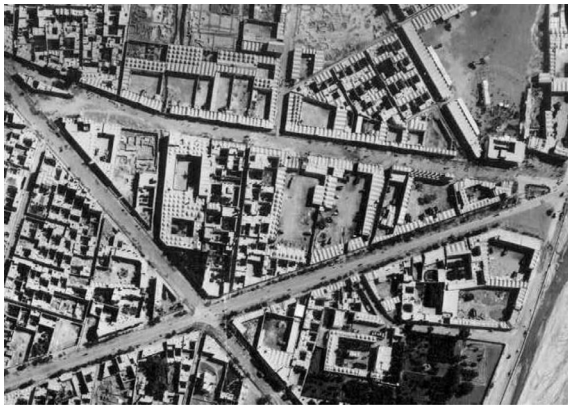
شاهنشاهی بیمارستان



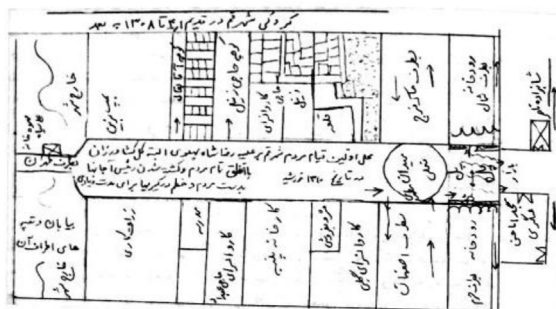
در ۳۰ آوریل بالا قسمت شمالی ساختمان عمارت بیمارستان فاطمی هنگام افتتاح دیده می‌شود

تصاویر شماره ۱۶ و ۱۷: بیمارستان فاطمی قم با سرمایه گذاری شخصی، در ابتدا در دوره رضاشاه با الگوی سنتی ساخته شد؛ عدم توجه به الگوهای معماری رسمی دوره پهلوی اول (باستان‌گرایی)، مدرن‌گرایی اولیه، به رغم عملکرد کاملاً مدرن این بیمارستان، نمونه‌ای از برخورد عامه با معماری این دوره را نشان می‌دهد؛ مأخذ تصاویر: روزنامه استوار، ۱۳۱۶؛ دارالتبلیغ اسلامی، ۱۳۲۸، ۵۵

با این حال در بناهای مردمی ساز، چه خانه و چه بناهای عمومی، همچنان یک حیاط اصلی، در پلان دیده می‌شود. حتی کاربری‌های عمده نیز صورت قبلی خود را حفظ کرده بود؛ در تجاری‌های قم، چه به صورت مجتمع تجاری و چه ردیف مغازه‌های متعلق به یک ملک، یک حیاط پشتی یا اصلی وسیع کاروانسرا مانند تا دهه ۱۳۴۰ نیز الگوی رایجی است.



تصویر شماره ۱۸: عکس هوایی ۱۳۳۵ از بناهای تازه‌ساز اطراف خیابان‌های رضاشاهی در آن سوی رودخانه - حیاط مرکزی در پشت ردیف‌های تجاری، هنوز یک الگوی رایج است.



تصویر شماره ۱۹: کروکی پیشوا یزدی از موقعیت عملکردها در حول وحوش محله حاج زینل قم در دوره رضاشاهی؛ مأخذ: پیشوا یزدی، ۱۳۹۰: ۴۶

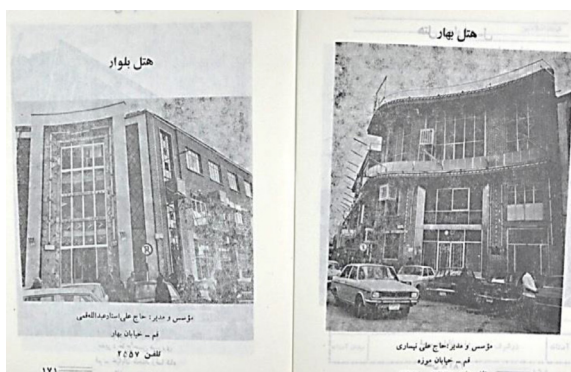
حاج زینل مکانی برای حیواناتش در کاروانسرا داشت که باراندازش را هم تشکیل می‌داد. جنب این سه، یک کوچه به عرض هشت متر وجود داشت. او طرف دیگر کوچه را محل سکونت خودش و تمام کارکنان و شمشیر زنانش قرار داده بود. منظورم افراد جنگجویی که در موقع خطر و حمله و غارت دزدان بین راهی، از قافله بزرگ با اجناس و مردم محافظت می‌کردند. این یک نفر غیر از خانه بزرگی که برای خانواده خودش ساخته بود، حدود بیست خانه دیگر هم داشت. در ردیف اول قلعه با فاصله چند کوچه، چند کاروانسرای دیگر هم وجود داشت. شخصی به نام حاجی عبدالله طرف دیگر خیابان برای خود کاروانسرای بزرگ و دو خانه مسکونی ساخته بود. الان آن ساختمان حاجی عبدالله اداره بیمه شده و مورد استفاده عموم است (پیشوا یزدی، ۱۳۹۰، ۴۵-۴۷)

این امر در مورد ترکیب کاربری‌ها نیز به همین ترتیب قابل ذکر است؛ مثلاً ناصرالشریعه (۱۳۸۳، ۴۱۱)، در مورد مسجد دروازه کاشان که در ۱۳۳۰ بنا شده، موضوع مشابهی را نقل می‌کند.

شهرستانی مانند قم، سلیقه خارج‌رفته‌های غیرمعمار که سفارش کار می‌دهند، غلبه بیشتری از درس‌های مدرنیستی معماران دارد. پدیده بالکن که در دوره رضاشاهی به الگوی رایج بناها تبدیل می‌شود (کیانی، ۱۳۸۳: ۵۲). در قم در سه وضعیت تو نشسته (طاقدار و بدون طاق، کنسول شده و بیرون زده) و ستون‌دار دیده می‌شود. در عین اینکه نماهای سنتی‌تر همچنان رویه خود را ادامه می‌دهند. منظور پنجره‌ها یا روزنه‌های قوس‌دار است که در کارهای مردمی‌تر با قوس‌های «لنتو» و «نیم دایره» رایج شده از دوره قاجار شناخته می‌شود (رجوع شود به تصاویر جدول ۱).



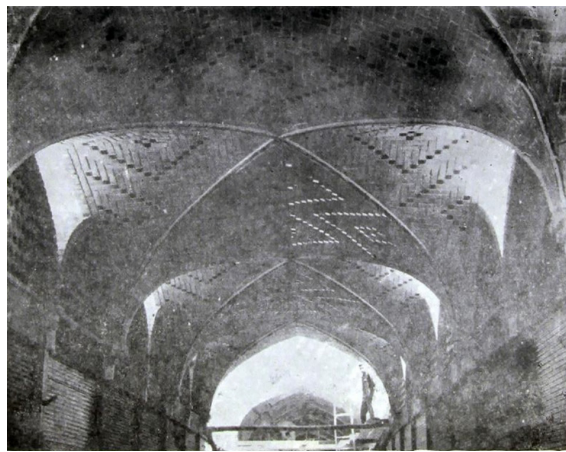
تصویر شماره ۲۲: ورودی ساختمان دارالتبلیغ اسلامی وضعیت اولیه در دهه ۱۳۲۰؛ مأخذ: دارالتبلیغ اسلامی، ۱۳۲۸



تصویر شماره ۲۳: تمایل به جداره‌های منحنی به‌ویژه در سردر بناهای مدرن؛ تأثیرات آرنوو یا آردکو اتریشی - فرانسوی را می‌توان در این نمونه‌ها (هتل بهار در مقابل مسجد اعظم و هتل بلوار) دید؛ گرچه الگوگیری از فضای عمومی شهر باروکی اروپایی نیز می‌تواند مطرح باشد. هر دو نمونه اکنون وجود ندارند؛ مأخذ: قم سرزمین مقدس (بی‌تا)، ۲- ۱۷۱

تحول اصلی را در معماری به‌طور عام و ناماسازی به‌طور خاص، باید در بناهای دو طبقه جستجو کرد. این بناها که به‌رغم کارکردهای مختلف از چند الگوی محدود پیروی می‌کنند، در گذار سنتی به مدرن اهمیت زیادی دارند. نگاهی به آثار معماری دوره اسلامی نشان می‌دهد که هر اختلاف سطح با ورودی اصلی یک فضا (به‌ویژه بیش از یک طبقه) می‌تواند متضمن نوعی خصوصی سازی فضا باشد؛ به‌این ترتیب که:

گاهی روند کاربری‌ها، به‌ویژه بعد از آزادی مذهب در ابتدای سقوط رضاشاه، جریان معکوس به سمت سنتی‌تر شدن را نشان داده است که نمونه بارز آن، تغییر کاربری پارک کامران میرزا در چهارراه ارم قم به مدرسه حجتیه است. شرح آن در متن ناصرالشریعه (همان، ۴۱۲)، حاکی از نگاه کاملاً سنتی به بناسازی است. تداوم این محور سنتی در فضا سازی در بازارچه شیخان - اندکی بعد از بازه موردنظر زمانی در ابتدای دهه ۱۳۴۰ - دیده می‌شود. در اینجا فضا سازی داخلی با طاق بندی چهار بخش، حال و هوای کاملاً سنتی ایجاد می‌کند.



تصویر شماره ۲۰: منظر درونی بازارچه اطراف شیخان (وضعیت اولیه)؛ مأخذ: شهرداری قم، ۱۳۴۵: ۳-۴۲



تصویر شماره ۲۱: منظر بیرونی بازارچه اطراف شیخان (وضعیت اولیه)؛ مأخذ: شهرداری قم، ۱۳۴۵: ۳-۴۲

ناماسازی در این دوره، در مراحل اولیه خود است و تنوع نسبتاً زیادی دارد؛ برخی فرم‌های بازمانده از سبک قاجاری (همانند بانک ملی قدیم یا شفاخانه جلو حرم) به همراه تزئینات گچی، کاربرد خود را دارد و به‌ویژه در ورودی‌ها، خودنمایی می‌کند. نمونه پاساژ امجدی در نیش سه‌راه بازار (که بخشی از برداشت‌های تحقیق حاضر نیز هست) طبق اظهارات شفاهی متعلق به اواخر دوره پهلوی اول می‌باشد که بالکنی با چنین مشخصاتی را داراست. در بنای خاص دارالتبلیغ (تصویر ۲۲) که متعلق به اوایل پهلوی دوم است و سرای نو (جدول ۱) که از بدنه موجدار (متعلق به سبک باروکی اروپایی)، استفاده نموده، نشان‌دهنده تأثیر پذیری از معماری شهری قرن نوزدهم است. در

این بحث را می‌توان با تمرکز بر چهار پاساژ اولیه در نمونه‌های مورد بررسی این پژوهش، واضح نمود. نمونه‌های مورد استناد این نوشتار (پاساژهای قدیمی در محدوده «بازار نو») با تلقی راسته‌بازار (البته بی‌سقف) از خیابان جدید «آذر»، بر مبنای الگوی سراها به صورت انشعاب از راسته، احداث شده‌اند و به تناسب مصالح جدید ساختمانی (فولاد) تغییراتی در اجزای آن‌ها پدید آمده است (از جمله بالکن‌های نازک بیرون زده که نقش راهروهای ارتباطی تونشسته پیشین را بر عهده می‌گیرد). نقش انبار و نمایشگاه کالا در حجره‌های پایین و دفتر کاری در حجره‌های بالا (الگوی عمومی سراهای تجاری سنتی) حتی در دوران کنونی نیز ممکن است در این پاساژها دیده شود؛ در این مورد، نمونه مجاور ضلع جنوب شرقی «سراه بازار» با الگوی قیصریه (از لحاظ ارتباط دو سویه با خیابان) تطابق بیشتری دارد.



تصویر شماره ۲۶: سرای امجدی - بالکن ارتباطی در مجاور فضای روباز و سری حجره‌ها در زیرزمین از تفاوت‌های این مجموعه تجاری (پاساژ) با سراهای قدیمی است.



تصویر شماره ۲۷: یک راسته دو طبقه جدید - بالکن ارتباطی در یک طرف راهرو دیده می‌شود. (سرای امجدی)

- مسجدها - به عنوان فضای کاملاً عمومی تا پیش از صفوی ۲ - عمدتاً یک طبقه‌اند؛

- در مدارس حجره‌های طلاب یک طبقه بالا یا یک طبقه پایین‌تر از حیاط واقع می‌شوند،

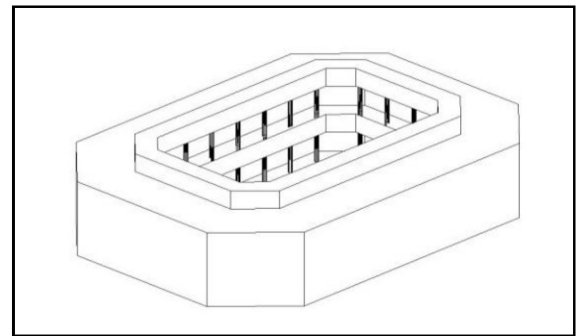
- در کاروانسرا غرفه‌ها، حدود یک متر از کف حیاط بالا می‌روند و گاه دو طبقه می‌شوند،

- در سراها حجره‌های اقامتی و دفاتر اختصاصی بازرگانی در طبقه دوم است و...

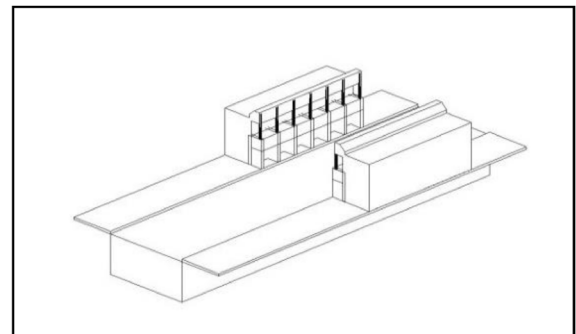
مسئله دیگر در مورد طبقه دوم در معماری سنتی، دسترسی افقی در تراز این سطح یا طبقه است:

دسترسی از فضای باز و در جوار حیاط مرکزی یک الگوی فراگیر در این مورد است؛ راهرویی که در فضای نیم‌باز مقابل حجره‌های طبقه دوم می‌گردد، الگویی است که در مدارس و سراها، بسیار تکرار شده است. این نظام که دربرگیرنده سلسله مراتبی از عمومی (بازار یا معبر شهر سنتی)، نیمه عمومی (حیاط مرکزی)، نیمه خصوصی (راهروی نیمه‌باز ارتباطی) و خصوصی (حجره) است؛ تنها در نمونه‌هایی مانند تیمچه‌ها (که سابقه مستند آن‌ها از دو قرن فراتر نمی‌رود، ر.ک به ناری قمی و امانپور، ۱۳۸۲) دگرگون شده است.

با نگاهی به نمونه‌های موجود، می‌توان چنین برداشت کرد که: در نخستین مواجهه‌های معماری با خیابان، بسته به این که تلقی کارفرما یا معمار از خیابان، کدام یک از مراحل سلسله مراتب بوده است، الگوی به کاررفته، با ساختار سنتی تقریباً انطباق دارد و عام‌تر بودن همکف نسبت به طبقه بالا تقریباً همیشه لحاظ شده است:



تصویر شماره ۲۴: الگوی سنتی - سرا؛ مأخذ: برداشت و ترسیم از نگارندگان



تصویر شماره ۲۵: تطابق الگوی سنتی «سرا» با خیابان کشی جدید؛ مأخذ: برداشت و ترسیم از نگارندگان

به عنوان یکی از خیابان‌های اصلی - باز می‌شود، تأییدی بر متأخر بودن این تصور است).

در این بحث، نمونه‌های دارای کارکرد مسافر خانه در طبقه فوقانی نیز علیرغم کارکرد متفاوت، از لحاظ الگویی تفاوت چندانی با مورد قبل ندارند؛ تنها ممکن است بالکن رو به خیابان (با وجود تشابه شکلی و مشترک بودن بین تمام اتاق‌ها) به دلیل وجود راهرویی مشابه در حیاط پشتی، عملکرد ارتباطی مذکور را نداشته باشد.



تصویر شماره ۲۹: ساختمان‌های تجاری طویل دو طبقه و یک طبقه در جوار هم - نمونه در خیابان «ارم» واقع است؛ مأخذ: برداشت و ترسیم از نگارندگان

در حال در شهر قم در مورد زمین‌های بزرگ مجاور خیابان به‌ویژه خیابان آستانه و پشت باغ ملی که پس از تخریب به گورستان بزرگ شهر، موقعیت تجاری یافته‌اند، از الگوی حیاط مرکزی سنتی و حیاط - خیابان مذکور در بالا توأمان استفاده شده است و به نظر می‌رسد تکرار این شیوه در سراهای قدیمی‌تر مجاور پل «علیخانی»، ناشی از بازسازی باشد نه الگویی سنتی (اگرچه فضای مقابل این، سراها در گذشته نیز، «باز» بوده است).

الگوی کلی تجاری‌های دوره گذار در قم

بر اساس مستند نگاری که در مقدمه اشاره گردید، الگوهای کلی بناهای تجاری قم در دوران گذار مدرنیته، احصا شد که در جدول شماره ۱ جمع‌بندی شده است.

جدول شماره ۱: الگوهای کلی تجاری‌ها در دوره گذار در قم

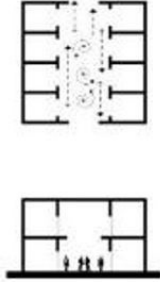
<p>الگوی راسته‌های متقاطع با سقف منحنی حلبی</p> <p>چهاربازار</p>	<p>الگوی پاساژ (فضای خطی دو یا چند طبقه) با مغازه‌های ردیفی و وید باریک وسط</p> <p>پاساژ امجدی</p>
<p>الگوی راسته کنار خیابان</p> <p>تجاری واقع در خیابان امام (ره) تجاری جنب بانک ملی ایران خیابان ارم</p>	



تصویر شماره ۲۸: ورودی سرای احمدزاده به صورت فضای دو طبقه و طره شده به سمت معبر مشابه با الگوی پاساژها، از بازسازی‌های سده اخیر به نظر می‌رسد.

ساختمان‌های تجاری طویل در لبه خیابان نیز یکی از الگوهای نوظهور این دوره است که رد پای تداوم سنت در آن‌ها نیز به خوبی دیده می‌شود. این نمونه‌ها با دارا بودن یک ردیف مشتمل بر دو تا پنج حجره در همکف و بالا، به‌ویژه نمونه‌هایی که دارای راهرو یا بالکن ارتباطی در مقابل حجره‌ها و مجاور خیابان است، به این صورت می‌تواند تداومی از الگوهای بازار قدیم دانسته شود که خیابان به عنوان حیاط سراهای قدیمی (با توجه به «باز» بودن فضا) تلقی گردد. ایجاد مسیر ارتباطی پشتی در برخی از این نمونه‌ها، به نوعی، حرکت به سوی مدرنیسم است که خیابان را به عنوان عرصه کاملاً عمومی در نظر می‌آورد. (وجود نمونه مسکن مربوط به این دوره با درب‌های تقریباً تمام قدی که به خیابان «باجک» -

الگوی پاساژ با فضای میانی غیرخطی



پاساژ موقوفه آقای گلپایگانی (ره) سرای نو (قم)

تجاری مشرف به خیابان (طبقه بالا)



تجاری مشرف به خیابان (طبقه بالا)



ب) ایوان مشرف به خیابان و عبوری (تجاری دیواره حرم حضرت معصومه (س))

الف) ایوان مشرف به خیابان با راهرو پشتی (هما خیابان ارم)

تجاری مشرف به خیابان (طبقه بالا)



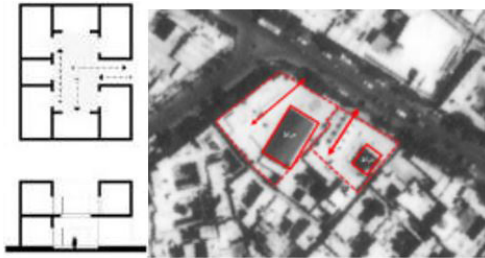
تجاری مشرف به خیابان (طبقه بالا)



د) دارای مهتابی (تجاری سرکوچه آب انبار سید عرب)

ج) بدون ایوان جلویی (تجاری خیابان ارم)

تلفیق کاروانسرا با پاساژ خطی



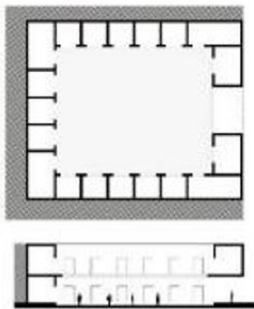
کاروانسرای



پاساژ محمدی و پاساژ امجدی

سرای همدانی‌ها سرای غیبی

گاراژی



شمس‌العماره (قم) سرای منادی (قم)

تحلیل الگوهای یافته شده: عوامل زمینه‌ای تحول در فضاهای تجاری دوره گذار

مقصود از این بخش عواملی است که الگوی وارداتی را تعدیل یا تشدید نموده است. مسلماً نخستین عامل در خود سنت پیشین بازار نهفته است. تصمیمات حکومتی نیز اثراتش صرفاً به خیابان‌کشی‌ها که بحث آن آمد، محدود نمی‌شود. اما دگرگونی‌های درونی اجتماع در این دوره را نیز نباید از نظر دور داشت. تحولات الگوهای مصرف یک وجه عمده اثرگذار در نوع تجاری‌ها است؛ تجاری‌های سنتی، ماهیتی نیمه تولیدی دارند؛ یعنی مالک یک مغازه، برخی کارهای تبدیلی را در پستوی مغازه یا در خانه خودش انجام می‌دهد، در حالی که در مغازه مدرن، تنها کالای مصرفی نهایی است که عرضه می‌شود؛ جستجوی این الگوی مصرفی در فروشگاه‌های غربی، یکی از موضوعات بحث است.

تحول تکنیکی مربوط به مصارف روزمره مردم مثل خوراکی‌ها، ابزار جدید مصرفی، انواع دیگری از واحد تجاری را ایجاد می‌کرد (مثل تعمیرگاه‌های وسایل مکانیکی و بعداً وسایل برقی یا محل فروش کتاب و نشریات).

تحول تکنیکی مربوط به حمل و نقل و حضور انبوه‌تر روستائینان یا ساکنان شهرهای کوچک برای خرید در شهرهای بزرگ می‌تواند به ظهور پاساژها با کارکردهای اقامتی مرتبط شود و الگوی خرید در بازار و خیابان را از خرید پیاده به خرید سواره و متکی به باربری موتوری، تغییر دهد. همچنین تحولات حمل و نقل همچنین می‌تواند بر انتقال مدها از شهر به شهر تأثیر داشته باشد.

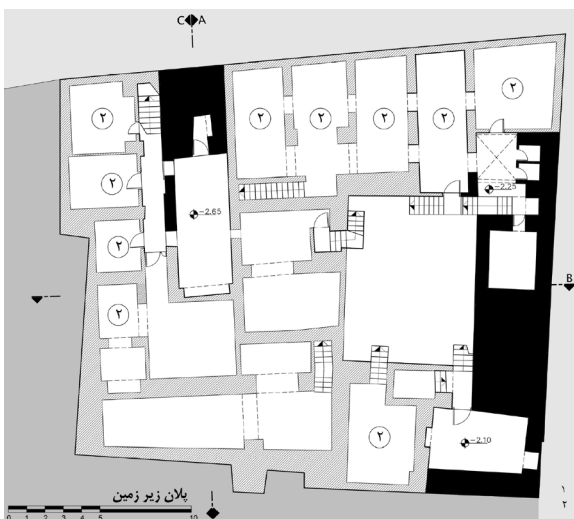
عوامل سیاسی - حکومتی

دوره پهلوی اول زمان تصمیمگیری‌های سریع از بالا به پایین و اعمال دیکتاتوره‌آلود آن بر جامعه است؛ نقش این عامل در کلیت معماری قاجاری در تحقیقات گذشته، بیان شده است (ر.ک به کیانی، ۱۳۸۳)؛ اما در حیطه بناهای تجاری نیز دخالت‌های آشکاری از سوی حاکمیت دیده می‌شود که می‌توانسته در تغییر الگویی آن‌ها، مؤثر باشد:

واگذاری نظارت بر اصناف به بلدیّه، یکی از این موارد بود. نهاد بلدیّه در دوره مشروطیت (۱۲۸۶) مورد توجه رسمی قرار گرفت (ابراهیمی و ترابی فارسانی، ۱۳۹۵) و نظامنامه آن مصوب شد ولی عملاً از اواخر دهه ۱۳۱۰ شروع به کار کرد (خدای و همکاران، ۱۳۹۷)؛ در دوره پهلوی اول نظارت بر صنوف بر عهده این نهاد بود و برخی، اقدامات شهری رضاشاهی نظیر تخریب بافت‌ها و بازارها و خیابان‌کشی‌ها را ناشی از تلاش این نهاد برای نظارت‌پذیرتر کردن بازار می‌دانند (ابراهیمی و ترابی فارسانی، ۱۳۹۵). به‌رحال مسلم است که در ابتدای دوره رضاشاه «کساد کسب و کار بسیاری از اصناف در پی تغییر شرایط اجتماعی و اقتصادی، از جمله ادغام تدریجی ایران در اقتصاد جهانی، تغییر ذائقه عمومی نسبت به محصولات داخلی و گرایش عمومی نسبت به محصولات خارجی، واردات، کاهش در آمد و بحران‌های مالی، مواجهه با دوران جدید و تغییر سبک زندگی» رخ داد (شیرین‌بخش و همکاران، ۱۳۹۶).

گرچه رویکرد برخی محققین، مبتنی بر مدافعه از ساختار رضاشاهی بلدیّه است (خدای و همکاران، ۱۳۹۷ و ابراهیمی و ترابی فارسانی، ۱۳۹۵)، اما محدود عریضه‌های وصولی در زمان دیکتاتوری رضاشاهی، حاکی از ناراضی‌تی عمیق مردم و اصناف از این ساختار و اجبارهای آن بر نحوه تجارت است. ضمن آنکه نمونه‌هایی هست که نشان می‌دهد با در اختیار گرفتن مجوز تأسیس واحدهای صنفی از سوی بلدیّه، موجبات امتیازدهی به برخی و تعطیلی برخی دیگر از واحدهای با سابقه فراهم شد (شیرین‌بخش و همکاران، ۱۳۹۶) و مجوز واردات نیز به بهانه‌های مختلف داده شد. به بیان جعفر شهری «علاوه بر مأمورین حکومتی همیشه مشت‌ی ارادل و اوباش هم با حاکم حرکت می‌نمود که هر آینه حکم غارت دکان و تجارتخانه‌ای را بدهد چپو نمایند و در هر روز چندین مرکز مورد چپاول قرار گرفته اشیاء و امتعه قیمتیش به خانه حاکم و نوکرانش رفته و کم ارزش‌هایش تقسیم می‌گردید. این رسم نیز تا اواخر برقرار بود که بلدیّه‌چی‌ها به بهانه کم‌فروشی و گران‌فروشی به دکانین کسبه ریخته اموال و امتعه‌شان را غارت می‌کردند» (شهری باف، ۱۳۸۳، ج ۱: ۱۲۷). برخی قوانین مربوط به تغییر در سبک زندگی نیز، تأثیر مستقیم بر تعطیلی برخی اصناف داشت؛ تحقیق نشان می‌دهد که قانون کشف حجاب و تغییر لباس منجر به تعطیلی یا کساد اصناف شعراباف، شالباف و ... در یزد و شیراز و ... شد (صفری، ۱۳۹۶). این نوع تغییرات در تغییر کالبدی بازار و به‌ویژه حذف وجه تولیدی از تجاری‌های بازار نقش مهمی داشت.

به نظر می‌رسد، قدرت داشتن بلدیّه و نظارت تام آن، می‌توانسته در تشویق بازاریان به داشتن مراکز تجمع حفاظت‌شده مؤثر باشد. یکی دیگر از پدیده‌هایی که می‌توانسته متأثر از این تحول باشد، مربوط است به تلاش بازاریان برای امتناع از دسترسی بلدیّه به انبارها و کالاهای خودشان. الگوی زیرزمین‌های منفصل و در اختیار هر واحد که در کاروانسراها و حتی تیمچه‌های دوره قاجاری تقریباً وجود ندارد، در دوره رضاشاهی به مدل واحد و تیپ در همه تجاری‌های احداثی بدل می‌شود بعداً نیز تداوم می‌یابد.



تصویر شماره ۳۰: وضعیت زیرزمین‌های متعدد و مجزا در پاساژ محمدی قم؛ مأخذ: برداشت و ترسیم از نگارندگان

برج‌های شیکاگویی اواخر سده نوزده جستجو کرد؛ رقابت تجار آمریکایی برای نمایش قدرت خود و جلب مشتری، انگیزه اولیه این برج‌سازی‌ها بود و بعد از جنگ دوم جهانی و اوج‌گیری فرهنگ آمریکایی در جهان به پدیده اصلی مراکز کلان‌شهری جهان تبدیل شد.

روزنامه‌ها و مجلات عمومی، مهم‌ترین رسانه‌های این دوران هستند که باید دیده شود که مصرف چه کالاهایی را تبلیغ کرده‌اند و این کالاها در چه فضایی عرضه شده است. با توجه به نقلی که از سخنرانی رادیویی مهندس بازرگان در مورد معماری مسکن قبلاً دیده‌ایم، احتمال اثرگذاری رادیو در دوره ۱۳۲۰ به بعد هم قابل بررسی است (اگرچه احتمالش کم است)؛ اجمالاً به‌جز بررسی کریمی (۲۰۱۳) از نقش آگهی‌ها و روزنامه‌ها، تصاویر قدیمی موجود از دهه‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۳۰ از خیابان‌ها، حاکی از استقرار واحدهای تجاری مرتبط به کالاهای عصر مدرن در جوار خیابان است: کالاهای برق، لوازم اتومبیل، رستوران.



تصویر شماره ۳۱: فروشگاه لوازم اتومبیل در دهه ۱۳۵۰ در قم؛ مأخذ: آقایی سربرزه، ۱۳۹۳: ۲۰۱

گزارش شفاهی از عملکرد پاساژهای اولیه قم یا تهران نیز تا حدودی همین رویکرد را نشان می‌دهد؛ اما نسبت به خیابان، حالتی بینابین بازار سنتی و پاساژ جدید را دارد (مثلاً سرای نو در قم برای فروش فرش ایجاد شد؛ اما رویکرد تجارت خارجی در آن وجود داشت). برخی این موضوع را صرفاً به وجود انگیزه سودجویی در تاجران منتسب می‌کنند:

«واژه پاساژ در فارسی جای خود را باز کرده است و به مجموعه‌ای از واحدهای فروشگاه‌های اطلاق می‌شود که در یک مجتمع ساختمانی قرار دارند که به همین منظور در جایی از شهر - غالباً در قطعه زمینی در راسته یک خیابان - ساخته شده باشد. نزدیک‌ترین و قدیمی‌ترین نمونه‌ها پاساژهای خیابان لاله‌زار و سعدی‌اند که در نیمه اول قرن اخیر با الهام از نمونه‌های مشابه در رم، میلان و پاریس و حتی باکو و بیروت آن زمان ساخته شده‌اند... ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی پاساژهای اروپایی تقریباً دست‌نخورده باقی مانده ولی پاساژها در ایران تحول یافته و به‌صورت امروزی درآمده‌اند... پاساژ در ایران معاصر یک هسته اجتماعی و محل برخورد مردم از همه طبقات نیست و بیشتر به انگیزه

اسناد دوره پهلوی (اعم از روزنامه‌ها، خاطرات و اسناد کمیسیون عرایض مجلس) نشانگر اختلاف بارز بازار با حکومت رضاشاهی است؛ در واقع در اعتراضات روحانیون به رضاشاه، بازار همواره در کنار روحانیون بود و تا آخر این دوره به‌جز دوره کوتاهی که رضاشاه سعی در جلب نظر آنان کرد، این اختلاف، ادامه داشت. بافت شهری مبتنی بر مجاورت بازار و مسجد، به این امر کمک می‌کرد؛ از سوی دولت نیز بلدیه با کمک قوانین مصوب سعی در کنترل هر چه بیشتر بازار داشته است؛ براساس تحقیق رحیمی و همکاران (۱۳۹۴):

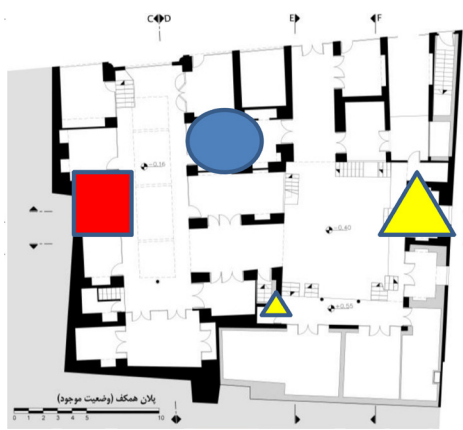
«حادثه مهم دیگر، تغییر در سبک معماری برخی بازارها بود که در این دوره، اداره بلدیه (شهرداری) آن را انجام می‌داد؛ مثلاً ایجاد تغییر در روشنایی بازار ارسی دوزها... بازاریان و اصناف در مراسم مذهبی و عزاداری شرکت فعال داشتند و در اعیاد دینی، هزینه‌های بسیاری متحمل می‌شدند. در سال ۱۳۰۹ ش / ۱۹۳۰ م بعد از تصویب قانون بلدیه، نظامنامه‌ای برای نحوه اجرای این مصوبه تنظیم شد که در آن وظایف این اداره در امر تخریب، ترمیم، نوسازی، نقشه‌کشی و ... به‌طور مفصل توضیح داده شده است.»

۲-۳. عوامل فرهنگی - اجتماعی

تحقیق کریمی در مورد رابطه تغییر الگوی مصرف و معماری در دوره پهلوی، حاکی از آن است که رواج سبک زندگی مصرفی غربی، از اوایل پهلوی اول، خود را در قالب آگهی‌های تبلیغی نشان داده است؛ حتی در آگهی خانه، مقایسه خانه با اروپا، یک شگرد رایج است؛ اما اوج تغییر مربوط است به تأسیس «شرکت سهامی معاملات خارجی» (Karimi, 2013: 97) که محصولات آمریکایی به‌وفور در بازار ایران وارد شد؛ اما تأثیر اصلی در تغییر فرهنگ مراکز خرید در ایران را کریمی مربوط به نقش ویکتور گروئن در طرح جامع تهران می‌داند؛ وی که طراح مشهور مجتمع‌های تجاری بزرگ در آمریکا بود، در طرح جامع تهران، اندیشه «رؤیای آمریکایی» (American Dream) را با قرار دادن مراکز خرید بزرگ، گنجانید (Karimi, 2013: 99).

در مقایسه طرح‌های روبه خیابان در آثار معماران درس خوانده همانند وارطان با پاساژهای مورد بحث ما در قم، می‌توان به موضوع اهمیت پیدا کردن نسبی خیابان و نمای روبه آن نسبت به سایر نماها، اشاره کرد؛ گرچه در ساخت‌های عوامانه مورد بحث ما، همچنان رویه سنتی در اهمیت دادن به همه نماهای داخلی و جانبی، نسبت به کار معماران ارجحیت دارد.

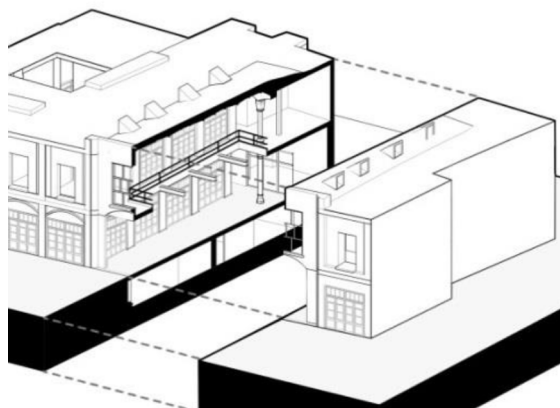
پلانول (۱۳۵۸: ۹۳) در اوایل دوره پهلوی دوم، به ارزیابی وضعیت خروج تجاری‌ها از بازار تهران و ظهور مراکز تجاری جدید در تهران پرداخته است؛ وی توسعه تجاری در ابتدای پهلوی را به‌صورت مغازه‌های ردیفی در جوار خیابان، مورد بحث قرار داده است و چندان به پاساژها نپرداخته است. نخستین مجتمع‌های تجاری مشهور تهران، دو ساختمان منسوب به رییس انجمن یهودیان ایران (حبیب... القانیان) است؛ یعنی ساختمان آلومینیوم و پلاسکو در تهران که هر دو محصول اوایل دهه ۱۳۴۰ شمسی است. الگوی اولیه این ساختمان‌ها را باید در



تصاویر شماره ۳۳ و ۳۴: نمونه‌ای از مالکیت چند مغازه از سوی یک نفر در پاساژ محمدی (پلان بالا طبقه همکف و پلان پایین، طبقه اول را نشان می‌دهد - برداشت و ترسیم از نگارندگان).

اشاره می‌کند که در آن، بازار، کارکردی برای مردم عامی‌تر می‌یابد و خیابان محلی است برای روشنفکران و نیز مهاجران و عشایر و خارجی‌ها؛ تفکیکی بین بومی‌ها و غریبه‌ها در شهر که پاساژها در آن ممکن بود به‌عنوان واسطه مطرح شوند؛ فقط عده معدودی از ایرانیان تحصیل کرده و آشنا با تمدن و آداب و رسوم مغرب زمین هستند که تأسیس مغازه‌های جدید را در خیابان‌های وسیع تشویق می‌کنند. در بازار، خرید و فروش بین خود مردم صورت می‌گیرد. اروپاییانی که در شهرها ساکن‌اند به‌استثنای مبلغان مذهبی بندرت داخل بازارها می‌شوند، مگر اینکه محل کار یا اداره آن‌ها در یکی از کاروانسراهایی باشد که در دو طرف بازار اصلی واقع شده است. همسران مأموران اروپایی اساساً بازار را نمی‌بینند. اگر زنان مقتصدی باشند از شوهرانشان تقاضا می‌کنند کالای مورد لزوم را برای آن‌ها خریداری کنند، ولی اگر در تهران اقامت داشته باشند می‌توانند از مغازه‌ها خرید کنند. در اصفهان برای این مقصود به جلفا و در مشهد یا تبریز به خیابان نو می‌روند و در شهرهایی مانند یزد اجناس مورد نیاز خود را از ساربانان خریداری می‌نمایند. تقریباً مراکز یا شعبات کلیه بانک‌ها، به‌استثنای بانک‌های تهران، در بازار قرار دارد و تقریباً هر روز همه می‌بینند که مدیر یکی از بانک‌های مهم انگلستان یا معاون وی با یک دست لباس سفید بدون لکه از یک در هلالی تاریک خارج می‌شود و به طرف گذرگاه اسرار آمیزی پیش می‌رود. اشخاص مطلع می‌دانند که وی به محل کارش می‌رود و تجار بازار از دیدن وی احساس اطمینان و

سود سریع از سرمایه‌گذاری ساخته می‌شود» (صادقی و صارمی، ۱۳۹۵). رؤیت‌پذیری مسیر طبقات بالا که در عرف قاجاری مرسوم نبود، در نمونه‌های پهلوی، می‌تواند جنبه فرهنگی خاصی داشته باشد؛ در تیمچه‌های قدیم، رفتن به طبقه بالا با دعوت صاحب مغازه طبقه پایین است؛ اما در مدل پهلوی و تأثیر فرهنگ جدید که خروج زنان از خانه در آن هست و مشتریان غریبه‌تری نیز وارد شهر می‌شوند، نیاز به «نظارت‌پذیری» مسیر طبقات فوقانی را کاملاً مطرح می‌کند.



تصویر شماره ۳۲: نظارت‌پذیری طبقات در الگوی پاساژ تجاری (فضای روبسته پاساژ محمدی قم - برداشت و ترسیم از نگارندگان)

رسانه فرعی این دوران تابلوها و دیوارنوشته‌ها هستند که از جهت تبلیغ کالا ممکن است مهم باشند. عدم فراگیری سواد در دوره‌های قبلی می‌تواند در عدم کاربرد این رسانه در آن زمان‌ها مربوط باشد؛ کاربرد تابلوهای فلزی روی دیوارها و استفاده از شیشه‌های نما برای تبلیغ، می‌تواند مربوط به تحولی باشد با منشأ غربی یعنی ایجاد «عصر مصرف‌کنندگان» (اسدی، ۱۳۷۲) یعنی زمانی که وجود چاپ و مطبوعات، کالا را قبل از دیدن در مغازه به مشتری معرفی می‌کرد و مشتری در جستجوی نشان کالا به بازار می‌رفت و لذا دیدن نشان کالا، می‌توانست هم‌رده خود کالا مهم باشد؛ «تابلو» ابزار پاسخ به این نیاز جدید بود؛ این موضوع حتی در مورد بحث لباس آماده نیز جاری بود (همان منبع). در فرهنگ بازاریان تا اواسط دوره پهلوی، همانند سایر مالکیت‌های مسکونی، انتظار عرفی این بود که هر فرد مالک فضای بالا و پایین اتاق خودش باشد و در واقع، اختیار کاملی بر فضای محاذی زمین خود داشته باشد؛ از این رو رسم موجود در تیمچه‌ها که هر مغازه‌دار همکف، مالک مغازه بالای سر خود در طبقه بالا باشد، در سراهای احداثی دوره مورد بحث ما نیز دیده می‌شود. این موضوع در بحث احداث زیرزمین‌های مجزا برای هر مغازه‌ها در این سراهای دیده می‌شود؛ یعنی بجای یک زیرزمین سراسری، هر مغازه در زیر خودش با پله اختصاصی دارای زیرزمین خودش است؛ در نمونه سرای موقوفه مدرسه آیت‌الله گلپایگانی قم، این ملاحظه فرهنگی با ایجاد دید به سوی طبقه زیرزمین که محل انبارهاست، از پله اختصاصی، صرف نظر شده، اما در مورد مالکیت انبارها، احتمالاً همان بحث فوق جاری است. فرد ریچاردز به تغییر تدریجی در فرهنگ خرید مردم ایران

خوشوقتی می نمایند. (ریچاردز، ۱۳۷۹: ۵۲)

نقش تکنولوژی ساخت

تغییرات مربوط به مصالح ساخت در کنار امکان بیشتر حمل مصالح از شهرها و حتی کشورهای دیگر می تواند در تحولات مورد بحث مؤثر باشد. موضوع ورود فولاد و سیمان به ساخت و ساز و آجرهای صنعتی از این دسته است. ورود فولاد امکان ایجاد طره در ساختمان های رو به خیابان را پدید آورد که با وجه نمایشی خیابان، مرتبط بود؛ از سوی دیگر به دلیل نوع برخورد بلدی با مالکیت پیاده رو، تکنیک طره آهنی، می توانست برای ایجاد سایه بان بدون ستون در پایین مهم باشد:

انسان می اندیشد در ایران، کشوری که آفتاب در آن نمی تابد بلکه شعله ور می شود و اغلب اشخاص در گرمای بعد از ظهر می خوابند،... ولی با کمال تعجب مشاهده می شود که بعضی از ساختمان های جدید تهران فاقد سایبان و سرپوشیده است و از این رو جای خنکی، که عابران بتوانند بر حسب اتفاق به آن پناهنده شوند، در این نوع عمارات وجود ندارد... جای بسی تأسف است که ایران در عرض یکی دو سال از آداب و سنن ملی خود در زمینه سبک های معماری شرمنده و خجل شود. هیچ چیز در دنیا مانند خیابان های سرپوشیده (البته هر گاه به عنوان سایبان باشد و به عنوان مغازه نیز مورد استفاده قرار گیرد) زیبا نیست. همچنین جای تأسف است که شهرهای زیادی در اروپا مخصوصاً در انگلستان این سنت را کنار گذاشته اند و کوشش می کنند به صورت نسخه قابل ترحمی از شهر نیویورک در آیند (ریچاردز، ۱۳۷۹: ۳-۲۴۲).

مسائل بسیاری در حیطه تکنولوژی ساخت این بناها وجود دارد که نیاز به بررسی بیشتر دارد؛ از جمله: الگوهای ساخت سازه سقف باید از حیث منشأ در معماری ایرانی و غربی، ریشه یابی شود؛ مسأله رواج طاق چهاربخش باید به خوبی بررسی شود. اینکه ساخت متفاوت تراز زیرزمین و بالا چه مقدار در ایران سابقه دارد، مهم

است؛ مثلاً در خانه های سنتی، زیرزمین از آجر و بالا از خشت است. نمایش لاغر بودن ستون در فضاهای اصلی از ارزش های ذهنی معماران تجربی و متصل به سنت است. از سوی دیگر آزمون مصالح بر اساس فهم سنتی از موضوعات مهم مورد بحث است. کاربرد حلبی به صورت قوس دار و بدون لایه بندی در سقف، نمونه این موارد است. بحث آجر و اینکه آیا آجر برای هر پروژه جداگانه تولید شده است یا اینکه از یک منشأ عام تر تأمین می شده، محل تردید است؛ اما هماهنگی ابعادی و مدولاسیون در مقیاس خرد و کلان باید بررسی شود. نقش اقلیم در دیتیل های ساختمانی این دوره مانند رخیام یا اتصال چوب و آهن باید مورد توجه باشد.

هوانسیان (۱۳۲۵) در موضوع تکنیکی، نقش سیمان را به واسطه ارزانی و مقاومت در برابر زلزله و همگن بودن، واجد اهمیت زیاد می داند؛ اما کاربرد سیمان در این نوع از بناها بسیار محدود است و حداکثر به لبه های بام و زیر و بالای پنجره ها محدود می شود. در واقع تعلق این دسته از معماری ها به عامه جامعه و عدم ثبت اسناد مربوط به آن ها، قضاوت در مورد علت انتخاب های فنی این افراد را دشوار می کند؛ ما نمی دانیم که آیا ارزانی مصالح فشاری در دوره واردات آهن و سیمان، انگیزه کافی برای پرداختن به تکنیک های طاق زنی سنتی بوده است، یا دل بستگی مردمی به آن الگوها. همچنین آنکه نمی دانیم وضعیت تنظیم شرایط محیطی این بناها چه مقدار تکنولوژیک و چه مقدار ارگانیک بوده است. لذا بحث علل تفصیلی روی آوردن این مردم به تکنیک های با صبغه سنتی، راه را برای پژوهش های آتی باز می گذارد.

نقش فرنگ رفته ها و معماران از فرنگ آمده

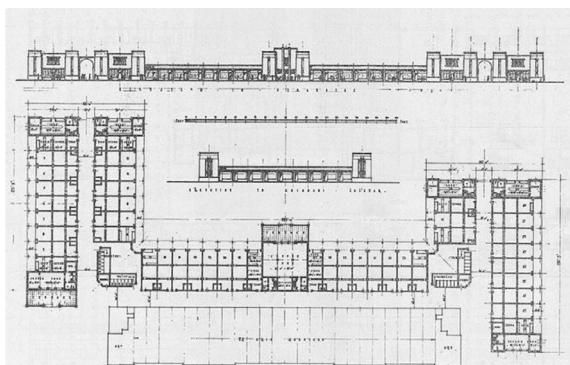
اولین تأثیر غیر مستقیم خارجی ها در تغییرات مورد بحث تجاری ها را باید در نقش تجار و شرکت ها و بانک های خارجی دید. وجود تجار تخانه های خارجی به مقیاس وسیع در ایران از زمان صفویه، گزارش شده است و تا زمان پهلوی هم امتداد آن دیده می شود؛ تجار



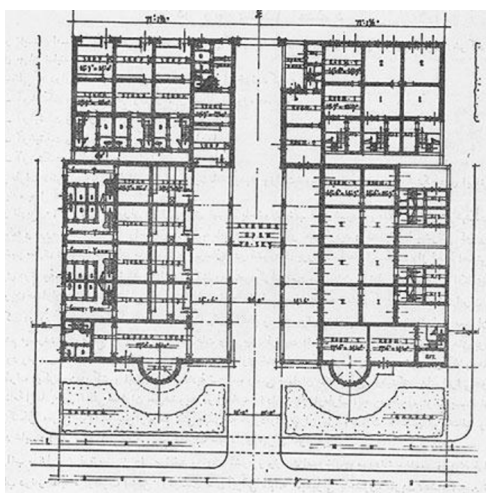
تصویر شماره ۳۶: سایه بان روی پیاده رو؛ نمونه ستون دار؛ تجاری مجاور مدرسه کرمانی ها در خیابان ارم



تصویر شماره ۳۵: سایه بان روی پیاده رو؛ نمونه بی ستون؛ تجاری پشت بازار نو



تصویر شماره ۳۷: بازار تجاری حول میدان رواق‌دار کوی کارگران آبادان از طرح‌های اروپایی مشابه پس از جنگ جهانی دوم (طرح‌های پره) اقتباس شده است.



تصویر شماره ۳۸: پاساژ طراحی شده در کوی کارگران؛ از نظر کارکردی اینجا یک مرکز خرید روزمره است و نه یک مکان سوم مدرنیته (ساختمان فروشگاه‌ها در محوطه‌های مسکونی کارگران آبادان، ۱۳۲۷)

مثلاً در کوی ۴۰۰ دستگاه تهران، مجتمع تجاری در نظر گرفته نشده است و بجای آن، راسته مغازه‌های روی به خیابان از پلاک‌های مسکونی طراحی شده، جدا شده است (تصویر ۳۹ - اژدری، ۱۳۲۶). در واقع از منظر معماران این دوره، مجتمع تجاری هنوز برای این مجتمع‌های جدید و «ارزان‌قیمت» ضرورتی ندارد؛ ضمن آنکه به هر حال جلوه سرمایه‌دارانه پاساژ در تحلیل بنیامین، برای این معماران نیز وجود دارد.

احداث مجتمع‌های تجاری بزرگ به سبک اروپایی مدرن، عملاً در دوره نفوذ آمریکایی‌ها بعد از کودتا، بیشتر خودش را نشان می‌دهد؛ مجتمع پلاسکو در انتهای دهه ۱۳۳۰ نمونه بارز این موارد است؛ اما باز هم در منابع معماری و محافل معماران مشهور، خبری از پرداختن به این موارد نیست؛ در مجله هنر و معماری که در انتهای دهه ۱۳۴۰ منتشر می‌شود و به نوعی، ارگان رسمی معماران هنری ایران است، همچنان خبری از این نوع بنا نیست.

کریمی تیپ مسکونی‌های طراحی شده توسط معماران فرنگ‌رفته دوره پهلوی اول را سه نوع می‌داند که یکی آن‌ها، تیپ تجاری در همکف و مسکونی در طبقات است. به زعم وی این نمونه‌ها که فضای اداری نیز در خود داشتند، عمدتاً در قطعات نبش تقاطع‌ها احداث شده‌اند (Karimi, 2013: 61-2).

آمریکایی نیز با معاهده ۱۸۵۶ میلادی در استانبول میان دولت قاجار و ایالات متحده، ارتباطات گسترده‌ای با ایران پیدا کردند (خورموجی، ۱۳۴۴). فرصت شیرازی (۱۳۷۷: ۶۹) در «آثار عجم» جلد دوم، بسیاری از این بناها را نام می‌برد؛ اما از کیفیت ساختمان آن‌ها، اطلاع زیادی به دست نمی‌دهد. دالمانی (۱۳۳۵: ۳۴) نیز از تجارخانه‌های متعدد فرانسویان و انگلیس‌ها در انزلی نام می‌برد؛ اما شواهدی برای تأثیر کالبدی این مراکز هنوز برای ما مسجل نشده است.

بانی مسعود (۱۳۸۸: ۲۸) خاطرات ایرانیان از سفر به غرب را به عنوان دریچه‌ای به سوی فهم ابتدایی ایرانیان از جهان جدید می‌داند؛ اما به صورت گسترده‌تر، باید متن چند سفرنامه‌ای که او اسم برده بازبینی و مواردی از فضاهای تجاری که مورد توجه این افراد قرار گرفته، استخراج شود؛ خاطرات امین الضرب باید به صورت جداگانه بازبینی شود؛ زیرا این فرد یک تاجر مؤثر در دوره نزدیک به دوره مورد بررسی ماست و ممکن است بتواند بازتاب نظرات تجار ایرانی در مورد فضاهای تجاری جدید باشد. اجماً دیدگاه این دسته از معماران نسبت به سبک زندگی مردم را می‌توان در اظهارات وارطان در شماره نخست مجله آرشیتکت دید (هوانسیان، ۱۳۲۵): وی تأثیر سیما و بتن آرمه را در تغییر معماری زیاد می‌داند؛ اما تغییر ارزش‌های اجتماعی مانند تحولات روش زندگی، داخل شدن ماشین در صنعت، صنعتی شدن مملکت، تغییر لباس و آداب و رسوم، تغییر افکار و ظهور مصالح جدید را عوامل مؤثر در تغییر سبک معماری می‌داند؛ مقاله متأخر وی در مجله «هنر و معماری» موضوع کشف حجاب زنان را مؤثرترین عامل در ظهور سبک جدید معماری می‌داند.

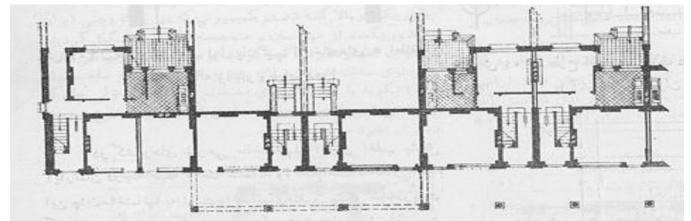
در کارهای معماران مشهور و ستاره‌های آن دوره، بنای پاساژ تجاری دیده نمی‌شود؛ و این امر به رغم تعدد مراکز تجاری احداثی در محل بناهای قدیمی در شهر تهران (رجوع کنید به شهری باف، ۱۳۸۳)، تعجب‌انگیز است. البته در کارهای وارطان، نمونه ساختمان مسکونی - تجاری بر خیابان (اکباتان) یا ساختمان تجاری اداری تک شرکتی (ساختمان شرکت جیب) دیده می‌شود. همچنین در نشریه شماره ۵ آرشیتکت، یک نمونه تلفیق تجاری - مسکونی در خیابان سعدی اشاره شده است؛ تیپ همه این بناها با نمونه پاساژهای مورد بحث ما متفاوت و بیشتر متمایل به نمونه‌های خالص اروپایی است. همچنین شعب بانک‌های اولیه ایرانی مانند بانک ملی و سپه عمدتاً کار همین طیف از معماران است؛ البته این امر خود یک تحولی را نسبت به اوایل دوره پهلوی نشان می‌دهد که در آن، بانک‌های خارجی متمایل به داشتن شعبه در داخل بازار (و نه بر خیابان) داشته‌اند (ریچاردز، ۱۳۷۹: ۵۲).

در نشریه آرشیتکت ش ۶ یکی از معدود نمونه‌های طراحی مجتمع تجاری توسط معماران، ارائه شده که مربوط به مجموعه تجاری کارکنان نفت در آبادان است؛ در این نمونه، تلفیقی از راسته مغازه‌ها در خیابان و مرکز خرید سرپوشیده (شبه پاساژ) و میدان روباز تجاری، دیده می‌شود (ساختمان فروشگاه‌ها در محوطه‌های مسکونی کارگران آبادان، ۱۳۲۷).

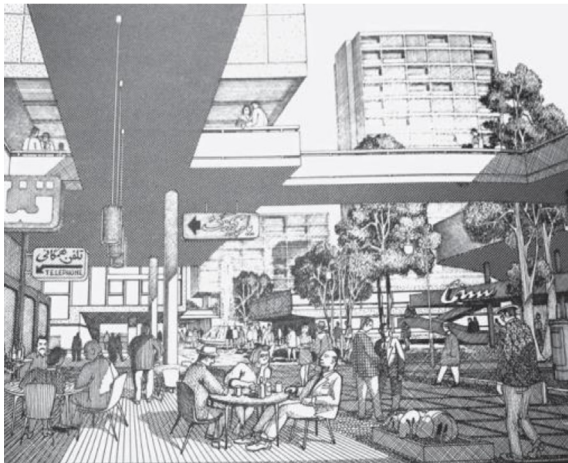
جدول شماره ۲: جمع‌بندی عوامل تأثیر گذار بر تحولات الگوی معماری تجاری‌ها

عامل مؤثر	بازه تأثیر	نوع تأثیر	کیفیت تأثیر
نقش الگوهای فضایی	بستان‌های عثمانی	الگودهی مستقیم	الگودهی به تجار در ساخت تیمچه‌های تهران، قم، اصفهان و تبریز
	پاساژهای پارسی	الگودهی غیرمستقیم	ایجاد الگوی راسته خطی طولی با نماهای شیشه‌ای در مغازه‌ها
	پاساژهای روسی	الگودهی غیرمستقیم	ایجاد الگوی راسته خطی دو طبقه با نماهای شیشه‌ای در مغازه‌ها
عوامل زمینه‌ای تحول در فضاهای تجاری دوره گذار	عوامل سیاسی - حکومتی	ترغیب بازاریان به پنهان‌کاری	ایجاد دو حیاط و زیرزمین در مجموعه‌های تجاری
	عوامل فرهنگی - اجتماعی	اواخر قاجاریه و پهلوی اول	بازار محل خرید عوام و خیابان محل خرید طبقه پولدار یا روشنفکر بود و پاساژ می‌توانست موقعیت میانه‌ای در این شرایط ایجاد کند.
	تداوم و گسست الگوهای کالبدی سنتی	الگودهی در جزئیات بنا	انتقال الگوهای رو به حیاط در معماری سنتی به نماهای رو به خیابان
	نقش تکنولوژی ساخت	اوایل پهلوی	ایجاد طره‌های بالای پیاده‌رو؛ ترغیب به استفاده از تکنیک‌های سنتی تر به خاطر گرانی مصالح جدید
	نقش فرنگ‌رفته‌ها و معماران از فرنگ آمده	پهلوی اول	بازارچه‌های ملحق به مجتمع‌های مسکونی و مدل مراکز خرید آمریکایی

در مورد مراکز خرید، کریمی تحول مهم را مربوط به طرح جامع تهران می‌داند؛ الگوی معرفی شده از سوی ویکتور گروئن در آنجا به ویژه برای محلات کلاس بالا، شاپینگ مال آمریکایی است و نه پاساژ. این خود به نوعی نشان‌دهنده فاصله معماری مردمی با دیدگاه‌های معماران است (Karimi, 2013: 100).



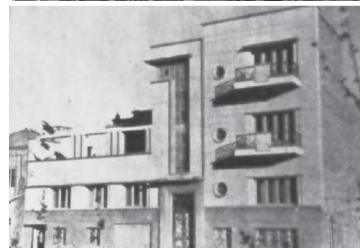
تصویر شماره ۳۹: پلان ردیف مغازه‌ها در طبقه همکف در میدان محلی طراحی شده در کوی چهارصد دستگاه؛ مأخذ: ازدری، ۱۳۲۶



تصویر شماره ۴۳: راندو ارائه شده در طرح جامع تهران از فضای مرکز خرید پیش‌بینی شده برای تهران؛ مأخذ: Karimi, 2013

نتیجه‌گیری

با وجود بازارها و گذرها به عنوان مراکز تجاری شهری و محله‌ای در ایران با تاریخ طولانی، تغییر بزرگی که از دوران پهلوی به بعد در نحوه استقرار فضاهای تجاری شهرها دیده می‌شود، و ناگهان سیمای شهر و فضای اقتصادی جامعه را عوض می‌کند، نمی‌تواند تحولی درون‌زا تلقی گردد. در این پژوهش الگوهای اصلی این تغییر فضایی در مورد «مجموعه‌های تجاری» ریشه‌یابی و عوامل زمینه‌ای تأثیر گذار بر تحول نیز



تصاویر شماره ۴۰، ۴۱، ۴۲. سه تیپ مسکونی در طبقه‌بندی ارائه شده از سوی کریمی - مسکونی منفرد ویلایی (بالا)؛ مسکونی چند طبقه چند واحدی (وسط) و طبقات مسکونی و همکف تجاری (پایه)؛ مأخذ: Karimi, 2013

ردیابی شد. بسیاری از الگوهای تجاری همانند مجموعه‌های گاراژی، بازارچه‌ها و مغازه‌های دو طبقه راهرودار کنار خیابان، ترجمه شده‌هایی از راسته بازار، سراهای بازار یا کاروانسراهای پیشین هستند که در مواجهه با خیابان، بروسازی شده‌اند. تنها الگوهای پاساژی و تک‌مغازه‌های کنار خیابان را می‌توان از این روند مستثنا دانست. از لحاظ الگویی، پاساژهای ایران در ابتدای پهلوی، بیش از آنکه متأثر از بدعت فرانسوی در پاساژسازی باشد، متأثر از نیاز بازاریان به داشتن حریم تحت اختیار یا وجود احداث خیابان، بوده است. الگوی عثمانی نیز به صورت مستقل در اواخر قاجاریه، شکلی از مجموعه تجاری را در ایران سبب شده است که اثرات آن در دوره پهلوی قابل رهگیری است. با اینحال انتقال الگویی فرانسوی نیز با واسطه شرق یعنی روسیه به ایران انجام شده است. عدم تأثیر زیاد معماران فرنگ رفته که بنیان معماری جدید در ایران محسوب می‌شود، نشان می‌دهد که دستکم برخی آورده‌های مدرنیته در معماری ایران، مجرای بجز این معماران دارد و از بستر نهادهای قدرت یا عرف مردمی وارد جامعه شده است که خود این روندها نیازمند پژوهش گسترده‌تر است؛ زیرا در بحث حفاظت از هویت کالبدی - فرهنگی، این روندها می‌تواند نقش آفرینی مهمی داشته باشد. پاساژهای اولیه تجاری در نمونه بررسی شده (شهر قم) نمایانگر تعامل پایاپای و بدون مغلوب شدن فرهنگ خودی با فرهنگ بیگانه و نمونه‌ای از تعامل مناسب مردمی با الگوی وارداتی است که بنظر، موفق‌تر از تلاش‌های رسمی معماران برای حفظ هویت بومی در معماری در دهه‌های بعد بوده است. الگوهای کلی این نمونه‌ها که متأثر از تیمچه‌ها یا ماحصل روکردن مغازه‌ها با الگوی سراه، به سمت خیابان (جایگزین حیاط) است و نیز الگوهای جزئی موجود در این بناها همانند استفاده از طاق چاربخش یا تکنیک قدیم یا با آهن، دارا بودن سایه‌بان به عنوان تنظیم اقلیمی، استفاده از فناوری آجرکاری همراه با نوسازی آن، برای الگوهای جدید، نرده‌های فلزی و ... تلاش‌های طراحان برای تداوم فرهنگ خودی در عین نوسازی توسط عامه مردم است. این الگوها در دوره پهلوی دوم با سرعت گرفتن شهرگرایی، مغلوب الگوهای وارداتی پاساژها شد و کنار گذاشته شد. الگوی این تغییر و نقش عوامل زمینه‌ای در آن می‌تواند راهگشای سیاست‌های فرهنگی معماری در آینده باشد.

پی‌نوشت‌ها

- این تعامل (و نه تقابل) الگوها، ناشی از نقش معمار سنتی در طراحی و ساخت بناهای جدید این دوره است.
- مسجد و میدان شاه، دیوارهای دو طبقه، علیرغم تمامی تمجیدات در مقایسه با دوران خود، بیشتر تجملی و متظاهر است تا عملکردی و یک «حیاط شاهی» است تا مسجد و میدان.

فهرست منابع و مراجع

- آرشیو اداره راه و شهرسازی استان قم.
- ابراهیمی، مرتضی و سهیلا ترابی فارسانی (۱۳۹۵)، «نقش بلدیة در کنترل بازار در دوره پهلوی اول»، *مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام*، ۱۰ (۱۹)، ۲۰-۱.
- اژدری، عباس (۱۳۲۶)، «ساختمان خانه‌های ارزان در ایران»، *آرشیفتک*، (۴)، ۱۳۳-۱۲۵.
- اسدی طاری، محمدحسن، (۱۳۷۲)، «تاریخچه تبلیغات بازرگانی» *رسانه*، (۱۳)، ۵۹-۵۴.
- آقای سربزره، مجتبی (۱۳۹۳)، *قم: در حریم حرم، جهاد دانشگاهی، قم*.
- بانی مسعود، امیر (۱۳۸۸)، *معماری معاصر ایران در تکاپوی بین سنت و مدرنیته، هنر معماری قرن، تهران*.
- بی‌نا، (بی‌تا)، *قم سرزمین مقدس، بی‌جا*.
- پلانول، گزاویه دو، (۱۳۵۸)، *مطالعاتی درباره جغرافیای انسانی شمال ایران*، (ترجمه سیروس سهامی)، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه مشهد، مشهد.
- پورجعفر، علی و محمدرضا پورجعفر (۱۳۹۳)، «فضاهای شهری نیمه عمومی سرپوشیده سنتی ایرانی اسلامی در مقایسه با پاساژهای فرانسوی؛ نمونه‌های موردی: تیمچه‌های امین‌الدوله و بزرگ قم و پاساژهای پانوقاوا و جوققا»، *معماری و شهرسازی آرمان‌شهر*، ۷ (۱۳)، ۱۶۹-۱۸۲.
- پیشوا یزدی، محمد (۱۳۹۰)، *روایت بنایی تا استادکاری: خاطرات استاد معمار، محمد پیشوا یزدی، به کوشش: الهام اندرودی، علم معمار رویال، تهران*.
- خدای، مهدی؛ مرتضی نورانی و اصغر فروغی ابری (۱۳۹۷)، «بررسی عملکرد بلدیة در دوره پهلوی اول، نمونه پژوهی شیراز»، *پژوهش‌های تاریخی*، ۱۰ (۳)، ۲۳-۱.
- دارالتبلیغ اسلامی (۱۳۲۸)، *آشنایی با فعالیت‌های دارالتبلیغ اسلامی به مناسبت دهمین سالگرد تأسیس، دارالتبلیغ اسلامی، قم*.
- دالمانی، هانری رنه، (۱۳۳۵)، *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*، امیرکبیر، تهران.
- دانشنامه جهان اسلام (۱۳۹۳)، *بازار، دانشنامه جهان اسلام*، ج ۱، بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، تهران.
- دفتر آستانه قم (۱۳۱۷)، *راهنمای قم، چاپخانه مجلس، تهران*.
- رحیمی، عبدالرفیع؛ مسعود آدینه وند و محسن بهشتی سرشت (۱۳۹۴)، «جایگاه بازاریان و اصناف در تحولات سیاسی اقتصادی ایران از کودتای رضاخان تا دهة نخست سلطنت رضاشاه (۱۲۹۹ تا ۱۳۱۰ ش/ ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۱ م)»، *پژوهش‌های تاریخی*، ۷ (۳)، ۱۹-۳۸.
- روزنامه استوار (۱۳۱۵)، «طهران بقم»، *روزنامه استوار قم*، ۲ (۸۶) ۱۷ اسفند ۱۳۱۵: ۱.
- روزنامه استوار (۱۳۱۴)، «گشایش بیمارستان»، *روزنامه استوار قم*، ۱ (۱۷) ۲۵ آبان ۱۳۱۴: ۱.

۱۹. ریچاردز، فردریک چارلز (۱۳۷۹)، *سفرنامه فرد ریچاردز*، شرکت انتشارات علمی فرهنگی، تهران.
۲۰. ساختمان فروشگاه‌ها در محوطه‌های مسکونی کارگران آبادان (۱۳۲۷)، *آرشیفتک*، (۶)، ۲۳۶-۲۳۳.
۲۱. شهرداری قم (۱۳۴۵)، *راهنمای قم* (نشریه شماره ۳ شهرداری قم برای راهنمایی مسافری و زوار محترم)، چاپخانه نوین قم، قم.
۲۲. شهری‌باف، جعفر (۱۳۸۳)، *طهران قدیم، معین، تهران*.
۲۳. شیرین بخش، زهره و علی بیگدلی و شهرام یوسفی فر و امیر شیخ نوری (۱۳۹۶)، «*رابطه مالیاتی دولت و اصناف در دوره پهلوی اول: نارضایتی از مالیات صنفی*»، *تحقیقات تاریخ اجتماعی*، (۱) ۷، ۱۵۵-۱۸۸.
۲۴. صادقی، سامان و حمیدرضا صارمی (۱۳۹۵)، «*سیر تحولات شکلی معماری بازارهای ایرانی از دوره قاجار تاکنون (از بازار سنتی دیروز تا مراکز تجاری امروز: نمونه موردی بازارهای تهران)*»، *مطالعات جغرافیا، عمران و مدیریت شهری*، (۱۶)، ۱۴۳-۱۲۹.
۲۵. صفری، سهیلا (۱۳۹۶)، «*نارضایتی از متحدالشکل نمودن لباس بر اساس اسناد عرایض مجلس شورای ملی (مجلس ششم تا هشتم تقنینیه)*»، *گنجینه اسناد*، (۱) ۲۷، ۶۸-۸۷.
۲۶. علوی شیرازی، محمدهادی (۱۳۶۳)، *سفرنامه میرزا ابوالحسن خان شیرازی*، مصحح: محمد گلبن، دنیای کتاب، تهران.
۲۷. فرصت شیرازی، محمد نصیر بن جعفر (۱۳۷۷)، *آثار عجم، امیر کبیر، تهران*.
۲۸. کیانی، مصطفی (۱۳۸۳)، *معماری دوره پهلوی اول، دگرگونی اندیشه‌ها: پیدایش و شکل‌گیری معماری دوره بیست‌ساله معاصر ایران*، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، تهران.
۲۹. گروت، لیندا و دیوید وانگ (۱۳۸۴)، *روش‌های تحقیق در معماری*، (ترجمه علیرضا عینی فر)، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران.
۳۰. گیدیش، زیگفرد (۱۳۵۰)، *فضا، زمان و معماری/رشد یک سنت جدید*، جلد اول، (ترجمه منوچهر مزینی)، بنگاه ترجمه و نشر کتاب تهران.
۳۱. خورموجی، محمدجعفر (۱۳۴۴)، *حقایق الاخبار ناصری*، به کوشش: حسین خدیو جم: کتاب فروشی زوار، تهران.
۳۲. ناری قمی، مسعود و ایوب امانپور (۱۳۸۲) *طرح مرمت تیمچه بزرگ قم*، پروژه درس «طرح مرمت» در دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران زیر نظر دکتر رضازاده، منتشر نشده.
۳۳. ناصر الشریعه، محمدحسین (۱۳۸۳)، *تاریخ قم یا حریم مطهر بانوی عالی‌قدر اهل بیت عصمت و طهارت حضرت فاطمه معصومه (ع)*، رهنمون، تهران.
۳۴. هدایت، مهدی قلی (۱۳۸۵)، *خاطرات و خطرات: توشه‌ای از تاریخ شش پادشاه و گوشه‌ای از دوره زندگی من*، زوار، تهران.
۳۵. هوانسیان، وارطان (۱۳۲۵)، *مسائل معماری در ایران*، ترجمه ایرج غفاری. *آرشیفتک* (۱)، ۹-۴.

Origins of the emergence of new commercial spaces in the first Pahlavi era Case Study: City of Qom

Masoud Nari Ghomi

Assistant Professor of Architecture, Qom Boys Technical College, Technical and Vocational University

Mehdi Momtahn *(Corresponding Author)

Assistant Professor of Architecture, Faculty of Architecture and Art, University of Kashan.

* E-Mail: momtahn@kashanu.ac.ir

Ali Omrani Pour

Associate Professor of Architecture, Faculty of Architecture and Art, University of Kashan.

Abstract:

The history of popular architecture of Iran has rarely been a subject of academic inquiry. During transitional period of modernity (from late Qajar dynasty to the early Pahlavi era) some small commercial complexes emerged in larger cities of Iran that were largely distinct from traditional elements of Bazaars specially Tymchehs, but they were not completely copied from European examples. Here through interpretative-historical research method and based upon original documents and contextual reasoning, the roots of emerging of such mediatory commercial architectural patterns are studied. Three foreign patterns are discussed as model for these commercial examples: Badestens of Ottomans, Russian passages and Parisian arcades. Other than some internal factors are also analyzed and amongst them are demolition of houses for new street, conflicts of Reza Shah with bazaar merchants, the role of travelers to the West, the impact of new architectural technologies and the extension of traditional architectural patterns. The effectiveness of every factor is studied and documented for the examples of the city of Qom.

Keywords: commercial complex, modernization, Pahlavi the First, transitional period, Parisian passages.

The pattern effect of central courtyard geometric on the air flow in traditional houses of Shushtar

Ali Mardan *(Corresponding Author)

Department of Architecture, Abadan Branch, Islamic Azad University, Abadan, Iran.

* E-Mail: vafaei@kashanu.ac.ir

Amin Roasaei *(Corresponding Author)

Department of Architecture, Abadan Branch, Islamic Azad University, Abadan, Iran.

* E-Mail: vafaei@kashanu.ac.ir

Abstract:

The central courtyard is one of the ancient and valuable models of Iranian climatic architecture and as a physical element in organizing the structure of the space of traditional houses has responded to various dimensions of biological, social and cultural needs. The geometry of the central courtyard (shape and proportions) as the main design feature always affects the performance of the amount of radiated energy absorbed, suitable thermal comfort conditions, and the pattern of air flow movement. Therefore, the present study has evaluated the relationship between yard proportions and airflow pattern in traditional Shushtar houses. In order to achieve more accurate findings in the existing buildings, Nanaee, Rezvan, Aminzadeh, and Baghal houses were selected as the studied samples in a historical period, with minimal intervention in their spatial structure. The research method of this research is a hybrid method due to its interdisciplinary nature. Firstly, the initial observations, using the experimental strategy, the independent variables (shape, proportions) of the yards are identified and the dependent variables (wind flow velocity) have been measured by using digital anemometer device. Secondly, Anemometers are measured. In order to study the data more accurately, the simulation of this research is performed by CFD computational fluid dynamics method by using Design Modeler and Fluent software. Finally, the air flow inside the yards is analyzed. The results show that houses with four-sided construction yards with length to widths of 1.08 and 1.2 have the most favorable air flow distribution conditions and three-sided construction yards with lengths of 1.01 and 1.13 width in terms of uniform air flow distribution suffer. They enjoy unfavorable conditions in the hot seasons of the year in Shushtar. Changes in the proportions and geometric pattern of the yards have affected the air quality conditions and thermal comfort conditions of the residents.

Keywords: Geometric pattern, Central courtyard, Air flow, Shushtar houses.

Review the Levels of Life in Constructions referring to the Historical Houses of Yazd*

Seyed Mohammad Kazemi** (Corresponding Author)

Ph.D. Research in Architecture, Faculty of Art and Architecture, Yazd University, Yazd.

** E-Mail: Sm.kazemi@sau.ac.ir

Hossein Mahdavi pour

Assistant Professor of Architecture, Faculty of Art and Architecture, Yazd University, Yazd, Iran.

Seyed Ali Akbar Kooshegaran

Assistant Professor of Architecture, Faculty of Art and Architecture, Yazd University, Yazd, Iran.

Abstract:

The universe is made up of living and non-living beings. Based on its capacity, each of them has a level of life. Human creations, because of the change or stability in the conditions of matter, make it possible to discover or create and have the ability to create levels of life. The builders' attempt to create works and structures which is somewhat close to these characteristics. Characteristics in which the sense of vitality, kindness and other qualitative components are strengthened. Therefore, the research emerges to ask such questions; which classification can be considered in relation to the levels of life in constructions? How has the spatial quality of traditional houses in Yazd achieved success with the presence of life components?

The present article seeks to present or propose the concept of life classification in structures in which more properly is expressed the values and characteristics related to the life of structures. Therefore, it seems that this feature is more recognizable in traditional cities. In order to understand it precisely with reference to the historical texture of Yazd city, the patterns of the central courtyard houses, sunken garden and garden house are selected and classified. The research is based on analytical and descriptive method along with documentary and field data collection. Also, in a precise framework, all data are collected and analyzed based on the principle of induction, and summarized the document. The result shows that, in the traditional houses of Yazd, six general systems related to the category of life can be identified. Life as an empirical thing exists in all beings. It looks like metaphorical, energetic, biological, and Spiritual aspects. Finally life as an inspiring idea forms the structure of the research.

Keywords: Classification; Life; Levels of Life; Traditional Houses; Historical Texture of Yazd.

* This article is an extract from the doctoral dissertation on architecture, Faculty of Art and Architecture, Yazd University, entitled "Enumerating the physical components of life by reviewing the architectural courtyard of traditional Yazd houses" under the guidance of Dr. Hossein Mahdavi pour and Dr. Seyed Ali Akbar Kooshegaran, which is under progress.

Pedestrian criteria in the old neighborhoods of Isfahan from the perspective of residents

Case study: Sangtarash-ha neighborhood

Islam Karami

Assistant Professor, Faculty of architectural engineering and urbanism, Shahroud University of Technology, Shahroud, Iran

Ehsan Abbasie *(Corresponding Author)

Master students of architecture, architectural engineering and urbanism, Shahroud University of Technology, Shahroud, Iran

* E-Mail: ehsanabbasie@gmail.com

Abstract:

The area of the revival plan of Imam Ali Square (AS) is located in the heart of the historical texture of Isfahan. This square disappeared and occupied by other uses frequently. In 1387 Isfahan Municipality tried to revive it according to a plan. There were objections and criticisms to the preparation and implementation of the revive project of Imam Ali (AS) Square in Isfahan. In fact, the correctness and incorrectness of which have not been seriously examined so far. The main purpose of this study is to investigate the extent to which the Imam Ali Square revival plan objectives have been achieved. The type of research is based on the applied purpose and in terms of nature, it is a descriptive analysis. The statistical population of this study is urban experts. The sampling method is snowball and the data are collected using a researcher-made questionnaire made this year. Chi-square tests, confirmatory factor analysis and interaction analysis are used in data analysis. According to the studies, the goals of Imam Ali (AS) Square project have been achieved with a relative average. Among these, physical-residential goals with an average of 3.42 have the highest feasibility and biological goals with an average of 3.28; Economic goals with an average of 3.24; Socio-cultural goals with an average of 3.15 were in the next categories. The results of the overlap models used showed that seven key objectives of the plan have been realized during the revitalization of Imam Ali Square. These objectives are included: increasing the satisfaction of residents and businesses, increasing the satisfaction of unemployed and nonresident, increasing peoples' sense of belonging to the project, creating prosperity and improvement in tourism activities, increasing the liveliness and continuity of historical centers, reducing the desire to migrate and increasing the historical and cultural identity during the implementation of the project.

Keywords: Regeneration, Historical context, Feasibility, Imam Ali Square.

Explanation the Dimensions and Components of an appropriate pattern of Earthquake Disaster Management in Deteriorated Urban Areas in Tehran city

Asad Razani *(Corresponding Author)

MSc of Urban Planning, Department of Urban and Regional planning, Institute of Humanities and Social Studies, Academic Center for Education, Culture & Research (ACECR), Tehran, Iran.

* E-Mail: Razani22@gmail.com

Kamal Nouzari

PhD of Geography and Urban Planning, Tehran, Iran.

Mojtaba Rafeian

Associate Professor, Department of Urban Planning, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Abstract:

Due to the high vulnerability of deteriorated urban areas, a systematic precaution is needed to provide features and components of an effective pattern for disaster management in these areas that clarify the dimensions of decision-making in earthquake risk management in them. The purpose of this research is to investigate the dimensions and components of an appropriate disaster management pattern in deteriorated urban areas in order to control and reduce the damage caused by the earthquake in the period before its occurrence (prevention stage) in deteriorated urban areas in Tehran. The research method is applied in terms of purpose and descriptive-analytical in terms of method, and because it tries to establish a relationship between the dimensions and components of earthquake disaster management in deteriorated urban areas, it is exploratory. After identifying the dimensions and components of the disaster management pattern in deteriorated areas in documentary studies (theoretical foundations, Iranian and global experiences). It has been accurate and prioritized by referring to experts and proprietors. In the next step, the coefficient of significance of each component is specified and the results of the questionnaires evaluated and validated in content by using the PLS software. The results of the research show that in the field of disaster management in the deteriorated urban areas of Tehran. It is necessary to have a risk management and pre-thinking and pre-disaster management view before looking at the disaster management with a post-disaster view in these areas. In the pre-disaster stage, attention to different dimensions and considering the effective components of each of these dimensions in disaster management (social and cultural, physical-environmental, economic, structural and managerial, legal-rule and infrastructures dimensions) in deteriorated urban areas and their application can ultimately lead to decreasing vulnerability and promoting the resilience of these area in the face of various events, including the earthquakes.

Keywords: Disaster Management, Deteriorated Areas, Earthquake, Prevention, Tehran City, Smart PLS.

Components of place quality in the Iranian-Islamic city

Hamidreza Saremi

Associate Professor, Department of Urban Planning and Design, Faculty of Art and Architecture,
Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Bahare Bahra *(Corresponding Author)

PhD. Student, Urban Planning, Faculty of art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

* E-Mail: BahareBahra@gmail.com

Abstract:

Human presence in urban places means connection to collective existence and the space perceived by them is the result of a discourse between mind and society. Therefore, the quality of interactions resulting from the qualities of place proposed in the West, with the mental qualities in the Islamic approach, will not be effective in expressing the facts of human interactions with place. Therefore, the present study aims to achieve a model of place quality in the Iranian-Islamic city and in accordance with the Islamic school and thought seeks to answer the questions that what are the components affecting the meaning of place from the point of view of the Iranian-Islamic city? What are the necessary qualities to create an Iranian-Islamic urban place?

What is the quality model of the place in the Iranian-Islamic city? In order to achieve the purpose of the research and answer the mentioned questions, qualitative methodology and content analysis strategy have been discussed in a descriptive-analytical process and content analysis of relevant resources in the field of Iranian-Islamic city. The model of place quality in the present study is based on the theory of phenomenal originality of meaning based on the idea that the place form is the most basic level of human interaction with the environment. Also, it has a completely tangible and physical nature and can be considered an object independent of human presence and knowledge. Human knowledge of the environment and the emergence of new concepts following the human presence in the environment, will provide the context for the emergence of the content of the place. For this reason, place and the meaning of place in the present study are considered to have two "subjective components" and "objective components", which are inseparable in the content of place. According to the research results, the subjective component includes three components "perceptual", "social" and "managerial" and the objective component has three components "function", "shape" and "nature". These components include a total of 52 qualities of places that make the model of quality of Iranian-Islamic city and can be considered in planning, design, management and decision-making and evaluation of the quality of Iranian-Islamic urban places.

Keywords: Meaning of place, Quality of place, Iranian-Islamic city, Place model.

Contents

Components of place quality in the Iranian-Islamic city	5
Hamidreza Saremi, Bahare Bahra	
Explanation the Dimensions and Components of an appropriate pattern of Earthquake Disaster Management in Deteriorated Urban Areas in Tehran city	25
Asad Razani, Kamal Nouzari, Mojtaba Rafieian	
Pedestrian criteria in the old neighborhoods of Isfahan from the perspective of residents	43
Islam Karami, Ehsan Abbasie	
Review the Levels of Life in Constructions referring to the Historical Houses of Yazd	57
Seyed Mohammad Kazemi, Hossein Mahdavi pour, Seyed Ali Akbar Kooshegaran	
The pattern effect of central courtyard geometric on the air flow in traditional houses of Shushtar	71
Ali Mardan, Amin Roasaei	
Origins of the emergence of new commercial spaces in the first Pahlavi era; Case study: City of Qom	81
Masoud Nari Ghomi, Mehdi Momtahn, Ali Omrani Pour	



- The scientific and research ranking of the Journal of Studies on the Islamic-Iranian City has announced by the secretariat of the Commission for the Scientific Journals (Iran Ministry of Science, Research and Technology) according to the letter No. 89/11/51667 dated 1389/8/30.

- The certification for publishing this quarterly journal is issued by the Iran Ministry of Culture and Islamic Guidance by the letter 12629/89 dated 1389/6/13.

- Indexed and abstracts in:

- The Regional Information Center for Science & Technology (RICEST) (<http://www.srlst.com>)
- The Scientific Information Database of ACECR (<http://www.sid.ir>).



Iranian-Islamic City

Vol. 11, No. 41, Fall 2020

Publisher: Institute of Humanities and Social Studies, Iraninan Academic Center for Education, Culture & Research (ACECR)

Editorial Committee:

Managing Director: Dr. Iraj Feyzi

Editors -in- Chief: Dr. Hossein Kalantari khalilabad

Farsi-Editor: Sepideh Seyyed faraji

Administrative Director: Eng. Masoud Dadgar

Executive Affairs: Eng. Mansour Nadiri

Editorial Board, in alphabetical order:

- | | |
|------------------------------|--|
| ● Dr. Mohamadreza Bermanian | Prof. of Architecture, University of Tarbiat Modares |
| ● Dr. Mostafa Behzadfar | Prof. of Urban Architecture, University of Science and Industry |
| ● Dr. Jahanshah Pakzad | Prof. of Urban Planning, University of Shahid Beheshti |
| ● Dr. Ahmad Pourahmad | Prof. of Geography, University of Tehran |
| ● Dr. Mohamadreza Pourjafar | Prof. of Architecture, University of Tarbiat Modares |
| ● Dr. Esmail Zarghami | Prof. of Architecture and Urban Planing, University of Shahid Rajaei |
| ● Dr. Mohsen Sartipi Pour | Prof. of Architecture, University of Shahid Beheshti |
| ● Dr. Parvaneh Shah Hosseini | Associate Prof. of Center for Research and Development in the Humanities of SAMT |
| ● Dr. Yaghub Mohammadifar | Prof. of Archaelogy, University of Bu-Ali Sina |
| ● Dr. Mohammad Masoud | Prof. of Urban Development and Prepration, University of Art Isfahan |
| ● Dr. Abolfazl Meshkini | Associate Prof. of Geography and Urban Planning, University of Tarbiat Modares |



Editorial correspondence should be addressed to The Editors

Iranian - Islamic city studies

Institute of Humanities and Social Studies of the ACECR,

Saba-ye-jonoubi Street, between Vali-Asr Crossroad and palestine Street, Inqelab-e-Eslami Ave, Tehran, Iran.

Tel: +98 (21) 66951593-5

Fax: +98 (21) 66492129

<http://iic.ihss.ir>

E-mail: iic@ihss.ir

